پخش دیجیتال بعد از ۵۰ سال

سیر ژورنالیزم در افغانستان

محمد کاظم آهنگ

بازتایپ و تدوین دیجیتال: محمد قاسم آسمایی

با ز پخش: انتشارات راه پرچم

شناسنامهٔ کتاب:

عنوان: **سیر ژورنالیزم در افغانستان (جلد اول)**

نویسنده: **محمدکاظم آهنگ**

باهتمام : **ق. عارفی**

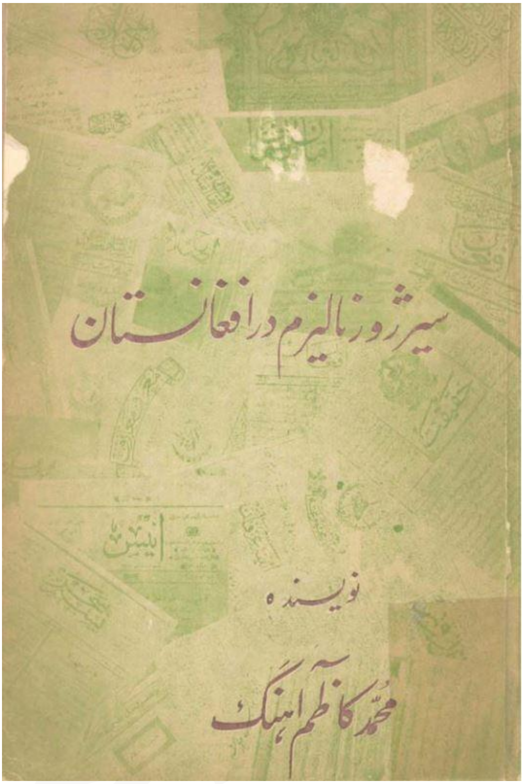
چاپ نخست: **انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادیمی ۱۳٤۹**

بازتایپ و تدوین دیجیتال: **محمدقاسم آسمایی**

بازپخش دیجیتال: **انتشارات راه پرچم می ۲۰۲٦ / ثور ۱٤۰۵**

راه‌پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک

www.rahparcham1.org



روی جلد چاپ اول کتاب

فهرست

دربارۀ بازپخش دیجیتال کتاب «سیر ژورنالیزم در افغانستان» I

بسمه تعالی .... أ

پیش گفتار .... ب

فصل اول شمس‌النهار کابل ۱

نخستین اخبار: ۴

فصل دوم جراید دورۀ امیر حبیب‌الله‌خان ۱۵

اخبارنامه قلمی ۱۶

سراج‌الاخبار افغانستان ۲۷

سراج‌الاخبار بعد از شش سال: ۴۱

سراج اطفال: ۶۱

پیش‌آهنگان سید جمال‌الدین افغان میرزا عبدالعلی و مولوی عبدالروف ۶۷

محمود طرزی - پدر ژورنالیزم افغانستان: ۷۱

فصل سوم انکشاف ژورنالیزم از سال ۱۲۹۸ - ۱۳۰۷ (۱۹۱۹-۱۹۲۹) ۷۸

امان افغان ۸۱

اتحاد مشرقی: ۱۰۷

غازی ۱۱۳

معرف معارف ۱۱۷

اتفاق اسلام ۱۲۳

ستارۀ افغان ۱۲۷

افغان ۱۳۲

طلوع افغان.................................. ۱٤۱
بیدار ۱۵۳
اصلاح بار اول.. ۱۵۵
ابلاغ ۱۵۹
ارشادالنسوان نخستین جریده نسوان در افغانستان ۱۶۰
مجموعه عسکریه.. ۱۶۶
حقیقت ۱۶۹
ثروت: ۱۷۷
آئینه عرفان.. ۱۸۰
مجموعه صحیه.. ۱۸۳
پښتون ږغ.. ۱۸٤
جریده مکتب ۱۸۵
فصل چهارم جراید خصوصی.................................... ۱۸۶
انیس.. ۱۸۹
نسیم سحر.. ۲۰٤
نوروز ۲۰۸
فصل پنجم ۲۱۲
حبیب‌الاسلام ۲۱۲
سایر نشرات و جراید این دوره ۲۱۸
تکمله ۲۲۰
ببلیو گرافی راجع به مطبوعات در افغانستان ۲۲۲

دربارهٔ بازپخش دیجیتال کتاب «سیر ژورنالیزم در افغانستان»

در روزگاری که فناوری‌های نوین، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و دسترسی به اطلاعات را دگرگون کرده‌اند، بازپخش دیجیتال آثار مرجع، نه‌تنها یک گام تکنولوژیک، بلکه رسالتی فرهنگی برای حفظ هویت ملی است. کتاب «سیر ژورنالیزم در افغانستان» اثر استاد فقید، محمدکاظم آهنگ، یکی از این گنجینه‌های بی‌بدیل است. بازپخش دیجیتال این اثر، امکان دسترسی آسان، همگانی و فرامرزی را برای پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به تاریخ تفکر و مطبوعات افغانستان فراهم می‌سازد و این میراث کاغذی را از خطر فراموشی و نابودی مصون می‌دارد.

این اثر ماندگار، از جمله نخستین و معتبرترین کتاب‌ها دربارهٔ تاریخ فراز و فرود مطبوعات افغانستان است که روایت خود را از نشر جریدهٔ سترگ «شمس‌النهار» (۱۸۷۳ م / ۱۲۵۲ خ) آغاز می‌کند. به بیانی دیگر، این کتاب صرفاً تاریخ‌نگاری چند نشریه نیست؛ بلکه بیانگر تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی پس‌زمینهٔ جامعه است که در لابلای صفحات جریده‌ها و روزنامه‌ها به ثبت رسیده‌اند.

تاریخ معاصر افغانستان، مجموعه‌ای پرپیچ‌وخم از تقابل سنت و مدرنیته و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر روشنفکران پیشگام برای ایجاد نظامی مبتنی بر حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی و آگاهی همگانی است. این اثر نشان می‌دهد که افغانستان چگونه از پس دهه‌ها انزوا، به دنیای جدید نگریست و چگونه روزنامه‌نگاران با مرکب و کاغذ به جنگ جهل رفتند. مؤثرترین وسیله‌ی روشنفکران آن دوران برای پیشبرد این مرام، «مطبوعات» بود؛ وسیله‌یی که گاهی با صدای رسا و صریح و گاهی هم لرزان و در لفافه، خواست‌های برحق مردم را بازتاب می‌داد.

کتاب سیر ژورنالیزم در افغانستان، تلاشی است جامع و روشمند برای ثبت این میراث کاغذی؛ میراثی که از اولین تکانه‌های نواندیشی در عصر امیر شیرعلی‌خان آغاز شده و تا دوره‌های متأخر ادامه می‌یابد.

با تأمل در این اثر ارزشمند، درمی‌یابیم که مطبوعات افغانستان در طول تاریخ با دو چالش عمده روبرو بوده‌اند:

محدودیت شمار و تیراژ: برای دهه‌ها از یک سو شمار نشریه‌های چاپی انگشت‌شمار بود و از سوی دیگر، به دلیل پایین بودن سطح سواد در کشور، تیراژ چاپ آن‌ها در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار محدود بود.

آسیب‌پذیری در برابر حوادث: تاریخ متلاطم و بحران‌های سیاسی بیش از دو سده‌ی اخیر سبب شده که بسیاری از نشرات چاپی کشور عمر کوتاهی داشته باشند و تنها شمار اندکی از نسخه‌های آن‌ها از گزند حوادث زمانه در امان بماند. همین مسئله، اهمیت بازپخش دیجیتال کتاب استاد آهنگ را دوچندان می‌کند؛ چرا که این کتاب خود حاوی اطلاعاتِ نسخه‌های نایابی است که اکنون در دسترس نیستند.

این کتاب با بررسی نخستین جوانه‌های صنعت چاپ در افغانستان آغاز می‌شود و گام‌به‌گام با تحولات سیاسی کشور پیش می‌رود. خواننده در این مرور تاریخی، با چالش‌های جانکاه سانسور، محدودیت‌های فنی چاپ و تکثیر، مبارزات آزادی‌خواهانه نویسندگان و نقش بی‌بدیل مطبوعات در بیداری ملی آشنا می‌شود. نویسنده با زبانی فاخر، سنجیده و هدفمند، نشان می‌دهد که ژورنالیزم در افغانستان همواره پلی استوار میان توده‌ی مردم و نخبگان فکری بوده است.

نویسنده در این اثر به بررسی‌های سطحی بسنده نکرده، بلکه به غنای پژوهش افزوده است:

۱. معرفی کارگزاران: معرفی دقیق مدیران مسئول، نویسندگان و جریان‌های فکری پشت هر نشریه.
۲. تحلیل فرم و محتوا: تبیین شکل و شمایل، سبک نگارش، نوع قلم‌زنی و میزان تأثیرگذاری هر نشریه بر جامعه.
۳. استناد به منابع دست اول: اتکا به اسناد متقن و دست‌اول تاریخی.

این مشخصات بارز، کتاب را به مرجعی معتبر و فرادستی برای دانشجویان رشتهٔ ژورنالیزم، پژوهشگران تاریخ معاصر و همه رهروان مسیر دانایی بدل ساخته است.

بازپخش دیجیتال کتاب «سیر ژورنالیزم در افغانستان»، ادای دینی است به تاریخ روشنفکری و مطبوعات کشور. در واقع، تبدیل این اثر به نسخه‌ی دیجیتال و ارائه‌ی آن در پلتفرم‌های آنلاین، به معنای بخشیدن حیاتی نو به کلماتی است که برای آزادی و آگاهی نگاشته شده‌اند. این اقدام، پل ارتباطی مستحکمی میان نسل گذشته و نسل دیجیتال امروز برقرار می‌سازد تا جویندگان دانش در هر کجای جهان، به ریشه‌های اصیل روزنامه‌نگاری وطن دسترسی داشته باشند.

با درنظرداشت نکات بالا، انتشارات راه پرچم این کتاب سودمند تاریخ ژورنالیزم افغانستان را بعد از (۵۵)سال به شکل دیجیتال در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد و در ادامۀ این سلسله، در آینده اثری دگری از همین نویسنده و تکمیل کنندۀ این اثر «مطبوعات افغانستان در دهه اول استقلال» را نیز همگانی می‌سازد.

قاسم آسمایی

می ۲۰۲٦

بسمه تعالی

په افغانستان کې صحافت او ژورنالیزم پوره یوه پیړۍ عمر لري او په دغه سلو کالونو کې ډول ډول مطبوعات راوتلي دي.

تر اوسه ددې مهمې موضوع لپاره کوم بیل کتاب نه وو لیکل سوی او هرچا به دداسې یوه کتاب خواهش کاوه چې په افغانستان کې دصحافت تاریخ روښانه کې او ددې کار لپاره زموږ څخه ډېرو خارجي پوهانو او موسسو پوښتنې او غوښتنې کولې.

تیر کال د افغانستان اکاډیمي د تاریخ ټولنې یوه ملګری ښاغلی محمدکاظم آهنګ د آریانا او افغانستان په مجلو کې په دري او انګلیسي ځنې تحقیقي مقالي د افغانستان د صحافت په تاریخ کې خپرې کړې.

وروسته دې ښاغلی لیکوال د تاریخ ټولنې د ریاست په غوښتنه دغه مقالې دیوه کتاب په ډول تکمیل او ترتیب کړې او دا دی چې اوس‌یې د ځینو لازمو اضافو او عکسونو سره یو ځای ګرانو لوستونکو ته وړاندې کوو.

د افغانستان د نونسم قرن په تاریخ کې د صحافت په وسیله یو فکري حرکت پیدا شوی دی چې زمونږ د اجتماعي تاریخ یو مهم او غوره مظهر ګڼل کیږې او کله چې مونږ د دغه نوي فکري غورځنګ تاریخ لیکو، په هغه کې لیکوال او مطبوعات او د قلم او فکر خاوندان بشپړه برخه لري.

ښاغلی مؤلف په دې کتاب کې د صحافت د پیدا کیدو او پرمختګ مختلف مراحل څیړلي او د اسنادو او عکسونو سره‌یې وړاندې کړې دي.

امید دی چې اوس دستی به دغه کتاب د پلټونکو او څیړونکو علمي تنده ماته کې او په آینده کې به تر دې مفصلې او آرتې څیړنې پر دې موضوع باندې خپرې شي. د تاریخ ټولنه اوس د دې کتاب‌ګوتې په چاپولو او خپرولو سره خپله یوه لومړۍ او کوچنۍ وظیفه ادا کوي او دا د اعلیحضرت لوی ټولواك محمدظاهرشاه د بختوری دوری برکت ګڼي چې په داسې علمي چاروکې توفیق مومو.

د تاریخ ټولنې مشر
پوهاند عبدالحی حبیبی

پیش گفتار

چند سال قبل وقتی کتابی را در ژورنالیزم بنام (قوا عد عملی خبرنگاری) ترجمه و به نشر سپردم، به اثری برخوردم که عنوان آن History Makers یعنی تاریخ سازان بود. کتاب مذکور ژورنالیزم اروپا را بصورت مفصل و جامع درج نموده است.

واقعاً دیدن این کتاب داعیه‌ای در من پدید آورد که باید را جع به تاریخ ژورنالیزم افغانستان هم این‌چنین کتابی نوشته آید. چه حیف است در حالیکه روزنامه‌نویسان و جریده‌نگاران خود تار یخ را بنیان می‌گذارند و پدیده‌های تاریخی را ثبت می‌نمایند، تاریخی از خود نداشته باشند.

گرچه قبل برین این نویسنده تزس ماستری خود را در انگلیسی در آن باره نوشته و هم مقالاتی به واسطهٔ دانشمندان کشور راجع به ژورنالیزم در افغانستان نوشته شده است، ولی هنوز هم جای اثری که بصورت مفصل و به شیوهٔ تحقیقی و علمی با ارائه اسناد و مدارك موثق نوشته شود، درین زمینه خالی بود.

از طرف دیگر نقش روزافزون وسایل اطلاعات در امر انکشاف و پیشرفت جوامع انسانی خود عامل دیگریست که بایست سیر انکشاف این پدیده فرهنگی را جستجو و تحقیق نموده، در پرتو آن تحولات گذشته را بررسی و مطالعه کرده و راجع باینده هم تصمیمی اتخاذ نماییم و در نهایت اجرای این امر را منحیث یك فریضه وطنی و ملی و منحیث یك وظیفه مسلکی برای معرفی پیش‌آهنگان ژورنالیزم کشور برخود لازم دانستم.

بناء تصمیم گرفتم این کار مهم و با ارزش را سردست بگیرم. چنانچه در آغاز کار خود را به نوشتن مقالاتی راجع به تار یخ ژورنالیزم کشور شروع کردم و زیر عنوان «سابقه و آغاز ژورنالیزم» عده‌ای ازین مقالات را به نشر سپردم.

وقتی انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادیمی تصمیم گرفت این اثر را بقسم یك کتاب به طبع برساند، بمن سفارش شد تا هرچه زودتر در تکمیل قسمت اول آن سعی ورزم. اینك بکمال خرسندی جلد اول سیر ژورنالیزم در افغانستان را درین کتاب تقدیم می‌دارم. امیدوارم قبول خاطر خوانندگان گرامی واقع شود.

طرز کار این نویسنده در نوشتن این اثر چنان بوده است که نخست از همه مطالب مندرج کتاب را بصورت تاریخ‌وار ثبت نمودم، بعداً هرچند اطلاعی که در زمینه دستیاب می‌شد در قسمت مربوط آ ن درج می گردید. ولی کار مهم نزد من این بوده است که حتی‌الامکان اصل شماره‌های روزنامه‌ها، جراید و مجلات را بدست آورده به معاونت آن اطلاعات موثقی در زمینه ترتیب و به نشر بسپارم.

گرچه در آغاز امر، حصول مواد و مطالب و تهیه اصل شماره‌های نشرات اندکی، دشوار می‌نمود، ولی چونکه «جوینده، یابنده است» این نویسنده هم به پیدا کردن مواد و مراجع نسبتاً کافی در زمینه توفیق یافتم و به مدد آن هرچه بیشتر معلومات موثق تهیه نموده، درج صحایف این اثر نمودم.

درینجا ناگزیرم تشویق و ترغیب آنعده‌ای را که بر من دریغ نفرموده اند، به نظر احسان نگریسته و با تکرار اسمای ایشان اظهار ممنونیت نمایم.

نخست از همه پوهاند عبدالحی حبیبي رئیس انجمن تاریخ افغانستان اکادیمی، درین راه بیش از حد مرا تشویق کرده و در تهیه اسناد و مدارك مرا رهنمایی نمودند و هم اسناد کتابخانه شخصی خودرا سخاوت‌مندانه در اختیار من گذاشتند، بدینوسیله از ایشان اظهار ممنونیت وسپاسگذاری می‌نمایم. دوست محترم جناب محمدصالح پرونتا دایماً اوراق کمیاب مطبوع کشور را از کتابخانه شخصی خود در اختیار بنده گذاشته و هم در هر مورد از مشوره‌های عالمانه خود دریغ نفرموده اند. ښاغلی محترم فدامحمد صارم سابق مدیر نشرات ولایات وزارت اطلاعات و کلتور، ښاغلی حبیب‌الله رفیع و ښاغلي نجیب‌الله مونس قسمتی از شماره‌های جراید و مجلات شان را به دسترس مطالعه این نویسنده قرار دادند که اظهار ممنونیت می‌نمایم.

از همکاری مقام محترم وزارت اطلاعات و کلتور مخصوصاً شعبه عکاسی آن وزارت در تهیه عکس‌های مربوطه باین اثر سپاسگذارم. همچنان از ښاغلی کندهاری رئیس و کارکنان محتورم مطابع دولتی اعم از زنگوگرافان، کارکنان لینوتایپ، صفحه‌بست‌ها، و ماشین‌کاران که در طبع این کتاب مجاهدت نموده ممنونم و هم از ښاغلی محمدقاسم عارفي که در اهتمام کتاب مصروف بود، ممنونیت دارم.

در اخیر از تمام مراجع و اشخاصی که در حواشی این اثر از آنها نامبرده شده و در راه تکمیل آن از آنها استفاده بعمل آمده، ممنون و متشکرم.

در اخیر باید اعتراف کنم که کار من درین ساحه نهایت ابتدایی بوده است، هرگاه مواد و مراجع مزید درین زمینه دستیاب شود، توأم با جلد دوم تقدیم می‌شود.

محمد کاظم آهنگ
خیرخانه مینه
۱۵ - اسد ۱۳٤۹

فصل اول

شمس‌النهار کابل

افغانستان به حیث یك نقطۀ تلاقی مدنیت‌های شرق و غرب منحیث گهواره مدنیت‌های تاریخی و ماقبل تاریخ و بالاخره به قسم مهمترین مرکز تجارت بین نیم‌قارۀ هند، کشور پهناور چین و ممالك اطراف و جوانب بحیره مدیترانه، در طول تاریخ چندهزار ساله خود مورد تاخت و تاز و حملات جهان‌گشایان مختلف واقع شده و طوریکه مورخان معتقد اند در اثر این حملات زیان‌ها و خسارات سنگین اقتصادی، اجتماعی و کلتوری را متحمل شده است.

آخرین ضرباتی را که بر پیکر ناتوان و از هم پاشیدۀ این خاک وارد آورد، استعمار انگلیس بود. چنانچه این امر در آغاز قرن نزده در حالی شروع شد که افغانستان در آتش نفاق‌ها وخانه‌جنگی‌های عصر می‌سوخت. ولی مسلم این است که درین وقت قدرت مرکزی بدست امیر دوست‌محمدخان موسس خاندان محمدزایی بود. جنگ اول افغان و انگلیس از ۱۸۳۸- ۱۸٤۲دوام کرد و جنگ دوم از ۱۸۷۸ - ۱۸۸۰ع ادامه یافت.

واقعاً تا مدتی قبل از جنگ دوم افغان و انگلیس هیچ جریده و روزنامه را نمی‌توان در افغانستان سراغ کرد. بعضی‌ها را عقیده برین است که درین وقت نشریه‌ای بنام کابل تحت نظر و مدیریت سید جمال‌الدین افغانی نشر می‌شد. چنانچه ښاغلی مایل هروی در (صفحه ج) رساله خود «معرفی روزنامه‌ها، جراید و مجلات پروان، مطبعه دولتی، ۱۳٤۱)» ازان تذکار نموده است. همچنان ښاغلی عبدالروف بینوا در مضمونی زیر عنوان «شمس‌النهار» (آریانا شماره چارم سال نهم) نوشته اسلامیك کلچر را از قول ال. بگدا نوف حکایت می‌کند که در اخیر سال ۱۸۷۸ع هنگام سلطنت امیر شیرعلی‌خان بنام «کابل» اخباری نشر می‌شد. ولی در عین مضمون، ښاغلی بینوا نوشته است که چون اثری از کدام شمارۀ این اخبار در دست نیست، فلهذا از تبصره روی آن خود داری کرده است. برای اطلاع بیشتر درین زمینه نخست عین نوشته اسلامیك کلچر را درینجا اقتباس می‌نمایم:

«درینجا راجع به کابل که هنگام شش ماه اخیر زمامداری امیر شیرعلی (ختم سال ۱۸۷۸) نشر می‌شد تذکری بعمل نیامد... بعد ازان برای بیش از سی و سه سال در افغانستان اخباری موجود نبود».*

از عبارت مذکور می‌توان دریافت که نخست اگر اخباری بنام کابل موجود بود، مسلماً یا همزمان با شمس‌النهار نشر می‌شد و یا بعد از آن. در حالیکه شماره‌های شمس‌النهار بکثرت دیده شده و فعلاً هم موجود است، ولی تا حال اثری از اخباری بنام کابل به مشاهده نرسیده است.

دوم تذکر ۳۳ سال اندکی دور از واقعیت است. چه اگر بعد از شمس‌النهار نشر سراج‌الاخبار افغانستان را به مدیریت مولوی عبدالروف در نظر بگیریم که به سال ۱۹۰۶ صورت گرفته است، ۳۳ سال درست نبوده بلکه ۲۸ سال می‌شود. ولی اگر نشر سراج‌الاخبار افغانیه را مورد اعتبار قرار دهیم، قول پروفیسر بگدانوف درست است. اما نشر سراج‌الاخبار افغانستان امریست مسلم و باوجود آنکه محض یك شماره نشر شده است، ما آنرا در جمله نشرات کشور افغان محسوب می کنیم. پس ۲۸ سال بین نشر شمس‌النهار و سراج‌الاخبار افغانستان وقفه آمده است نه ۳۳ سال.

پوهاند عبدالحی حبیبی هم به موجودیت جریده و اخباری بنام کابل در عصر شیرعلی‌خان و یا قبل ازان موافقت ندارد. نویسندۀ این سطور هم که مدتی در جستجوی مدارك و اسناد تحریری راجع به مطبوعات کشور می‌باشد، به کدام اثر مستندی بر نخوده است که وجود چنین اخباری را ثبت کرده باشد. شاید هم علت چنین یك سوءتفاهم را در ذیل بتوان قدری روشن نمود:

قرار ملاحظه شماره‌های دهم و یازدهم سال اول شمس‌النهار نام این جریده به قسم «شمس‌النهار کابل» درج شده است. وجود کلمه کابل توأم با نام این جریده شاید علت شده باشد که به عوض اصل نام آن شمس‌النهار مردم آنرا اخبار کابل و یا جریده کابل بخوانند و باالنتیجه در سال‌های مابعد در اثر این سهو استعمال

* بگدانوف ال. اسلامیك کلچر، جنوری ۱۹۲۹ (حاشیه صفحه ۱۲۷) اصل مقاله صفحات ۱۲۶-۱۵۶

نزد محققان فکری ایجاد شده باشد، که گویا بنام کابل هم اخباری نشر می گردید، اما اگر نشر می‌شد و یا خیر با در نظر داشت عبارت اسلامیك کلچر نمی‌توان قبول کرد که قبل از شمس‌النهار نشر می گردید.

بهرحال قبل از شمس‌النهار اخبار و اطلاعات جالب تا حد زیاد به قسم افواه شایع می‌گردید. یقیناً در اشاعه و انتقال اطلاعات و خبرها از یك جا به جای دیگر کاروان‌ها، تاجرها، کوچی‌ها، زایرین، عساکر و طالبان علم نقش عمده داشتند. گذشته ازان برای اشاعه بیشتر اخبار و اطلاعات در داخل گروپ‌های محلی و جمعیت‌های دهات وسایل و امکانات متعدد دیگری را نیز می‌توان جستجو نمود. نخست از همه مساجد از جمله محلاتی به حساب می‌آیند که غالباً مطالب مورد علایق انسانی را اهالی محلات مربوط مبادله می‌کردند. چنانچه در بسا جاها امروز هم این امر را می‌توان ملاحظه کرد.

روزهای بازار امکان دیگر نشر و انتقال خبرها را میسر می‌سازد. چه در این روزها مردم دهات و قراء اطراف اکثر برای خرید و فروش مواد مورد نیاز و متاع اضافی خود در یك مرکز جمع می‌شوند. درین‌جا لابد از شنیدگی‌های تازۀ خویش به آشنایان و دوستان حکایه می‌نمایند که این هم به ذات خود وسیله نشر خبر است.

جرگه‌های محلی که حیثیت شورای عنعنوی مردم افغانستان را دارد، نیز در انتقال اطلاعات کمتر حایز اهمیت نیستند. جشن‌ها، عروسی‌ها و سایر مراسم عنعنوی و دینی هر یك به ذات خود هنوز هم امکانات بیشتر مبادله خبر و اطلاع را میسر می‌نمود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مفاهمه و مبادله اطلاع بین مردم افغانستان به اشکال مختلف آن موجود بوده، ولی محاوره به شکل امروزی آن توسط روزنامه‌ها جراید مجلات رادیو و غیره به هیچوجه دیده نمی‌شود. چون اکثریت قاطع مردم از نعمت سواد و دانش بی‌بهره بوده اند، ازینرو فرمان‌های رسمی دولتی غالباً توسط به اصطلاح جارچی‌ها به اطلاع مردم رسانیده می‌شد. چه در آن وقت جز یك عده

قلیل مردم دیگران از نوشت و خوان بی‌بهره بودند. فلهذا راجع به پوستر[1] هم بحیث یك وسیله اطلاع گپ زدن درست نمی‌نماید.

قابل تذکر است که درین سرزمین اکثر غرض انجام کارهای اجتماعی برای اطلاع مردم به سویه محلی از «دهل» استفاده می‌شد. چنانچه دهل‌نواز آهنگ مخصوص برای این هدف می‌نواخت.[2]

بهرحال گذشت زمان انسان‌ها را از حالت‌های بدوی شان بسوی انکشاف و پیشرفت تغییر می‌دهد و توأم با این تغییر که واقعاً پدیده‌ای از نوامیس زندگی بشر است، جنبه‌ها و ملحوظات مختلف زندگی انسان نیز تغییر می‌نماید. طی بیست سال اخیر قرن نزده، افغانستان و مردم آن با یك سلسله تغییرات زیاد مواجه شدند.

این تغییرات را در زمان سلطنت امیر شیرعلی‌خان مخصوصاً دوره دوم پادشاهی وی (۱۸۶۸ - ۱۸۷۸) بخوبی ملاحظه می‌توان کرد. موصوف حقیقتاً قدم‌های مترقی بسوی ریفورم و اصلاحات داخلی کشور برداشت. درست در همین وقت فابریکه توپ و تفنگ تأسیس شد. یك قوهٔ منظم عسکری که بین شصت هزار تا یکصد هزار می‌رسید، به وجود آمد که قوای مذکور به سلاح مودرن عصر مجهز بودند.

به سلسله همین اصلاحات و انکشافات برای اینکه امیر شیرعلی‌خان بتواند این ریفارم خود را توسیع داده و پخش کند اخباری هم تأسیس و توأم با آن مطبعه‌ای افتتاح نمود.[3]

نخستین اخبار:

امیر شیرعلی‌خان پسر سوم امیر دوست‌محمدخان به سال ۱۸٦۳ به حیث پادشاه افغانستان جاه نشین پدر خود شد. امیر موصوف با بدست آوردن تاج و تخت،

[1] عبارت است از اوراق مطبوع که در مواضع مختلف محلات مسکونی و شهرها غرض آگاهی مردم در دیوارها و یا بالای پایه‌ها نصب می‌شود.

[2] استفاده از دهل به حیث یك وسیله مفاهمه در کشورهای افریقایی هم رایج بوده و بنام «تم‌تم درم» معروف است.

[3] رښتیا، سید قاسم افغانستان در قرن ۱۹ (شماره پشتو) انجمنتاریخ مطبعه دولتی، افغانستان ۱۳٤۱ﻫ، ص (۳۳۷ - ۳۳۹)

سعی نمود تا کشوری متحد، آزاد، و مترقی تأسیس نماید. ولی مخالفت‌های برادرانش باعث شد که مدتی از پادشاهی کناره گیری نماید. ولی بعداً وقتی بار دوم موفق شد زمام امور افغانستان را به دست گیرد، به مقصد پیشبرد آرزوهای انکشافی خود برای نخستین بار اخباری را به نام شمس‌النهار تأسیس کرد.

شمس‌النهار در سال ۱۲۹۰هـ مطابق ۱۸۷۳ع به وجود آمده و در مطبعه شمس‌النهار طبع می‌گردید. قابل تذکر است که در آنوقت امور طباعت به سیستم طبع سنگی پارلیتوگرافی صورت می‌گرفت.

سرور جویا[٤] نوشته است که مدیر شمس‌النهار شخصی به نام عبدالقادرخان بود. مایل هروی[٥] با نام مذکور فقرهٔ (پشاوری یوسفزی) را نیز علاوه نموده است.

اما بینوا[٦] اظهار عقیده نموده است که اخبار مذکور مدیری باین نام نداشته بلکه امور نشر آن باهتمام میرزا عبدالعلی نام صورت می‌گرفت. تا جاییکه این موضوع به این نویسنده ارتباط می‌گیرد، نخست از همه در لوحهٔ نام جریده و یا کدام صفحهٔ دیگر آن نامی به ملاحظه نمی‌رسد که مدیر، محرر و یا سرمحرر اخبار مذکور باشد. ولی در شماره دهم سال دوم در چهار محل اسم مرزا عبدالعلی را می‌توان یافت که منحیث شخص باصلاحیت و قدرت درین اخبار کار می‌کرد و توأم با اسم او تنها کلمه مهتمم ذکر شده است.

اسم مرزا عبدالعلی نخست در مضمونی منتشره صفحه دوم زیر عنوان (اشتهار) بدین شکل آمده است: «... لهذا اقل‌العباد میرزا عبدالعلی حسب‌الفرمایش احباب اخبار صدق آثار مسمی به شمس‌النهار را در مطبع کابل جاری نموده... در همین مضمون در صفحه سوم بدین شکل ذکر یافته است: «... گرامی‌نامه منظوری خود را اسمی اقل‌العباد میرزا عبدالعلی مهتمم مطبع شمس‌النهار کابل ارسال دارند....»

بار سوم زیر عنوان اطلاع ضروری، اسم وی بدین شکل آمده است: «بوساطت

[٤] جویا، سرور، مطبوعات مجله کابل، شماره دوم، سال دوم، ص ٦٧

[٥] هروی، مایل، معرفی روزنامه‌ها مجلات جراید، مطبعهٔ دولتی، پروان، ۱۹٦۲ ص ۹۷-۹۲

[٦] بینوا، عبدالروف، شمس‌النهار نخستین روزنامه در افغانستان. مجله آریانا، انجمن تاریخ شماره چارم، سال ۹، ص ۱-۷

اوشان به نزد میرزا عبدا لعلی مهتمم مطبع شمس‌النهار کابل برسد...»

و چارمین بار اسم او در اخیر جریده، صفحه ١٦ باین عبارت آمده است: «اشتهار اخبار شمس‌النهار کابل باهتمام مرزا عبدالعلی حلیه طبع پوشید.»

از عبارات مذکور به صورت واضح معلوم می‌شود که موصوف علاوه بر آنکه به حیث مهتمم جریده کار می‌کرد، امور اهتمام مطبعه را نیز بعهده داشت.

چنین رسم است که نامه‌ها عموماً به نام مدیر و یا آمر اخبار گسیل می‌شود، در حالیکه از آدرس بالا واضح می‌شود که نامه‌ها به نام میرزا عبدالعلی فرستاده شده است. اگر مدیری می‌داشت لابد آدرس و نامه بنام او می‌بود.

باید گفت که آدرس مذکور زیر عنوان اطلاع ضروریه درج گردیده است و درین اطلاع از (صاحبان خریداران اخبار پربهاء شمس‌النهار) تقاضا شده است که اگر از جهت قیمت اخبار پولی می‌فرستادند به آدرس مذکور بفرستند.[٧]

گذشته از دلایل فوق وقتی شاغلی کهگدای[٨] راجع به عبد القادرخان تذکری بعمل می‌آورد چنین می‌نویسد که عبدالقادرخان محض منشی نظامی امیر شیرعلی‌خان بوده و گاهی هم مضامینی برای شمس‌النهار می‌نوشت.

بهرحال مفکورهٔ نشر یك اخبار توأم با یك پروگرام اصلاحی قبلاً از طرف سید جمال‌الدین افغان به امیر شیرعلیخان پیشنهاد گردیده بود. البته امیر موصوف ضمن سایر جهات و مفردات پروگرام به نشر اخبار هم موافقت کرد و بالاثر شمس‌النهار شروع به نشرات نمود.[٩]

شاغلی بینوا نوشته است که این اخبار در داخل شانزده صفحه هفته‌وار نشر می‌گردید. مایل نیز داشتن شانزده صفحه آنرا تایید نموده و علاوه می‌کند که در آغاز ماهوار نشر می‌شد، ولی بعداً در هر پانزده روز یك بار انتشار می‌یافت. جویا معتقد است که اساساً شمس‌النهار در دو ورق نشر می‌گردید، ولی بعضاً به شانزده

[٧] بینوا شمس‌النهار، آریانا ص - ٣
[٨] کهگدای، نور محمد، اسناد و یاد داشت‌های تاریخی - مجله آریانا، شماره سوم سال سوم
[٩] بینوا، شمس‌النهار،...آریانا

صفحه نیز از دیاد می‌یافت.[۱۰]

چون اخبار مذکور از یکطرف در یك دورهٔ نسبتاً طولانی‌تر نسبت به روزنامه نشر می‌شد، پس این فکر که دو ورق بوده است اندکی ضعیف جلوه می‌کند و از طرف دیگر داشتن شانزده صفحه آنرا غالب محققان تایید کرده اند. پس درین که هیچ شکی نیست که شانزده صفحه داشته است، ولی در امر اینکه اخبار مذکور هفته‌وار بوده یا پانزده روزه و ماهانه، اندکی تعمق باید کرد.

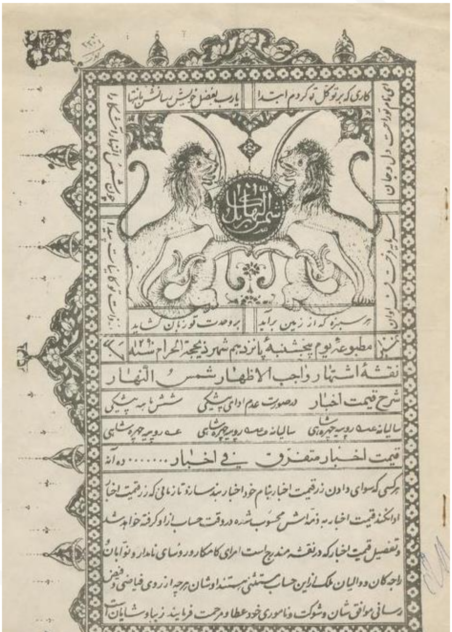
راجع به تعداد صفحات این جریده طوریکه از شماره دهم و یازده هم آن معلوم شد دارای شانزده صفحه می‌باشد و این با نوشته ښاغلی بینوا[۱۱] مطابقت دارد. در یك مضمون شمس‌النهار تحت عنوان «اشتهار» نخست راجع به اشتراك اخبار سخنی چند تذکار شده و تا جاییکه می‌نویسد هرکس شایق خریدن اخبار باشد نامه منظوری خود را اسمی میرزا عبدالعلی بفرستتند... تا اسم شریف اوشان درج رجستر گردیده هفته‌وار پارچه اخبار پربهاء شمس‌النهار ارسال خدمت مبارك شان گردد.[۱۲] گذشته ازان با ارتباط به نوشته ښاغلی کهگدای[۱۳] (اسناد و یادداشت‌ها) درین مورد به تحلیل دیگری متوسل می‌شوم.

موصوف شماره‌های شانزده و هفده شمس‌النهار را منحیث مرجع نوشته خود نشان داده و تاریخ نشر شماره‌های مذکور را ۲۹ مارچ ۱۸۷٤ و ۲۳ اپریل سال مذکور درج نموده است. چون این دو شماره به تعقیب هم نشر شده اند. فاصله‌ای را که بین تاریخ نشر آنها درمی‌یابیم زیادتر از دو هفته است. ولی جای دیگر در عین نوشته به شماره‌های پنج و هشت اخبار استناد شده است. تاریخ‌های را که برای این دو شماره ثبت نموده عبارت از ۲۲ شوال ۱۲۹۰ و ۲۵ رمضان ۱۲۹۰هـ می‌باشد. در اینجا ملاحظه می‌شود که فاصله بین شماره پنج و هشت بیست و هفت روز است و این نشان می‌دهد که اخبار مذکور در هفته یك بار نشر می‌شده

[۱۰] مایل، معرفی بینوا، شمس‌النهار جویا، مطبوعات..
[۱۱] بینوا، شمس‌النهار
[۱۲] مایل معرفی... ص ۹٦-۹۷
[۱۳] آریانا، شماره ٤، سال ٤، ص ۱۰ – ۲۲

بالنتیجه فرضیه را که می‌توان ازین تحلیل بدست آورد این خواهد بود که شاید اخبار شمس‌النهار نخست هفته‌وار نشر می‌گردید، ولی بعداً در هر پانزده روز و یا یکماه نشر می‌شد و قطع شمس‌النهار ۸ x۱۲ انچ بوده و متن آن دارای یك ستون بعرض (۵) انچ و عمق (۱۰) انچ می‌باشد.

ښاغلی بینوا نوشته است[۱۴] که در صفحه اول عنوان شمس‌النهار کابل بین دو صورت دوشیر که هر دو در یك دست شمشیر و در دست دیگر عنوان (شمس‌النهار کابل) را دارند جلب نظر می‌کند و چهار اطراف آن چهار فرد ذیل نوشته شده است. این موضوع را شماره دهم و ۱۱ سال دوم نیز نشان داد.


کاری که بر توکل تو کردم ابتدا | یارب بفضل خویش رسانش بانتها
هر سبزه که از زمین برآید | بر وحدت تو زبان گشاید
مطبوعهٔ یوم پنجشنبهٔ پانزدهم شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۲۹۰
نقشهٔ اشتهار واجب الاظهار شمس النهار

شرح قیمت اخبار	درصورت عدم ادای پیشکی	شش ماهه پیشکی
سالیانه عه روپیه چهره شاهی	سالیانه عه روپیه چهره شاهی	عه روپیه چهره شاهی

قیمت اخبار متفرق فی اخبار ...... ده آنه

هرکسی که سوای دادن زر قیمت اخبار بنام خود اخبار بند سازد تا زمانی که زر قیمت اخبار ادا نکند قیمت اخبار به ذمه‌اش محسوب شده در وقت حساب از او گرفته خواهد شد و تفصیل قیمت اخبار که در نقشه مندرج است امرای کامکار و رؤسای نامدار و نوابان و راجه‌گان و والیان ملک از این حساب مستثنی هستند اوشان هرچه از روی فیاضی و فیض رسانی موافق شان و شوکت و ناموری خود عطا و مرحمت فرمایند زیبا و شایان است

صفحه اول شماره دهم سال اول شمس‌النهار، نخستین جریده افغانستان

[۱۴]) بینوا، ، شمس‌النهار آریانا

کاری کـه بر تو کـل تو کردم ابتـدا — یارب به فضل خویش رسانش بانتها
ای نـام تـو راحـت دل و جـان — سرمـایـهٔ فـرحـت فـراوان
هـر سـبزه کـه از زمـین بـرآیـد — بـر وحـدت تـو زبـان کشـایـد
ذات تـو بـه روز گـار پـیـدا — چـون شـمس‌الـنـهـار آشـکـارا

موصوف نوشته است که بعد از نام و تاریخ اخبار که به حساب قمری درج گردیده در شماره‌های که وی در اختیار داشت عموماً عناوین ذیل جلب نظر می‌کرد:

نخست در صفحات اول تحت عنوان «نقشه اشتهار واجب اظهار شمس‌النهار» شرح اشتراك ذکر شده است. اشتراك اخبار اگر پیشکی پرداخته می‌شد بیست روپیه شاهی بود و اگر پیشکی پرداخته نمی‌شد بیست و پنج روپیه بود. به همین ترتیب اشتراك ششماهه آن ده روپیه و یك شماره آن ده آنه قیمت داشت.

در صفحه دوم اخبار عنوانی بنام (اشتهار) جلب نظر می‌کند. ښاغلی بینوا می‌نویسد که مطالب تحت این عنوان شکل سرمقاله را داشته و در شماره‌هایی که وی تحت مطالعه داشت، مقاله‌ای به قلم مهتمم اخبار راجع به (مرام و طرز نشر) اخبار نشر یافته است. در اینجا روح مطلب مقالهٔ مذکور شماره پانزده رمضان ۱۲۹۰هـ (مطابق ۱۸۷۳ع) تقدیم می‌نمایم.

درین مقاله بعد از آنکه امیر شیرعلی‌خان را در تأسیس امن و امنیت درین کشور و آسایش مردم تعریف می‌کند، تذکر یافته که در سایه این امن و امان «رعایا و شرفای این دیار متوجه کمالات گردیده شوق دیدن اخبارات و حصول فواید ازان ورزیدند لهذا اقل‌العباد میرزا عبدالعلی حسب‌الفرمایش اخبار صدق آثار ترکستان و بدخشان و بخارا و هرات و روس و قندهار وغیره حدود را از دفاتر سرکار والاتبار حاصل نموده درین اخبار درج خواهد شد.»

درین نوشته آمده است که تا حد ممکن سعی خواهد شد که خبر بازاری و پوچ در شمس‌النهار درج نشود.[۱۵]

مایل نوشته است که شمس‌النهار اطلاعات و اخبار را از خارج و داخل برای

[۱۵] بینوا، شمس‌النهار آریانا

خوانندگان خود تهیه می‌نمود. واقعاً این مدعا را نام‌های یك عده ولایات و بعض کشورهای خارجی که ذکر آن در پاراگراف قبلی بعمل آمده، ثابت می‌سازد. ولی موضوعی که نه مایل ازان ذکر نموده و نه بینوا، عبارت از این است که چطور اخبار خارجی را جمع می‌نمودند.

نخست از همه آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که خبرهای خارجی غالباً ذریعه پوسته جمع آوری می‌شده که آنهم به سواری اسپ صورت می‌گرفت.[۱۶] چه سرویس پوسته رسانی ذریعه سواری اسپ صورت می‌گرفت ولی در ۱۹۲۲ به موتر تبدیل شد.

در امر اخذ و نشر خبرها یقیناً از روزنامه‌ها و مجلات خارجی نیز اقتباساتی بعمل می‌آمد. چنانچه این امر را سال‌ها بعد وقتی دومین اخبار[۱۷] به نشر آغاز می‌نماید به صراحت مشاهده می‌توان کرد که اخبار و مطالب خارجی را از روزنامه‌های انگلیسی، عربی، اردو، و ترکی و غیره اقتباس و ترجمه می‌نمودند. نام جراید چون اخبار راجپوتانه، اخبار عالم، اخبار عام لاهور، اخبار انجمن پنجاب، اخبار کوه نور، سیدالاخبار، طلسم حیرت، لوح محفوظ و غیره در شماره دهم و یازدهم شمس‌النهار توأم با خبرهای مربوطه هم ملاحظه شد. اما راجع به منبع اطلاعات داخلی اضافه می‌شود که در شماره ۱۱ خبری از بدخشان جلب نظر می‌کند و این خبر از طرف نامه‌نگار بدخشان (که در متن اخبار به عبارت (کارسپاندت) یعنی کارسپاندنت لفظ انگلیسی آمده است) تحریر و فرستاده شده است. و این نشان می‌دهد که جریده شمس‌النهار شاید مانند بدخشان در سایر ولایات افغانستان نیز نامه‌نگاران داشت.

باید گفت که متن اخبار به خط زیبای نستعلیق تحریر یافته و به کاغذ سفید به چاپ سنگی طبع می‌شد. در تفکیك و جدا نمودن مطالب مختلف آن علاوه بر وجود عناوین از بعضی خط کشی‌ها و کارهای هنری استفاده می‌شد. صفحه اول

[۱۶] افغانستان: سرزمین باستانی با طرق عصری (انگلیسی) ص ۱۰۸

[۱۷] دوسیه مربوط به اعطای امر نشر سراج‌الاخبار افغانستان (در محبث آینده مفصلاً مور د بحث قرار می‌گیرد.)

آن کاملاً با یکنوع کار هنری شامل گل‌ها و برگ‌ها وغیره احاطه شده است.

نقطه گذاری، کامه، قوس سوالیه و غیره در متن مطالب آن به ملاحظه نمی‌رسد. محض در اخیر هر مطلب چهار نقطه به شکلی موجود است که اگر نقاط مذکور را بهم وصل کنیم شکل يك مربع كج شده به وجود می‌آید. این علامت در داخل متن بعضی مطالب جریده هم دیده شد.

متن يك اعلان منتشره در شمس‌النهار نشان می‌دهد که این اخبار حتی در بعضی حصه‌های هند برتانوی و نواحی پښتونستان نیز خوانندگان داشت. اعلان مذکور تحت عنوان «اطلاع ضروری» چنین نوشته است: «به خدمت صاحبان خریداران اخبار پربهار شمس‌النهار کامل واضح باد که از جهت قیمت اخبار هرگاه مبلغ عنایت نمایند به ذریعه هندوی به دکان چیله رام شکارپوری که دوکان اصل وی در امرتسر و گماشته وی یاری دوشنی ارسال فرمایند و بر سرنامه خط تحریر فرمایند که خط هذا در بالاحصار کابل در مطابع شمس‌النهار کابل برسد و چونکه به فرستادن مبلغ هندوی به کابل جهت بعضی صاحبان ذی شان هندوستان دشوار به نظر می‌آید و نوت سرکار انگلیسی بهادر درین ملك فروش ندارد بنابر آن به لحاظ سهولت احباب خریداران اخبار پربهار شمس‌النهار کابل عرض کرده می‌شود که عالیجاه حاجی حسن‌خان صاحب مهتمم داك‌خانه کابل مقیم پشاور اجنت مطبع مقرر گردید.. خریداران شمس‌النهار هر وقت خط و کتابت یا ارسال هندوی یا نوت که مطلوب داشته باشند به سر نامه خط خود اینقدر عبارت درج کرده باشند که خط هذا در پشاور در داك‌خانه کابل به نزد عالیجاه حاجی حسن‌خان مهتمم داك‌خانه کابل برسد ...»[۱۸]

از مطلب دیگریکه درین اخبار نشر یافته، واضحاً آگاهی ملیت خواهی و وطن‌پرستی مدیر یا محرر آنرا نشان می‌دهد. درین مضمون نوشته آمده است که مردم افغانستان از زرع پنبه نهایت زیان می‌کشند. چه آنان پنبه را برای مردم «فرنگستان» به قیمت نازل فروخته و در مقابل انواع تکه‌ها را به قیمت خیلی گران اخذ می‌دارند و این امر برای آنست که مردم ما خود علم و کمال ندارند و هم

[۱۸] مایل... معرفی...

وسایل بافت و صنعت در اختیار ندارند و هم توجهی به صنایع محلی نمی‌نمایند.[۱۹]

در شماره دوشنبه ۱۲۹۰ هـ اخبار شمس‌النهار مضمونی زیر عنوان حالات کابل نشر شده است که در آن از توجه نزدیك امیر در استقرار صلح و امنیت کشور تعریف شده و همدرین باب می‌نویسد که سران قبایل مختلف افغانستان ادعای مذکور را تایید نموده اند و گفته اند که چنین صلح و آرامی را قبلاً هیچ ندیده بودند.

در عین مضمون مسئله ولیعهدی شاهزاده عبدالله هم نشر شده است. چنانچه تذکر رفته است که برای این مطلب امیر جلسه‌ای مشتمل به رهبران قبایل بارکزای، محمدزایی، غلزایی، کوهستان - قزلباشیه و کابلی را برگزار نمود تا با ایشان موضوع را در میان گذارد. درین مقاله نوشته شده است که تعداد رهبران به یکهزار نفر می‌رسید.[۲۰]

ازین مقاله صریحاً روح احترام به مشوره واضح می‌شود. و نیز یك عمل دیموکراتیك امیر را مبنی بر احترام به فکر مردم وانمود می‌سازد. خبر دیگری که زیر عنوان (اخبار کابل) نشر شده نیز قابل یاد داشت است.

درین خبر حالات کابل با ارتباط به سردی هوا به صورت مشرح و مفصل و تقریباً به شیوه عصری به شکل Interpretive نوشته شده است. گرچه پاراگراف‌های آن مانند شکل عصری خبرنگاری از هم مجزا نیستند، ولی اگر به جمله اول این خبر به دقت نظر کنیم واقعاً روحیه افتتاحیه نویسی امروزی ازان ظاهر می‌شود. جمله مذکور ازینقرار است: «موسم سردی با وجود گذشتن ایام سرما بشدت است راه‌های قندهار و ترکستان یك قلم مسدود است...»

درین خبر از قیمت مواد غذایی گرفته تا مواد محروقاتی و مسایل بیکاری مردم همه مفصلاً توضیح گردیده، به قسم موضوع متبارز ضمنی حتی از یخبندان دریای کابل و دریای لوگر نیز یادآوری شده که حیوانات با بار خود از روی یخ این دریاها عبور

[۱۹] بینوا... شمس‌النهار.
[۲۰] کهگدای اسناد و یادداشت‌های تاریخی، مجله آریانا، شماره ۱ سال ٤، ص ۳ – ۵

می‌کردند.[۲۱] راجع به مطالب متن جریده شمس‌النهار با ملاحظه شماره دهم سال اول آن چنین اظهار نظر می‌شود:

۱ - یك قسمت متن آن شامل مقالاتی است که مقصد و هدف اساسی مقالات مذکور ابلاغ و اطلاع رسمی است. مقاله اول زیر عنوان «اشتهار» نشر شده، که در آن از نشر اخبار پربهار شمس‌النهار در آوان سعادت اقتران پادشاهی امیر شیرعلی‌خان اطلاع داده شده است. و نیز راجع به اشتراک آن مطالبی تقدیم گردیده است. مطلب دومین بدون شك یك اعلان است و زیر عنوان اطلاع ضروری، نشر شده است - مطلب سومی بازهم زیر عنوان «اشتهار ضروری مفید عام» جلب نظر می‌کند که در آن اعلان کتابی برای فراگرفتن لسان در چهار زبان عربی و دری و انگلیسی و اردو می‌باشد

۲ - قسمت دوم متن آنرا خبرهای خارجی تشکیل می‌دهد. چنانچه خبر اول آن زیر عنوان (خبر لندن) آمده و سایر خبرهای آن زیر عناوین خبر امریکا یعنی دنیای نو، طریقه شناخت نسل انسان، خبر پروشیه، خبر مستر ملول صاحب، مفاد اذاجاء نصرالله، خبر چین و روس، خبر طایف، خبر مرادآباد، و خبر سلطان روم نشر شده اند. بطور مثال خبر مربوط به طریقه شناخت نسل انسان را که عجیب و جالب است تقدیم می‌نمایم:

«از ملاحظه اخبار عام لاهور واضح گردید که در کتاب حکمت چین یك عجیب و غریب نقل شناخت نسل انسان تحریر شده است که مردم چینی قدری خون اولاد را و قدری خون پدر را در یك ظرفی که در آن آب باشد می‌اندازند. اگر خون فرزند و پدر با هم مختلط گردید پس می‌دانند که اولاد حلال است و فرزند هم ازان پدر است و اگر احیانا خون‌های هردو باهم مختلط نگردیدند و جوش نخوردند پس اوشان یقین می‌کنند که این فرزند هیچگونه رشته همراه این پدر ندارد.»

قسمت سوم دو خبر است یکی مربوط به بدخشان و دوم خبر کابل است. خبر بدخشان از لحاظ متن و اطلاع خیلی جالب بوده و بر گوشه‌ای از مراسم عروسی

---

[۲۱] کهگدای - اسناد و یادداشت‌های تاریخی

مردم نورستان روشنی می‌داندازد.

در نتیجه با ارتباط به شماره دهم متن این جریده شامل سه کته‌گوری مطالب است. یعنی تهیه اطلاع قسماً تلقین و دادن فکر و نشر اعلان بهرحال آنچه از تحلیل متن جریده میسر شد، می‌توان گفت که مردم کم سواد و نیمه باسواد از درك فهم مطالب این اخبار عاجز بودند.[۲۲] طرز نوشتن خبرهای آن غالباً مشرح و مفصل بوده تمام موضوعات مربوط به یك مسئله تحت یك عنوان به تفصیل نوشته می‌شد. مایل می‌نویسد که مدیر اخبار، مطالب خبری را اکثر با یك بیت آغاز می‌کرد و به قطعات ادبی نیز می‌پرداخت و بالاخر مسلماً خوانندگان آنرا عده محدود تشکیل می‌داد.

اخبار شمس‌النهار بالاخر در سال ۱۸۷۸ع هنگام حملات انگلیس از بین رفت و یك سال بعد موسس آن امیر شیرعلیخان نیز جهان را پدرود گفت.

[۲۲] مایل هم این امر را تایید کرده - معرفی روزنامه‌ها و جراید.

فصل دوم

جراید دورهٔ امیر حبیب‌الله‌خان

بعد از مرگ امیر شیرعلیخان پسرش یعقوب‌خان جانشین وی شد و این درست وقتی بود که جنگ دوم افغان و انگلیس یك بار دیگر افغانستان را تکان داده و بی‌نظمی و برهمی و درهمی ایجاد کرد. دوره سلطنت یعقوب‌خان زودگذر بوده و اندکی بیش از یکسال دوام نکرد. به تعقیب وی امیر عبدالرحمن‌خان تاج و تخت شاهی افغانستان را بدست آورد.

در مدت سلطنت خویش نه یعقوب‌خان و نه عبدالرحمن‌خان، کدام اخباری تأسیس نکردند. ولی با آنهم در دورهٔ شاهی امیر عبدالرحمن‌خان مطبعه‌ای بنام مطبعه دارالسطنت وجود داشت که در آنجا مکاتیب، جداول و بعضی کتب و سایر نشرات به طبع می‌رسید. از جمله کتبی که در این دوره طبع شده می‌توان از پندنامه دنیا و دین تألیف امیر عبدالرحمن‌خان نام برد که کتاب مذکور در ١٤٠ صفحه نشر شده بود. و نیز در همین وقت دیوان اشعار عایشه درانی، رهنمای قضات تألیف مولوی احمد جان الکوزی، کتاب تزك ناپلیون اول و کتب دیگر طبع شده اند.

گذشته ازین کتب کتابی بنام زندگانی امیر عبدالرحمن‌خان به زبان انگلیسی از طرف امیر بوسیلهٔ میر منشی سلطان محمدخان در ١٩٠٠م در لندن طبع شد، که ترجمه دری آن بنام تاج‌التواریخ در بمبئی بزیور طبع آراسته شد. امیر درین کتاب گوید: «قبل از من در افغانستان کدام مطبعه و تعلیم وجود نداشت و من خواستم که نفر کاتب را در تمام کشور بیابم، از بین این سی نفر محض سه نفر پیدا شد که به کتابت دسترس داشتند. ولی امروز هزاران نفر می‌توانند بخوانند و بنویسند. و هزارها نسخه کتاب در کابل نشر شد.»[٢٣] در همین صفحه نوشته آمده است که

[٢٣] امیر عبدالرحمن‌خان، تاج التواریخ (طباعت و تعلیم) صفحه ٣٤

امیر موصوف نشر یك اخبار نیمه‌رسمی را نیز امر داد. ولی از چنین اخبار اثری وجود نداشته و نشر نشده است .

بهرحال سلطنت امیر عبد الرحمن‌خان با مساعی برای تأسیس صلح و امنیت و یك حکومت مرکزی در ۱۹۰۱ خاتمه یافت و پسرش امیر حبیب‌الله جانشین او گردید.

اخبارنامه قلمی

طوریکه قبلاً شرح داده شد در سال ششم سلطنت امیر حبیب‌الله‌خان جریده‌ای بنام سراج‌الاخبار افغانستان تأسیس شد. ولی قبل ازان خبرهای کشور و خارج بیك طریق خاص و جالبی برای شخص امیر و احیاناً اشخاص مهم رسمی و حکومتی، تهیه می‌گردید. باین ترتیب که خبرهای مطلوب از جراید خارجی ترجمه شده، توسط خطاط تحریر می‌گردید و برای اطلاع امیر تقدیم می‌شد. از جمله این اخبارنامه‌ها[٢٤] نوشته یك شماره آن اخیراً بدستم آمده و بدینوسیله آنرا معرفی می‌نمایم.

این اخبار نام و شهرتی ندارد، بلکه محض مرجع خبرها و تاریخ آن در آن داده شده است. طول آن (شماره‌ای که در اختیار بنده بود) ٥٤ انچ بوده و دارای عرض (٦) انچ می‌باشد.

چار عنوان جلی به خط زیبای نستعلیق در آن به ملاحظه می‌رسد. نخستین عنوان آن عبارت است از «ترجمه هذا از اخبار عام تحریر شده است». عنوان دومی عبارت از: «از اخبار وکیل» و عنوان سومی از «اخبار وطن» و چارمین عنوان عبارت است: «از اخبار شحنه هند»

زیر عناوین چندین خبر راجع به مسایل مختلف تحریر گردیده است. بطور مثال عنوان اول حاوی این مطالب است: اطلاع یومیه زار روس راجع به حالات جنگ، اموات مرض طاعون در هند، فرستادن جوانان امریکن (امریکایی) در کوریا، بیرون کردن اجنبی‌ها توسط روس‌ها از عشق‌آباد، جنگ جاپان و روس، توجه امیر

[٢٤] چون نام و عنوانی دران بملاحظه نرسید لهذا نویسنده این مقاله آنرا اخبارنامه قلمی نام کرد.

صاحب کابل برای درستی افواج، تصمیم پارلمان انگلستان برای دادن اختیار زیاد به شاه قیصر در مصرف پول، گرفتاری فوج روس در پولند، غرغره انقلاب پسندان در کوه قاف ویك عده دیگر .

باید گفت که خبرها و اطلاعات مذکور دریك، دو و یا چند سطر محدود تحریر شده است. ولی راجع به جنگ روس و جاپان تفصیل مکمل ازلای خبرهای آن حاصل شده می‌تواند بدین معنی که خبرهای مذکور بصورت متشتت از اول تا اخیر موجود اند اما اگر آنها را جمع کرده و یکجا باهم بنویسیم خبری مفصل حاصل خواهد شد

به همین ترتیب زیر سایر عناوین مطالب مختلف موجود است که هر مطلب آن از گذشته و مابعد توسط یك خط در آغاز مطلب و شروع سطر اول آن جدا می‌شود. این خط را می‌توان علامه پاراگراف آنوقت خواند و این شکل را داشت ().

این اخبارنامه به خط نستعلیق زیبا و خوانا به قلم حافظ حیدرعلی احراری نوشته شده است. روش و سبك نوشتن آن از آغاز تا انجام یکی بوده تغییری در آن به ملاحظه نمی‌رسد. تنها عناوین به خط جلی و خیلی مقبول تحریر یافته است. در اخیر اخبارنامه مذکور امضای نویسنده باین شکل آمده است: «فدوی جانفشان حافظ حیدرعلی احراری.» تاریخ اطلاعات مذکور بعد از تحریر نام اخباری که این اطلاعات ازان ترجمه شده است باین ترتیب تحریر یافته. زیر عنوان نخستین: «مورخه یوم دوشنبه ۲۸ مارچ سنه ۱۹۰٤ عیسوی مطابق دهم محرم الحرام سنه ۱۳۲۲ هجری.»

زیر عنوان دومی: «مورخه یوم شنبه پانزدهم شهر محرم الحرام سنه ۱۳۲۲ هجری مطابق دوم اپریل سنه ۱۹۰٤ عیسوی» و به همین ترتیب زیر سایر عناوین تاریخ تحریر می گردید.

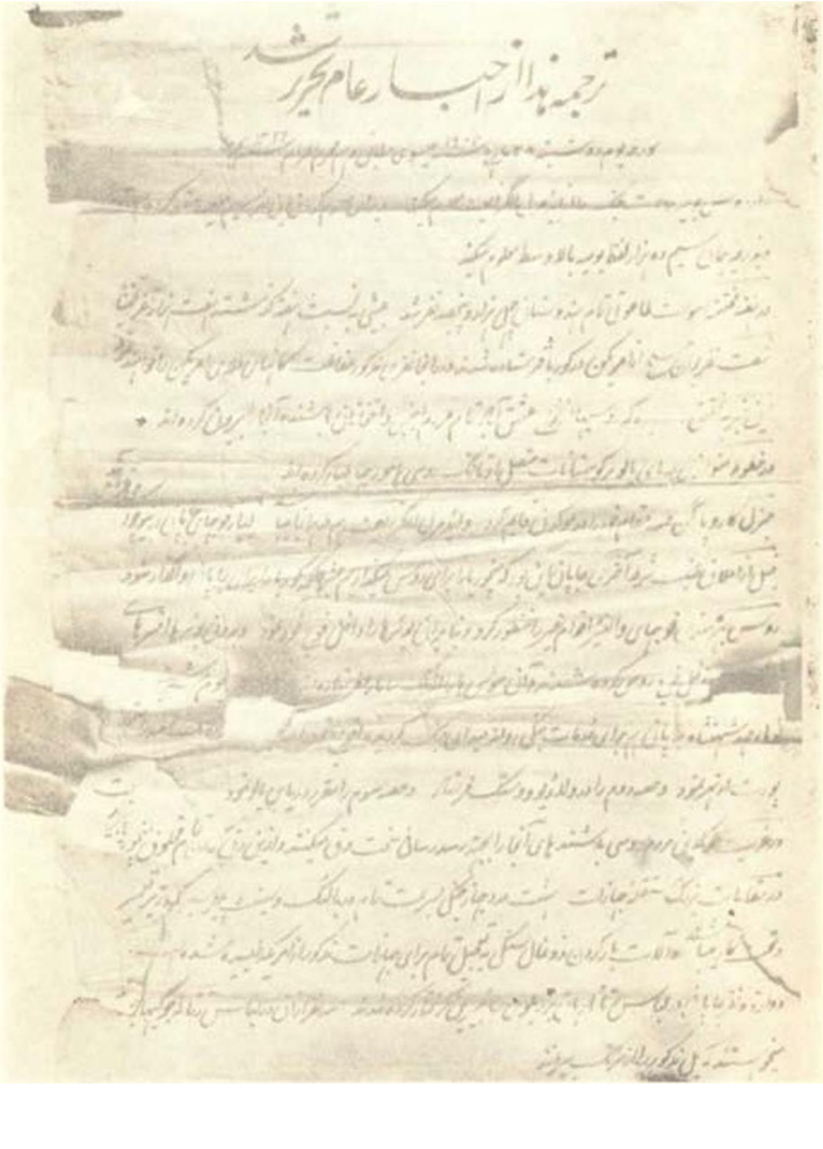
در عبارات این اخبارنامه گذشته از آنکه بعضی کلمات ثقیل عربی بکار برده شده است استعمال اصطلاحات انگلیسی نیز بملاحظه می‌رسد. البته موجودیت کلمات عربی امر ضروری بوده است، ولی اصطلاحات انگلیسی شاید بنابر عدم فهم معنی کلمه از جانب مترجم عیناً بکار رفته است. مثلاً امریکن که می‌توان آنرا امریکایی

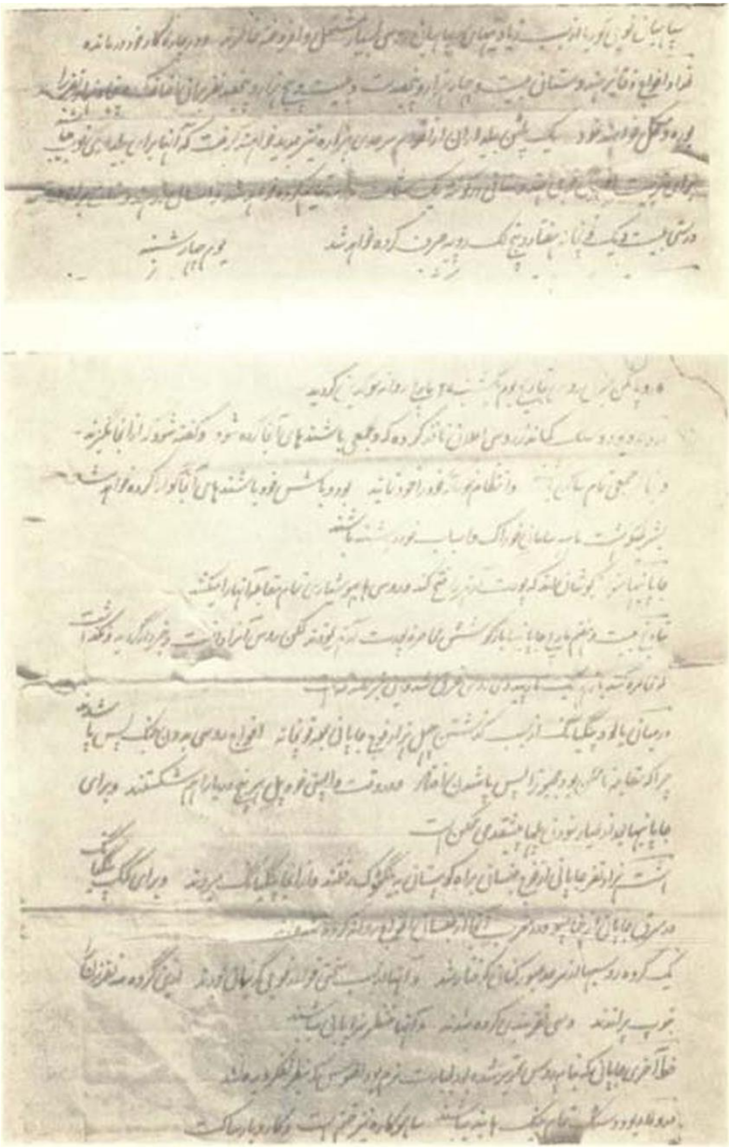
ساخت، پورت که بعوض آن بندر می‌توانست بیاید. «ریلوی» یعنی خط آهن، ستاف ،کماندر، تارپدو، پارلیمنت، هسپتال، فرنچ و امثال آن البته تذکر این لغات از روی انتقاد و خرده گیری نیست، بلکه محض برای نشان دادن سبك آن است ولی رویهمرفته عبارات قابل فهم و ساده‌ای داشت.

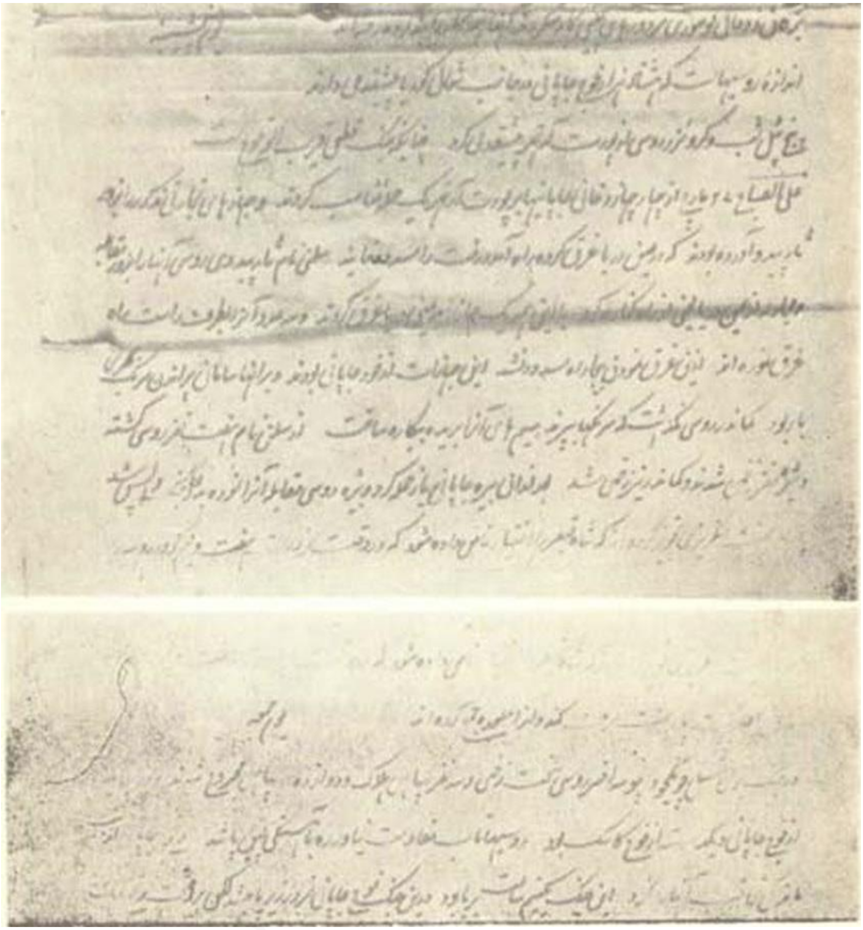
باید متذکر شد که با وجود تحریر این اخبارنامه و باوجود موجودیت آن، شاید بتوان گفت که هنوز هم به قسم یك جریده و یا روزنامه ازان استفاده نمی‌شد. بلکه چون بدست نوشته می‌شد، فلهذا تعداد آن شاید از چند شماره محدود تجاوز نمی‌کرد. اما نوشتن آن باین پاکی و خوانایی، ترتیب آن باین شکل جالب و مقبول، تفکیك موضوعات آن بوسیله خطوط، موجودیت پارا گراف‌ها برای هر خبر و مطلب جداگانه همه مطالبی اند که این کار را در حال عدم موجودیت جریده و اخبار دارای قیمت و ارزش خاص می‌سازد.

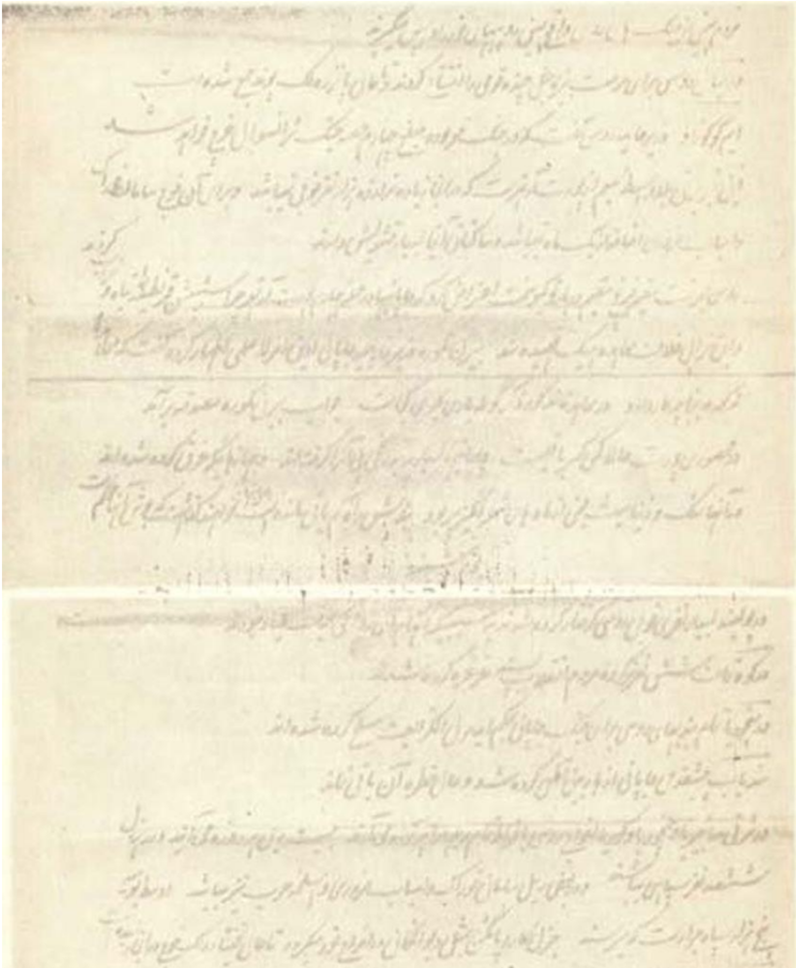
برای نشان دادن نمونه اخبارنامه به خوانندگان درینجا فوتوهای آنرا تقدیم می‌کنیم اما چون اخبارنامه خیلی طویل بود و نتوانست یك مرتبه عکاسی شود، فلهذا در داخل قطعات جداگانه آنرا تقدیم می‌نماییم. و هم عین چند خبر آنرا که متعلق بافغانستان است بطور نمونه می‌نویسیم. و ذکر این نکته در تاریخ صحافت[۲۵] افغانستان مفید و هم در تاریخ ادبیات و سبک‌های نثری آغاز حرکت ترجمه مهم و در خور یادداشت است.

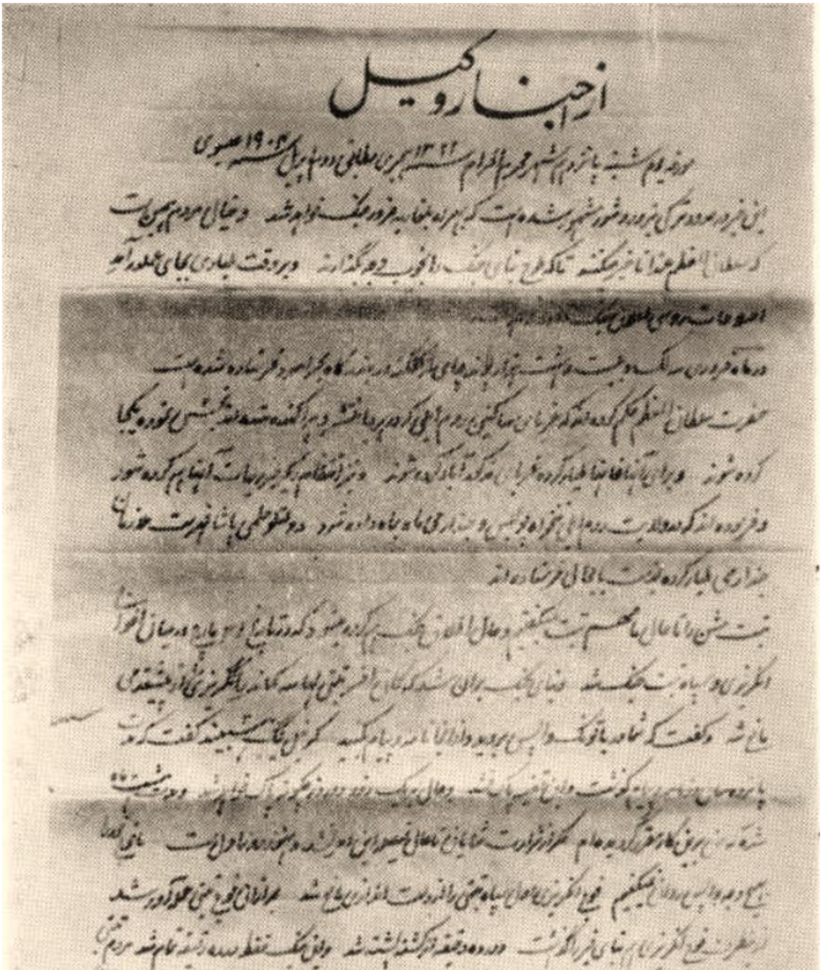
[۲۵] این اصطلاح در قدیم جلد سازی معنی داشت امروز هم در افغانستان به همین معنی استعمال می‌شود ولی در جهان عرب بمعنی روزنامه نگاری باشد.


ترجمه بند از اخبار عام تحریر شد



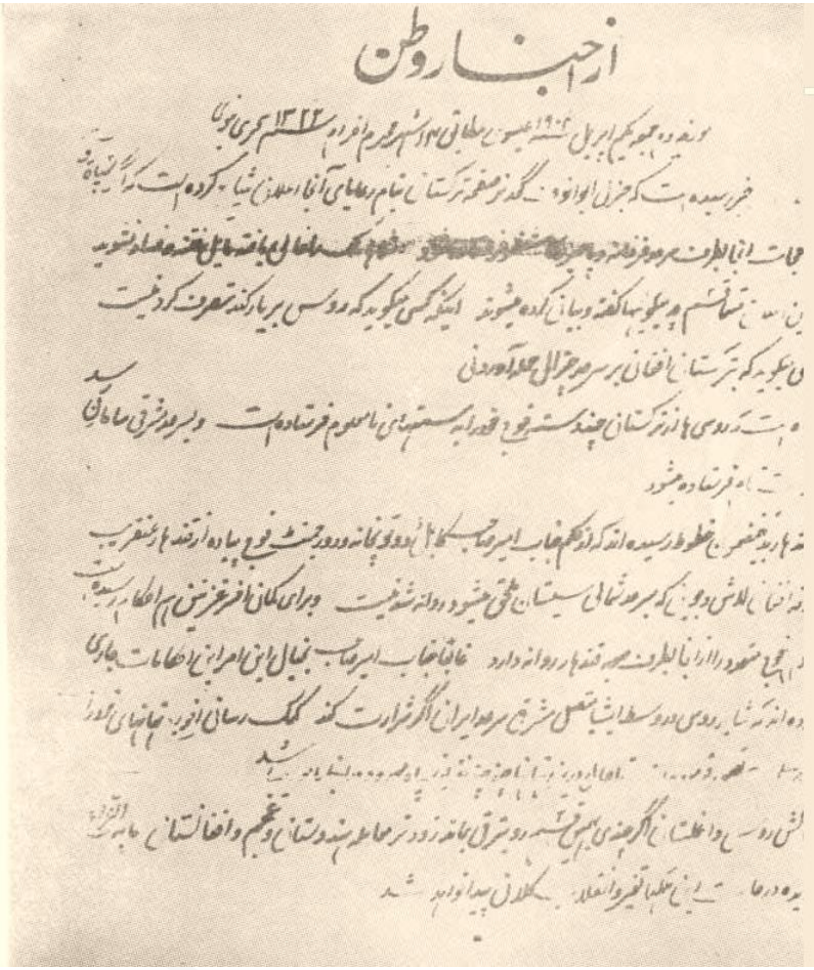




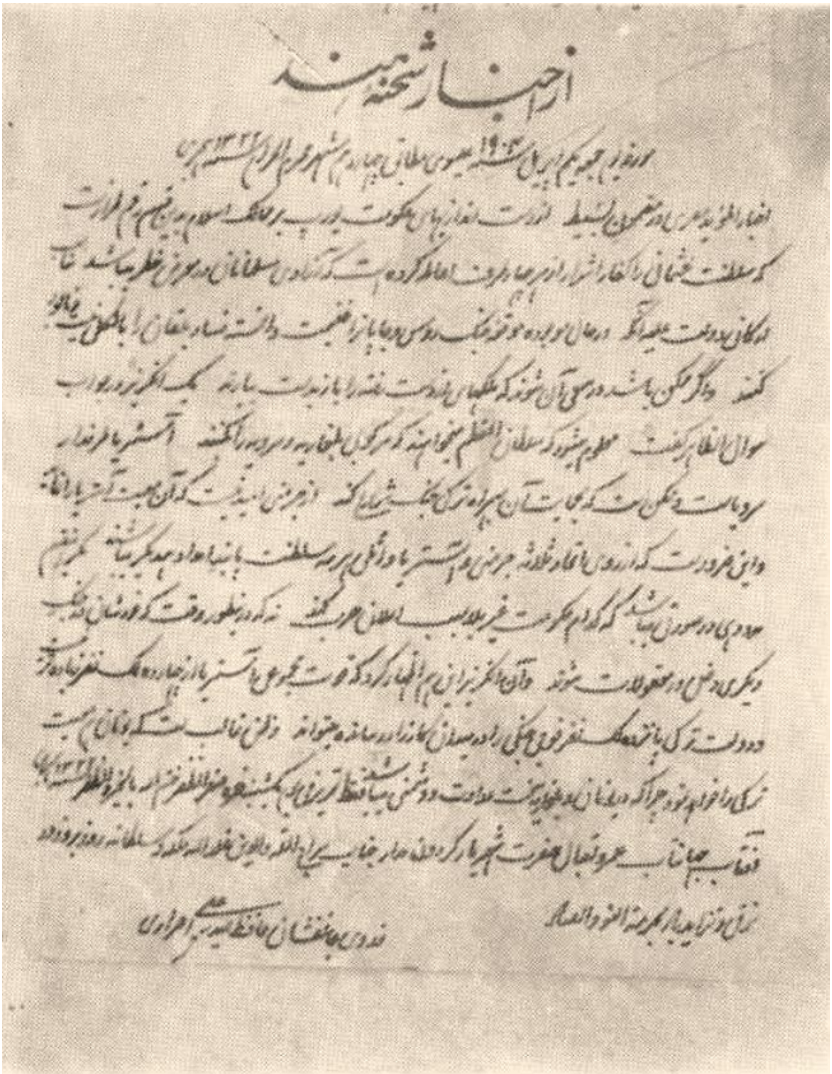


از جناب وکیل

مورخه یوم شنبه پانزدهم شهر محرم الحرام سنه ۱۳۲۲ هجری مطابق دوم اپریل سنه ۱۹۰۴ عیسوی



از اخبار وطن



از اخبار شحنه هند

خبرهای مربوط به افغانستان عبارت اند از:

۱ «این خبر به تحقیق رسیده که روسی‌ها از نواح عشق آباد تمام مردم اجنبی و افغانان باشنده آنجا را بیرون کرده اند»

۲ «جناب امیر صاحب کابل بدرستی افواج خود متوجه می‌باشند و خیال سامان باربرداری نیز دارند از تاشکند کراچی‌های باربرداری بطور نمونه طلب کرده پسند فرموده اند و موافق آن در کابل تیار کرده خواهند شد.»

۳ «از جلال‌آباد خبر رسیده است که جنرال ایوانوف گورنر صفحه ترکستان بنام رعایای آنجا اعلان شایع کرده است که اگر سپاه روسی از قلعجات آنجا بطرف سر حد فرغانه و پامیر و کاشغر فرستاده شود. شماها ملك را خالی یافته مایل فتنه و فساد نشوید و برین اعلان قسم قسم چه می‌گویی‌ها گفته و بیان کرده می‌شوند اینکه کسی می‌گوید که روس بر یارکند تصرف کردنیست و کسی می‌گوید که به ترکستان افغانی بر سرحد چترال حمله آوردنی.»

٤ «از قندهار بدین مضمون خطوط رسیده اند که از حکم جناب امیرصاحب کابل دو توپخانه و دو رجمنت[۲٦] فوج پیاده از قندهار عنقریب بعلاقه افغانی لاش و جوین که بسر حد شمالی سیستان ملحق می‌شود روانه شد نیست و برای کمان افسر[۲۷] غزنین هم احکام رسیده است که او هم فوج متعدد را از آنجا بطرف صوبه قندهار روانه دارد غالباً جناب امیرصاحب به خیال این امر این احکامات جاری فرموده اند که شاید روسی در وسط ایشیا متصل شرق سرحد ایران اگر شرارت کند کمك رسانی افواج تهانهای خود را قرین مصلحت تصور فرموده اند تاحال درین تهانها چند چند نفر از سپاه معدود در آنجا مامور می‌باشد.

۵ «کشاکش روس و انگلستان اگر چه به همین قسم رو به ترقی بماند زودتر معامله هندوستان و عجم[۲۸] و افغانستان مابه‌النزاع گردیده در حالت این ملك‌ها تغیر و انقلاب کلان پیدا خواهد شد.» باید گفت که خبرهای مذکور به صورت مسلسل نیامده بلکه جسته جسته در طول مطالب آن تحریر یافته اند.

[۲٦] اصطلاح عسکری بوده بمعنی کندك است.
[۲۷] اصلا کماندنگ افیسر بوده کلمه انگلیسی است.
[۲۸] معادل ایران امروز است

سراج‌الاخبار افغانستان

بعد از ۲۸ سال تاریکی در جهان خبر و خبرنگاری که از ۱۸۷۹ تا ۱۹۰٦ع دوام کرد، بالاخر چراغ نوی روشن شد. و این چراغ عبارت بود از سراج‌الاخبار افغانستان که حقیقتاً مطلع روشنی با دوامی در عالم خبرنگاری افغانستان محسوب می‌شود. اخبار مذکور در ۱۱ جنوری ۱۹۰٦ مطابق ۱۵ ذیقعدة الحرام ۱۳۲۳هـ.ق به نشرات آغاز کرد. مدیر سراج‌الاخبار افغانستان مولوی عبدالروف‌خان مدرس مدرسه شاهی بود.

در اثر مداخله بریتانیا اخبار مذکور متأسفانه پس از نشر نخستین شماره خویش متوقف شد و بعد ازان تا شش سال دیگر تا سال ۱۹۱۲ کدام اخبار دیگری وجود نداشت. ولی در سال ۱۹۱۲ باثر مساعی متداوم و تقاضاهای مکرر محمود طرزی، پدر ژورنالیزم افغانستان، سراج‌الاخبار را بنام جدید و چهره تازه‌تری عرض وجود کرد. معرفی سراج‌الاخبار را با مدیریت محمود طرزی به مقاله دیگری معوق می‌سازیم و فعلاً می‌پردازیم باینکه سراج‌الاخبار افغانستان چطور بوجود آمد؟ و چه نوع نشرات داشت؟ و چه اشخاص در آن کار می‌کردند؟

از دوسیه مربوطه سراج‌الاخبار افغانستان معلوم می‌شود که برای نخستین بار مولوی عبدالروف‌خان موضوع نشر اخبار مذکور را پیشنهاد نمود.[۲۹] پیشنهاد مذکور بحضور سردار عبدالقدوس‌خان اعتمادالدوله طی ۱۱ ماده تقدیم شده بود. برای اطلاع مزید محققین اینك مواد مذکور را ذیلاً نقل می‌نمایم:

۱. اسم اخبار سراج‌الاخبار باشد که بر صفحه اول اخبار بقلم جلی ... نوشته شود.
۲. چند اخبارات ضروری برای اخذ نمودن مطالب علاوه از اخباراتی که بالفعل بدرالسلطنه کابل می‌آیند و دیگر اسباب مثل نقشه‌ها وجغرافیه و

[۲۹] درینجا لازم می‌دانم از همکاری صمیمیانه پوهاند حبیبی دوسیه مربوط به اخذ امر نشر اخبار را در اختیار بنده گذاشت، اظهار سپاسگذاری نمایم. و همچنان ازینکه یك شمارۀ سراج‌الاخبار افغانستا ن را در اختیار من گذاشت ممنونم در حقیقت مرجع مهم بنده در نوشتن این مقال همانا دوسیه مذکور و شماره اخبار مذکور می‌باشد.

کتب لغت که از برای اجرای کار اخبار مطلوب باشد بعد از امر حضور خواسته شوند و بنام سرشته‌دار داك‌خانه اسلامیه پشاور فرمان صادر شود که اخبارات و کتب مطلوبه را بقرار سیاهه ذیل خریداری نموده روانه کند.

اخبارات عربی مطلوبه: الظاهر نبراس، المشارقه والمغاربه، مستشار، اخبارات انگریزی مطلوبه: اسلامیه کالج منتهلی لاهور مطبوعه مطبع اسلامیه لاهور و اخبارات ترکی

اخبارات اردو مطلوبه: بمبئی گزت، دهلی گزت، کرزن گزت، نصرت‌الاخبار مهر درخشان، اخبار سوداگر.

نقشه‌های کلان بلفظ فارسی روغنی: کره ارض، براعظم‌ها. مرآةالارض مطبوعه، مطبع اسلامیه لاهور، اتلس بلفظ فارسی مطبوعه مطبع مفید عام لاهور، کتاب‌های لغت فارسی و عر بی‌از هر قسم یك یك جلد.

۳. «احوالات دارالسلطنه به واسطه کوتوالی به بیت‌الشوری خاص برسد و بعد ازان بقرار اصول صوابدید اهل شوری واقعات قابل اشاعت در مطبع اخبار فرستاده شود و ایدیتران اخبار عبارات را درست کرده به محرر پاکنویس بسپارند.

٤. بعد از اصلاح عبارات و مضامین مهتمم مطبع به صوابدید ایدیتران مضامین را ترتیب نموده برای کاتبان کاپی بسپارد و مدام این امر را ملحوظ داشته باشد لاکن حتی‌الوسع از مسایل اختلافی احتراز کرده ... تا مابین اهل اسلام... برادری قایم شود.

۵. «احوالات و مضامین که اکثر درج اخبار کرده خواهد شد حسب ذیل خواهد بود

(۱) مسایل دینیه

(۲) اشتهارات[۳۰] که از برای بهبود رعیت و سرشته داخل ملك وقتاً فوقتاً از طرف صاحب دولت شایع می‌شوند.

(۳) اخبارات خارجه

[۳۰] معنی اشتهار در اینجا فرامین و اعلامیه‌های رسمی دولتی می‌باشد.

(٤) حالات ممالک محروسه افغانستان
(٥) حالات مقامی یعنی واقعات دارالسلطنه
(٦) نرخ غله وغیره
(٧) کیفیت موسم‌ها در علاق‌های مختلفه ممالک محروسه.
(٨) شعر و سخن بعد از صوابدید ادیتران اخبار
(٩) نسخه‌های ادویه مجربه وسایل طبیه
(١٠) اشتهارات تجار[٣١]
(١١) حرکات و حالات ذات مبارك سرکاروالا مثل جشن و دربارهای کلان رسمی و معاینه افواج وغیره

٦. تقطیع[٣٢] اخبار باین قسم باشد که نقص کاغذ نشود و اگر برابر حبل المتین[٣٣] باشد بهتر است.
٧. در ابتدا اخبار في ماه دو دفعه شایع شود.
٨. بالفعل اخبار از هشت ورق علاوه نباشد و تعداد قطعات اخبار نظر به تعداد نفری منصبداران ملکی و نظامی و خدمتکاران دولت سنجیده مقرر کرده شود و یکصد قطعه علاوه چاپ شود و روز اشاعت اخبار یوم چارشنبه باشد.
٩. سرشته تقسیم اخبارات به کار پردازان داك‌خانه داده می‌شود و نفری پیاده داکخانه بقدر ضرورت افزوده می‌شود.
١٠. اگر احوالات داخله و خارجه و مضامین متفرقه که قبل از چاپ شدن اخبار به مطبع اخبار رسیده باشد، برای اوراق اخبار که مقرر شده است اکتفا نکند کمبود اوراق مقرره از اقتباس مضامین بعضی کتاب‌های نادر مثل تاریخ افغانی و غیره که هنوز زیور طبع نپوشیده است کامل کرده خواهد شد و کتاب‌های عجیب و غریب درج اخبار شده مثل کتاب چاپ شده برود.
١١. اخبار دارای ادتر، سب ادتر، محرر، ترجمان، مهتمم، معاونان ترجمه اردو، محرر صاف نویس، کاتبان برای امور کتابت، مصحح، تحویلدار، حساب دان

[٣١] درینجا مراد از اشتهار اعلان تجارتی است کلکته نشر می‌شد
[٣٢] مراد از قطع اخبار می‌باشد
[٣٣] حبل المتین اخباری بود که در همین وقت بزبان دری در کلکته نشر می‌شد و مدیر آن یك تن ایرانی بنام مویدالاسلام بود.

بوده و ادیتر یعنی عنوان گذار که تصحیح و ترتیب عبارات و مضامین را می‌کند خود مولوی عبدالروف‌خان بود.

بدینترتیب در داخل ۱۱ ماده فوق اجازه نشر اخبار مذکور پیشنهاد گردیده، امر طبع و نشر آن از طرف سردار عبدالقدوس‌خان اعتمادالدوله اعطاء شد.

از مواد پیشنهاد برمی‌آید که اخبار و مطالب خار جی غالباً از اخبارهای خارج که به زبان‌های انگلیسی، عربی، اردو و غیره در کشورهای مربوط نشر می‌گردید، اقتباس می‌گردید و چون در ارسال و مرسول روزنامه‌ها مانند امروز سرعت وجود نداشت ازینرو به یقین می‌توان اظهار نمود که خبرهای اقتباس شده تازگی خود را از دست می‌داد. ولی بازهم چون درین سرزمین قبلاً وسیله‌ای نبود که در باب خبرهای مربوط اطلاع بدهد، هنوز هم درینجا تازه به حساب می‌آمدند.

موضوع تصحیح و تدوین و رفع مسایل مورد اختلاف مهم تلقی گردیده است. در کته گوری‌های مطالب پیش بینی شده ضمن اخبار رسمی و وقایع خارجه مطالب دارای علایق نزدیك انسانی چون نرخ غله، موسم‌ها که مراد آن حاصلات و عایدات مردم، نسخه‌های ادویه، وسایل طبیه و مانند آن گنجانیده شده است که این خود قرابتی می‌رساند به روزنامه‌نگاری امروزه.

معلوم می‌شود که اخبار مذکور عموماً بالای صاحب منصبان اردو و ماموران ملکی فروخته می‌شد و شاید هم شکل جبری را داشت.

اصطلاح ادتر امروز مدیر اخبار بمعنی عنوان گذار و تصحیح و ترتیب کننده آمده است و چون در جایی ادتران قید شده ازینرو شاید عنوان گذاری بدوش شخصی و تصحیح و ترتیب راهم اشخاص دیگری می‌نمودند. چنانچه این امر فعلاً در دستگاهای خیلی عصری خبرنگاری معمول است.

بهرحال با این کوایف و شرایط سراج‌الاخبار افغانستان بروز پنجشنبه ۱۵ ذیقعدةالحرام ۱۳۲۳ مطابق ۱۱ جنوری ۱۹۰٦ مسیحی نخستین بار نشر گردید. مدیر و مؤلف اخبار مذکور مولوی عبدالروف‌خان، مدرس مدرسه شاهی بوده و در مطبع دارالسلطنه کابل طبع می‌گردید.

در صفحه نخست اخبار نام آن «سراج‌الاخبار افغانستان» به خط ثلث عربی تحریر یافته در حصه بالای نام این دو بیت نوشته شده است:

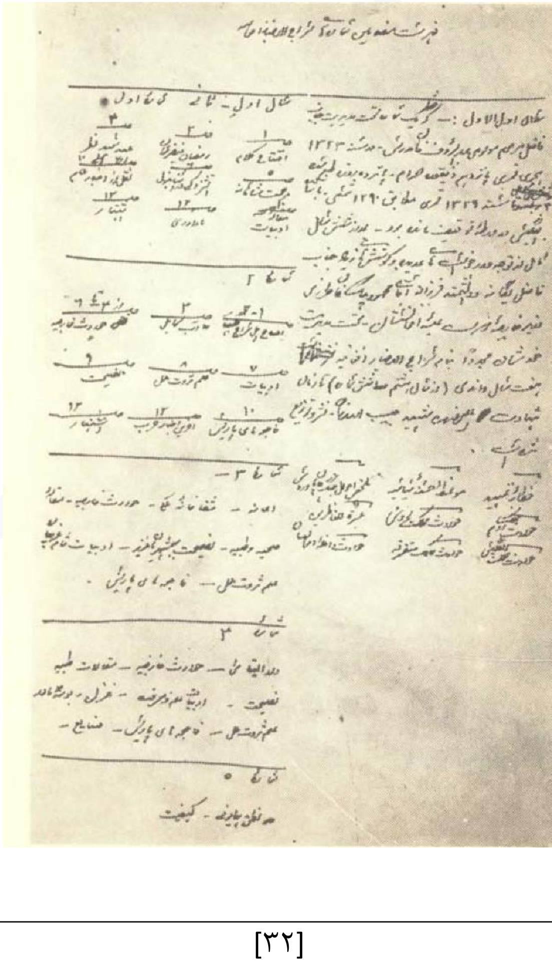
این لوح مقدس بدل اگه بین ‌‌‌‌ ‌‌ از نقطه زبان قلمم کوته بین
دیبــاچه لااله الا الله خـوان ‌‌ ‌‌ عنوان محمد الرسول الله بین

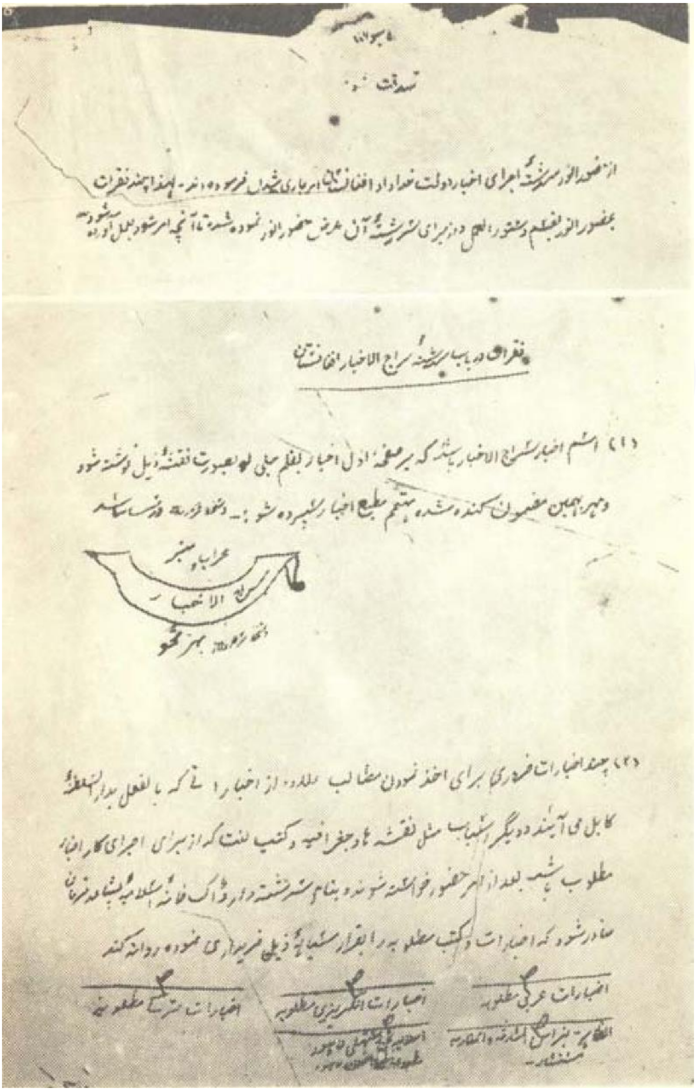

سراج الاخبار افغانستان
۱۳۲۳
فهرست مضامین اخبار

بطرف راست نام اخبار اسم مدیر و مهتمم، مطبعه، تاریخ طبع و مسأله قیمت اخبار که گفته شده «پیشتر نزد مهتمم اخبار ارسال دارند» ثبت گردیده و بطرف چپ قیمت اخبار بدینشکل تحریر یا فته است:

	سالانه	ششماهه
دار السطنه کابل	هشت روپیه پخته کابلی	پنج روپیه پخته کابل
ممالک محروسه دولت افغانستان	ده روپیه	شش رپیه
ممالك متفرقه دول خارجه	بیست چهار روپیه	سیزده رپیه
قیمت يك قطعه	يك عباسی	

در صفحات ذیل عین دوسیه نشر سراج‌الاخبار افغانستان با امر و امضای مرحوم سردار عبد القدوس‌خان اعتماد الدو له تقدیم می‌شود.





از حضور انور سررشته اجرای اخبار دولت خداداد افغانستان امر جاری [illegible] فرموده اند. لهذا چند فقرات
بحضور انور [illegible] دستور العمل در باب سررشته آن عرض حضور انور نموده شده تا آنچه امر شود عمل آورده شود
فقرات در باب سررشته سراج الاخبار افغانستان
(۱) اسم اخبار سراج الاخبار باشد که بر صفحه اول اخبار بقلم جلی بصورت نقشه ذیل نوشته شود
و مهر همین مضمون کنده شده [illegible] طبع اخبار [illegible]
محراب و منبر
سراج الاخبار
(۲) چند اخبارات ضروری که برای اخذ نمودن مطالب علاوه از اخبارهائی که بالفعل بدار السلطنه
کابل می آیند و دیگر اسباب مثل نقشه ها جغرافیه و کتب لغت که از برای اجرای کار اخبار
مطلوب باشد بعد از امر حضور خواسته شوند و بنام سررشته دار ڈاک خانه [illegible] فرمان
صادر شود که اخبارات و کتب مطلوبه را بقرار تفصیل ذیل خریداری نموده روانه کنند
اخبارات عربی مطلوبه
اخبارات انگریزی مطلوبه
اخبارات ترکی مطلوبه

اخبارات اردو مطلوب

بمبی گزت - دهلی گزت - کرزن گزت   نصرت الاخبار   مهر درخشان   اخبار سوداگر

نقشه های کلان بلفظ فارسی روغنی کره ارض - بر اعظم ها

مراة الارض مطبوعه مطبع اسلامیه لاهور

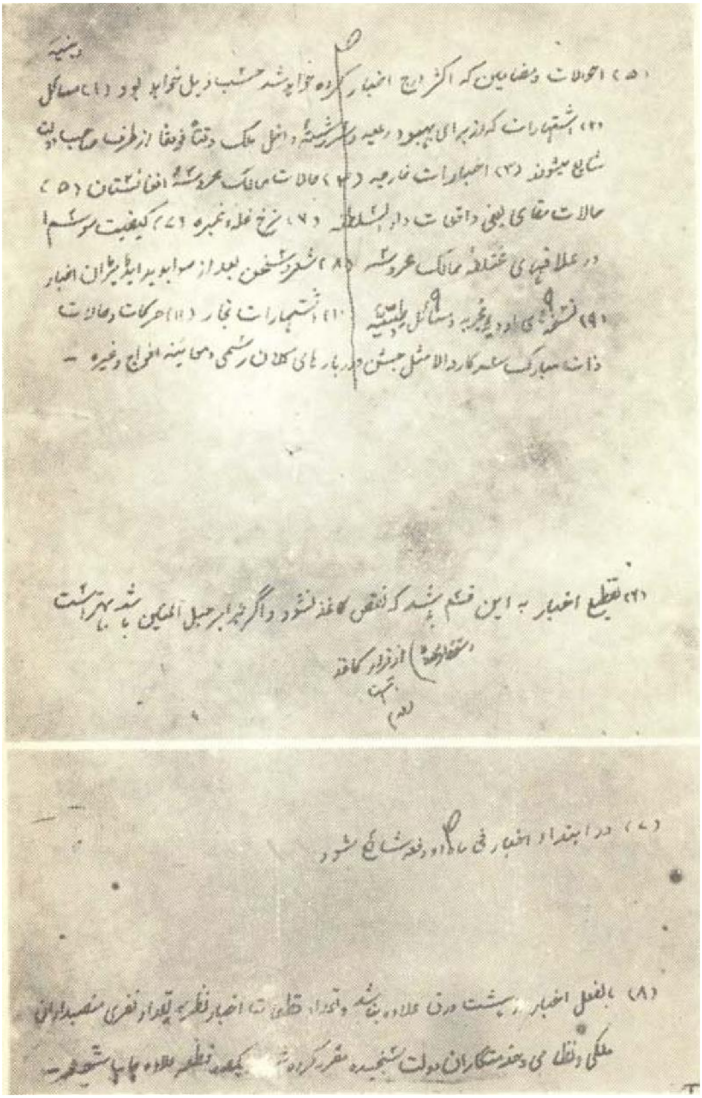
اطلس بلفظ فارسی مطبوعه مطبع مفید عام لاهور

کتاب های لغت فارسی و عربی از هر قسم یک یک جلد

و [illegible] لغت لازمه ... گشته شود بعی ... از ... بیست جلد ... خریده شود

(۳) احوالات دار السلطنه توسط کوتوالی به جلسه شوری برسد و بعد از آن بقرار سوا[ی] خاص برید اهل شوری واقعات قابل اشاعت در مطبع اخبار فرستاده شود و ایدیتران اخبار عبارات را درست کرده به محرر پاک نویس بسپارند

(۴) بعد از اصلاح عبارات و مضامین اهتمام مطبع بصوابدید ایدیتران مضامین را ترتیب نموده برای کاتبان چاپی بسپارند و هم این امر را ملحوظ داشته باشند لاکن حتی الوسع از مسائل اختلافی احتراز کرده شود و در تطبیق مذاهب سنی نموده شود خصوصاً مذاهب اربعه حنفی اهل اسلام را به دلائل و براهین تطبیق داده شود تا اختلاف جزئیات رفع شود و ما بین کافه اهل اسلام عقد مواخات و برادری قائم شود -



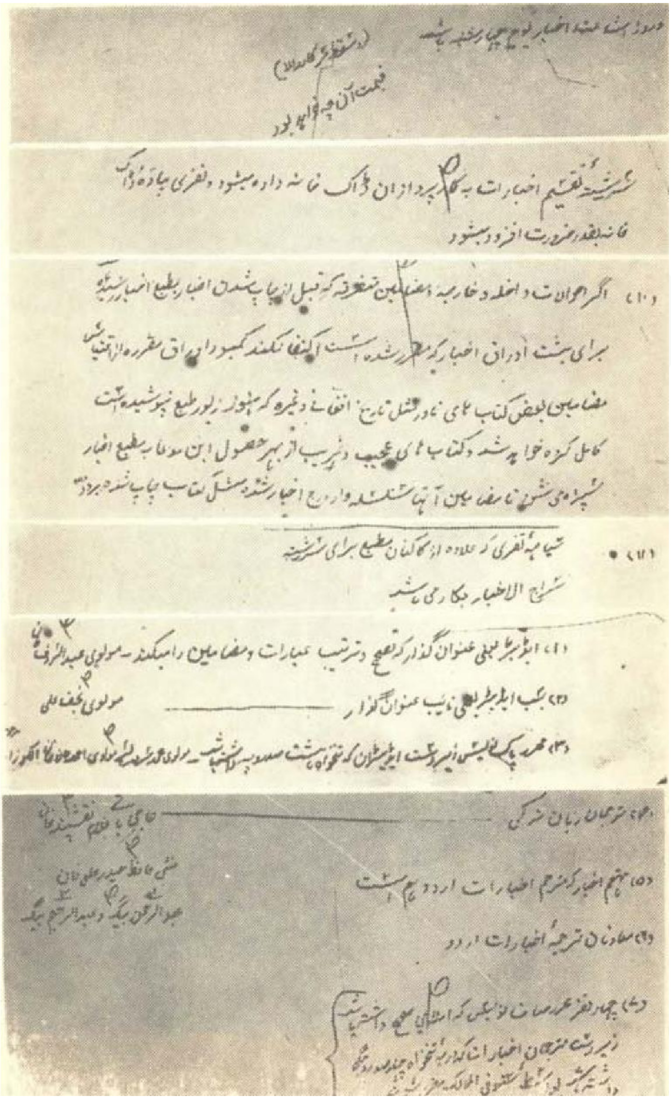
دینیه

(۵) احوالات ومضامین که اکثر درج اخبار کرده خواهد شد حسب ذیل خواهد بود (۱) مسائل
(۲) اشتهارات که از برای بهبود رعیه و سررشته داخل ملک وقتاً فوقتاً از طرف [illegible]
شایع میشوند (۳) اخبارات خارجه (۴) حالات ممالک محروسهٔ افغانستان (۵)
حالات مقامی یعنی واقعات دار السلطنه (۶) نرخ غله نمبره (۷) کیفیت مراسم
در علاقه‌های مختلفهٔ ممالک محروسه (۸) شعر و سخن بعد از صوابدید مدیران اخبار
(۹) نسخه‌های ادویه مجربه و مسائل طبیه (۱۰) اشتهارات تجار (۱۱) حرکات و حالات
ذات مبارک سلطنت مدار مثل جشن و دربارهای کلان رسمی و معاینه افواج وغیره —

(۶) قطع اخبار به این قسم باشد که نقص کاغذ نشود و اگر برابر حبل المتین باشد بهتر است
(منظور است) از قرار کاغذ [illegible]

(۷) در ابتداء اخبار فی ماه دو دفعه شایع شود

(۸) بالفعل اخبار به هشت ورق علاوه نباشد و تعداد قطعات اخبار نظر به تعداد نفری منصبداران
ملکی و نظامی و خدمتگاران دولت سنجیده مقرر کرده شود [illegible] بعد نظر علاوه چاپ شود —



ورود [illegible] اخبار یوم چهارشنبه باشد

(دستخط [illegible])

قیمت آن چه خواهد بود

شرشته تقسیم اخبارات به کارپردازان ڈاک خانه داده میشود و نفری جداگانه ڈاک خانه بقدر ضرورت افزود میشود

(۱۰) اگر احوالات داخله و خارجه مضامین متفرقه که قبل از چاپ شدن اخبار بطبع اخبار رسیده برای بست اوراق اخبار که مقرر شده است اکتفا نکنند کمبود اوراق مقرره از اقتباس مضامین بعض کتاب های نادر قبیل تاریخ افغانستان وغیره که هنوز زیور طبع نپوشیده است کامل کرده خواهد شد و کتاب های عجیب و غریب از بهر حصول این مدعا بطبع اخبار [illegible] تا مضامین آنها شکسته وارد اخبار شده مثل کتاب چاپ شده بر [illegible]

(۱۱) تا جمله نفری که علاوه از کارکنان مطبع برای شرشته سراج الاخبار بکار می باشد

(۱) ایدیتر یعنی عنوان گذار که تصحیح و ترتیب عبارات و مضامین را میکند — مولوی عبدالرؤف

(۲) نایب ایدیتر یعنی نایب عنوان گذار ———— مولوی نجف علی

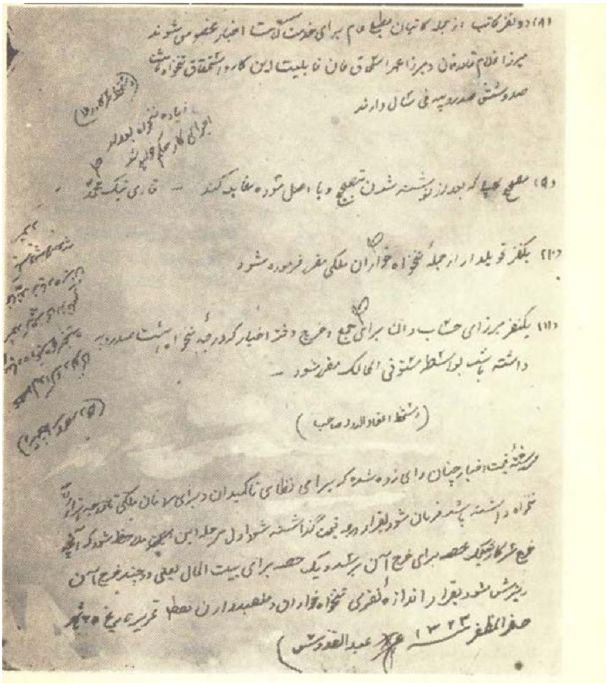
(۳) محرر یک نفر [illegible] زیر دست ایدیتران که تنخواه هشت صد و پنجاه [illegible] — [illegible]

(۴) ترجمان زبان ترکی ———— حاجی [illegible] نقشبندی

(۵) مهتمم اخبار که مترجم اخبارات اردو هم است — منشی حافظ حیدر علی خان

(۶) معاونان ترجمهٔ اخبارات اردو — عبدالرحمن بیگ و عبدالرحیم بیگ

(۷) چهار نفر [illegible] که [illegible] داشته باشند زیر دست مترجمان اخبارات گذارند تنخواه [illegible] داشته [illegible]



در زیر نام این عبارت تحریر یافته است: «اخبارنامه حکمیه، سیاسیه، شرعیه یکماه دو دفعه چهاب و تقسیم می‌شود.»

بعد از نام و تاریخ و شرح اشتراك دو سطر دو ستونه بدین عبارت جلب نظر می‌کند:

«هر کسی از علما و دانایان داخله مملکت افغانستان و ممالك خارجه هرگاه مصلحت ملتي يا دولتي يا مسأله شرعیه را بخاطر داشته باشد و مکتوب برای مدیر ارسال دارد مکتوب او را قبول نموده هرگاه پسندیدیم داخل اخبار هذا نموده می‌شود».

در ستون اول قبل از آنکه سرمقاله خود را مدیر اخبار آغاز کند، فهرستی از مطالب مندرجه اخبار جلب نظر می‌کند. در این فهرست مطالب ذیل شامل می‌باشد: «خطابه تمهید، موعظه حسنه سیاسیه، احوال جنگ جاپانی و روسی، حوادث مملکت روم و مصر، حوادث مملکت روس، عبرةاللناظرین، حوادث مملکت انگلیس، حوادث ممالك متفرقه و حوادث داخله و مملکت افغانستان

مدیر اخبار در سرمقاله خویش بعد از حمد حضرت الهی و صلوات به حضرت رسالت پناهی... می‌نویسد: «واقفیت و اطلاع بر کیفیت کار عالم و خبرداری بصورت معیشت و بودوباش طوایف بنی آدم از جمله ارکان سعادت دو جهانی و اجزا و بهبود مصلحت شخصی و ترقی عمومی نوع انسانیست.»

موصوف برای ثبوت این ادعای خویش نوشته است که تقریباً خمس قران راجع به قصص و حکایات گذشته گان است تا را جع به حال آنان برای عبرت عمومی امت محمدی (ص) باشد.

بهمین ترتیب راجع به فائده اطلاع و خبر با اشاره به آیات قرآنی و راجع به نشر اخبار دولتی با ستناد آیه کریمه و امثال آن استشهاد نموده و ضمناً درین مورد بگفته پیغمبر اسلام (ص) نیز استناد نموده می‌نویسد: که «بنابران اعضای انجمن سراج‌الاخبار عزم انشاء جدید این امر سدید را نموده...» در سرمقاله نوشته شده است که چون اخبار سایر کشورها بوطن ما می‌رسد لازم است اخبار ما نیز به آنها برسد.

درین حال نوشته است که فرزندان این خاک باید اول از احوال وطن خود آگاه شوند و سپس از: «اطوار اهل عالم و بلندی ایشان ...»

از متن سرمقالهٔ مذکور ظاهر می‌گردد که در آنوقت اصلاً نشر اخبار شاید کار و عمل خوبی پنداشته نمی‌شد و بنابر همین امر بود که مدیر اخبار خواسته است ضرورت نشر اخبار را با ستناد آیات قرآنی و گفته‌های محمد (ص) و غیره تاکید کند تا انتقاد کنندگان را محلی برای انتقاد و تردید باقی نماند.

نقطه خیلی مهم مقاله گنجا نیده شده موضوع خبرنگاری است و آن عبارت از اخبار از احوال داخل و خارج می‌باشد که اتفاقاً مطابق روحیه عصری ژورنالیزم

آگاهی از اخبار دا خله را مقدم دانسته و احوال خارج را بدجه دوم اهمیت قرار می‌دهد.

در مقاله تحت عنوان «موعظه حسنه سیاسیه» درباره تمدن بشری صحبت رانده شده. درینجا «رکن اکمل» تتمیم تمدن بشر در «محبت و مودت» خوانده شده است. و مراد تمدن «تألیف و ترکیب و جتماع بنی نوع» خوانده شده است نه بناءخان‌ها و دیوارها. راجع باین موضوع مطالب متعددی باستناد آیات قرآنی و احادیث نبوی و حکایات بیان نموده و نصایح تقدیم نموده است. در حقیقت طرز نوشته و ادای کلام او به شیوه خیلی جالبی بوده است. امروز علمای ژورنالیزم سفارش می‌کنند که نوشته‌های خود را با آمیختن به مثل‌ها، گفته‌های قصار، اقتباسات و حکایات جالب بسازند. چه این شکل نویسندگی مثل افسانه‌گویی است که علا وه بر آنکه خرسندی شنونده را فراهم می‌کند در ذهن نشین ساختن مطالب نیز نقش عمده دارد.

اخبار خارجه‌ای که در سراج‌الاخبار افغانستان جلب نظر می‌کند همه از روزنامه‌های مختلف ترجمه گردیده و هر کدام آن به تفصیل و شرح مکمل درج گردیده است. حتی می‌توان گفت که این شیوه مشرح و مفصل بودن آن به مجلات اخباری عصر حاضر مشابهت دارد. بطور مثال در «احوال جنگ جاپانی و روسی» علاوه از تذکار آغاز و انجام جنگ در مورد تلفات و خسارات و اعدا د مربوط بصورت مفصل بحث شده و ضمناً صلح‌نامه بین آنها نیز درج گردیده است. بهمین ترتیب در سایر خبرها طریق تفصیل نویسی دنبال شده است.

باید گفت که زیر هر عنوان نخست يك خبر جدی‌تر و جاندارتر نشر شده و بعد ازان اخبار کوچك نشر گردیده. عناوین خبرهای کو چك معمولاً نام و تاریخ نشر اخبار می‌باشد

نمونه‌های خبرهای مذکور:

«يك شخص در انگلستان ماشین جدیدی ایجاد کرده است که بذریعه آن حمام گرم کرده می‌شود و گرمی و سردی هوای حمام بدست خود انسان می‌باشد و ازان هوای حمام صاف می‌شود.»

«یك عریضه هفت میل دراز که بران شش لك و سی و یکهزار دستخط می‌باشد برای پیش نمودن به پارلمینت برتانیه تیار و در آن تحریر کرده شده است که شاه عالم پناه عمل جراحی سگ‌ها را بالکل مسترد فرمایند.»

«در مملکت مصر یکصد و سی و سه قطعه اخبار جاری می‌باشد ازان جمله هجده قطعه اخبار یومیه می‌باشد و سه قطعه اخبار در هفته سه دفعه و سه قطعه در هفته دو دفعه و هفتاد و شش قطعه در هفته یکدفعه و نوزده قطعه در ماه دو دفعه و همچنین باقی آنها می‌باشد.»

تحت عنوان «حوادث داخله مملکت افغانستان»، راجع به سفر امیر وقت بطرف جنوبی بحث شده درین جا در مقدمه راجع به مراحم امیر در حق رعایای جنوب تذکر بعمل آمده و بعداً عریضه‌ای از مردم لوگر مبنی بر سفر امیر قسم نوشته خیرمقدم باوشان فرستاده شده است. در اینجا بطور مثال چند جمله آنرا نقل می کنیم:

«قبله عالما زاد الله تبارك و تعالی اجلا لکم هزاران هزاران شکر و ثنا مر حضرت پادشاه بی‌همتا را که از لطف و مرحمت خویش بر اهالی افغانستان اینچنین پادشاه حق گزین و غمخوار دین متین حضرت سیدالمرسلین (ص) را اعطا فرموده پس بر خودها لازم و فرض می‌دانیم که همواره شکرانه این نعمت عظمی را بجا آوریم تا نعمت ما افزون گردد. چنانچه خداوند تبارك و تعالی در قران شریف فرموده اند لئن شکرتم لازیدنکم یعنی اگر شکر نعمت را بجا آورید زیاده می‌فرماییم. نعمت شمایان را. لهذا عرض می‌داریم که درین مدت چهار سال که اورنگ امارت پادشاهی بوجود مسعو داعلیحضرت همایونی زیب و زینت یافته مرا حم بی‌پایان و نوازشات شاهانه را افزون از حد و بیان نسبت باحوال خودها مشاهده نموده ایم» این عریضه در پنج ستون تقدیم شده و بالمقابل اعلیحضرت نیز نوازشات و فرمایشات خود را بجواب آن پرداخته بدینصورت:

«این عریضه‌ای که شما پیش نموده اید حالی و دانسته گردید. آنچه صواب بدانیم بجواب شمایان در بیان می‌آورم - اول اینکه درین فقره تصدیق قول شمارا می کنم که چون قوم افغانستان در...خانه جنگی بسیار مشهور می‌باشند لاکن با وجود شهرت این لفظ از تمام شما مردم تا این زمان بمقابل دولت و پا دشاه هیچ

مخالفت دیده نشده...» بدین‌تر تیب گفتنی‌ها و هدایات خود را تقریباً طی هفت ستون اخبار اظهار نموده است.

آخرین موضوع که درین اخبار جلب نظر می‌کند یك قصیده مدحیه وعظیه است که محمدسرور ابن مولوی احمدجان قندهاری متخلص به واصف آنرا سروده است. و بعد ازان اعتذاری از طرف مدیر نشر شده است. خطاط اخبار عبارت بود از مرزا محمداسحق‌خان.

در نتیجه و انجام این مقاله می‌توان اظهار کرد که متن اخبار، چه از نظر سبك و شیوه نوشتن و چه از نگاه کثرت استعمال لغات و کلمات عربی برای کم سوادان و نیمه باسوادان مشکل بود. مخصوصاً این امر در آنوقت که مکتب و مدرسه به ندرت یافت می‌شد خیلی مشکل به نظر می‌رسد. و علاوه در نشر و طبع اخبار متنوع خارجی توجه زیاد صرف می‌شد و لی از نظر داشتن اخبار محلی دچار قلت بود. در حقیقت از ۳٦ صفحه اخبار محض هشت صفحه آن وقف مطالب داخلی شده است و عبارت از خبر سفر امیر به جنوبی، مکتوب مردم آنولا و مکتوب (امیر) باقیمانده بجز دو مقاله مفکوره‌ای (سرمقاله و مقاله‌ای راجع به تمدن) و یك قصیده بقیه همه و قف اخبار خارجی شده است. در شیوه خبرنگاری آن مخصوصاً در نشر خبرها و مطالب خارجی روح تشریح و تفصیل نهفته است. بطوریکه یك خبر تا حد امکان اکثر سوالات خواننده را جواب می‌گوید.

اخبار مذکور، طوریکه گفته شد بعد از نشر نخستین شماره متوقف شده و برای شش سال دیگر با زهم افغانستان دا رای کدام اخباری نبود.

سراج‌الاخبار بعد از شش سال:

تقریباً بعد از شش سال از (۱۹۰٦ تا اواخر سال ۱۹۱۱) بازهم افغانستان اخباری نداشت که بواسطه آن در نشر و اشاعه اوضاع واحوال روز مطالب علمی جهت آگاهی و بیداری مردم بپردازد. باالاخر در ۱٦ میزان سال ۱۲۹۰ چراغی که شش سال پیش خاموش ساخته شده بود، مجدداً روشن شده و در عالم مطبوعات به پرتو افشانی آغاز نمود. این چراغ سراج‌الاخبار افغانیه بود که با اهداف جدا گانه و شکل تازه‌تری شروع به نشرات کرد.

سراج‌الاخبار نیز هنگام سلطنت امیر حبیب‌اللهخان بوجود آمده، ناشر[۳۴] و مدیر آن محمود طرزی بود. محمود طرزی بحیث یك مرد سیاست، ادبیات و بحیث پدر روزنامه‌نگاری افغانستان از همکاران نزدیك ا میر حبیب‌اللهخان، شاهزاده عنایت‌الله معین‌السلطنه و بعداً اعلیحضرت امان‌اللهخان به حساب می‌آید. وی در مساعی این دو پادشاه افغانستان برای انکشاف و عصری ساختن کشو رسهم فعال داشته و خدمات فراموش ناشدنی انجام داده است.

امیر حبیب‌اللهخان، از نظر سیاست داخلی، پیروی روش پدر خود، امیر عبدالرحمن‌خان را نمود. ولی در امور خارجی در پی استقلال افغانستان افتید. او می‌خواست موافقتنامه ۱۹۰۷ روسیه تزاری و انگلیس را تردید نماید. درین موافقت‌نامه فیصله شده بود که سیاست افغانستان از طرف انگلیس اداره شود[۳۵] اما امیر مو صوف نتوانست باین آرزوی خود نایل آید.

هنگام سلطنت امیر حبیب‌الله غیر از یك فابریکه برق که در جبل السراج تأسیس گردید، تأسیس بعضی فابریکه‌های دیگر هم تشویق شد و گذشته ازان اعمار بعضی سرک‌ها سر دست گرفته شد. لیسه حبیبیه بحیث نخستین مکتب عصری در آنوقت افتتاح گردید.

شاید گفته شود که این‌ها همه از جانب حکومت وقت بعمل آمد، ولی باید گفت که مردم افغانستا ن نیز خاموش نه نشستند، بلکه در همه این امور و فعالیت‌ها مجدانه سهم گرفتند و بصورت شعوری در آنها داخل گردیدند. درینجا می‌توان از یك گروپ نام برد که بنام «اخوان افغان» به شمول محمود طرزی گرد هم جمع آمده به آرزوی پیشرفت افغانستان کار می‌کردند. این جوانان که ریفارم‌های کشورهای ترکیه و ایران را مشاهده می‌نمودند، بدون شك آرزوی تأمین آنگونه

[۳۴] اگر چه این اصطلاح صراحت ندارد ولی در حاشیهٔ اخبار اسم محمود طرزی زیر سرمحرر و مدیر آمده است و ما حدس می‌زنیم که شاید مراد وی از استعمال یکی از اصطلاحات همانا ناشر و از دیگرش مدیر باشد.

[۳۵] روسیه تزاری اعلام نمود که افغانستان خارج قلمرو و نفوذ آن باقی بماند و انگلیسی وعده داد که کدام گوشه خاك آنرا نه اشغال کند و نه بخود ملحق سازد. ولبر داللد، افغانستان نیوهوز پرس، ۱۹۶۲ ص ۲۰۱۹

ریفارم‌ها را در کشور خود نیز در سر داشتند و گذشته ازان آزادی کشور را آرزو می‌نمودند.[36] این آرزو و تمایل مشترك حکومت و مردم افغانستان فضایی را ایجاد نمود که در آن وجود یك نشریه لازم دیده می‌شد، نشریه‌ای که بتواند حرکات ملیت خواهی و ضد استعمار افغان‌ها را انعکاس دهد. در اثر این ضرورت مبرم بود که سراج‌الاخبار تأسیس شده و به نشرات آغاز نمود.

طوریکه ولبر نوشته است[37] این اخبار کوشش متداومی را برای تنویر خوانندگان خود برای ایجاد روحیهٔ ملیت خواهی بخرج می‌داد. در قسمت دوم این مقال در بخش تحلیل متن سراج‌الاخبار مطالبی اقتباس خواهیم کرد که واقعاً این مدعا را ثابت سازد. با وجود آنهم درینجا می‌توان اینقدر تذکار داد که گذشته از سرمقاله‌ها و بعضی مقالات سراج‌الاخبار راجع به جنبه‌های مختلف زندگی مردم افغانستان که همه پر از روحیه ملیت‌خواهی بود، بعضی خبرها و تبصره‌ها و جوا ب‌ها افغانستان در اخبارهای خارجی نشر می‌شد.، جلب نظر می‌نماید. مخصوصاً اگر خبرها بر ضد مردم و یا حکومت افغانستان نشر می گردید جداً تردید می‌شد.

بطور عموم، سیاست داخلی اخبار طوری می‌نماید که در راه تشویق و تبلیغ مردم افغانستان بسوی زندگی عصری و حیات مرفه سعی می‌ورزید. اگر نظری به صفحات سراج‌الاخبار افگنده و ستون‌هایی را چون «زنان نامور جهان»، «علم ثروت»، متخصصین جاپان، مطالب تاریخی و غیره ملاحظه نماییم باین نتیجه خواهیم رسید که هدف نشر این ستون‌ها آن بوده است تا مردم خود را نشان دهند که در جهان و ماحول ایشان چه می‌گذرد و مردم جهان بکدام ترقیات و انکشافات نایل آمده اند. بدین وسیله با عث تشویق و ترغیب آنان می‌گردید. در عین حال برای تسریع ملیت خواهی افغانستان حتی در نشرات خارجی اخبار هم مطالبی نهفته است که روحیه ضد استعمار را بمردم ترزیق می‌نماید. بطور مثال شما رهٔ ۱۷ صفحه هفت سال اول سراج‌الاخبار مطالب آتی را نشر نموده است که اگر بدقت ملاحظه شود هر کدام آن مدعای مارا باثبات می‌رساند:

---

[36] ولبر، افغانستان ص ۱۹-۲۰.
[37] ولبر، افغانستان ص ١٦٨،

زیر عنوان حوادث خارجیه، نخستین مطلب عبارت است از یك اجمال سیاسی. درین اجمال بعد از آنکه راجع به توصیه پتر کبیر در مورد اشغال هند (برای اینکه هند کدام جهان است) نوشته شده است که: «این یك واضح و آشکار است که افغانستان تا جان داشته باشد هیچ دولت اجنبی را قطعاً از خاک خود گذر نخواهد داد و اگر چنان تصور کسی بذهن و گمان خود بیاورد که قوت و ترقی دولت مستقلهٔ افغانستان و بیداری و انتباه شان برای هندوستان بیشتر از روسی ضرری وارد خواهد آورد و بازهم عبارت از یك وهم و خیال می‌ماند. در عین حال خبری را زیر حوادث خارجیه درمی‌یابیم که حاکی از اغتشاش مراکش است علیه فرانسه. موضوع دیگر عبارت از خبریست که از بیداری زنان چین صحبت می کند که این خبر گذشته از آنکه اطلاع می‌دهد در برانگیختن مردم نیز سهم کمتر ندارد. خبر گدایان پنجاب که راجع به آن قانونی وضع شده بود که هر کس برای بدست آوردن پول و ثمنی از طریق گدایی اصرار ورزد جریمه می گردید، هم کمتر قابل اهمیت نیست. چه این خبر می‌رساند که گدایی بد بوده و باید مردم ازان اجتناب کنند. خبر تعداد مکاتب میسور هم ازین قبیل است.

در سلسله این خبرها موضوعی جلب نظر می‌کند که از یك اخبار پشاور بنام «افغان» اقتباس شده است. افغان راجع به مقاله‌ای در مورد قبایل سرحدی که در اخبار اندوگیت پنجاب نشر شده بود، تبصره نموده است. درینجا اخبار افغان هر نوع مداخله دیگران را راجع به امور سرحد بصراحت تردید می‌نماید. گذشته ازان خبری زیر عنوان «آیا ترک‌ها از قوم زنده می‌باشند؟» هم از این قبیل مطالب است.

سرمقالات اخبار هم واضح طوری نوشته می‌شد که احساس پیشرفت، انکشاف، و تغییر را نزد مردم ایجاد نماید. برای اینکه مقاله‌ها مطابق روحیه مردم گردد، نویسنده سعی می‌ورزید آن را با آیاتی چند از قران پاك مزین سازد و هم گفته‌های حضرت محمد (ص) را بطور مثال تذکار می‌نمود. و گذشته ازان نوشته‌ها را با اشعار و گفته‌های بزرگان درمی‌آمیخت. بطور عموم با درنظر گرفتن مطالب بالا، خواننده می‌تواند روحیه اخبار را در راه تشویق ملیت خواهی و ضد استعمار درك كند.

چنان می‌نماید که سیاست خارجی اخبار نیز روی هدف رهبری افغانستان می‌چرخید. یعنی تردید استعمار و تحصیل آزادی وطن. با این مختصر امیدواریم

شمه‌ای از روش داخلی و خارجی سراج‌الاخبار را به خوانندگان محترم تقدیم نموده باشیم و حالا می‌گذریم به تهیه و تقدیم یك سلسله معلومات تخنیکی در مورد اخبار.

چهرهٔ سراج‌الاخبار:

در تشریح چهره و شکل سراج‌الاخبار از نخستین شمارهٔ آن شروع نمودیم. در نخستین صفحه شماره اول اخبار نام آن در وسط حاشیه بالا به خط ثلث نوشته شده است. بطرف راست آن تحت کلمهٔ ایشك آقاسی ملکی حضور اعلیحضرت همایونی «علی احمد» درج است.[۳۸] بعداً تحت مدیر و سرمحرر نام محمود طرزی درج شده است. و سپس «اداره‌خانه مطبعه» است که در زیر آن «در ماشین‌خانه دارالسلطنه کابل» نوشته شده است. «همه امور تحریریه باداره‌خانه بنام مدیر فرستاده می‌شود. بعداً تذکار یافته و بعد از همه تاریخ اخبار به حساب قمری بدین شکل درج است: «تاریخ عربی ۱۵ شوال ۱۳۲۹».

بطرف چپ نام اخبار، نخست از همه زیر «قیمت سالیانه آن» شرح اشتراك اخبار آمده است:

دار السلطنهٔ کابل ۸ رو پیه کابلی
در اطراف داخله مملکت باخراجات داك ١٤ رو پیهٔ کابلی
در خارج مملکت باخراجات داك نیم پوند انگلیسی
قیمت یك نسخه در کابل یك عباسی

بعد از شرح اشتراك جمله «بهر پانزده روز یکبار نشر می‌شود» آمده است. و بعد ازان تا ریخ اخبار به هجری شمسی آمده: تاریخ ١٦ میزان ۱۲۹۰ شمسی

در زیر نام اخبار بین دو خط این شعار جلب نظر می‌کند: «درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه و بسی مقالات مفید درج می‌شود» در بالای آن نام اخبار که توسط دو خط جدا می‌گردد، نمبر، صفحه سال و نمبر اخبار درج گردیده است.

[۳۸] ایشك آقاسی مامور امور دربار و حضور شاه بود.

چنانچه این شکل در تمام صفحات اخبار موجوده بوده، جز اینکه "سال" در سایر صفحات نیست.

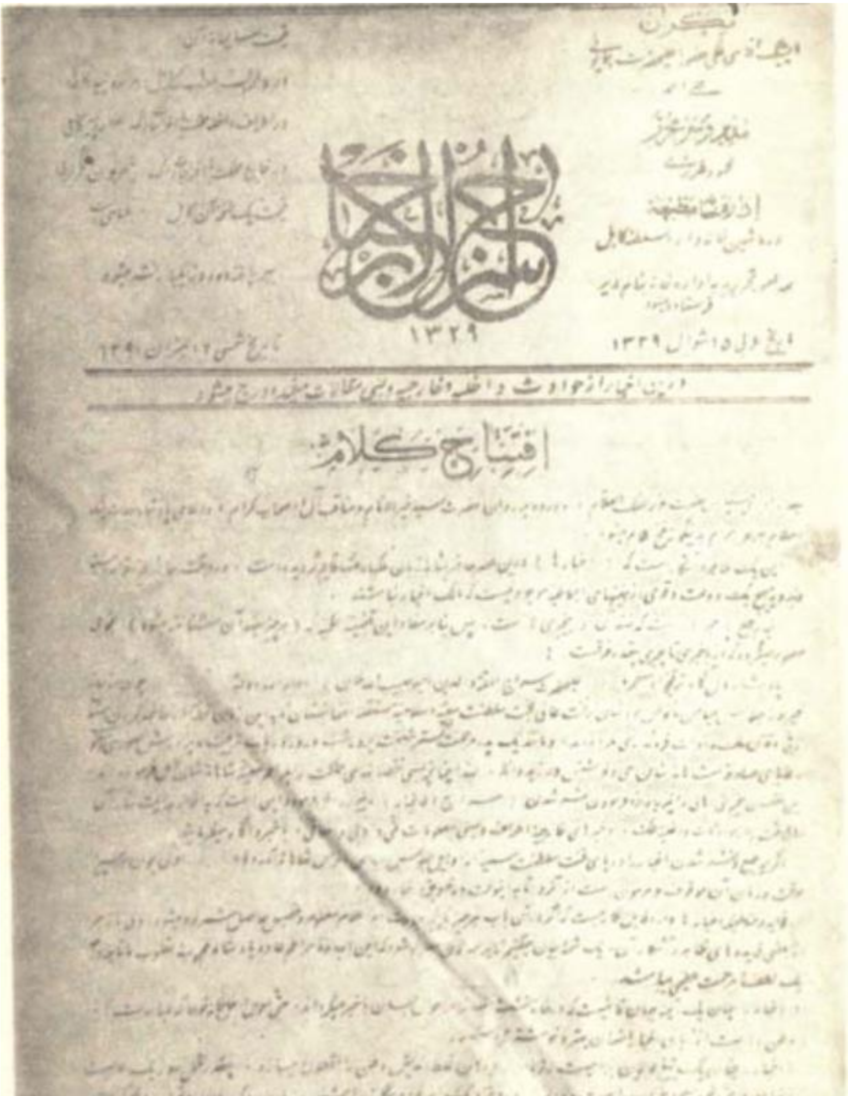
این اخبار در بدو امر توسط چاپ سنگی طبع و نشر می‌گردید.«افتتاح کلام» در صفحه اول سال اول اخبار در یك ستون بعرض صفحه طبع گردیده. در حالیکه سایر صفحات و سایر مطالب در دو ستون طبع می‌گردید. هر موضوع توسط یك خط و غالباً خط تزئین شده‌ای از هم جدا می‌شد، در عین حال متن اخبار به باب‌های جدا گانه تقسیم شده، هر باب زیر عنوان جداگانه در حالیکه رسم‌الخط آنها متفاوت می‌باشد، طبع می‌گردید.

نام اخبار تا شماره ششم سال اول هم تنها «سراج‌الاخبار» است ولی بعداً کلمه افغانیه با آن یکجا شده یعنی «سراج‌الاخبار افغانیه» سر از شماره هشتم سال مذکور نام مدیر از طرف راست بطرف چپ حاشیه بالایی انتقال داده شده است و در عوض شرح اشتراك بطرف راست نقل داده شده، بعد ازان در تمام مدت دورۀ نشراتی آن این شیوه ادامه یافته است.

قطع اخبار ۱۳.۵ × ۹ انچ بوده از شمارۀ اول تا ۱۲، دارای ۱۲ صفحه می‌باشد ولی از آغاز شماره ۱۲ تعداد صفحات آن به ۱٦ ازدیاد یافت. رسم‌الخط آن بقلم زیبای نستعلیق تحریر می‌گردید.

معلوم می‌شود که در ترتیب و صفحه بستی قسمت ادبیات اخبار توجه بیشتر معطوف می‌گردید. چه شعار بین خط‌کش‌هایی جا داده شده و حتی بعضاً رسم‌های نیز جلب نظر می‌کند.

بجز شماره اول تمام شماره‌های سراج‌الاخبار دا رای فهرست مندرجات می‌باشد. چنا نچه فهرست مذکور در ستون اول صفحه اول (طرف راست) جاداده می‌شد. ولی از آغاز سال دوم علاوه بر صفحات معموله یکی دو ورق دیگر نیز در آغاز سراج‌الاخبار به نظر می‌رسید که دارای رنگ زرد و بعضاً سبز می‌باشند. درینصورت فهرست مطا لب نیز در یکی ازین صفحات گنجانیده شد و در ینحال شکل فهرست مطالب مانند فهرست کتب می‌باشد.



صفحه اول سراج‌الاخبار

از آغاز سال دوم نشراتی خودسراج‌الاخبار به طبع حروفی آغاز کرد و باین اساس مطبعه آن با حروف‌چینی و زنگوگرا فی مجهز گردید. پس سال دوم نشراتی نه تنها با تغییری از نظر زمانی مواجه شد، بلکه این تغییر با انکشا فات و تغییراتی در وسایل و لوازم طباعتی آن هم توام بود. نخستین صفحه سال دوم نشراتی آن با فوتوی امیر حبیب‌الله‌خان مزین گردیده است و اطراف فوتو با خط کش‌هایی تزئین و احاطه شده است. ازین تاریخ به بعد شماره‌های سراج‌الاخبار دایماً با یکی دو فوتویی مزین می‌گردید. اکثر فوتوها مربوط است به امیر و یا شاهزادگان و خاندان شاهی. ولی بعضاً مناظر گوشه‌های وطن نیز کلیشه شده نشر می‌شد. با آغاز سال سوم شعاری که زیر نام اخبار بین خط کش‌ها نشر می‌شد شد جای خود را به تاریخ اخبار گذاشت. و از همین وقت به بعد اخبار مذکور گذشته از سال‌های هجری تاریخ میلادی را نیز ضبط نمود.

به تقریب چهارمین سالگره نشراتی سراج‌الاخبار شماره اول سال مذکور کاملاً در کاغذ جلادار طبع گردیده است و علاوتاً گاه گاهی غرض نشر بعضی فوتوها از کاغذ جلادار استفاده می‌شد.

از نظر عنوان نویسی و ترتیب و تدوین عناوین در این اخبار اندکی ضعف بمشاهده می‌رسد. سرمقاله‌ها، مقالات و تبصره‌ها همه عنوان دارند ولی جاییکه غالباً عنوان مفقود است، خبرها می‌باشد. بعوض عنوان به شیوه عصری آن، مخصوصاً در خبرهای خارجی، نام و تاریخ اخباری که خبر ازان ترجمه شده است بقسم عنوان بکار رفته است. و در زیر آن تمام مطالبی که از اخبار مذکور اقتباس می‌گردید، درج می‌شد. معلوم می‌شود که اسامی نویسندگان غالباً در اخیر مضامین درج می‌گردید و حتی مدیر اخبار خود با وجود آنکه بالای اخبار نامش طبع می‌گردید در اخیر متن اخبار و در اخیر هر مضمونی که می‌نوشت امضاء می‌نمود.

از آنجاییکه سال اول سراج‌الاخبار ذریعه چاپ سنگی به طبع می‌رسید، لازم است آنانیکه در نوشتن آن همت می‌گماشتند، نام‌شان را درج نماییم. این امر توسط میرزا محمدجعفر قندهاری صورت می‌گرفت. و همچنین اهتمام اخبار ذریعهٔ الحاج عبدالخالق پسر طرزی افغان بعمل می‌آمد. در اخبار مذکور بعضی رسامی‌ها جلب نظر می‌کند که اسم رسام و هنرمند آن معلوم نیست، ولی می‌توان گفت که شاید

رسامی‌های آنهم ذریعهٔ خطاط بعمل آمده باشد. چه خطاطان غالباً به رسامی نیز دسترس می‌داشته باشند .

نظری به متن سراج‌الاخبار:

نخستین شماره سراج‌الاخبار با مقاله‌ای، زیر عنوان «افتتاح کلام» بقلم مدیر اخبار آغاز می‌شود. درین مضمون بعد از اظهار سپاسگذاری از امیر وقت راجع به تأسیس اخبار مذکور چنین نوشته شده است: «این یك ظاهر و آشکار است که (اخبارها) درین عصر به مثابه زبان ملک‌ها و ملت‌ها قایم گردیده است و در وقت حاضر بجز اقوام وحشیه و بدویه هیچ یك دولت و قومی از هیئت‌های اجتماعیه موجود نیست که مالک اخبار نباشد.» درین مقاله تحریر یافته است که «اخبار جمع (خبر) است که ضد آن بی‌خبری است. پس بنابر مفاد این قضیه حکمیه که هر چیز بضد آن شناخته می‌شود بخوبی معلوم می‌گردد که از باخبری تا بیخبری چقدر فرق است.»

مدیر اخبار درین مقاله راجع به فواید اخبار اینطور نوشته است: «اخبار چنان یك آیینه جهان نمائیست که در خانه نشسته انسانرا از احوال جهان باخبر می‌گرداند...» و هم گفته است که «اخبار چنان یك تیغ عریان برانیست که زبان بدخواهان غلط‌اندیش وطن را مقطوع می‌سازد...» در پارا گراف دیگر تذکار یافته که «اخبار چنان معلم ادیبیست که انسانرا بدون قید و فشار بر تحصیل و یادگرفتن بسی علوم و فنون عالیه شوق و رغبت می‌دهد... و بالاخره «اخبار چنان گلزار پر ازهاریست که هرکس موافق طبع خود گلی ازان برچیده می‌تواند و الحاصل از مطالعه اخبار همه صنف مردم مستفید می‌شوند و شده می‌تواند.»

از نوشته بالا برمی‌آید که مدیر اخبار هدف نشراتی خود را روی چار اصل دنبال می‌نموده و با اندکی تعمق در خواهیم یافت که روزنامه‌نگاری امروز کم و بیش روی چار پرنسیپی صورت می‌گیرد که به نحوی می‌شود آنرا با چار اصل روزنامه‌نگاری محمود طرزی تطبیق نمود.

در روزنامه‌نگاری امروزی متخصصان ژورنالیزم عقیده دارند که یك وسیله مفاهمه جمعی Mass Medium چار وظیفه را بعهده دارد که عبارت اند از اطلاع دادن

To Inform ، تعلیم دادن To Educate ، سرگرم ساختن To Entertain و روح دادن To Animate

چار وظیفه مذکور را در نوشته مدیر سراج‌الاخبار بدین نحو می‌توان ملاحظه نمود که نخست موصوف اخبار را آئینه جهان نما و آگاه کننده احوال جهان خوانده. دو دیگر اخبار را معلم تلقی کرده و سوم اخبار را بمثابه گلزاری دانسته است که هرکس ازان بهره‌ای می‌گیرد و بالاخره اخبار را وسیله مبارزه با بدخواهان و غلط‌اندیشان وطن خوانده است.

سه پرنسیب نخستین محمود طرزی به نحوی می‌تواند با سه پرنسیب خبرنگاری امروزه تطبیق گردد. ولی اصل اخیر آن (مبارزه) به تناسب اصل چهارم وظیفه یك وسیله نشراتی جزء است چه «روح دادن» آنرا در بر دارد. و گذشته ازان مبارزه نشراتی در آنوقت بشکل ملی در برابر استعمار بوده است و اندکی هم برای اصلاح امور اجتماعی. در حالیکه این وظیفه امروز در اکثر جاها اغلب به مقابل مشکلات جامعهٔ مربوط بکار می‌رود. مثلاً در برابر قحطی، مرض، بی‌سوادی و غیره که این وظیفه را یك دانشمند فن خبرنگاری[۳۹] بنام مبارزات بزرگ یاد کرده است. بهرحال چند سطر فوق را قسم آغاز این حصه نوشته خویش با ارتباط به نخستین کلام مدیر سراج‌الاخبار مورد مداقه قرار دادیم که در حقیقت اساس خبرنگاری او را همین اساسات تشکیل می‌داد. حالا متن اخبار بصورت مختصر مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در آن جستجو می‌گردد که حاوی چگونه مطالب بوده و مطالب آن چگونه پرورده شده است.

از مطالعه متن نخستین شمارهٔ سراج‌الاخبار معلوم شد که:

نخست در آن سر مقاله‌ای جلب نظر کرد که مقدمه این نوشته حاوی مطالب آنست.

دومین موضوعی که بدنبال سرمقاله درج گردیده است عبارت از «حوادث

[۳۹] ادهلمگر ن پروفیسر مهمان در پوهنځی ادبیات که از طرف اداره فولبرایت بکابل فرستاده شده بود این اصطلاح را بکار برد.

داخلیه» می‌باشد. زیر این عنوان تمام خبرها و حوادثی که در مرکز و ولایات افغانستان بوقوع می‌پیوست، درج می‌گردید. قابل تذکر است در شماره‌های چند سال اول خبرهای داخله آن به تناسب خبرهای خارجه کمتر بوده که شاید هم این امرشناسی از قلت وسایل، کمی و نارسایی پرسونل کافی باشد. در حقیقت زیر این عنوان در جملهٔ مطالب و حوادث داخلی، خبرهای دولتی بیشتر جلب می‌کند.

باید گفت که سراج‌الاخبار بعضاً در اخیر بعضی خبرها زیر عنوان «سراج‌الاخبار» تبصرهٔ تاییدی و یا تردیدی مبنی بر وقوع یك حادثه نشر می‌نمود که شاید این از شیوه اندکی دور از روش خبرنگاری امروزی باشد. چه امروز مفکوره کاملاً (که از مدیر اخبار، متخصص و یا مردم باشد) در یك قسمت بنام صفحه مفکوره و سرمقاله جمع می‌گردد. و خبرها بدون هیچگونه رابطه‌ای با فکر مدیر و خبرنگار بصورت آفاقی در سایر صفحات درج می‌گردد.

سومین کته گوری متن شماره اول سراج‌الاخبار عبارت است از:

«حوادث خارجیه» حوادث و خبرهای خارجه عموماً از اخبارهای خارجی نقل و ترجمه می‌گردید. چنانچه در شماره اول خبرهای خارجه از اخبار عام (شماره ۱۸ سپتمبر ۱۹۱۱) اخبار، وکیل (۲۳ سپتمبر ۱۹۱۱) و یك خبرهم از اخبار ترکی نقل و ترجمه گردیده است.

چارمین موضوع عبارت از ادبیات بوده نخستین مقاله ادبی بقلم مولوی عبدالرؤف، ناشر و مدیر سراج‌الاخبار افغانستان و مدرس مدرسه شاهی، نوشته آمده است.

در شماره اول وعده داده شده است که برای «تسلی و ساعت تیری خاطر» خوانندگان ناولی بنام (فاجعه‌های پاریس) در اخبار مذکور نشر می‌گردد.

یك نظر اجمالی به شیوه و طرز نوشتن خبر می‌رساند که در آن هنگام چه در خبرهای داخلی و چه در اطلاعات خارجی، در نوشتن افتتاحیه عناصر خبر به ترتیب اهمیت مدنظر گرفته نمی‌شد. و هم اکثر خبرها به شکلی که واقع شده بود ترتیب می‌گردید. یعنی قسم (کرونولوژی حوادث) در قسمت ترتیب عنا صر خبری به ترتیب اهمیت آن باید گفت جاییکه خبر بایست به «چه» آغاز می‌گردید نشده

و در عوض تاریخ حدوث خبر و محل وقوع آن بدرجه اول اهمیت قرار گرفته است. و یا هم بعضی مسایل ضمنی و جزیی دیگر آمده و بعد ازان «چه» که در حقیقت حایز اهمیت درجه اول است تذکر یافته است. مثلاً خبر آتش‌زدگی بزرگ استانبول چنین آغاز شده است: «در تاریخ ۲٦ رجب در شهر استانبول در روز جشن پر سرور ملی شان که همه عثمانیان برای اظهار شادمانی و سرور گرم فرحت بودند در نفس استانبول یك آتش زدگی‌خانمانسوزی ظهور نمود.»

درین افتتاحیه حقیقتاً چیزیکه خیلی مهم است «آتش زدگی می‌باشد» که عبارت از «چه» خبر است و افتتاحیه بایست با آن آغاز می‌شد ولی در بعضی خبرها حتی شیوهٔ نوشتن هرم معکوس[٤٠] بملاحظه می‌رسد می‌رسد. چنانچه در عین شماره در صفحه ۹ خبر ذیل بطرزی که لازم است نوشته شده است: «باغیان البانی از جبل اسود واپس شده بخانه‌های خود رسیدند...... درین خبر «که» بدرجه اول اهمیت قرار می گرفت چنانچه گرفته است.

در جمله خبرهای داخلی افتتاحیه خبر عیدفطر مندرجه صفحه ٤ شماره اول چنین آمده است:

«بوقت شام روز یکشنبه سلخ ماه مبارك رمضان هلال غره ماه شوال المکرم خیلی ظاهر و نمایان در نظر همه‌گان جلوه‌گر گردیده بنواخته شدن سي و یك فیر طوپ فردا ثابت بودن عید سعید میامن پدید فطر اعلان گردید.»

درین افتتاحیه اصلاً قسمت خیلی مهم و جالب آن حصه ایست که فوری بخواننده می گوید: فردا عید است و این حصه بعقیده نگارنده از نواخته شدن سی و یك طوپ آغاز شده و تا اخیر جمله می‌باشد. حصه اول افتتاحیه مذکور جز عده مطالب درجه دوم و سوم چیز دیگری نخواهد بود.

ولی رویهمرفته به تناسب خبرنگاری پیشتر از خود سراج‌الاخبار با روحیه تازه‌تری آغاز می‌نماید. چه اکثر ملاحظه می‌شود که جملات نخستین خبرهای وی مطالبی است که بدرجه اول اهمیت قرار می گیرند. چنانچه در عین خبر «عید سعید فطر»

---

[٤٠] هرم معکوس شیوه نوشتن یك خبر است از آغاز تا انجام به ترتیب اهمیت اجزای خبر

نخستین اطلاع راجع بحلول عیداست و بعد ازان راجع به باریابی‌ها مراسم عیدگاه نطق امیر در سلامخانه و بعد از همه راجع به خورد و نوش صحبت شده است.

از آنجاییکه اخبار مذکور در هر دو هفته یکبار نشر می‌گردید، بناء ضرورت مشرح‌نویسی در آن احساس می‌شد و انصافاً هم این روش در سراج‌الاخبار دنبال شده است. چنانچه خبرهای «رمضان» و عید فطر در شمارۀ اول، افتتاحیه پل نیل آب در شماره دوم و امثال آن.

متن اخبار از نظر درك و فهم خواننده بازهم قابل تأمل است چه با سویه و دانشی که مردم آنوقت داشتند شاید بتوان گفت که: کمتر اشخاص می‌توانستند آنرا بفهمند، ولی رویهمرفته به تناسب نشرات قبلی متن آن ساده‌تر جلوه می‌کند.

نوشتن اکثر مطالب آن با مقدمه‌ای آغاز شده است که در آن علت نوشتن یك مطلب ارائه گردیده است. شاید بتوان گفت که مقدمه‌ای باین شکل و شیوه در مقالات و سرمقاله‌ها گنجایش دارد. ولی در موضوعات خبری دور از پر نسیب است. بطور مثال در صفحه (۵) شماره (۵) خبر «هوای کابل» با این مقدمه جلب نظر می‌کند: «درین سال فرخنده فال زمستان دهشت‌رسان شهر شهیر دلپذیرما (کابل) چابکدستی و چالاکی عجیبی در ورود زحمت آمود خود اجرا نمود. بادهای شمالی کوه‌های پربرف هندوکش بشدت تام در وزیدن آمده، با ابرهای قسوت انگیز...» درین خبر بعد از چندین سطر در آخرین پارا گراف گفته شده است که اولین برف در کابل بارید» البته اینچنین مثال‌ها بکثرت یافت می‌شود و ما اینجا به یکی اکتفا نمودیم.

رویهمرفته این شکل نوشتن و ترتیب و تبویب مطالب غیر از شماره اول در سایر شماره‌ها و حتی سال‌های مابعد با کم و بیش تغییر به ملاحظه می‌رسد. ولی هر چند روزیکه از عمر این اخبار سپری می‌شود، قدمی بسوی تنوع و انکشاف بر می‌دارد. این انکشاف را در هر یکی از پرنسیپ‌های آن مشاهده می‌توان کرد. مثلاً در پهلوی خبرها و مقالات علمی و معلوماتی انکشاف مواد سرگرم کننده نیز مورد نظر بوده است چنانچه در شمارۀ دوم گذشته از مبحث ادبیات بحیث ستون سرگرم کننده عنوان سخنان لطیفه‌آمیز و ترجمه یك شعر جرمنی هم جلب نظر می‌نماید و

گذشته ازان برای ازدیاد دانش خوانندگان مضمونی زیر عنوان علم ثروت نشر شده است.

مدیر اخبار که در عین حال علم ثروت را خود ترجمه کرده بود طی مقدمه‌ای راجع به آغاز این ستون از علوم و فنون جدید یادآور می‌شود و سپس علم ثروت را یکی از آنها شمرده و دانستن علم ثروت را بنای رفاه وسعادت حال واستقبال بشر خوانده است.

در شماره دوم سراج‌الاخبار داستانی بنام «فاجعه‌هایی پاریس» آغاز می‌یابد که این داستان هم از طرف خود محمود طرزی ترجمه گردیده است و چنانچه قبلاً تذکار نمودیم این ستون بغرض سرگرمی خوانندگان ترجمه و نشر شده است. همچنان درین شماره ستونی مبنی بر نصیحت برای خوانندگان و یك سلسله معلومات آفاقی راجع به احوال جهان جلب نظر می‌کند. مثلاً . راجع به فعالیت‌های صنعتی شهر مانچستر و اخراج آهن سالانه در تمام کره زمین می‌باشد (که ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ درج شده است).

در شمارۀ مذکور عنوانی تحت آخرترین خبرهای دارالحراب جلب توجه می‌کند که البته این خبرها راجع به محاربه بین ایتالیا و دولت عثمانی بوده است.

در شماره سوم علاوه بر مطالب شماره اول و دوم عنوانی بنام مقالات صحیه و طبیه اضافه شده است و نخستین بار مقاله‌ای مبنی بر صحت عایله در زیر عنوان مذکور نشر گردیده است.

قابل تذکر است که غیر از خبرهای داخلی و خارجی سایر موضوعات متن اخبار اکثر توسط مدیر اخبار یا نوشته و یا ترجمه شده است. شماره چارم و پنجم بازهم عین مطالب را درج کرده اند. ولی شماره پنجم در نشر خبرهای داخلی اندکی سبقت دارد و درین شماره برای نخستین بار یك خبر تیلفونی که وصول امیر را به جلال‌آباد اطلاع می‌دهد، نشر گردیده است و گذشته ازان چون موقع حلول زمستان بوده بناء راجع به هوای کابل و باریدن نخستین برف در کابل چند سطری نشر شده است. چنانچه در شماره‌های بعدی هم تا زمانیکه زمستان دوام داشت همیشه یك خبر راجع به هوای کابل نشر شده است.

موضوع جالب توجه در شمارۀ پنجم این بوده است که ستون‌های اختصاصی مانند علم ثروت، ادبیات و داستان نشر نشده است. و علت عدم نشر آن شاید هم کثرت مطالب خبری بوده است. چه شمارۀ مذکور حاوی یکتعداد زیاد خبرهای خارجی می‌باشد که از اخبارهای متنوع و متعدد اقتباس و نشر شده است. ستون‌های اختصاصی در شماره ششم مجدداً نشر گردیده است.

در شمارۀ هفتم علاوه بر مطالب و ستون‌های اختصاصی شماره‌های گذشته عناوین تازه‌ای بنام «ناموران زنان جهان» و «مقالات فنیه» جلب نظر می‌کنند. زیر عنوان ناموران زنان جهان نوشته شده است که برای فایده برداشتن بی‌بی‌های مستورات و بیگم‌های مخدرات وطن عزیز خود، احوال زنان مشهور جهان را گاه گاهی درج اوراق سراج‌الاخبار می‌نماییم. مدیر اخبار علاوه نموده است که: «حتی اگر کسی بر ما ایراد بگیرد که هنوز درصد یکی میان مردان پیدا نمی‌شود و از مطالعه سراج‌الاخبار فایده نمی‌گیرد. چه جاییکه زنان اینچنین اعتراضات سد راه ما نخواهد شد چه.. هیچ ملتی نیست که از ابتدای ظهور خود عالم و دانا و صنعت‌گر بدنیا آمده باشد.

مختصر اینکه بعد از استدلال و بحث زیادی روی اینکه زنان مهم حق دارند از مزایای مدنی زندگی بهره مند شوند، نوشته است که «بنابر همین امر سر ازین شماره راجع به تعلیم و تربیه‌خانگی نسوان درباب سررشته داری‌خانه تربیت اولاد محافظه ناموس و عصمت و سایر چیزهایی که موجب فایده برداشتن طایفه نسوان باشد بحث می‌رانیم و در ترجمه احوال و اعمال و اقوال زنان مشهور ... ثبت صحیفه عبرت می‌نماییم»[٤١]

موصوف علاوه کرده است که از نشر این ستون دو منظور داشت: یکی اینکه زنان افغان راجع به احوال زنان هم عصر خویش آگاه می‌شوند و دو دیگر اینکه در اخیر کتابی مبسوط مکمل ازان نشر گردد. عنوان دیگری که عبارت از مقالات فنیه می‌باشد حاوی مطالبی است راجع به مسایل و انکشافات صنعتی، اولین مقاله در

[٤١] بعداً خواهیم دید که محمود طرزی ارشادالنسوان يك اخبار مربوط به عالم نسوان را تأسیس کرد که غالباً همین هدف را دنبال می‌نمود.

این موضوع راجع به برق می‌باشد که در آن معلومات خیلی مفصل عرضه شده است.

به سلسله متنوع ساختن متن اخبار در شماره نهم علاوه بر ستون‌های قبلی ستون اختصاصی دیگری بنام «علم» تاریخ علاوه گردیده است. نویسندۀ اخبار طی مقدمه نوشته است که بنابر «منافع و فوایدی که تاریخ دارد، بعد ازین نسخه‌های روزنامه سراج‌الاخبار به بعضی لوحه‌های تاریخی نیز تزئین صحایف نموده و مطالعه کنندگان کرام خود را مستفید می‌نماید».

به همین ترتیب سر از شمارۀ ۱۲ که تعداد صفحات اخبار به ۱٦ ازدیاد یافته است ستون دیگری راجع به امور نظامی و وظایف عسکری اضافه گردیده است.

مدیر اخبار درین خصوص نوشته است که با وجود آنکه سراج‌الاخبار یك اخبار عسکری نیست ولی بنابر خواهش بعضی برادران صنف نظامی ما مجبور شدیم بعضی صفحه‌های روزنامه خود را به سخنانی متعلق به عالم عسکری و فایده برداشتن صنف نظامی باشد نیز زینت بخش انظار مطالعه کنندگان کرام نماییم.»

شماره‌های آینده سال او ل سراج‌الاخبار رویهمرفته با شرحی که راجع به متون چند شماره آن ارائه نمودیم، نشرات خود را ادامه داده و هم جسته جسته ستون‌های دیگری مانند «عالم‌های ژاپان» علاوه نموده و یا در نشر مطالبی چون اهمیت کتابخانه‌های عمومی و غیره پرداخته است. بهرحال در ظرف یکسالی که از عمر نشراتی سراج‌الاخبار سپری گردید بگفته مدیر آن این گرامی نامه وطنی ... هرچه که گفته از بهبود وطن گفته و هرچه که نوشته در مدافعه وطن نوشته... از هر گلشن و هر چمن خلاصۀ مواد عطریه علوم و آداب نافعه مفیده را جمع کرده شهد معلومات و باخبری‌ها را علی قدر امکان بر اذهان مطالعین کرام خود عرضه نموده...»

یك مرور اجمالی در شماره‌های سال‌های بعدی سراج‌الاخبار نشان می‌دهد که این اخبار در طول زندگی نشراتی خویش راه ثابت و متین را دنبال می‌نموده و انکشافات و تغییرات لازم ایجاد می‌کرد. در طول سال‌های نشرات آن غالباً خبرهای داخله سبقت داشته و در چند صفحه اول اخبار درج می‌گردید، و بعد ازان خبرهای

خارجی نشر می‌شد و جسته جسته بعضی مقالات علمی و معلوماتی نیز نشر می‌گردید.

از آغاز سال پنجم ستون‌های اختصاصی سراج‌الاخبار چون «علم ثروت» (فاجعه‌های پاریس) و غیره جلب نظر نمی‌کند و در عوض از آغاز با انجام اکثریت مطالب متن اخبار را خبرهای داخلی و خارجی تشکیل می‌دهد. همچنان نشر فوتوها بیشتر شده و گذشته از عکس‌های امیر و خاندان سلطنتی نشر فوتوهای بعضی مناظر و آثار تاریخی کشور هم صورت گرفته است. و در نشر فوتوهای بعضی از شهرهای خارجی هم اقدام شده. درین سال و سال‌های مابعد آن فوتوها به حدی نشر می‌شوند که حتی بعضاً یك صفحه مکمل وقف آن می‌گردد. و شاید علت از بین رفتن ستون‌های اختصاصی را هم بتوان درین سراغ کرد که چون مطالب خبری بیشتر می‌توانست حاصل شود و هم فوتوهای خبری و غیر آن بیشتر میسر بود، لذا جای ستون‌های اختصاصی را اشغال کردند.

راجع به ستون ادبیات باید گفت که علاوه بر از بین نرفتن آن، جای مهمتری را در اخبار اشغال کرد، چنانچه اکثر بعد از سال مذکور ستون‌های ادبی در آغاز اخبار درج می‌گردد. قسمت ادبیات بیشتر وقف اشعار و قصاید شده و علاوتاً نشر بعضی اشعار پشتو هم ملاحظه می‌شود، درین سال و سال‌های مابعد خبرهای داخلی هم چه از نظر موضوع و چه از نظر ترتیب و تدوین آن متنوع و جالب شده می‌رود.

در بین خبرهای داخلی به نحوی یك روحیه تصنیف باساس ولایت مشاهده می‌شود. موضوعات خبرهای داخلی حاوی مطالبی چون باریدن باران، ژاله، آتشزدگی، و سیلا ب‌ها می‌باشد که این خبرها غیر از خبرهای رسمی دولتی به حساب می‌آید.

قابل تذکر است که سر از شماره هفتم نام مدیر و سرمحرر سراج‌الاخبار از محمود طرزی به محمود افغانی تغییر می‌یابد و علت آنرا هم در شماره پنجم سال ششم صفحه اول نوشته است که چون طرزی تخلص والد او بود و گر چه وی خودش این تخلص را باو اعطا کرده بود ولی محمود طرزی آنرا شایسته ندانسته و تا آنکه سر از شماره اول هفتم به محمود افغانی تغییر داد.

با نشر مطالب ولوله انگیز[٤٢] حس ملیت خواهی هموطنان را برانگیخته و با نشر پند و نصیحت در برابر جهل و خرافات مبارزه نموده است در خبرهای داخلی از خبرهای رسمی دولتی گرفته تا مسایل عزل و نصب مامورین، فوتوها و بعضی سرقت‌ها را نشر می‌نمود. و باین ترتیب مدتی را برای خدمت به خوانندگان و هموطنان در نشر و تبلیغ و تلقین سپری کرده است.

خوانندگان اخبار:

مدیر اخبار در شماره ٢٤ سال دوم تحت عنوان ختام سال دوم نخست از انجام این خدمت اظهار سرور نموده و بعد ازان راجع به خواندن اخبار چنین نوشته است که بعضاً اخبار را می‌خوانند و بعضاً نمی‌خوانند و بجز بعضی خواص هیچکس به خواندن این روزنامه خادم وطن رغبت هم نه نموده است. موصوف نوشته است که اگر خواندند یا نه ما وظیفه را مقدس دانسته آنرا دنبال کرده ایم.

ازین معلوم می‌شود که یقیناً خوانندگان سراج‌الاخبار خیلی محدود بودند و این معقول هم است چه در آنوقت مردم به سویه نبودند که اصلاً به خواندن اخبار رغبت کنند. تعلیم و تعلم به شیوه عصری نو آغاز شده بود و احیاناً عده‌ای بنابر تعصبات دینی نمی‌خواستند به خواندن اخبار بپردازند. پس بگفته محمود طرزی تنها خواص که عدهٔ شان شاید انگشت شمار بوده است، اخبار را می‌خواندند و بس.

خوانندگان سراج‌الاخبار غیر آنکه در مرکز و ولایات افغانستان وجود داشت در خارج کشور نیز موجود بود. ثبوت این مطلب را در اعلانی که در صفحات پشتی شماره‌های سال دوم نشر شده جستجو می‌توان کرد. در اعلان مذکور گذشته از آنکه شرح اشتراك اخبار را در خارج مخصوصاً هند، ایران، ترکستان روسی، ترکیه و اروپا درج نموده است بعضی از نمایندگان خود را برای تسهیل کار اشتراك معرفی کرده است. چنانچه در پشاور سرشته‌دار داکخانه آنجا ، میرزا غلام حیدرخان، در مشهد، عبدالله‌خان و در بخارا، حاجی غلام‌نبی‌خان مامور فروش پوست قره‌قل

[٤٢] این اصطلاحیست که محمود طرزی نیکو بکار برده و در انگلیسی Yellow و یا Sensational یاد می‌شود.

نمایندگان اخبار بودند.

راجع به اینکه اخبار مذکور در ترکیه هم خواننده داشت، مکتوب منتشرۀ صفحه ۱۵ شماره پنج سال دوم موید آنست. چنانچه درین مکتوب خواننده‌ای یك چیستان برای سراج‌الاخبار فرستاده است. گذشته ازان بنابر ارتباطی که بین افغانستان و بریتانیا وجود داشت در آنکشور نیز خوانند گانی سراغ می‌تواند شد که بخواندن سراج‌الاخبار به پردازند.

از همه گذشته وقتی خبرهای خارجه متن سراج‌الاخبار را مورد مداقه قرار دهیم، معلوم می‌شود بعضی خبر ما راجع به سراج‌الاخبار نوشته‌ها مدیر آن تبصره‌ها نموده اند. این خود می‌رساند که در لندن، مصر، قلمروهای هند و غیره که اخبار مذکور نشر می گردید نیز خوانده می‌شد.

اعلان:

در خبرنگاری امروزی جهان نشر اعلان، از لحاظ بقا و دوام یك نشریه و یا ادامه نشرات یك وسیله نشراتی، خیلی مهم خوانده شده است و بلکه بعقیده بعضی از ژورنالیستان بنیه ثابت و سالم اختصاصی است که باعث ادامه و انکشاف فعالیت‌های یك وسیلۀ نشراتی می‌شود که این خود در وسایل نشراتی شخصی و آزاد (نه نشرات حکومتی حزبی و مفکوره وی) از طریق اعلان بدرجه اول و از راه فروش اخبار در درجه دوم بدست می‌آید.

نویسنده سراج‌الاخبار اتفاقاً از آغاز کار خود ملتفت این امر بود. چنانچه در شماره اول خویش اعلانی زیر عنوان اشتهار درج نموده و در آن اطلاع داده است که اگر صنعت گران و سوداگران می‌خواهند اعلان نمایند قیمت فی سطر یك افغانی است و اگر بیش از پنج بار اعلان شانرا نشر کردن بخواهند قیمت في سطر یك قران (نیم افغانی) اخذ می‌شود.

بهرحال نشر اعلان در سراج‌الاخبار از شمارۀ اول بملاحظه می‌رسد. ولی منتها اینکه اعلان شکل رسمی را داشته و مربوط بخود اخبار بوده است در شماره پنج سال دوم صفحۀ ١٦ برای نخستین بار اعلانی جذب نظر می‌کند که نشر یك ناول را به خوانندگان اطلاع می‌دهد. از ین قبیل اعلانات در شماره‌های مابعد بیشتر مشاهده

می‌شود. یکی ازین اعلانات راجع به استخدام یك معلم است برای مدرسه اهل هنود در شوربازار کابل و اعلان دیگری راجع به فروش کتب فارسی، انگلیسی، اردو و غیره است که از طرف سرمدرس مدرسه اهل هنود اعلان شده است.

از آغاز شماره ۱۳ سال دوم مخصوصاً با علاوه شدن دو ورق رنگه در آغاز اخبار بازار اعلان هم رونق بیشتر می‌گیرد. چنانچه دو و حتی سه صفحه این اوراق رنگه وقف اعلان کتب و غیره شده است. ولی بازهم رویهمرفته چون اکثر اعلانات مذکور شکل رسمی را داشت، شاید انتفاع قابل ملاحظه‌ای ازان میسر نبود.

نویسندگان اخبار:

سراج‌الاخبار گذشته از آنکه مرد دانشمند و توانایی چون محمود طرزی که تنها نوشتن سوانح او اوراق زیادی را ایجاب می‌کند، در رأس خود داشته که اکثر مطالب را ترجمه و تحریر می‌نمود و نویسندگان دیگری نیز داشت که تذکار اسمای شان درینجا ضرور است. ایشك آقاسی ملکی حضور امیر جناب علی‌احمدخان، غالباً در تهیه و ترتیب را پورهای رسمی و اطلاعات مربوط به کارهای عمرانی و اجتماعی سهم می‌گرفت. مولوی عبدالروف مدرس مدرسه شاهی هم از نویسندگان آن بود و گذشته ازان اسمای فیض‌محمد، عبدالهادی و عبدالرحمن نیز در جمله نویسندگان و ترجمانان جلب نظر کرد. سرنامه‌نویس و یا عنوان‌نویس اخبار ملا عبدالولی‌خان بود. زنگوگرافان اخبار عبارت بودند از سیداحمد، عبدالغنی، خالقداد، عبدالحکیم، یارمحمد و سید ابوبکر.

درینجا که معرفی سراج‌الاخبار بصورت خیلی مختصر به پایان می‌رسد، لازم دیده شد تا موضوعاتی را که در مورد سراج‌الاخبار و کارکنان آن منحیث مسایل و موضوعات قابل تحقیق و تتبع فکر می‌شود خلاصه نموده و بدینوسیله توجه خوانندگان و محققان محترمی را که آرزو دارند درین رشته کار علمی انجام دهند معطوف سازم.

نخستین موضوعی که بایست مورد مطالعه قرار داده شود همانا خود شخصیت محمود طرزی است که موصوف نه تنها ژورنالیست بود بلکه در جهان سیاست و ادب و اداره هم ید توانایی داشت و این را از آثار او و از نوشته‌های وی در

سراج‌الاخبار بخوبی می‌توان دریافت.

دومین موضوع درین زمینه معرفی نویسندگان و هنرمندانی است که در نشر و اشاعهٔ سراج‌الاخبار سهم فعال داشتند.

سومین موضوع عبارت از نقد و تدقیق سبك و روش نوشتن سراج‌الاخبار می‌باشد که این هم از دو لحاظ بایست صورت گیرد: (۱) از لحاظ ژورنالیزم، (۲) از لحاظ ادبیات.

چارمین موضوع قابل تحقیق عبارت از مبارزه سیاسی سراج‌الاخبار است که این امر بیشتر با ارتباط به جهان خارج صورت می‌گیرد. پنجمین موضوع عبارت از مبارزات سراج‌الاخبار است با مسایل مربوط به داخل افغانستان که این خود موضوع خیلی وسیع و جالب بوده تمام امور فرهنگی و اجتماعی را احتوا می‌کند.

و بالاخره محیط و شرایط محیطی سراج‌الاخبار هم یك موضوع جالب و ارزنده‌ای را تشکیل می‌دهد. انجمن تاریخ خوشنود خواهد بود اگر مقالات علمی و آفاقی نویسندگان و محققان محترم را درین موضوعات دستیاب نموده در مجلات افغانستان (بزبان انگلیسی) و آریانا نشر نماید.

سراج اطفال:

نخستین شمارهٔ سال هشتم سراج‌الاخبار چراغ روشن دیگری را برای تنویر افکار اولاد افغان با خود همراه آورد و این چراغ سراج اطفال بود. درین قسمت سعی می‌شود تا روی فلسفه تأسیس سراج اطفال و راجع به مطالبی که در آن نشر می‌شد روشنی انداخته شود. ولی پیش از آنکه باین امر بپردازیم لازم است تا در باب معارف و تعلیم آنوقت مختصری تقدیم نماییم تا آنکه ارتباط منطقی تأسیس اخباری چون سراج اطفال برای اطفال آنوقت روشن گردد.

در شماره اول سال هشتم سراج‌الاخبار از موجودیت تعلیم ابتدایی عمومی، دارالمعلمین ابتدائیه و تعلیم ثانوی اطلاع داده شده، علاوه گردیده است که زیر اداره دستگاه معارف عصر اداره‌یی بنام تصنیف ترجمه و تالیف علوم و فنون موجود بود.

این اداره در حقیقت مواد و مطالب درسی را بر طبق پروگرام‌های مکاتب تهیه می‌نمود. بقرار امر امیر وقت تعلیم ابتدایی لازمی و مجبوری بود. هفت مکتب ابتدایی در نواحی مختلف شهر برای تعلیم و دانش آموزی جوانان باز بوده و هم پنج باب مکتب تحت اعمار بود. تهیه معلم از همان وقت مورد نظر بود، چنانچه برای برآورده شدن این مطلب دارالمعلمینی انتظام داده شد.

بعد از تعلیم ابتدایی دو نوع تعلیم در نظر گرفته می‌شد: اول تعلیم به شکلی که متعلم بعد از فراغت تحصیل برای خدمات داخله دولت آماده شود. دوم اخذ تعلیم به شکلی که دانشجو را برای تحصیل عالی‌تر در خارج آماده سازد. قرار بود که این دانشجویان پس از تحصیل در خارج مصروف کارهای مملکت شده وطن خود را از نیازمندی ملازمین خارجی بی‌نیاز سازند.

از مطالعه مواد سراج‌الاخبار معلوم می‌شود که يك متعلم ده سال تحصیل می‌کرد تا آنکه آماده کار در ادرات دولتی می‌گردید و یا آنکه برای تحصیل بخارج آماده می‌شد، چه اخبار می‌نویسد که: «همین تعلیم ده ساله این طرز داده شود که بقرار اصول خارج درست باشد. تا زحمت ده ساله عبث نرود»[۴۳]

این نکته نیز قابل تذکر است که شاگردان بعد از فراغت از ابتدایی در مدرسه حبیبیه فعلاً لیسه حبیبیه شامل شده به تعلیم عالی‌تر می‌پرداختند.

از شرح بالا معلوم شد که معارف به شکل خیلی ابتدایی و محدود در کشور آغاز شده و تاحدی هم به سویه عالی بکسب دانش پرداخته می‌شد.

محمود طرزی که درین وقت سراج‌الاخبار را به مقصد تنویر و تعلیم مردم افغانستان و برای مبارزه علیه مداخله خارجی نشر می‌نمود، از اهمیت و ارزش اخبار نیك آگاه بود. وی همانطوریکه سراج‌الاخبار را برای بزرگان نشر می‌کرد، نشر سراج‌اطفال را بغرض تنویر و آگاهی جوانان سر دست گرفت. موصوف مینویسد: «سراج‌الاخبار در اخیر هر سال هدیه‌ای بدوستان تقدیم می‌دارد» از سال اول تا ششم این هدیه عبارت بود از کتبی در رشته‌های مختلف علوم و فنون. ولی در

---

[۴۳] سراج‌الاخبار، سال شماره اول، ص ۳ – ۷

آغاز سال هشتم بقرار اظهار محمود طرزی آن هدیه‌های موقتی به یک هدیه دایمی انکشاف کرد که عبارت بود از اخبار طفلانه سراج‌اطفال.



سراج اطفال

۱۳۳۷

صاحب امتیاز و سر محرر

محمود طرزی افغان

در افغانستان کابل اداره سراج‌الاخبار افغانیه

غرهٔ محرم‌الحرام ۱۳۳۷ — سال اول

بسم الله الرحمن الرحیم

عرض شکران

شماره اول سال اول سراج اطفال

در حقیقت سراج‌اطفال، کم و بیش مطابق با موازین نشراتی اخبارهای مکاتب عالی در ممالک پیشرفته امروزی برای مطالعه انکشاف و ذهن شاگردان آنوقت تأسیس گردید. چه اطفال مکتب بدون شك به بعضی مواد بقسم ممد درسی ضرورت دارند و این کار در آنوقت بوسیله سراج اطفال در نظر گرفته شده بود.

البته امروز علاوه بر اخبار مجلات و کتب متعددی که برای برآورده شدن این امر نشر می‌شود از وسایل سمعی و بصری هم بیشتر استفاده بعمل می‌آید. طوریکه مدیر و ناشر اخبار مذکور نوشته است، وظیفه این اخبار نشر مطالب و معلومات دینی، اخلاقی و علوم وفنون متداول عصر بود. این مطالب بزبان ساده و روان عرضه می‌شد. و بدین ترتیب در ا نکشاف ذهن و تربیت اطفال کمك میکرد.[٤٤]

روی این اهداف سراج اطفال در ۱۵ میزان ۱۲۹۷ (۸ اکتوبر ۱۹۱۸) برای نخستین بار تأسیس شده و به نشرات آغاز کرد. گرچه بقسم ضمیمه سراج‌الاخبار نشر می‌شد ولی در حقیقت یك اخبار مستقل بود و طور جداگانه هم اشتراك شده می‌توا نست.

نام اخبار در وسط حاشیه بالایی صفحه اول بخط ثلث درج شده، بطرف راست آن شرح اشتراك و این عبارت که: «برای مقالات دینیه، اخلاقیه و علمیه از باب قلم صحایفش بکمال ممنونیت باز است» و جمله: «اوراقی که درج نشود اعاده نمی‌شود» جلب نظر می‌نماید. بطرف چپ آن اسم صاحب امتیاز و مدیر بنام محمود طرزی افغان نشر شده و هم این عبارت جلب توجه می‌کند: «غیر از سیاسیات دیگر از همه چیز بحث می‌کند...» درین حصه آدرس اخبار هم درج می‌باشد.

قطع این اخبار چهارصفحه‌ای ۸.۵ × ۱۲انچ می‌باشد. دارای دو ستون بوده هر ستون آن سه انچ عرض داشته و عمق هر ستون ده انچ اندازه شد. طبع اخبار مذکور حروفی بوده در چاپ‌خانه حروفي دارالسلطنۀ کابل طبع می‌شد.

ناشر و مدیر سراج اطفال کلام خود را درین اخبار به عنوان «عرض شکران» آغاز می‌نماید. وی درین مضمون از زبان جوانان اظهار خوشی و مسرت می‌نماید. ازینکه در چنان عصر سعد - اقران موجودیت دارند و از فیض علم و دانش بهره می‌گیرند. این مضمون بعد از دعای اقبال دولت ختم شده است.

در مضمون دیگری زیر عنوان «معرفي» هدف جریده را بصورت مفصل تو ضیح نموده است. وی درین مضمون می‌نویسد که «سراج اطفال شما را ز علوم فنون نو

[٤٤] سراج‌الاخبار، سال هفتم شماره ٢٤، ص -٣

و در تربیه و آداب عاقل شنو آگاه ساخته به نکته‌های درس آموز و حکایات فایده اندوز دماغ‌های شما را روشن می‌سازد.... سراج‌اطفال در سبق‌های مکتب ... شما را مدد می‌رساند و هم با کلمات بسیار ساده و شیرین دری ساعت شما را تیر می‌کند.»

بدینترتیب مدیر و ناشر اخبار هدف آنرا که غالباً تربیتی سرگرم کن اطفال بود، توضیح نموده به عنوان سومی که موضوع «دین داری» است انتقال می‌نماید. و این عنوان در تمام کارهایی که برای نویسنده میسر بود، جلب نظر کرد. زیرا درین عنوان مسایل اساسی و اصول دین به شکل ساده طرح و تو ضیح گردیده است.

در شماره‌های مختلف سراج اطفال گاهی اشعاری مبنی بر نصیحت برای جوانان نشر گردیده و زمانی هم عنوان «بازی‌های فنی» جلب توجه می‌کند که زیر این عنوان مسایل علمی به شکل ساده و تطبیقی عرضه شده است و درعین حال گاه‌گاهی مزاح‌های آموزنده وتربیتی تقدیم نموده است.

مثلاً وقتی می‌خواهد راجع به کرویت زمین و حرکت آن مقاله‌یی تقدیم نماید، این موضوع را بقسم درامه‌یی که بین چند تن از همصنفان روی صحن مکتب صورت می‌گیرد طرح می‌نماید. باین معنی که یکی از شاگردان اعتراض می‌کند، در حالیکه زمین در حرکت است چرا انسان‌ها با لای آن در حال لرزش و حرکت نیستند. درین هنگام شاگرد دیگری جواب عملی تقدیم می‌نماید: یعنی توب فتبال را آورده مورچه‌ای را بالای آن می‌گذارد و بعد توپ را بحر کت می‌آورد. درین وقت توپ حرکت می‌کند ولی مورچه جابجاست. بدین ترتیب برفقای خود می‌فهماند که وجود انسان‌ها بالای کره زمین مانند وجود مورچه است بالای توپ که هرقدر آن حرکت کند این ساکن است.

در جمله مطالب معلوماتی سراج‌اطفال يك اطلاع راجع به بزرگترین ساعت زنگ‌دار جهان است که در فلادلفیا بود.[۴۵] بطور عموم باید گفت که سراج‌اطفال جریده بود که به ضمیمهٔ سراج‌الاخبار بمدیریت محمود طرزی در هر پانزده روز يك بار نشر می‌شد. مسایل دینی و اخلاقی را با زبان ساده و روان طر و تقدیم می‌نمود. در

[۴۵] سراج اطفال سال اول، شماره‌های، ۱-۸

حقیقت برای شاگردان بقسم ممد درسی مسایل علمی را نشر می‌کرد. از طریق نشر و تقدیم معلومات عمومی و سرگرم کننده مانند حکایات و مزاح‌های اخلاقی در انکشاف ذهن شاگردان خدمت نموده و هم باعث سرگرمی آنان می‌گردید.

از مطالعه مطالب سراج اطفال معلوم شد که این اخبار دو وظیفه مهم را بعهده داشت: یکی اینکه تعلیم می‌داد و دیگر اینکه سرگرم می‌ساخت.

درینجا پیش ازانکه به ختم این مقاله به پردازیم ناگذیریم را جع به کلمه «سیاست»، مطلبی چند بعرض برسانیم. کلمهٔ مذکور هم در نخستین سرمقالهٔ سراج اطفال آمده و هم در حاشیه آن. عقیده نگارنده اینست که مراد مدیر اخبار ازین کلمه همانا خبرها خواهد بود. چه بعداً وقتی در معرفی روزنامه انیس بپردازیم خواهیم دید که مدیر آن مرحوم محی‌الدین انیس معذرتی مبنی بر عدم نشر مطالب سیاسی نشر نموده و علت آنرا عدم ارتباط تلگرافی وانمود ساخته است. اگر چه درین جا مراد از سیاسیات خبرهای خارجی می‌باشد. ولی تصادفاً در سراج اطفال هیچگونه خبر های داخلی و خارجی دیده نمی شود بناء میتوان گفت که شاید هدف محمود طرزی از «سیاست» «خبرها» می‌باشد

در اخیر باید متذکر شد که سراج الاخبار از شماره۸ سال هشتم ببعد از نشر باز مانده و مدیر آن ناظم ناظر امور خارجیه (معادل وزیرخارجه امروز) مقرر شد

و جای سراج الاخبار را اخبار رسمی دیگری بنام امان افغان که بعداً راجع به آن مفصل بحث خواهیم کرد گرفت. مدیر آن ښاغلی عبدالهادی داوی بود* توام باین اساس مدیریت سراج اطفال به ښا غلی عبدالها دی انتقال یافت.

شاغلی عبدالهادی داوی طی مصاحبهٔ مختصر اظهار نمود که سراج اطفال غالباً بعداز ١٦ شماره هرگز نشر نشد. موصوف علاوه کرد که کدام تغییری جز سویه نسبتاً بلندتر در آن وارد نکرد. زیرا به عقیده موصوف این اخبار را تنها جوانان نه بلکه اشخاص دارای سن بیشتر (مثل پدر و برادر بزرگ اطفال) نیز ازان استفاده می‌نمودند

* فعلاً رئیس مشرانو جرگه

پیش‌آهنگان

سید جمال‌الدین افغان میرزا عبدالعلی و مولوی عبدالروف

تاکنون مباحث ما راجع به تاریخ ژورنالیزم کشور وقف معرفی و تحلیل جرایدی شد که در اواخر قرن ۱۹ و ۲۰ سال اول قرن بیست نشر می‌شد. بدون شك در نشر و تنظیم نشرات مذکور شخصیت‌هایی ذکر می‌شود که یادآوری از ایشان وجیبه ماست. بنابران به پاس بزرگداشت و قدردانی ازین اشخاص این مبحث خود را برای معرفی آنان اختصاص می‌دهیم. البته قابل تذکر است که بعضی از آنان قبلاً بقدر کافی معرفی شده اند که درین جا ما مختصری درباره آنها بحث می‌نماییم، ولی آنانیکه کمتر معرفی شده اند، مستحق آنند که مفصل‌تر مورد بحث قرار گیرند.

طی سال‌های ۷۰ ۸۰ و ۹۰ قرن ۱۹ گام‌های اساسی ولی زودگذری در عالم نشر و طبع در افغانستان برداشته می‌شود. درست در همین وقت سید جمال‌الدین افغان[٤٦] به تعلیمات خود مبنی بر بعضی اصلاحات در کشور می‌پردازد. سید جمال‌الدین افغاني بحیث يك عالم و نویسنده کشور و بحیث پیش‌آهنگ آزادی‌خواهی مشرق زمین مفکوره‌های آزادی‌خواهی خویش را از راه قلم و بیان به هموطنان ابراز می‌نمود. تعلیمات او آنقدر در روحیه مردم تأثیر می‌کرد که مداخله‌گران خارجی حوصله آنرا نداشتند و بهر وسیله که بود باعث نفی بلد او از کشورش شدند. ولی سید بحیث قافله سالار روح آزادمنشی در هر سرزمینی که پا نهاد در راه پخش مفکوره خود کوشید. چنانچه مدتی در هند بماند، در ایران به مبارزات خویش پرداخت. سپس به مصر و ترکیه شتافت. ولی در هر جا به

---

[٤٦] راجع به زندگی سید جمال‌الدین افغان به مآخذ ذیل مراجعه شود:
اصغر مهدوی و ایرج افشار مجموعه اسناد و مدارك چاپ شده در باره سیدجمال‌الدین مشهور به افغانی، دانشگاه تهران ! یران ۱۳٤۲،
محمدامین خوگیانی حیات سید جمال‌الدین افغان حصۀ اول مطبعۀ عمومی کابل، ۱۳۱۸
مرتضی مدرس چهاردهی، زندگانی و فلسفه اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی، از انتشارات شرکت اقبال تهران: ۱۳۳٤ و غیره.

مشکلات رو برو می‌شد. با وجود آنهم تخم آزادی‌خواهی و انکشاف را در دماغ شرقیان کاشت. سید حتی در قلب مداخله‌گران آنزمان به نشر جریده‌ی بنام العروت الوثقی[٤٧] پرداخت.

گرچه سید خود از افغانستان نفی شد، ولی افکار و آرزوهای ریفارمیستی او درینجا باقی‌مانده، گفته می‌شود که امیر شیرعلی‌خان برای تطبیق افکار سید جمال‌الدین افغانی به یك سلسله اقداماتی دست زد که ازان جمله تأسیس یك اخبار بود[٤٨]. در نشر این اخبار، شمس‌النهار، میرزا عبدالعلی همت گماشت. وی بحیث مهتمم اخبار معرفی شده است. ولی در عین حال مدیری برای آن سراغ نمی‌شود. بنابران امکان دارد که وی در عین حال کفالت امور عمومی نشرات را نیز بعهده داشت. از جانبی چون نامه‌های وارده بنام او فرستاده می‌شد بناء می‌توان گفت که شاید وظیفه مدیریت را نیز اجرا می‌نمود.

متأسفانه راجع به میرزا عبدالعلی معلومات بیشتری در دسترس نیست، ولی از لابلای نشرات او معلوم می‌شود که وی مردی وطنخواه بود و از پسمانی اولاد کشور خویش رنج می‌برد. وی ازینکه پنبه خام وطن ما به فرنگستان (بریتانیا) برده می‌شد و تکه ساخته شده مجدداً بافغانستان وارد شده و چندین مرتبه گرانتر به فروش می‌رسید، متأثر بود و آنرا ناشی از عدم درك، رسیدگی و فهم مردم می‌دانست. میرزا عبدالعلی با شرایط موجود و امکانات دست داشته خویش در تهیه مضامین اخبار مورد علایق انسانی و نشر خبرهای رسمی دولتی و اطلاعات ولایات می‌پرداخت.[٤٩]

هنگام نشر جریده شمس‌النهار ۱۲۹۰ -۱۲۹۵هـ.ق (۱۸۷۳-۱۸۷۸) از نویسنده دیگری نیز نام برده می‌شود که عبارت از قاضی عبدالقادر پشاوری می‌باشد. گرچه تعدادی از محققین وی را بحیث مدیر جریده مذکور می‌شناسند، ولی ښاغلی بینوا[٥٠] موجودیت مدیری را برای شمس‌النهار قایل نبوده و نیز ښاغلی کهگدای[٥١]

[٤٧] این جریده در فرانسه از طرف او نشر می‌شد

[٤٨] سابقه و آغاز ژورنالیزم در افغانستان، مجله افغانستان سال ۲۱ شماره اول صفحات ۷۰ - ۷٦

[٤٩] ایضاً صفحات ۷۰ – ۷٦

[٥٠] بینوا، عبدالروف - شمس‌النهار اولین اخبار در افغانستان. آریانا سال ۹، شماره ٤، ۱۳۳۰، صفحات ۱ - ۷.

[٥١] کهگدای، نورمحمد، اسناد و یاد داشت‌های تاریخی آریانا سال سوم، ۱۳۲۲هـ. شماره سوم

نوشته است که قاضی عبدالقادر پشاوری محض بحیث سکرتر عسکری شاهی اجرای وظیفه می‌کرد.

بهرحال چون مطالب مربوط به امور نظامی در جریدهٔ شمس‌النهار نشر می‌گردید و شاید هم گاه‌گاهی مضامین و مطالبی را جهت نشر درین جریده از اخبار و جراید خارجی ترجمه می‌کرد، پس او هم بحیث یکی از نویسندگان این جریده یادآوری شد.

امر مسلم این است که روزنامه‌نگاری بصورت متداوم و اساسی در افغانستان با محمود طرزی، پدر ژورنالیزم کشور، آغاز می‌شود، ولی ناگزیریم قبل از آنکه به معرفی او بپردازیم شخصیت دیگری را معرفی کنیم که او هم در عالم مطبوعات کشور از جمله پیشاهنگان محسوب می‌شود. این شخص مرحوم مولوی عبدالروف قندهاری ولد مرحوم عبدالرحیم و نواسه محقق قندهاری علامه حبیب‌الله مشهور به حبو آخندزاده است

مولوی عبدالروف بروز دوشنبه پنج ماه صفر ۱۲٦۸هـ.ق در شهر قندهار در یك خانواده دانشمند پا بعرصه وجود گذاشت. علوم متداولهٔ عصر را از نزد پدر خود مولوی عبدالرحیم شهید کسب نمود. پوهاند عبدالحی حبیبی می‌نویسد که: «وی حافظ قرآن، عالم حدیث، فقیه ومدرس معروف عصر خود بود. بعد از فوت پدرش ۱۲۹۸هـ.ق از قندهار منفی گردید. ولی در حدود ۱۳۰۰ مجدداً بوطن باز گشته بدربار امیر عبدالرحمن‌خان بکابل رسید. و بحیث ملای حضور والا و مدرس مدرسه شاهی مقرر گردید»[۵۲]

مولوی عبدالروف در سه زبان پشتو، دری و عربی می‌نوشت و شعر می سرود. جراید عربی را که بدر بارشاهی می‌رسید، ترجمه می‌کرد .گذشته از آنکه در مدرسه شاهي بحیث مدرس اول اجرای وظیفه می‌نمود، امتحان قضاوت محاکم عدلید را برای مقرری به نقاط مختلف کشور اخذ می‌کرد. مختصر اینکه او نه تنها در دربار امیر عبدالرحمن‌خان مقرب و محترم بود بلکه امیر حبیب‌الله‌خان نیز بنظر احترام و استادی وی را نگریسته و در امور شرعی مرجع فتوای هردو بود.

[۵۲] حبیبی، عبدالحی، آریانا سال ۲۵، شماره ۲، ۱۳٤٦، صفحات ۱

مولوی عبدالروف بحیث یك عالم متجدد عصر خود علاوه بر اشتغال در امور دینی به وظیفه مهم دیگری نیز اقدام نمود که عبارت از روزنامه‌نگاری اوست. وی جریده سراج‌الاخبار افغانستان را برای نخستین بار در سال ۱۳۲۳هـ. ق (۱۹۰٦ع) تأسیس نمود. گرچه مجال نیافت بیش از یك شمارهٔ این جریده را نشر کند، ولی همین شماره هم موید روح تجدد پسندی او و همکارانش می‌باشد. متن اخبار نشان می‌دهد که یکنوع بیداری فکری در کشور ظهور نموده بود. البته نشر و پخش این روحیه ایجاب آنرا می‌کرد که وسیله‌ای موجود باشد تا آنرا نشر کند. بنابران انجمن سراج‌الاخبار به منظوری امیر حبیب‌الله‌خان تحت استادی مولوی عبدالروف نشر این جریده را سر دست گرفت.[٥٣]

همانطوریکه روحیه تجدد پسندی درین سرزمین نو بوجود آمده بود، بهمان شکل روزنامه‌نگاری هم تازه آغاز می‌شد. بعبارهٔ دیگر بعد از نشر شمس‌النهار وقفه‌ای رخ داد و سپس نشر سراج‌الاخبار افغانستان صورت گرفت. بنابران پیشبردن این کار امر ساده‌ای نبود بلکه با پیش‌آمدهای ناگواری مواجه می‌گردید که بدون شک یکی ازین پیش‌آمدها توقف فوری جریده بود. مولوی عبدالروف برای تحقق بخشیدن آمال و آرزوهای نشراتی و انکشافی خود خبرنگاری خود را به شکلی آغاز کرد که با روحیه عصر توافق بهم رساند. چنانچه ضرورت نشر اخبار و آگاهی از احوال جهان و مردم آنرا با ارتباط به گفته‌های قرآنی و احادیث نبوی و گفتار بزرگان استدلال و ثابت می‌نماید.

معلوم می‌شود که مولوی عبدالروف از مزایای اطلاع از احوال کشور نیك آگاه بود چه وی می‌نویسد که نخست از همه مطالب مربوط به کشور درج صفحات اخبار شده بعد مسایل مربوط به جهان خارج درج می‌گردد. تقریباً در حدود ۸ صفحه اخبار او وقف مطالب داخلی بود و بقیه اخبار جهان.[٥٤] روزنامه‌نگاری او اگر چه دولت مستعجل بود ولی بدون شك تأثیر عمیقی به‌آیندگان داشت.

[٥٣] راجع به امر نشر جریده شرایط و ایجابات آن به شماره ٤ آریانا سال بیست و ششم صفحات ۷۷ - ۸٤ و در شماره دوم سال ۲۱ افغانستان رجوع شود.

[٥٤] سابقه ژورنالیزم شماره ٤ سال ۲٦

رویهمرفته سهم مولوی عبدالروف در عالم علم و دانش خیلی با ارزشی بوده و فرزندان قدردان این خاک درین راه از وی به نیکی یاد می‌کنند. همچنان به پاس ابتکار و پیشقدمی وی در عالم مطبوعات ژورنالیستان نیز با و عقیدت ابراز می‌دارند.

محمود طرزی - پدر ژورنالیزم افغانستان:

اخبارها درین عصر بمثابه زبان ملك‌ها و ملت‌ها قایم گردیده است و در وقت حاضر بجز اقوام وحشیه و بدویه هیچ یك دولت و قومی... موجود نیست که مالک اخبار نباشد. مرحوم محمود طرزی روزنامه‌نگاری خود را در سراج‌الاخبار[۵۵] زیر عنوان «افتتاح کلام» آغاز نموده و عبارت مذکور زیر این عنوان جلب نظر می‌کند. ازین عبارت بخوبی می‌توان درك کرد که مرحوم طرزی با چه فلسفه و نظریه متکامل روزنامه‌نگاری خویش را شروع کرده.

فامیل طرزی به یك رهبر قومی قندهار بنام حاجی جمال‌خان (۱۷۰۹- ۱۸۰۵) ارتباط می‌گیرد. پسر حاجی جمال‌خان، سردار پاینده محمدخان ۲۲ پسر داشت که از جمله یکی بنام سردار رحمدل‌خان قندهاری(۱۸۳۲ -۱۸۹٦) معروف بود.

در حقیقت سردار رحمدل‌خان پدر کلان محمود طرزی است. مادر او ازخاندان سدوزایی و دختر شهزاده مودودخان بود. پدر محمود طرزی، سردار غلام‌محمدخان طرزی، وفات ۱۹۰۱ از دانشمندان و شعرای معروف کشور به حساب می‌آید. بنابر بعضی مخالفت‌هایی که بین او و امیر عبدالرحمن‌خان واقع شد از وطن نفی گردید.

از سال ۱۸۸۱ - ۸۳ با فامیل خویش در کراچی سپری کرده و بعد ازان به نسبت مخالفت عنعنوی که با برتانیا داشت از رفتن به لندن اباورزید و در عوض به بغداد شتافت. درینجا بود که بعد از شش ماه با سلطان عبدالحمید ملاقات نمود. و سلطان ازو دعوت کرد که به قسطنطنیه برود. طرزی و فامیل او این دعوت را پذیرفته بعد ازان به دمشق رفتند. چنانچه غلام‌محمدخان طرزی ۱۸ سال بقیه عمر خود را در آنجا سپری کرد. سردار غلام‌محمد طرزی در سال ۱۹۰۱ جهان را پدرود گفت. گرچه در مدت اقامت او در دمشق امیر عبدالرحمن‌خان از وی دعوت

---

[۵۵] آریانا، شماره، سال ۲٦، صفحات ۳۹ - ٤٤، شماره ٦، سال ۲٦ صفحات ۸۲ - ۹۲.

کرد که بکابل باز گردد، ولی مرحوم طرزی تا اواخر عمر خود در جوار اماکن مقدسه در دمشق و شام ماند و هم در آنجا دفن گردید. بهرحال امیر عبدالرحمن‌خان نیز در سال ۱۹۰۱ - از جهان چشم پوشید .

محمود طرزي بخاطر تبريك و تهنیت به حبیب الله‌خان و هم جهت ادای فاتحهٔ امیر عبدالرحمن‌خان در سال ۱۹۰۲ بکابل آمد. درست در همین وقت ستارهٔ اقبال محمود طرزی تابیدن گرفت. دانش، فضل و مفکوره‌های اصلاحی محمود طرزی امیر حبیب‌الله‌خان را به تعجب اندر ساخت و بالاتر از وی دعوت کرد که بوطن خویش باز گردد. مرحوم طرزی این دعوت را پذیرفته و متعاقباً بسال ۱۹۰۳ تقریباً بعد از ۲۲ سال نفی از وطن با ۳۵ نفر فامیل خود بافغانستان واردشد. پروفیسر دوپری[٥٦] می‌نویسد که طرزی در یك حالت ناآرامی متولد شد و این ناآرامی تا اخیر حیات او دوام داشت.[٥٧] هنگامیکه فامیل طرزی به سوی قندهار سفر می کرد، ١٦ سال قبل از نفی او از کشورش، در غزنه متولد شد. چون غزنه مقر امپراطوری سلطان محمود کبیر بود، بناء به پاس بزرگداشت و احترام سلطان غزنه او را محمود نام کردند.[٥٨]

محمود طرزی ضمن فراگرفتن علوم عصر به کسب زبان و ادبیات عربی و دری پرداخت از شعر و فلسفه خیلی خوشش می‌آمد. طرزی در پشتو هم می‌نوشت و هم خوب گپ می‌زد و گذشته ازان زبان‌های اردو ترکی و فرانسوی را نیکو می‌دانست و در این زبان‌ها می‌نوشت. مرحوم طرزی در دمشق تنها بطور مهمان عمر خود را سپری نمی کرد، بلکه او در امور سکرتری ایالت سوریه در داخل امپراطوری عثمان کار می کرد. حقیقتاً در زندگی فامیلی کمتر مصروف شده در عوض از فضای معنوی دمشق فیض می‌برد او خواب‌ها و ایدال‌های خود را با جوانان ترك در معرض

[٥٦] لویز دوپری، پروفیسر انسان شناسی پوهنتون ایالتی پنسلوانیا، و همکار محقق موزیم آثار تاریخ طبیعی امریکا

[٥٧] دوپری، لویز امریکن یو نیورستی فیلد ستف، سال ۸، شماره ۱، ١٩٦٤

[٥٨] این مطلب را شاغلی محمد صدیق طرزی، پسر محمدزمانخان طرزی، برادر محمود طرزی اظهار کرد.

مباحثه می‌گذاشت. وی از ملاقاتیکه با سید جمال‌الدین افغانی بعمل آورد، خیلی تحت تأثیر او آمد.[۵۹]

محمود طرزی نخستین اثر خود را در ۱۹ عقرب سال ۱۲۹۱ در مطبعه عنایت بطبع رسانید[۶۰] و نخستین اثر او عبارت بود از سیاحت در سه قطعه روی زمین.[۶۱] آثار طبع شده طرزی از تألیفات او عبارت اند از: سیاحت در سه قطعه روی زمین، از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی یا محمودنامه در نظم جغرافیای منظوم افغانستان، جغرافیه ادب در فن و محمود نامه در نظم روضۀ حکم و پراگنده. تراجم طبع شده او عبارت اند از: سیاحت بدورادور زمین در ۸۰ روز، جزیره پنهان، سیاحت در جو هوا، جنگ روس و جاپان در پنج جلد، اخلاقیات. همچنین یك سلسله اثرهای او چه ترجمه و چه تألیف بقسم مسلسل در سراج‌الاخبار نشر شده که عبارت اند از فاجعه‌های پاریس، علم و اسلامیت، ناموران زنان جهان، علم ثروت، تاریخ کره زمین و غیره.[۶۲]

اصلاً وقتی راجع به نویسندگی محمود طرزی سخن بمیان می‌آید. از همه نخست سراج‌الاخبار بحیث اولین قافله سالار مطبوعات افغانستان که بدون توقف نشر آن دنبال شد بخاطر می‌گذرد. بدون شك هر یك از اثرهای محمود طرزی، در حالیکه علم و عرفان و نویسندگی تازه در شرق و افغانستان پا می‌گذارد، دارای ارزش و اهمیت خاصی اند. ولی سراج‌الاخبار خود کاریست که در راس همه امور نویسندگی او قرار می‌گیرد. سراج‌الاخبار محمود طرزی در واقع امر انعکاس دهنده گوشه‌ای از پر ماجراترین تاریخ زندگی مردم افغانستان است.

محمود طرزی با درک این واقعیت که در ایدال‌ها و مرام‌های انکشافی خود از پهلوی امیر وقت بهتر می‌توانست استفاده نماید، از همکاران نزدیك امیر حبیب الله‌خان و همراهان نزدیك پسرانش سردار عنایت الله‌خان و سردار امان‌الله‌خان گردید و حتی

[۵۹] دوپری امریکن فیلدستف، شماره اول سال ۸

[۶۰] درین وقت سه مطبعه در کابل موجود بود. یکی مطبعه چاپ سنگی، دوم مطبعۀ حروفی سراج‌الاخبار و سومی مطبعه عنایت

[۶۱] دو پری امریکن فیلد ستف، شماره اول، سال ۸.

[۶۲] این معلومات اکثر توسط شاغلی صدیق طرزی بمن داده شد.

دو دختر خود را باین دو شهزاده جوان از دواج نمود.

محمود طرزی بار نخست از طرف امیر حبیب‌الله‌خان بحیث آمر دارالترجمه مقرر شد که درینجا نخستین وظیفه او کار ترجمه ناول جولز ورنز بود، که از ترکی به دری ترجمه می‌شد تا امیر بخواند. در عین‌حال وی از مشاورین معتمد امیر به حساب می‌آمد. ولی درین هنگام باین امور اکتفا نکرده، بلکه امر خطیر دیگری را نیز سردست گرفت که عبارت از نشر سراج‌الاخبار بود که در سال ۱۲۹۰ش (۱۹۱۱) به نشر آغاز کرد.[٦٣]

سراج‌الاخبار بحیث وسیله مبارزات سیاسی افغانستان علیه امپریالیزم اروپا بصورت جدی و متین بفعالیت شروع نمود و از جانبی هم جهت تنویر محافظه کاران کشور برای تغییر و حرکت به پیش مبارزاتی را در پیش گرفت. واقعاً مبارزات این اخبار برای تحصیل آزادی کشور در برابر قوای استعماری وقت خیلی ناگوار بود. چنانچه بارها فروش و دخول اخبار مذکور از طرف مقامات رسمی بریتانیا در هند برتانوی منع می‌شد. وطن خواهان هندی غالباً نشرات طرزی را برای خجل ساختن مقامات برتانوی نقل می‌کردند.

محمود طرزی نه تنها منحیث یك ملیت‌خواه پی آزادی کشورش بود، بلکه او از موجودیت استعمارگران غرب در سر زمین‌های شرقی و مخصوصاً آسیا نیز راضی نبود و در اخبار خود بار نخست جمله «آسیا باید از آسیائیان باشد»[٦٤] را عنوان قرار داده می‌نویسد که چرا غربی‌ها سرزمین‌های آسیایی را مورد تاخت و تاز خود قرار می‌دهند، در حالیکه این سرزمین از آسیائیان است. این مفکوره را طوریکه می‌بینیم سال‌ها بعد وطن خواهان اندونیزیا و سایر کشورهای آسیایی بکار می‌برند.

محمود طرزی بود که زیر عنوان «حی علی‌الفلاح» آزادی افغانستان را اعلان می‌نماید چنانچه این شماره سراج‌الاخبار باثر دسیسه استعمار از نشر می‌ماند.

[٦٣] معلومات مفصل درین باره به شماره‌های ٥ و ٦ سال ٢٦ آریانا
[٦٤] سراج‌الاخبار سال دوم شماره ١٧ ص ٧

مختصر اینکه محمود طرزی در تحقق بخشیدن آمال و آرزوهای وطن‌پرستان افغانستان در برابر استعمار غرب از هر وسیله ممکن در اخبار خود استفاده کرد و در واقعیت امر همین مبارزات دلیرانه این مرد سیاست و ادب بود که زمینه را برای انکشاف آزادی‌خواهی افغانستان مساعد ساخت. و بالاخر وقتی آزادی بدست آمد، محمود طرزی نشر اخبار را واگذاشته بوظیفه وزارت خارجه افغانستان موظف شد. وقتی از وی پرسیدند چرا وظیفۀ نشر اخبار را ترك کردی گفت: «هدفم را حاصل کردم» و این وقتی بود که آزادی افغانستان از زیر کنترول بریتانیا بیرون می‌شد.

خبرنگاری محمود طرزی اگر از یکسو پیشه‌ای بود مقدس، از جانب دیگر ماجرایی بود پرخطر. چه اگر او از یکطرف اخبار و اطلاعات را برای هموطنان خویش تهیه می‌کرد و هم وسیله سرگرمی و تنویر افکار ایشان می‌گردید، از جانب دیگر از یك سو در برابر قوای بزرگ استعماری آن عصر که آفتاب در سرزمینش غروب نمی‌کرد، مبارزه داشت و از جانب دیگر بصورت مستقیم و غیرمستقیم به زمامداران وقت توصیه‌های وطن‌خواهانه می‌کرد و این امر را مبنی بر صدق نیت و مهارت قرار می‌داد.

ازینجاست که روزنامه‌نگاری او امری پرخطر خوانده شد. روزنامه‌نگاری را مسلک و پیشۀ اصلی خود دانسته و آنرا به هیچ چیزی برابر نمی‌کرد. چنانچه درین باره حبیب‌الله طرزی می‌نویسد که روزی جریده بیدار قندهار[٦٥]راجع به سیاست افغانستان و برتانیه مقاله‌ای نوشته بود و از آنجاییکه وظیفه او ایجاب می‌کرد، مکتوبی نوشت که تحریر چنین مقالات در مناسبات سیاسی جنجال بار می‌آورد. پس راجع به نشر چنین مقالات با وزارت خارجه مشوره شود. مدیر اخبار در جواب این نامه مکتوب شدیدی به وزارت خارجه نوشت و شاغلی حبیب‌الله طرزی هم بجواب آن نامه شدیدی نوشت و خواست امضای وزیر را بآن بگیرد.[٦٦] شاغلی طرزی می‌نویسد: نامه را سراپا خوانده به سوی من نگریست و گفت: تو می‌خواهی

[٦٥] این اخبار طلوع افغان قندهار است شاید شاغلی طرزی آنرا سهواً بیدار نوشته است جریده بیدار در مزار شریف نشر می‌شد و فعلاً روزنامه است.
[٦٦] درین وقت محمود طرزی وزیر خارجه بود.

که این مکتوب را بر من امضا کنی. عرض کردم بلی. زیرا بر وزارت خارجه تعرض سخت کرده! وزیر گفت: در نزد من این چوکی و این مقام ارزشی ندارد و در مقابل مسلك من که ژورنالیزم است به توتی نمی‌ارزد! من هم مثل او یك جریده نگارم و هرگز خود را اجازه نمی‌د هم که در مقابل کولیگ خودم چنین یك چیزی را بنویسم. آزادی قلم مقید به حق و باطل تحریر نیست، بلکه آزادی آنست که هرچه خواسته باشد بنویسد و قضاوت را بقارئین بگذارد. بهرحال با توقف سراج‌الاخبار در سال ۱۹۱۸ وظیفه محمود طرزی نیز منحیث یك خبرنگار ختم شد.

درین وقت که اعلیحضرت امان‌الله‌خان امور سلطنت را بدست گرفت، بحیث دوست نزدیك محمود طرزی با همکاری شدیدتر و بیشتر با او می‌پرداخت. گویند وقتی خبر مرگ امیر حبیب‌الله‌خان به محمود طرزی رسید و متعاقباً اعلیحضرت امان‌الله‌خان نزدش آمده مرحوم طرزی را به آغوش کشید و اظهار تأثر نمود. اما طرزی گفت: «تأثر مکن و حالا وقت عمل و کار است» باین ترتیب گویا همکاری خود را با او اعلام نمود.[٦٧] علیحضرت امان‌الله‌خان به همکاری مردان سیاست و تدبیر و قهرمانان شجاع کشور آزادی کشور را تأمین نمود.

محمود طرزی که بحیث وزیر خارجه تعیین شد اولین کارش اعزام هیأت‌ها بود به ایالات متحده امریکا و روسیه و اروپا تا موضوع برسمیت شناختن آزادی افغانستان را در آن سرزمین‌ها تأمین نماید.

دومین کار مهم محمود طرزی در امور خارجه مذاکراتش در منصوری است باهیات برتانوی که بعداً این مذاکرات تعقیب شده در کابل صورت گرفت. بهر صورت بعد از ۱۱ ماه مناقشه و مذاکره باهیات برتانیه بالاخره معاهده صلح امضاء شد.[٦٨]

طرزی که از کارهای پردشوار وزارت خارجه خسته شده بود، خواهش نمود تا مدتی چند استراحت کند. ولی وظیفه سفارت فرانسه باو سپرده شد و در سال ۱۹۲۲ این وظیفه را اشغال کرد. طرزی بعوض آنکه استراحت کند به امور مشکلتر روابط کلتوری افغانستان فرانسه بیش از پیش عطف توجه نمود. چنانچه در ساحه

[٦٧] دوپری، امریکن فیلدستف، شماره اول، سال ۸ - ۱۹٦٤.
[٦٨] دوپری امریکن فیلدستف صفحه ۱۱

آرکیولوژی و تحقیقات تاریخی هیأت فرانسه به افغانستان آمد. لیسه استقلال تأسیس شد. شاگردان افغانی برای تحصیل به فرانسه اعزام شدند.

ولی هنگامیکه طرزی در فرانسه بود، فضای سیاسی و اجتماعی افغانستان باز تیره و تار شد. اغتشاش ملای لنگ رخداد که از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹ دوام کرد. برای حل این مشکلات داخلی محمود طرزی بازهم بوزارت امور خارجه گماشته شد. ولی مشوره‌های محمود طرزی شنیده نشد. فلهذا طرزی از وزارت مذکور استعفی داد. گرچه رسماً تا سال ۱۹۲۷ این استعفی قبول نشده بود، ولی درین سال طرزی برای معالجه به سویزرلند رفت و به حکومت وقت برای تطبیق پروگرام‌های انکشافی، تقویه تشکیلات نظامی را مانند مصطفی کمال توصیه کرد و هم در سیاست خارجی حفظ موازنه را بین شرق و شمال مملکت سفارش نمود. ولی این مشوره‌های او عملی نشد و اغتشاش داخلی ۱۳۰۸ش آغاز گردید که علت سقوط حکو مت بود.

محمود طرزی درین وقت ترک وطن نموده به ترکیه رفت و بقیه عمر را در شعر سرایی و نویسندگی سیاسی بسر برد.[۶۹]

اگر بخواهیم کارکردگی‌های طرزی را بصورت اجمال خلاصه کنیم می‌توان گفت که محمود طرزی برای نخستین بار وزارت خارجه را تأسیس کرد. برای شناسایی افغانستان بسویه بین‌المللی همت گماشت، محمود طرزی را اولاد افغانی بحیث بانی و پیش‌آهنگ مفکوره‌های عصری و اصلاحی در امور اجتماعی می‌شناسند.

او بود که هنگام سلطنت اعلیحضرت امان‌الله‌خان سیستم حزبی و پارلمان انتخابی را پیشنهاد کرده بود. وی بار نخست بنیان ژورنالیزم را به صورت اساسی و متداوم گذاشت مرحوم طرزی در ۲۲ نومبر ۱۹۳۳ در محله‌ای بنام ماچقه در استانبول باثر مرض سرطان جگر برحمت ایزدی پیوست. روحش شاد و در جوار مرقد ابو ایوب انصاری (رح) قرار وصیت خودش دفن شد.

[۶۹] دوپری امریکن فیلدستف نمبر اول سال ۸

فصل سوم

انکشاف ژورنالیزم از سال ۱۲۹۸ - ۱۳۰۷ (۱۹۱۹-۱۹۲۹)

این قسمت بحث ما راجع به مطبوعات افغانستان یك فصل جداگانه است، زیرا در این وقت فصل نوی در زندگی مردم این کشور کشوده شد. این دوره از بسا جهات با گذشته فرق دارد و بدون شك این فرق در طرز تفکر و اندیشه مردم انعکاس کرده و بالنتیجه در جنبه‌های مختلف زندگی آنان تأثیر وارد نمود.

مهمترین فرقی که درین دوره به ملاحظه می‌رسد این است که افغانستان در صحنه سیاست بحیث نخستین کشور آسیایی خود را از زیر اسارت اجانب بیرون کرده و صبح صادق آزادی‌های ملل اسیر گیتی را بقسم یك قهرمان اعلام نمود.

با تحصیل استقلال عام و تام راه انکشاف را در پیش می‌گیرد که این امر از یك جانب در اثر پیشرفت‌های بعضی از کشورهای همجوار تحریك شد و از جانبی هم حرکات ارتقایی بعضی از کشورهای آسیایی این احساس را شدت بخشید.

تبلیغات و نوشته‌های نویسندگان و روشن‌فکران داخل کشور را بهیچ وجه نمی‌توان نادیده نگریست. این عناصر نخست در امر تحصیل استقلال بذل مساعی کردند و بعداً هم در راه ملیت خواهی و ایجاد انکشاف سعی نمودند. درین عناصر تذکری از محمود طرزی و روح جمعیت اخوان افغان ضرور است.

افغانستان درین وقت در اثر سفرهای اروپایی رجال آن عصر نه تنها بحیث یك کشور در جهان مشهور شد، بلکه بقسم یك مملکت قهرمان آزادی معرفی گردید.

علاوه برین عوامل، چندین عامل دیگر را می‌توان ذکر کرد که در تغییر فکری ملت افغان سهم برازنده داشته است. در اثر همین عوامل است که فکر اصلاح طلبی در هر امری از امور زندگی افغانستان به ملاحظه می‌رسد. برای اصلاح امور اداری نظام‌نامه‌ها ترتیب و نشر گردید که تعداد آنها از پنجاه تجاوز می‌کند. در راه

انکشاف تعلیم وتربیت برعلاوه لیسهٔ حبیبیه و مکاتبی که قبلاً وجود داشت مکاتب دیگری چون دارالمعلمین و لیسه کنونی نجات و لیسه کنونی استقلال تأسیس و علاوتاً مکاتب ابتدائیه در هر گوشه و کنار کشور باز گردید و شاگردان شروع به تحصیل نمودند. تعلیم نسوان آغاز شد، محصلان برای کسب علوم عصری به ترکیه، فرانسه اتحاد شوروی آلمان وغیره اعزام شدند.

در ساحهٔ دوستی بین‌المللی علاوه بر امضای معاهدات روابط دوستی با ممالك همجوار و با برخی از کشورهای دیگر نیز رابطه دوستی قایم شد.

در ضمن این کارها امور طبع و نشر هم انکشاف نمود. این انکشاف نه تنها از نظر کمیت مشهود است، بلکه از نظر کیفیت هم به صورت متبارز به ملاحظه می‌رسد. از نگاه کمیت درین دوره ۲۳ جریده و اخبار در نقاط مختلف کشور نشر گردید و طوریکه قبلاً تذکار یافت درین وقت برای انکشاف معارف گام‌هایی برداشته شد و این خود موید آن است که مطبوعات هم بایست انکشا ف می‌کرد.[۷۰] البته در نشر و پخش جراید و اخبار مردم افغانستان نقشی برازنده داشتند. ولی مساعی روشن فکران و روح اصلاح‌جویانه حکومت را بهیچ وجه نمی‌توان از نظر دور داشت و بلکه این همه اخبار و جراید در اثر معاونت مستقیم حکومت نشر می‌گردید.[۷۱]

قابل تذکر است که درین دوره برای بار اول زمینه مساعد می‌شود که اخباری به شکل شخصی و آزاد دور از تأثیر ونفوذ مقامات حکومتی بنام (انیس) نشر شود.

انیس در ماه می۱۹۲۷ از طرف مرحوم محی‌الدین انیس در هر دو هفته یکبار به نشرات آغاز نموده، فعلاً هم بقسم یك روزنامه به نشرات خود ادامه می‌دهد. راجع به خصوصیات آن بعداً به تفصیل بحث خواهیم کرد.

از نظر کیفیت، مخصوصاً از نگاه روش نشراتی اخبار و طرز ادای کلام و سایر خصوصیات ادبی هم درین دوره فرقی به ملاحظه می‌رسد که این هم بحث مفصلی را ایجاب می‌کند. درینجا همینقدر می‌گویم که نشرات این دوره شاید از نگاه فکر

[۷۰] شرام، ولبر وسایل مفاهمة جمعي وانکشاف ملی، کلیفورنیا، ایالات متحده، ۱۹٦٤
[۷۱] بگدانوف - ال. یاد داشت راجع به مطبوعات افغانستان، اسلامیك کلچر، جنوری، ۱۹۲۹.

ملیت خواهی با سراج‌الاخبار مشابهتی بهم برساند، ولی فرق اساسی درین است که سراج‌الاخبار ملیت خواهی کشور را برای حصول استقلال و آزادی آن تشویق می‌کرد، اما نشرات این دوره ملیت خواهی را برای حفظ استقلال، پیشرفت و اصلاحات امور زندگی و مخصوصاً ملیت خواهی ضد استعمار را تشویق می‌نمودند.

حقیقت این است که باوجود حصول استقلال، افغانستان هنوز هم مملکت مادر ساحهٔ بین‌المللی با دسیسه کاری‌های استعمار تنها به این اکتفا نکردند که خود و وطن خود را از زیر یوغ استعمار بیگانگان رهایی دادند، بلکه با روحیه وسیع انسان‌دوستی و بشرخواهی در راه آزادی ملل همجوار هم سعی بعمل آمد. چنانچه اجازه داده شد، تا حکومت موقتی هند از طرف آزادیخواهان آن کشور در افغانستان تأسیس گردد. و علاوتاً برای آزادی‌خواهی نیم قاره هند معاونت مادی و معنوی صورت می‌گرفت که این کارها باعث شد تا مخالفان خارجی نتنها از هر نوع دسایس ممکن برای خنثی ساختن این فعالیت‌ها بلکه برای از بین بردن این افکار متشبت شوند.

با در نظر گرفتن حقیقت مذکور نشرات آن دوره مطالبی مبنی بر ملیت خواهی، اتحاد ملی و اصلاح طلبی پیشرفت نشر نموده که نفوذ نشرات آنها تنها کشور را در بر نگرفته بلکه ساحه تمام عالم اسلام و شرق را مخاطب قرار می‌دادند. صفحات امان افغان و سایر جراید این دوره شواهد زنده ما درین امر می‌باشند

قبل از ینکه به معرفی جراید این دوره بپردازیم، ناگزیریم یادآوری کنیم که در اخیر این دوره طی يك مدت کوتاهی افغانستان در آتش اغتشاش و بحران داخلی می‌سوخت. درین مدت کدام امر اصلاحی و کدام قدم انکشافی بر داشته نشده است لهذا مدت اغتشاش را هم تحت الشعاع دورهٔ بین سنوات ۱۹۱۹ - ۱۹۲۹ در وقتش مطالعه می‌کنیم و سپس به فصل تازهٔ دیگر که بازهم دورهٔ تازه‌ای آغاز می‌شود خواهیم پرداخت.

امان افغان

طوریکه گفته شد درین دوره ۲۳ اخبار و جریده[۷۲] در کشور نشر می‌شد. و هم می‌دانیم که سراج‌الاخبار توأم با مرگ امیر حبیب‌الله‌خان فبروری ۱۹۲۹ جای خود را به امان افغان (۲۲ حمل ۱۲۹۸ مطابق ۱۲ اپریل ۱۹۱۹) خالی کرد. فلهذا سردسته اخبار و نشرات این دوره هم از لحاظ میراث نشراتی و هم از لحاظ نزدیکی به حکومت و اینکه اخبار پایتخت بود، امان افغان است. سایر اخبارها و جراید بحیث اقمار آن به پیروی ازان به نشر و تبلیغ می‌پرداختند. چنانچه اکثر مطالب امان افغان مجدداً در جراید ولایات ظهور می کرد.

امان افغان نخستین بار به مدیریت ښاغلی عبدالهادی داوی[۷۳] در هر هفته یکبار بنشر آغاز نمود. تعداد صفحات جریده از آغاز ۱۲ بوده به قطع ۹×۱۳ انچ عین قطع سراج‌الاخبار به طبع حروفی نشر می گردید. کاغذ آن از اخباری درجه اول بوده و جاییکه فوتو نشر می‌شد از کاغذ جلادار استفاده می‌گردید. همچنان برای پشتی اخبار از یکنوع کاغذ زرد گون استفاده بعمل می‌آمد که ضمناً در آن یکی دو اعلان هم نشر می گردید.

دومین مدیر این جریده ښاغلی پاینده محمد فرحت بود. وی سر از شماره ۳۲ سال اول نشراتی جریده امور طبع و نشر آنرا منحیث مدیر بعهده گرفته و ښاغلی داوی به کار دیگر گماشته شد. در عهد این مدیر که قطع اخبار به ٦/٥ ×۱۰ انچ خرد شد بود.

از آغاز شماره ٤٧ و ٤٨ که هر دو یکجا نشر شده است، مدیریت امان افغان به ښاغلی عبدالجبار سپرده شد. ولی از شماره ۹ و ۱۰ سال دوم امور طبع و نشر اخبار به ښاغلی سید محمدقاسم سپرده می‌شود. موصوف تا سال ششم نشراتی

[۷۲] به مقدمه اتحاد مشرقی در همین کتاب رجوع شود

[۷۳] اسلامیك کلچر، جنوری ۱۹۲۹، بوگدانوف، مدیر اول جریده را بنام سید قاسم معرفی کرده است ولی نویسنده این سطور شماره‌های اول سال اول امان افغان را با کلکسیون هفت ساله آن در کتابخانه انجمن تاریخ ملاحظه کرده و ښاغلی عبدالهادی داوی را به حیث نخستین مدیر اخبار دریافت.

این وظیفه را دنبال می‌کند و قطع اخبار هم مجدداً به شکل اولی تبدیل می‌شود. ولی بسال ۱۹۲۷ ښاغلی غلام‌احمد به حیث مدیر اخبار مقرر شد. درین وقت قطع اخبار به شکل اخبارهای اروپایی کلان شده و قریب دو چند قطع سابق آن می‌شود که این امر در سال ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ صورت گرفت.

آخرین مدیر آن ښاغلی غلام‌نبی جلال‌آبادی بود که در زمستان سال ۱۳۰۷ با شیوع اغتشاش جریده هم سقوط کرد و مدیر آن هم کشته شد. محمدحسن سلیمی هم بحیث مدیر امان افغان برای مدتی کار کرده است در زیر نام اخبار که به خط جلی تحریر یافته است این بیت جلب نظر می‌کند:

می نـویسد برافق با خط زرین آسمان
باد بر افغان مبارك دوره امن و «امان»

ولی از سال چارم نشراتی آن این فرد از بین می‌رود و عوض آن این عبارت درج می‌گردد:

«از ابنای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش جریده برایش فرستاده می‌شود.»

اشتراك سالانه اخبار در آغاز بدین شکل بود:

دار السلطنة کابل ده روپیه کابلی
در اطراف داخل مملکت ۱۸ روپیه
در خارج مملکت بیست و دو روپیه کابلی
قیمت یك نسخه در کابل ۳ شاهی*

باز هم در سال چارم نشراتی قیمت آن بدین شکل تغییر کرد:

قیمت سالیانه:
از وزراء واعیان بقدر معارف دوستی شان
برای مکاتب و کتب‌خان‌های ملی و معاونین و وقایع نگاران (فخری) رایگان

* یک شاهی عبارت از پنج پیسه و دوازدهم حصۀ يك روپیه کابلی بود.

عموم خریداران در داخل دوازده روپیه کابلی و در خارجه نیم پوند انگلیسی با
محصول پسته
طلاب و محصلین نصف قیمت شش ماهه:
داخله ۸روپیه
خارجه ۷ شلنگ

در این قسمت یك سلسله اطلاعات عمومی و تخنیکی راجع به ... آینده عرضه شد در قسمت آینده راجع به متن اخبار مطالبی به عرض رسانیده خواهد شد .

چنانچه اشتراک سالانه در کابل ۷ روپیه
در اطراف داخل مملکت یازده پیسه
در خارج سیزده روپیه
یک نسخه در کابل ۸ پیسه*

قبلاً نشر نخستین شماره امان افغان را به تاریخ ده حمل ،۱۲۹۹، مطابق ۳۰ مارچ ۱۹۲۰ درج نموده بودم. با بدست آوردن مراجع بیشتر این مطالب تازه‌ترین در این زمینه تقدیم می‌شود. بار اول، بتاریخ ۲۲ حمل، ۱۲۹۸، مطابق ۱۲ - اپریل ۱۹۱۹، جریدهٔ امان افغان به نشرات آغاز کرد که درین وقت ښاغلی عبدالهادی داوی مدیر و سر محرر آن بود. درین بار جریده مذکور در هر پانزده روز یك بار نشر شده و ۱٦ صفحه داشت در نخستین صفحه آن فوتوی شاه وقت نشر شده است.

درین بار چار شماره بصورت مسلسل نشر شده و بعد ازان متوقف شد و بار دیگر بتاریخ ۲۳ میزان ۱۲۹۸ یکتعداد شماره‌های دیگر این جریده نشر گردید. درین نوبت نام مدیر و یا سرمحرر در روی صفحات آن دیده نمی‌شود. و محض در داخل دو صفحه طبع می‌گردید. گرچه به صورت واضح در روی اخبار نوشته نشده است که در هر چند روز یك بار نشر می‌گردید، ولی از تاریخ آن می‌توان فهمید که در هر هفته یکبار نشر می‌شد. چه شمارهٔ اول آن در ۲۳ میزان نشر شده و شماره دوم آن

* یک روپیه کابلی شصت پیسه بود

در ۳۰ میزان و بهمین ترتیب شماره‌های مابعد آن بعد از یك یك هفته ظاهر می‌گردید. هشت نسخه این دوره در کتابخانه انجمن تاریخ موجود است. البته در ضمن شماره دوم و چارم مفقود بوده باقیمانده از شماره یك تا ده به نظر رسید.

قابل تذکر است که این دوره هم با شماره اول و سال اول شروع می‌شود. باین معنی که در حاشیه بالای نام جریده بطرف راست هم (۱) نوشته شده و بطرف چپ آن هم و بعداً (۱) طرف چپ در شمارهای مابعد به (۲) و (۳) تا (۱۰) تغییر می‌کند ولی «۱» طرف راست تا شماره دهم همان (۱) است و این خود می‌رساند که این «۱» سال را نشان می‌داد.

بدین ترتیب خوانندگان محترم ملاحظه می‌فرمایند که امان افغان سه بار آغاز شده است. یعنی هر بار از شماره اول سال اول شروع شده که این خود پژوهنده و محقق را به سهو می‌کشاند. اما هرچه بود و به هر ترتیبی که آغاز شد فعلاً نوشته قبلی خود را تصحیح نموده آغاز این جریده را (۲۲ حمل ۱۲۹۸/ ۱۲ اپریل ۱۹۱۹) می‌دانیم .

متن امان افغان:

متن امان افغان را کم و بیش همان مطالبی تشکیل می‌دهد که هر جریده و روزنامه امروزی جهان حاوی آن است. از نظر کیفیت در مطالب آن روحیه تشویق، ترغیب و وطن‌خواهی ظاهر می‌باشد که آنرا بیشتر در اخبار و اطلاعات داخلی می‌توان یافت. رویهمرفته آنچه از مطالعه کلکسیون‌های شش ساله و چند شماره اول این جریده حاصل شد، این است که متن جریده از لحاظ موضوع حاوی خبرها، سرمقاله‌ها و تبصره‌ها مقالات علمی و معلوماتی، نطق‌ها و بیانیه‌های رسمی مقامات دولتی مکتوب به مدیر داستان‌های کوتاه و اعلانات می‌باشد

خبرها:

حقیقت مسلم این است که عنصر اساسی یك روزنامه و جریده راخبر تشکیل می‌دهد. با در نظر داشت این امر وقتی جریده هفته‌وار امان افغان را ورق می‌زنیم به یك سلسله خبرها مواجه می‌شویم. این خبرها از لحاظ موضوع به گروپ خبرهای داخلی و گروپ خبرهای خارجی تقسیم شده اند. خبرهای خارجی بازهم

در داخل گروپ خود به اخباره «عالم اسلام»، «فرنگستان» و بعضاً خبرهای «تلگرافی» و «خبرهای مختصر تقسیم شده اند.

خبرهای داخلی شامل (وقایع پایتخت وولایات) اغلب توسط خبرنگاران مخصوص و کارکنان جریده تهیه می‌گردید. البته گاهی در ختم خبر نوشته می‌شد که این خبر توسط خبرنگار مخصوص تهیه شده و هم گاهی که یك خبر از جراید ولایات اقتباس می‌گردید نام آن جریده منحیث مرجع درج می‌گردید. ولی غالباً مرجع خبرهای داخلی آن داده نشده است. با آنهم مرجع یك سلسله خبرها را بنابر موضوع و کیفیت آن می‌توان حدس زد. مثلاً خبر ذیل که در شماره چهارم سال اول آن نشر شده مسلماً از طرف مدیر جریده با ارتباط وزارت خارجه نوشته شده است:

«بروز ۱۵ حمل هفت بچه صبح جناب عالیقدر جلالتمآب سردار اعلی (محمود بیگ خان) ناظرصاحب امورخارجه بحیث رئیس هیئت صلحیه و جناب عالیقدر غلام‌محمدخان ناظرصاحب تجارت و جناب ادیب مکرم عبدالهادی‌خان مامور سرحدات، عالیقدر شجاعت نشان پیرمحمدخان کرنیل، دولت پناه عزتمند دیوان نرنجن داس بحیث اعضاء با سه چار نفر کاتب و عمله برای فیصله و تصفیه امورات صلحیه به سواری موتر کاد از راه جلال‌آباد و دکه نهضت فرمای سرحد هندوستان شده اند. و از قرار شنیدگی در (منصوری دیره دون) با اراکین و نمایندگان دولت برطانیه مذاکره خواهند کرد.»

در متن این خبر چند موضوع قابل دقت است:

۱- این خبر یك خبر مهم دولتی بوده و چون جریده هم زبان دولت بود بناء خبر مذکور از طرف مدیر اخبار و یا کدام عضو مهم آن با مشوره وزارت خارجه تحریر شده است، چه مرجع و نویسنده آن معلوم نیست.

۲- درین خبر مهمترین عنصر خبری عبارت از: فیصله و تصفیه امورات صلحیه است که البته نظر به ایجاب خبرنگاری امروز در افتتاحیه می‌آید و بدنبال آن اشخاص، وقت و حرکت آنان و سایر مطالب خواهد آمد.

۳- در چنین یك خبر رسمی دولتی وجود و علامت شك و تردید عجیب به نظر می‌رسد. چه فقرات «از قرار شنیدگی» و «سه چار نفر کاتب»

صراحت نداشته و توأم با شك و تردید اظهار شده است. می‌توانست شد که بعوض فقرات مذکور فقراتی به صورت واضح و مثبت درج شود.

٤- امورات نادرست بوده و تنها امور کافی خواهد بود که جمع «امر» به معنی عمل و کار باشد.

درینجا مثال دیگری تقدیم می‌نماییم که در شماره ٤٧ سال پنجم نشر شده و بازهم در آن عنصر شك و تردید ظاهر است. بعبارت دیگر خبرنگار خبر خود را مکمل نکرده است: «بنابر یك اطلاع موثق هفته قبل یك پسر دوازده ساله شاید که از اطفال مکتب چهل ستون بوده در آن حدود مشغول ساختن طیاره کاغذی بود.... در خبر اضافه شده که درین وقت پادشاه وقت می‌رسد و این موضوع را مشاهده می‌کند و به غرض تشویق بخششی برای طفل اعطا می‌فرماید.»

در خبر مذکور چند فقره قابل تأمل است. اول «بنابریك اطلاع موثوق» که می‌توانست بعوض آن مرجع خبر به صورت واضح گفته شود. دوم حتی اینقدر هم فهمیده شد که پسر ۱۲ ساله بود ولی اسم او و پدرش و سکونتش واضح نگردید. در عوض گفته شده است. شاید که از اطفال مکتب چهل ستون بود.

نوشتن خبرهای داخلی بعضاً به شیوه خاصی صورت می‌گرفت. باین معنی که نخست خبر با یك مقدمهٔ مفصل آغاز شده، و باصطلاح امروز مفکوره‌ای توأم با آن قایم می‌گردید، سپس خبر عرضه می‌شد. چنانچه در شماره ۳ سال اول خبری راجع به نرخ مواد ارتزاقی نشر گردیده است. درین خبر اول از رفتار مدبرانه حکومت تمجید و تقدیر شده از حکام و مامورین خصوصی این وظیفه تشکر بعمل آمده و ارزانی مواد ارتزاقی را ناشی ازین تدابیر دانسته اند، بعداً نرخ مواد ارتزاقي طي يك جدول مفصل تقدیم شده است.

اینك مثال دیگری از خبرنگاری داخلی امان افغان که در شماره ۲۰ سال اول نشر شده است. درینجا هم نخست مقدمه‌ای نوشته شده و بعد ازان به اصل مطلب پرداخته شده است: «اهمیت زراعت از امور بدیهیه است، احتیاج به توضیح زیاد درین وادی نمی‌بینیم. توجه غربی‌ها درین مسئله بجایی رسیده که برای باران ابرهای مصنوعی تولید می‌کنند و ابرهای ژاله بار و مضر را از فضا با توپ‌های

مخصوص پاره پاره و پراگنده می‌سازند...» با ین ترتیب بقیه این خبر با تفصیل تام راجع به افتتاح بند غازی نشر شده است.

البته قابل دقت است که درین خبر نخست از اهمیت زراعت و بعد راجع به انکشافات غرب صحبت شده است. هدف این ترتیب غالباً آن که مردم وطن در امور کشت و زراعت تشویق و ترغیب شوند. و ضمناً با این حسن تعلیل خود خبر بند غازی را روی این مقصد نشر می‌نماید. گرچه بازهم خبر و مفکوره ممزوج شده است ولی از لحاظ هدف خود مفید است.

همچنان خبر دیگری جلب نظر کرد که در شماره ۱۱ سال اول نشر شده و نخست مواد و مطالب خبری عرضه می‌کند و بعد شکایت و خواهش ازان استشمام می‌شود: «از اول ماه فیض رسان رمضان روغن زرد و گوشت گوسفند نسبتاً کمیاب و فرق غربا کمتر می‌توانند دستیاب کنند. اگر چه گرانی و کمیابی گوشت زودتر رفع گردید لاکن روغن زرد تا کنون دشوار محصول است (شاید دشوار حصول) یعنی می‌توانند مردمان ذی اقتدار و اقویا به سهولت دستیاب نمایند و ضعفا روزها نیابند. از جناب عالی جلیل القدر امجد ناظر صاحب عدالت رجاء می‌کنیم که در خصوص فراوانی آن که خاص و عام بان یکنوع احتیاج دارند توجه کافی نمایند.»

خوانندگان امروز اکثر از ثقافت کلام و ادبیات معیاری در روزنامه‌ها شکایت می‌کنند. البته هنگامیکه امان افغان نشر می‌گردید سواد هم تازه در کشور انکشاف می‌کرد ولی بازهم مطالب داخل جریده اکثر ثقیل تحریر می‌گردید و کلمات عربی دور از فهم در آن بکار می‌رفت. درینجا خبری را در باب آب و هوا تقدیم می‌نماییم که در شماره ۱۱ و ۱۲ سال اول نشر شده و این گفته را ثابت می‌سازد:

«امسال زمستان به زمستان‌های تقریباً ده سال پیشتر می‌ماند. یعنی هوا بقرار طبیعت و عادتی که دارد آغاز برودت نهاده و قهرمان شتا به موسمش بنای حکم فرمایی نموده برفباری از ۱۹ قوس شروع گشته بلی هر چیز بوقت و هنگام آن نکوست»

جمله اول این خبر که در حقیقت افتتاحیه آن می‌باشد، خیلی عالی نوشته شده و در آن اول هر خواننده را جلب می‌کند. بعداً توضیح آن هم به جای مناسب صورت

گرفته است. یعنی درست بعد از ختم جمله اول.

برای اینکه حداقل راجع به جهات مختلف متن این اخبار روشنی و از خبرها با خبر باشیم یك مثالی هم از خبرهای عدلی و محاکماتی می‌آوریم:

این خبر در شمارهٔ ۱۵ و ۱٦ سال اول راجع به گفتگو و محاکمه محمد سرورخان نایب‌الحکومه هرات مشهور به بابا و غلام نبی‌خان فرقه مشر آنجا می‌باشد بهرحال حال از نزاع آنان که بگذاریم «حضرات‌شان به دارالسلطنه کابل طلبیده شدند و معارضهٔ شان جهت فیصله و تصفیه به محکمه مامورین محول گردید. پس از تحقیق و امضای ارباب درایت جناب غلام نبی‌خان بری‌الذمه وجناب نایب‌الحکومه به موجب نظامنامه جزا محکوم به حبس و در بندی‌خانه شیر پور محبوس گردیدند»

در جمله خبرهای داخلی یك سلسله خبرهای فوتی هم جلب نظر کرد که اکثر شامل خبرهای فوتی اشخاص بزرگ ملی و بعضاً بین‌المللی می‌باشند. البته از نظر ترتیب و نوشتن هر کدام قابل دقت و توجه است ولی بغرض رفع اطاله کلام یکی آنرا قسم نمونه تقدیم می‌نماییم:

جناب ضمان‌الدین خان نائب الحکومه هرات شب (۱۹) قوس پس از صرف طعام مفاجاتاً فوت کرده اند مشارالیه یك شخص دانسته و خدمتگار صادق دولت بود و عمر خود را از صباوت تا اینوقت بخدمت حکومت گذرانیده از اوضاع حاضره دنیا معلومات و واقفیت داشت. زبان انگلیسی را هم تایك اندازه می‌دانست خاطرش به ترقی و عمران وطن مایل بود.

گویا مرگ مفاجات در خاندانی شان یکنوع توارث دارد چنانچه برادر دیگر شان آقای یاربیک خان که یك آدم خیلی دانسته و یك شخص فاضل و صاحب اخلاق ستوده بود در موقع حرکت در زمره هیات سفارت فوق‌العاده افغانی به اروپا مفاجاتاً ترک حیات گفتند...»

این خبر افتتاحیه خیلی جالبی دارد. نخست شخص مهم بود، بعد مرگ که بر او حادث شده است، سوم چگونه مرگ و چارم عنصر وقت که آنرا فقره پس از صرف طعام بخوبی افاده می‌نماید.گرچه افتتاحیه خبر مثل خبرنگاری امروزی شکل

پاراگراف مستقل را ندارد ولی اگر از تنگ نظری بگذریم همین جمله را می‌توانیم به قسم افتتاحیه قبول نماییم. همچنان با مربوط ساختن خبر به واقعه مرگ برادر او خبر بیشتر دراماتیك و جالب می‌شود. چه گذشته از آنکه نسبت او را به یك شخص معروف اطلاع می‌دهد، نوع مرگ هردو را یکی نشان می‌دهد که این خود جالب است.

در این خبر از تذکر یك امر عادی دیگر نیز ناگزیرم و آن اینکه عدد (۱۹) بین قوسین جا داده شده است و این درست سبك همان وقت بود. پوهاند عبدالحی حبیبی اظهار نمود که این کار غالباً بغرض رفع اشتباهاتی که ممکن بود واقع شود بعمل می‌آمد. نام متوفی یعنی ضمان‌الدین‌خان به (ض) نوشته شده که به حقیقت نزدیك است.

در عین اینکه در عناصر خبری در بسا خبرهای داخلی امان افغان شك و تردید موجود است، صراحت نویسی هم به ملاحظه می‌رسد. درین مورد حادثه‌ای از ولایات شمال کشور را مثال می‌آوریمکه در شماره ۷ سال ششم نشر شده است:

«دو هفته پیش افواهاً شنیدیم که به طرف... یا بدخشان کدام حادثه‌ای حدوث نموده است اما معلوم نشد که حادثه از چه قبیل است. روز دیگر اینقدر مسموع گردید که به طرف بدخشان کدام قوم عصیان نموده است. بالاخره از روی روایات لسانی ظاهر گردید که تبعه دولت به عصیان اقدام نموده اند.»

خبر علاوه می‌کند: «در اوایل امسال مردم... با علاقه‌دار آنجا در باب تادیه زکوة مواشی شان مناقشه نموده به تحریك بعضی مفسدین از تادیه زکوة سر پیچی نمودند.» درین خبر اضافه گردیده است که وقتی علاقه‌دار خواست زکوة را از آنان تحصیل کند، مردم علیه نظامی‌ها و حکومت یکنوع تظاهر دادند و بالاخره موضوع در اثر مداخله قوهٔ عسکری ولایت قطغن و بدخشان حل شد.

قابل دقت این است که خبر مذکور نخست از همه به شکل و قوع حادثه نوشته شده یعنی بار اول به شکل افواه و بعداً تحقیق شده و شکل واقعی آن دریافت شد و بالاخره دست بکار شدن قوای حکومتی را برای فرونشاندن آن متذکر شده. و در اخیر از حل آن تذکر رفته است. ولی رویهمرفته برای رفع اشتباهات و افواهات

خبر مذکور واقعه را به تفصیل تقدیم کرده است.

در عین خبر بازهم عنصر شك و تردید در خبر به ملاحظه می‌رسد. مثلاً به فقره «یا ... بدخشان» و فقره «کدام قوم...»

بین خبرهای داخله از خبرهای رسمی دولتی گرفته تا خبرهای سرقت، حریق، نرخ و نوا و غیره به تفاوت‌ها در شماره‌های اخبار مذکور به ملاحظه می‌رسد. مراد ما از کلمه تفاوت‌ها این است که یك سال و زیر نظر یك مدیر توجه مزید به حجم اخبار شده است، ولی سال دیگر و یا شماره‌های دیگر در نشر مقالات علمی توجه مزید به خرج داده شده است و خبر کمتر به ملاحظه می‌رسد. ولی رویهمرفته عنصر مهم و اساسی که در یك اخبار بایست باشد عبارت از خبر است و این عنصر بکثرت و وفرت در جریده امان افغان موجود است.

خبرهای خارجه:

طوریکه قبلاً متذکر شدیم، یك حصه مهم خبرهای امان افغان شامل خبرهای خارجه می‌باشد. این خبرها بطور عموم تحت دو کته گوری و بعضاً دوکته گوری دیگر هم به آن علاوه می‌گردید. دوکته گوری اولی و اساسی شامل خبرهای عالم اسلام و خبرهای «فرنگستان» می‌باشد. در دوکته گوری فرعی خبرهای تلگرافی و خبرهای مختصر، قابل تذکر است.

خبرهای عالم اسلام شامل تمام وقایع و اطلاعاتی بود که یا از جهان اسلام و یا هم با ارتباط به عالم اسلام واقع می‌گردید. اخبار فرنگستان شامل وقایع بود که در جهان غرب به وقوع می‌پیوست. اصلاً کلمه فرنگستان به امپراتوری بزرگ برطانیه بکار برده می‌شد. طوریکه در امان افغان ملاحظه می‌شود اخبار امریکا، اروپا و سایر کشورهای غیراسلامی زیر این عنوان آمده است.

زیر عنوان اخبار تلگراف آن بخش خبرهای خارجی نشر می‌شد که اکثر شامل وقایع عالم اسلام و غیر اسلامی بود و خبرهای مختصر هم ازین قبیل بود.

مرجع مهم خبرهای خارجی امان افغان روزنامه‌ها و جراید خارجی بود. تذکر نام اخبارهای زمیندار، وکیل، پایونیر، سیاست، تحفه هند، سول ملتری گزت، پیسه اخبار، جریده حبل المتین، ایران، اخگر و سایر جراید و اخبار ایرانی و اخبار و جراید

عربی، جراید فرانسه، جراید روس، بحیث مرجع خبرهای خارجه امان افغان ضروری بود.

مطالب مربوط ذریعۀ ترجمانان امان افغان ترجمه شده و نشر می‌گردید. تذکر نام عبدالجبارخان ترجمان که اکثر در جریده ظاهر می‌گردید، درینجا لازم است.

علاوه بر جراید و اخبار خارجی، بعضاً مطالبی ذریعۀ بعضی اشخاص هم برای امان افغان تحریر می‌گردید که بنام خبرنگار مخصوص درج اخبار می‌شد.

سطر تاریخ و مرجع خبرهای خارجی قسماً مفقود است، ولی قسماً به ملاحظه می‌رسد. شکل سطر تاریخ و مرجع را در خبر ذیل منتشرۀ شماره ده سال دوم ملاحظه می‌فرمایید.

خبر از پایونیر گرفته شده بود «طهران -۳ اگست (۱۲- اسد) علاقه خراسان (توابع ایران) اعلان آزادی خود را کرده مقرری صمصام السلطنة را (بحیث حاکم کلان منظور نه نمود، محرك این مسأله محمد تقی نام افسر جندار مایی) بود که از طرف ضیاالدین سابقاً به حاکمی یك علاقه مقرر شده بود و فعلاً حکومت موجود نامبرده را عزل کرده است.

در حقیقت در اکثر خبرها سطر تاریخ و مرجع خبر خیلی ساده بود، علاوه بر اینکه اصول نقطه گذاری مراعات نمی‌گردید، اکثر تنها به نام کشور و یا محلی که خبر راجع بان بود اکتفا می‌شد، که درینصورت نام کشور بالای عنوان درج می‌گردید.

گاهی توأم با نام کشور، تاریخ وقوع خبر هم درج شده و بعداً عنوان خبر می‌آمد. گاهی سطری مرجع و تاریخی مانند خبریکه ذکر شد فقط در شروع اصل خبر می‌آمد.

درینجا خبر دیگری را که سطر مرجع و تاریخ در آغاز جمله اول آمده تقدیم می‌نماییم، که در عین حال منحیث نمونه خبر خارجی باشد. این خبر در شمارۀ ۳۳ سال دوم نشر شده است:

اعلان آزادی مصر نشر شد

«لندن ۱۷ مارچ: خبر برق قاهره (دارالسلطنه مصر) مظهر است که سلطان مصر بر بنای مذاکرات صلحیه انگریزی اعلان آزادی مصر را نموده و لقب خود را باسم

شاه گذاشت.» برای توضیح مطلب خود يك خبر دیگر هم نقل می‌کنم که مرجع خبر خود عنوان است:

«خبرهای تازه نسبت به مجلس لوزان نرسیده است که آیا معاهده امضا شده یا نه محض تکرار خبرهای سابقه است که صلح می‌شود و متفقین کشیدن عساکر خود را از قسطنطنیه و آبناها تصویب نموده اند» این خبر در شمارۀ ۸ سال چارم نشر گردیده است.

حجم خبرهای خارجه هم از سالی بسالی فرق می‌کند. ولی رویهمرفته کلیشه «حوادث» خارجه که در زیر آن خبرهای خارجی درج می‌گردید تقریباً در تمام شماره‌های جریده به ملاحظه می‌رسد. در شماره‌های سال‌های پنجم و ششم تعداد خبرها کم و اکثر ستون‌های امان افغان وقف مسایل علمی و مقالات طویل اقتصادی و تاریخی و سیاسی شده است، در شمار خبرهای داخله نیز کاست جدی رونما گردیده است.

سرمقاله‌ها و تبصره‌ها:

سرمقاله‌ها و تبصره‌های جریده را به طور عموم می‌توان تحت سه کته گوری مطالعه کرد.

۱ - نوشته‌های مدیر که در حقیقت اکثر سرمقاله‌ها را تشکیل می‌دهند. متن این نوشته‌ها را علاوه بر ایضاح بعضی مطالب، عمدتاً مسأله تشویق و روحیه وطن خواهی، ملیت خواهی و دین دوستی تشکیل می‌دهد. در يك سرمقاله امان افغان منتشرۀ ده حمل ۱۲۹۹/ ۳۰ مارچ ۱۹۲۰، مطالبی است زیر عنوان عالم اسلام. درین مقاله راجع به بدبختی‌های جهان اسلام سخن رانده شده و احوال اسلام «گریه آور و ندبه خیز» خوانده شده است و سپس مجله پایان شب سیه سپید است، گفته ادامه می‌دهد که این حال باقی نمی‌ماند و توقف می‌کند.

مقاله جریده (۲۲ حمل ۱۲۹۸/ ۱۲ اپریل ۱۹۱۹) دارای مطالب متعدد است. چند سطر اول آن حمد و ثنا بوده و چند پاراگراف آن راجع به مرگ امیر حبیب‌الله‌خان می‌باشد. پس راجع به تأسیس و مرام اخبار صحبت شده است.

و هدف از نشر آن مطالب ذیل بوده است:

۱- در وطن و ابنای وطن شوق تحصیل علم و فن پیدا کردن و از بیداری لازمه عصر حاضر آگاهی دادن.
۲- افکار آزاد را آزاد اشاعت نمودن
۳- هیئت موجوده محترم دولت مطبوعه مقدسه خود را (بنابر آزادی دوستی و آزادی خواهی‌اش) احترام و اطاعت صمیمانه و حتی‌الامکان اعانت صادقانه نمودن.
٤- بیطرفانه ابنای وطن را آشنای سیاست دنیا خصوصاً عالم اسلام ساختن.

سرمقاله‌های شماره‌های ٦-۷-۸- ۹ -۱۰ و ۱۳ بطور عموم راجع به انگلیس و روابط آن با افغانستان و سایر کشورهای جهان می‌باشد. درین سرمقاله‌ها روشنی کافی بر روی غرض‌های انگلیس انداخته شده، با ارائه حقایق تاریخی اغراض انگلیسی روشن گردیده است.

سرمقاله شماره ۸ سال دوم از نظر متن خود یك امتیاز دارد و آن این است که بار اول ساحۀ فکری امان افغان وسیع شده، علاوه بر افغانستان و عالم اسلام عنوان «نهضت آسیا یا بیداری شرق جلب توجه می‌کند. درین مضمون اظهار شده است که اصلاً بین آسیایی و اروپایی چه فرق موجود است که این اسیر و آن استعمارگر باشد.

درین سرمقاله بعد از تعریف آسیایان از نظر فرهنگ و کلتور نوشته است: « بلی غفلت و بیهوشی، انهماك در انبوه رسوم و عادات ملل مشرق را در مقابل اروپاییان جاهل و بی‌قا بلیت نشان داده، و بجایی رسیده اند که اسارت ملل آسیایی را مدتی است توقع و تصمیم کرده اند...» بالاخره مضمون علاوه می‌کند: «امروز در نتیجۀ اثرات جنگ بین‌المللی و در تحت فشار انقلابات اجتماعی برخلاف انتظار اروپایان، آسیای مرکزی رو به بیداری نهاده و نهضت افکار مشرق شروع شده است.»

سرمقاله‌های شماره ۱۹ سال پنجم و شماره ۲۰ سال پنجم راجع به روزنامه‌نگاری نوشته شده اند. متن آنها قابل دقت و تأمل است. راجع به متن هر کدام زیر عنوان روزنامه‌نگاری بحث مفصل تقدیم خواهیم کرد. راجع به سرمقاله‌ها بطور عموم عرض باید شد که مطالب آنهارا بصورت عمده مسایل ملی و جهانی روز،

سالگره‌های استقلال، اعیاد محرم و سایر روزهای مهم ملی و بین‌المللی تشکیل می‌داد

۲- نوشته‌های نویسندگان این نوشته‌ها هم شامل مطالبی است که در موضوع ملیت خواهی افغانستان و تشویق مردم راجع به امور عصری زندگی و ترغیب مردم برای فراگرفتن علم و دانش نوشته می‌شد. نویسندگان این نوشته‌ها گاهی معلوم است و گاهی معلوم نیست. که در اینصورت دو مفکوره ایجاد می‌شود که شاید این نوشته‌ها هم توسط خود مدیر اخبار تحریر می‌گردید و بناء نام خود را همراه آن نمی‌نوشت و یا شاید توسط بعضی از همکاران دیگر جریده نوشته شده باشد که شاید بر طبق روش نشراتی خود نمی‌خواست نام او را توأم با مضمون بنویسد.

سومین کته گوری تبصره‌ها عبارت اند از نوشته‌هایی که از سایر جراید اقتباس می‌شد. به طور مثال افغانستان امروز عنوان مقاله‌ای بود که در جریده حبل‌المتین نشر شده و امان افغان آنرا اقتباس کرده در شماره ۱۷ و ۱۸ سال پنجم خود نشر کرده بود. درین مقاله ضمن تذکر سایر اوصاف افغانستان، از اسلام دوستی رهبر افغانستان هم تعریف شده است.

در شمارهٔ سوم سال جریده مقاله‌ای از جریده چهره نما منطبعهٔ مصر اقتباس شده بود که این مقاله حاوی مطالبی راجع به سیاست جهان می‌باشد.

از متن مطالب اقتباسیه معلوم می‌شود که هدف اساسی و مهم از اقتباس آنها همانا این بود که مقالات و نوشته‌های مذکور یا از لحاظ ارتباط با سیاست و جهات مختلف زندگی افغانستان مربوط بود و یا اینکه موضوع جالبی را در ساحه بین‌المللی اقتباس می کردند.

صفحات اختصاصی:

صفحات اختصاصی امان افغان که جسته جسته زیر عناوین مختلف در شماره‌های مختلف جریده ظاهر می‌گردید، شامل مطالب عمومی چون ادبیات، علم و معارف، عالم عسکری، تاریخ طبیعی، ستون صحی و غیره بود. این مطالب از لحاظ کیفیت خود وظیفه تعلیم دادن را که در حقیقت یکی دیگر از اهداف مهم وسایل اطلاعات به حساب می‌آید، تشکیل می‌دادند. و همچنان ستون از ادبیات

آن از لحاظ سرگرم ساختن خوانندگان دارای اهمیت بود. در ستون ادبیات اکثر مطالب طی غزل‌ها و قصایدی راجع به مسایل مختلف تقدیم می‌گردید.

در ستون علم و معارف اکثر از ارزش و اهمیت علم و دانش بحث شده، راجع به موسسات علمی وقت اطلاعات عرضه می‌شد. عالم عسکری، که زیر کلیشه خیلی جالبی به شکل تانک در حالیکه رسم نمونه‌های سلاح‌های نظامی روی آن نصب شده بود و تقدیم می‌گردید. زیر این کلیشه مطالبی مربوط به تعلیم و تربیت عسکری و اطلاعات راجع به مسایل عسکری تقدیم می‌گردید.

تاریخ طبیعی شامل مطالبی در بیولوژی و علوم طبیعی بود. زیر ستون صحی که بسیار کم به نظر رسید وصایای صحی به مادران و امثال آن تقدیم شده است.

مطالب سرگرم کننده:

در روزنامه‌نگاری امروز یکی از اهداف مهم تقدیم مطالب سرگرم کننده است. در جریده امان افغان زیر این عنوان می‌توان از داستان‌های کوتاه، کلمات بر جسته و موضوعات «متنوعه» نام برد. داستان‌های کوتاه یا به شکل سلسله‌دار می‌آمد و یا اینکه بعضی داستان‌ها در یك شماره ختم می‌شد.

اما مطالب متنوعه شامل موضوعاتی بود مانند احصائیه‌های جالب، اطلاعات نغز و مطالب معلوماتی غیرجدی. در جمله «مطالب متنوعه» عناوین شماره ۲۹ سال چارم جریده را متذکر می‌شویم:

عنوان اولی آن عبارت است از: عدد ناقص شدگان جنگ عمومی و این مطلب بعد از تفصیل و تقدیم از قام راجع به معیوبین جنگ در کشورهای مختلف، مجموع ارقام آن را چار ملیون و ۱۲٤ هزار نفر درج نموده است. عنوان دیگر آن «حادثه عجیبه» است زیر این عنوان از تشکیل ابر، باریدن ژاله باندازه بیضه مرغ و بلند شدن یکنوع دود قرمزی تذکر بعمل آمده است عنوان سومی بازهم راجع به باریدن ژاله عجیب است. و عنوان چارمی «مصارف بریطانیا در ممالك عربیه»

نطق‌ها و بیانیه‌ها، نظامنام‌ها، معاهده‌ها و خطبه‌های شاهی:

مطالب جالب دیگری که شامل متن جریده امان افغان می‌باشند عبارت اند از:

نطق‌ها و بیانیه‌های رسمی اعم از پادشاه وقت، وزرا، سفرا و سایر مقامات رسمی. البته این نطق‌ها در مراسم مختلف سالگردهای ملی در اجتماعات، دعوت‌ها، افتتاح موسسات علمی و غیرآن صورت می‌گرفت. متن این نطق‌ها شامل مطالبی است که روح ملیت خواهی و اساس اسلامیت را انعکاس داده در راه انکشاف و اصلاحات وصیت‌ها تقدیم می‌شد.

در شماره ۱۰ حمل ۱۲۹۹ جریده، زیر عنوان «حوادث داخلیه» خبری راجع به سالگره وفات امیر حبیب‌الله‌خان جلب نظر می‌کند که در آن غم عالم اسلام پریشانی آور نشان داده شده است.

ضمن سایر نطق‌ها چیزیکه حافظ شرف دایمی کشور تلقی شده بدین گونه توصیه گردیده است: «اول خدمت باشرف عسکری که بر هر فرد مسلمان یك امر خداوند است باید که زیاده بر زیاده عسکر خود را تقدیر و خدمت عسکری را یك خدمت بزرگ مسلمانی بشمارید... دیگر ترقیات عرفانی است. زیرا ملتی که عالم نباشد ابداً حقوق خود را محافظه کرده نمی‌تواند و ضرور دیگران دست تعرض خود را بر حقوق مشروعهٔ او دراز می‌کنند. همچنان زراعت و تجارت نیز محافظ استقلال می‌باشد. باید تجارت شما خوب باشد و زراعت‌گران تان بسیار جدی کار نمایند...»

چنان بر می‌آید که در آن وقت یکتعداد اشخاص بنام قادیانی در داخل افغانستان فعالیت می‌نمودند و کوشش می‌کردند بعض اشخاص را به کیش خود دعوت نمایند. ولی این امر برای آنان مجال داده نشده و به محکمه کشانیده می‌شدند چنانچه شماره‌های امان افغان نشان می‌دهد چندین تن آنان به جزا رسیدند.

نمونه بیانیه یك سیاستمدار خارجی راجع بافغانستان این بیانیه را موسیو چیچرن وزیر خارجه دولت شوروی به تقریب اعتلای بیرق افغان در برلین ایراد نموده است. وی از اشتراك درین مراسم اظهار مسرت نموده، اضافه می‌کند: «افغانستان جوان در عالم شرق و اسلام یك موقع مهمی را گرفته به چشم می‌بینیم که فرصت را ضایع نکرده در پیش رفته است و از این یك امید قوی است که افغانستان عالم اسلام را یك نجات خواهد داده» سپس بیانات وی روی روابط دو کشور ختم می‌شود.

دورۀ نشر امان افغان را می‌توان دوره قانون‌سازی آنوقت خواند چه درین دوره بیش از ۵۰ نظامنامه توسط دوایر مختلف ساخته شد و از طرف شورای عالی دولت* تنظیم و ترتیب شده به محل تطبیق گذاشته می‌شد. البته متن این نظامنامه‌ها علاوه بران که به شکل کتابچه جداگانه به چاپ می‌رسید، در امان افغان نیز طبع می‌گردید. طوریکه نویسنده این مقاله به ملاحظه چندین نظامنامه توفیق یافته ام تعداد طبع آنها از ۶۰۰ تا یك هزار نسخه می‌رسید و برای بار دوم نیز یکعده آن چاپ شده است.

درین وقت افغانستان در روابط خارجی خود بسوی انکشاف و توسعه پیش می‌رفت و لاجرم وقتی ارتباط بین افغانستان و یك کشور قایم می‌شد، معاهده‌ای در زمینه بامضا می‌رسید. متن این معاهدات نیز در امان افغان نشر می‌گردید.

از همه مهمتر اینکه علاوه بر نطق‌های رسمی، یکتعداد خطبه‌های رسمی نیز در اخبار نشر شده است که این خطبه‌ها در سال پنجم و ششم امان افغان بکثرت به ملاحظه می‌رسد. متن خطبه‌ها علاوه بر آیت وحدیث و درود و دعا شامل وصایا و مواعظ دینی وطن‌پرستی و توجه بزندگی کشور می‌باشد. قابل تذکر است که متن نطق‌ها و خطبه‌ها اکثر عام فهم بود که این از نظر خبرنگاری امروز قابل اهمیت است.

مصاحبه‌ها و تقریظ‌ها:

در شماره ٤١ سال دوم امان افغان مصاحبه‌ای بنام «مصاحبه سیاسی» نشر شده است. این مصاحبه را نماینده جریده با سفیر ایتالیا در کابل بعمل آورده است. ترتیب مصاحبه چنین است که قبل از آغاز مصاحبه مقدمه‌ای از طرف اداره اخبار به مشاهده می‌رسد. سپس مصاحبه به ترتیب سوال و جوا ب یعنی (س) و (ج) آغاز گردیده است. این مصاحبه راجع به موضوع خاصی نبوده بلکه در باب مسایل

* عبارت بود از مرکز مذاکره مصلحت‌های عمومی ملکی که دارای دو نوع وظیفه بود یعنی تنظیم و تفسیر لوایح و نظامنامه‌ها و محاکمه مامورین ملکی. این شورا یك رئیس داشته و سه معاون با اعضاء و منشی و اعضای آن دو نوع بودند: یکی اعضای طبیعیه که شامل مامورین عالیرتبه‌ای که از کار معطل می‌شدند، دوم اعضای منتخبه شامل نمایندگانی از هر ولایت

مختلف سوال و جواب بعمل آمده است. سوال اول آن راجع باوضاع هند است که جواب چنین بود: چون میعاد سیاحتم در هند خیلی کم بوده از آنجهت نمی‌توانم نسبت به خیالات و حسیات مردم هند توضیحی دهم. اما اینقدر که می‌دانم مردم هند اگر به همین مساعیات جدی و حسیات ملی خود مداومت کنند البته یك آتیه خوبی را نسبت بتاریخ اقتصادی و علمی ملاحظه خواهند کرد. در باب مسایل سیاسی آن درین وقت چیزی گفته نمی‌توانم».

باید گفت که درین مصاحبه ۹ سوال پرسیده شده بود و یکی از سوال‌های دیگر آن راجع به حیات اقتصادی و سیاسی شرق بود.

همچنان در شماره ۳۸ سال چارم جریده مصاحبه‌ای راجع باوضاع افغانستان مخبر پراودای ترکستان با سفیر شوروی نموده بود. درین مصاحبه نکات آتی از جانب سفیر مذکور تصریح گردیده:

«برای درست کردن بعضی قوانین شورای دولتی تشکیل شده توجه اول به کارهای معارف می‌شود. محصول گمرگی گزاف گذاشته شده است. از اموال تجملی سه برابر قیمت اصلی گرفته می‌شود سیاست خارجی افغا نستان جای تعریف است که به هوشیاری و ضعیت بین المللی را ملاحظه می‌کند.»

بین ۱۹۱۹ و ۱۹۲۹ یک‌تعداد زیاد جراید در داخل و خارج کشور بنشرات آغاز می‌نمایند. جریدهٔ امان افغان دایماً در معرفی هم مسلکان خود همت گماشته هر یك را با احترام خاص معرفی و استقبال نموده است. از تقریظ‌هایی که بملاحظه رسیده عبارت اند از:

تقریظ بر جریده آزادی شرق مجله مجموعه عسکریه، جریده آزادی، آیینه عرفان، حقیقت، جریدهٔ افغان در سرحد، طلوع افغان، اتفاق اسلام اتحادخان‌آباد، اتحاد مشرقی الغازي و غیره.

مکتوب به مدیر:

حقیقت این است که زیر این ستون یك سلسله مطالبی تقدیم می‌گردد که از طرف خوانندگان فرستاده می‌شود. واقعاً ستون مذکور موید عکس‌العمل‌های خوانندگان است. این ستون جالب در امان افغان به ملاحظه رسید. عنوان این ستون تنها

«مکتوب» و یا گاهی «مکتوب از جاییکه فرستاده می‌شد.» متن مکاتیب را از شکایات و آرزوهای نویسندگان گرفته تا تحلیل بعضی مسایل سیاسی و علمی تشکیل می‌داد. مثلاً در شماره ۲۱ و ۲۲ سال چارم ص ٤٠ امان افغان نامه‌ای از مندر پرتاب (آزادی خواه معروف هند که در کابل بود) از باغبابر کابل رسید و در آن راجع به کشمکش بین هندوها و مسلمانان هند اشاره شده و علت این کشمکش‌ها را دست بازی‌های اشخاص غیر از هندو و مسلمان خوانده و اختلاف بین هندو و مسلمان را رد کرده است.

اعلان

گرچه خیلی کم، ولی رویهمرفته قسمتی از متن جریده امان افغان را اعلان تشکیل می‌داد. در شمارهٔ اول سال چارم این جریده اعلانی راجع به شرایط اعلان در امان افغان نشر شده که مقصد آنرا ذیلاً تقدیم می‌نماییم:

نشر اعلان تجارتی درین اخبار اگر در متن اخبار (صفحات داخلی) می‌بود و از یك تا پنج بار نشر می‌شد فی سطر آن یك روپیه معادل یك فرانك بود و اگر از پنج بار بیشتر نشر می‌شد، فی سطر یك قران اخذ می‌گردید. در صفحهٔ اخیر از یك بار، یك قران ولی اضافه از پنج بار سه شاهی (ربع یك روپیه) اگر اعلانی برای یك سال متواتر در پشتی اخیر چاپ می‌شد، في سطر یك سنار (سدس یك روپیه) اخذ می‌شد.

امان افغان اکثر اعلانات را در پشتی خود نشر می‌نمود. پشتی آن از کاغذ زردگون بود ولی بعضاً در متن آن هم اعلاناتی به مشاهده می‌رسد. البته اعلانات را عموماً در صفحه اخیر آن مشاهده می‌نماییم.

در شماره ٤١ سال اول اعلانی راجع به اموال وطنی مانند کشمیره، کرباس، تکه پیرهن، دستمال ابریشمی، لنگی نخی، برك، بوت زنانه و مردانه و غیره با قیمت‌های آنها به ملاحظه می‌رسد. و ازین قبیل اعلانات در شماره‌های مختلف اخبار گاه گاهی به ملاحظه می‌رسد.

درینجا قبل از آنکه به یکی دو مطلب دیگر اشاره کنم، قابل تذکر می‌دانم که امان افغان مانند سراج‌الاخبار دایماً مقالات را که علیه منافع افغانستان در جراید و روزنامه‌های خارجی نشر می‌گردید، جسته جسته نقل نموده و به براهین و دلایلی

که موجود داشتند، اتهامات و انتقادات و توهینات را جواب نوشته و تردید می‌نمودند. از جمله مسایل معروف یکی همانا پروپاگند در موضوع رجم قادیانی‌ها بود که در چندین شماره جریده امان افغان بدلایل و براهین تردید شده است

نشریه‌های فوق‌العاده جشن استقلال

به تعقیب شمارۀ نهم سال چارم جریده امان افغان یك سلسله اوراق بنام «جشن» جلب نظر می‌نماید. شماره‌های جشن همین سال نیز بمدیریت مسؤل سید محمدقاسم‌خان مدیر مسول امان افغان نشر گردیده است. متن شماره‌های جشن را مطالبی مانند نطق‌های پادشاه و وزرا. وقت نشر پروگرام و حوادث جشن استقلال همین سال ۱۳۰۲، تشکیل می‌دهد.

این اخبار قسم یك صفحه‌ای چاپ می‌گردید. محل اداره آن پغمان بوده و روزانه نشر می‌شد. با این ترتیب گویا هفت شمارۀ جشن چاپ شد. قابل تذکر است که چاپ آن هر روزه برنگ دیگری مانند سبز ارغوانی و غیره ظهور می‌نمود. البته اینگونه شماره‌های فوق‌العاده بنام جشن طی سال‌های آینده نیز نشر گردید که عین مرام را دنبال می‌کرد.

درین بار مدیر آن محمدحسن نام، محرر امان افغان بود. و در سال پنجم و ششم مدیر این نشریه محض پنج شماره نشر کرده بود. در سال ۱۳۰۲ به تعداد زیاد فوتوها درین نشریه فوق‌العاده ظاهر شد، ولی طی دوسال بعدی علاوه بر کاست در تعداد شمارها در تعداد فوتوها نیز کمی بعمل آمده است.



امان افغان

۱۳۳۷ ع

(روز نهم حوت)

یا

عید جلوس باستقلال اعلیحضرت غازی

صفحه بندی و صحافت:

راجع به صفحه پشتی امان افغان باید گفت که از آغاز تا اخیر سال ششم و بلکه اواسط سال هفتم قطع اخبار گاهی خرد شده ولی بطور عمومی ۱۱ × ۱۵ انچ را دارا بود و دایماً در صفحات آن دو ستون جلب نظر می‌کرد. ولی گاهی هم در یك صفحه تنها یك ستون عریض بمشاهده می‌رسد که این ندرتاً واقع می‌شد. رویهمرفته صفحه پشتی اخبار برای سال‌ها به یك شکل بوده تغییری در آن نمی‌رسید.

طی سال‌های نشراتی آن بعضاً چنین واقع می‌شد که دو شماره جریده در یك وقایه و یك بار بعد از دو هفته چاپ می‌گردید. ولی گاهی حتی سه شماره آن در یك مجله نشر می‌شد. چنانچه در سال چارم نشراتی آن شماره‌های ۱۲، ۱۳ ، ۱٤ و شماره‌های ۱۵،۱٦ و ۱۷ و شماره‌های ۱۸،۱۹ و ۲۰ ازین قبیل اند.

عناوین خبرها اکثر بدون فعل و بصورت یك فقره و یا یك کلمه تعیین می‌شد. مثلاً در شماره ٤۷ سال پنجم آقای میرزا محمدخان و «آقای محمدحیدرخان» عناوین خبرهایی اند که در زیر این نام‌ها خبری راجع باین اشخاص بصورت مفصل نشر شده است. خبرهای خارجه عموماً زیر عنوان عمومی حوادث خارجه و بعد عناوین فرعی که اکثر نام کشور مربوط می‌بود نشر می‌گردید. مثلاً ایران ترکیه، انگلستان، روسیه، اما گاهی عناوین مکمل‌تر هم جلب نظر می‌کرد. چنانچه در شماره ٤۸ سال پنجم صفحه سوم «تشکر وزارت مالیه از مجلس عالی شورا» و یا «اخراج وفد خلافت از پشاور».

موضوع مهم دیگر عبارت از فقدان پاراگراف‌ها است. در متون اصلاً اگر بعضاً پاراگرافی هم موجود باشد وجود پاراگراف موید تفریق عبارت از نظر مطالب آنها نبوده است.

در طول شش سال اول نشراتی امان افغان در نوع حروف آن کدام تغییر بملاحظه نمی‌رسد، جز اینکه عناوین قسم کلیشه تهیه شده بود. متن همه از حروف ۱۲ بنت می‌باشد. ولی در شماره ۱۹، سال پنجم، طی خبری اطلاع می‌دهد که این اخبار دارای حروف ۸ - ۱٦ - ۲٤ - ۳۰ و ۳٦ بنت بوده و اتفاقاً مطبعه امان افغان هم با

نشر همین شماره بکار آغاز کرد. طوریکه درین خبر اظهار شده است این مطبعه دارای حروف در زبان‌های عربی، پشتو، دری، ترکی، اردو، و سه زبان اروپایی، چون فرانسوی انگلیسی و آلمانی بود.

قابل تذکر است که باوجود نشر این اطلاع، تنوع حروف جلب نظر نه نمود. محض در شماره‌های سال‌های پنجم و ششم آن گاه گاه عنوانی به حروف ٢٤ بنت به ملاحظه می‌رسید.

در امان افغان اکثر سعی می‌شد فوتوهایی از اشخاص رسمی و مقامات رسمی و تاریخی کشور و خارج به نشر برسانند. وقتی نشر فوتویی مورد نظر می‌بود همان صفحه و برگ از کاغذ جلادار مدنظر گرفته می‌شد. قابل دقت است که وقتی در يك صفحه فوتویی نشر می‌گردید، این فوتو اکثر در وسط صفحه نشر می‌شد اما مهم این است که ستون اخبار بعوض آنکه از بالا به پایین تا آخر برسد تا بالای فوتو رسیده و به ستون دوم انتقال داده می‌شد. و در پایین فوتو بازهم به ستون اول زیر فوتو رجوع نموده و سپس به ستون دوم زیر فوتو انتقال داده می‌شد. باید گفت که شماره‌های دوره دوم نشراتی امان افغان یعنی شمارهایی که از ٢٣ میزان ١٢٩٨ شروع به نشرات نمودند، در سه ستون طبع می‌شد. قطع آن هم کلانتر بوده و محل طبع آن مطبعه کابل نشان داده شده است.

روزنامه‌نگاری از نظر امان افغان:

در شماره‌های مختلف امان افغان گاه گاه مطالبی راجع به روزنامه‌نگاری نوشته شده که چکیده فکر و نظر مدیران این جریده می‌باشد برای اینکه مفکوره آنانرا تاحدی درین باب بدانیم، قسمت‌های عمده و مهم نوشته‌های آنانرا در ذیل تقدیم می‌نمایم:

در شماره ٢٦ سال دوم این جریده مقاله مفصلی راجع به آزادی نطق و بیان به ملاحظه می‌رسد که در این مقاله اول آزادی مطبوعات مهم خوانده شده است. بعداً تفصیلی از اهمیت آزادی نطق و مطبوعات بعمل آمده ترقیات عالم مرهون آزادی نطق و مطبوعات خوانده شده است. بعداً تفصیلی راجع به اینکه ملل جهان چطور این آزادی را بدست آورده اند، داده شده، از یونان و روم گرفته تا

انگلستان این امر را برشمرده است. بالاخره تأسف نموده است که در وطن خود ما این حق ادا نشده بود. و بالاخره چون در قانون اساسی افغانستان این حق تأمین شده بود بناء تقاضا گردید که اگر ازان بر خوردار شوند.


(۱۰۸) سیر ژورنالیزم در افغانستان

امان افغان

امان افغان هنگامیکه بار دوم به قطع بزرگتر در داخل دو صفحه نشر شد

در شمارۀ ۹ و ۱۰ سال سوم هم راجع به اهمیت جریده‌نگاران سخن رانده شده است. درین مقاله بعد از آنکه راجع به زحمت کشی جریده نگار سخنی چند اظهار گردیده از انکشافات جریده نگاری در ممالك جهان بحث شده و امریکا از همه مقدم محسوب شده است. درین ضمن افغانستان هم به تناسب نفوس و تعداد جرایدش خوب تلقی گردیده و هم اظهار شده است که تمام فوایدی که برای کشور حاصل آمده بود از برکت اخبار بود.

در شماره ۲۰ سال پنجم جریده مضمونی بنام «قوت و مقام روزنامه‌نگاری» نشر شده است که نویسنده مقام روزنامه‌نگاری (صحافت) را بلندترین خوانده، روزنامه را به حیث کشاف حقیقت، هادی حکومت، رهبر ملت، ناشر عرفان، مصلح اخلاق و حکیم جامعه تعریف نموده است. روزنامه‌نگار منحیث وسیله ارتباط بین ملت و حکومت تلقی گردیده است. باین معنی که حکومت را از اوضاع افکار شکایات و خواهشات ملت حالی ساخته، تصامیم و اراده‌ها و منافع حکومت را به ملت می‌فهماند.

قبل برین در شمارۀ ۱۹ سال پنجم، روزنامه‌نگاری صعب‌ترین کارها خوانده شده و مشکلات را باین ترتیب بر شمرده است:

۱ - **صعوبت جوهری:** درینجا نویسنده اظهار عقیده کرده که روزنامه‌نگار باید دارای صفات و ممیزات مخصوص نویسندگی و قدرت قلم و تیز هوش باشد. و علاوه کرده است که اینچنین اشخاص خیلی نادر است.

۲ - **صعوبت محیطی**: زیر این صعوبت نوشته است که روزنامه‌نگاری به محیط آزاد عرفانی، محیط سخن‌شنو و سخن‌شناس ضرورت دارد. اما وجود همچو محیط هنوز در مشرق زمین میسر نیست و از همین است که انحطاط و تأخیری در آن به ملاحظه می‌رسد.

۳ -**صعوبت مهماتی:** زیر این عنوان نویسنده اظهار کرده است که وجود محرر مقتدر، مطبعه مستقل، اداره‌خانه موزون، کتابخانه کامل و امثال آن برای روزنامه‌نویسی حتمی است... فقدان این امور هر چند بیشتر باشد بر صعوبت روزنامه‌نگاری می‌افزاید.

امان افغان در سال ۱۳۰۷ش به قطع بزرگ روزنامه‌یی با حروف خوبتر و کاغذ و فوتوهای زیاد و مقالات جالب‌تری نشر می‌شد. خبرهای داخلی و خارجی آن هم مهمتر بود. مدیر آخرین آن غلام‌نبی جلال‌آبادی نام داشت و هفته‌وار چاپ می‌گردید و هدف آن بکلی این بود که مردم را بسوی مدنیت جدید و قبول مبادی معنوی و مادی آن سوق دهد و درین حرکت سرعتی را به وجود آورد، که در آن عصر یکنوع تیزروی ناقابل برداشتی شمرده می‌شد.

امان افغان در خزان سال ۱۳۰۸ش هنگامیکه در کابل اغتشاش افتاد و حکومت سقوط کرد از بین رفت.

دوره بین سال‌های (۱۲۹۸ – ۱۳۰۷/ ۱۹۱۹ - ۱۹۲۹) دوره ایست که در تاریخ مطبوعات افغانستان به قسم يك دورۀ آغاز انکشاف وسیع امور طبع و نشر روزنامه‌ها، جراید و مجلات می‌تواند قبول شد. طوریکه قبلاً هم تذکار یافته است، درین دوره ۲۳ روزنامه و جریده در مرکز و ولایات مملکت به نشرات آغاز کردند.

در همین دوره بود که بار نخست نشر جراید در ولایات افغانستان شروع شد و در همین دوره بود که جریده‌ای بنام ارشادالنسوان برای میرمن‌های کشور آغاز گردید.

جرایدی که (غیر از امان افغان که قبلاً به تفصیل راجع بآن بحث کردیم) بین سال‌های ۱۲۹۸ - ۱۳۰۷ نشر می‌گردید که عبارت بودند از:

اتحاد مشرقی (۱۲۹۸ه/ ۱۹۱۹ع)، الغازی (۱۲۹۸ه/ ۱۹۱۹ع)، سراج اطفال (۱۲۹۸ه/ ۱۹۱۹ع)[٧٤]، معرف معارف (۱۲۹۸ه،/ ۱۹۱۹ع)، اتفاق اسلام (۱۲۹۹ه/ ۱۹۲۰)، ستارۀ افغان (۱۲۹۹ ه/ ۱۹۲۰ع)، افغان، (۱۲۹۹ه/ ۱۹۲۰ع)، طلوع افغان (۱۳۰۰ه/ ۱۹۲۱ع)، بیدار (۱۳۰۰ه/ ۱۹۲۲ع) اصلاح (۱۳۰۰ه / ۱۹۲۱ع)، ابلاغ (۱۳۰۰، ارشادالنسوان (۱۳۰۰ه/ ۱۹۲۱ع) مجموعۀ عسکریه (۱۳۰۰،/ ۱۹۲۱ع)، حقیقت (۱۳۰۳ه/ ۱۹۲٤ع)، ثروت (۱۳۰۳ه/ ۱۹۲٤ع)، آئینه عر فان (۱۳۰۳ه/ ۱۹۲٤ع)، انیس (۱۳۰٦ه/ ۱۹۲۷ع)، نسیم

[٧٤] اصلاً سراج اطفال در عهد سلطنت امیر حبیب‌الله نشرات آغاز کرد، ولی بعد از آن هم چند شماره محدود آن نشر شد که به این ترتیب در جمله نشرات دوره سلطنت مابعد می‌تواند حساب شود

سحر (۱۳۰٦هـ/ ۱۹۲۷) ، مجموعه صحیه(۱۳۰٦هـ/ ۱۹۲۷ع)، نوروز (۱۳۰۷/ ۱۹۲۸ع)، پشتون ږغ (۱۳۰۷هـ/ ۱۹۲۸) جریدأ مکتب (۱۳۰۸هـ/ ۱۹۲۹ع)[۷۵]

باید گفت که یکعده از جراید مذکور قبلاً از نشر باز ماندند، ولی یکتعداد آنها هنوز هم به عین نام و شهرت در مرکز و ولایات نشر میشوند. درینجا آنچه مقدور است و تا جاییکه توانسته ام اطلاعات راجع به جراید مذکور جمع آوری و یا نسخه‌های آنها را دستیاب کنم، به معرفی هر کدام آن بترتیب تاریخ تأسیس آن می‌پردازم.[۷٦]

اتحاد مشرقی:

اتحاد مشرقی اولین روزنامه[۷۷] ولایتی افغانستان است، که در برج حوت(۱۲۹۸/ ۱۹۲۰ع)، درست هنگامیکه اعلیحضرت محمدنادرشاه شهید امور ریاست تنظیمه ولایت مشرقی را بعهده داشتند، تأسیس شد. گفته می‌شود که تأسیس روزنامه مذکور به اراده اعلیحضرت شهید صورت گرفته است.[۷۸]

نخستین مدیر مسول اتحاد مشرقی برهان‌الدین کشککی بود و هفته دوبار نشر می‌شد. بعد ازان محمدبشیرخان، عبدالجبارخان و محمدامین‌خان خوگیانی وظیفه نشر این جریده را بعهده داشتند. متن آن در آغاز به دری بود ولی در عین حال بعضی اشعار و مطالبی به زبان ملی پشتو هم نشر می گردید.

متن:

گرچه از نظر متن این روزنامه هم کم و بیش مطالبی را نشر می کرد که در امان افغان نشر می‌شد. اما طوریکه گفته شد نشر بعضی اشعار پښتو و شاید هم بعضی مقالات خصوصیتی باین اخبار می‌بخشد. شمارهٔ پنجم سال دوم اتحاد مشرقی چهار شنبه ۲٦ حوت، ۱۲۹۹ مطابق ۱۵ مارچ (۱۹۲۱) که در اختیار این نویسنده می‌باشد،

[۷۵] سالنامه کابل خلاصه تاریخ جراید در افغانستان ۱۳۱۱ ، ص ۱۵۲ -
[۷٦] هرگاه اصل بعضی از جراید مذکور تا ختم چاپ این کتاب دستیاب نشد و در آینده به پیدا کردن آن توفیق یافتیم ضم جلد دوم تقدیم می گردد
[۷۷] ښاغلی مایل هروی در رساله «معرفی روزنامه‌ها، جراید و مجلات ص ٤- ٥ آنرا پانزده روزه خوانده است.
[۷۸] سالنا مه ۱۳۱۱.

مطالب ذیل را نشر کرده است:

نخست خبر طویل و مفصلی راجع به جشن استقلال جلب نظر می‌نماید. درین خبر نخستین پاراگراف آن راجع به آغاز جشن چنین می‌باشد:

«بتاریخ ۹ برج حوت روز یکشنبه عمل شش و نیم بجه شام مراسم جشن باشکوه و جلال سالگره استقلال افغان در دالان عظمت نشان سلام‌خانه... انعقاد یافته و نفری مشمولین محفل از ساعت شش و نیم الی هفت به ترتیب و نظام درستی که جناب ایشك آقاسی... بصورت مجلس داده بودند حضور بهم رسانیدند.»

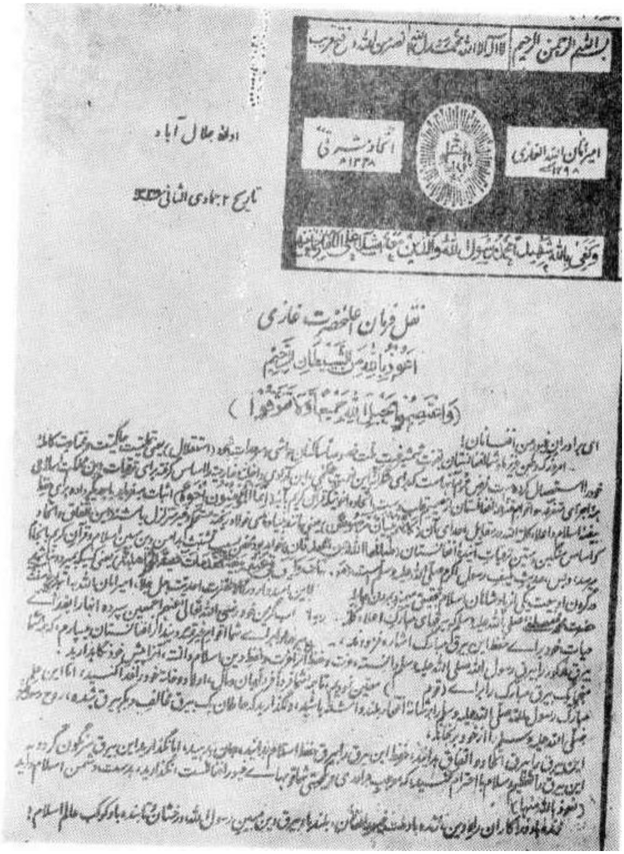
درین خبر اضافه شده است که ساعت هشت و بیست ذات پادشاهی در محفل اشتراك فرمودند.

قسمت دوم خبر زیر عنوان فرعی عریضه ملت نشر شده است. به همین ترتیب در جواب این عریضه که از طرف وزیر داخله وقت قرائت شد از طرف پادشاه تشکر شده آرزوهای خود اظهار فرمودند. سپس وزیر خارجه از طرف سفرای دول خارج تبریکی جشن را بعرض رسانید که در جواب از وی هم تشکر بعمل آمد.

قابل تذکر است که نخست از همه ترتیب این خبر به شکل وقوع حوادث یعنی هرم مستقیم می‌باشد. دوم، در جاهایی که یك مطلب بائیست از مطلب دیگر جدا شود عنوانی بخط جلی‌تر از متن بقسم عنوان فرعی بملاحظه می‌رسد. سوم، نقاطی که در داخل متن خبر بائیست تبارز داده می‌شد، هم به خط جلی نوشته شده است و بالاخر جهت ترسیم نمودن محفل، آنچه حتی حین إیراد نطق‌ها می گذشت در بین قوسین نشر گردیده است. مثلاً جاییکه گفته می‌شد، «افغان و افغانستان» را به همه عالم شناخت، و بیرق استقلال خود را به کمال عظمت از پشت بام دنیا افراخت، حضار به صداهای بلند: میگفتند: «پایند باد استقلال افغانستان» جمله بین ناخنك‌ها علاوه بر اینکه در بین ناخنك‌ها جا داده شده است به خط جلی نیز رقم گردیده به همین ترتیب وقتی در جاهای دیگر از پادشاه یادآوری می‌شد، بازهم صداهای زنده باد بلند می‌گردید، که این هم به خط جلی و بین قوسین نشر شده است. با ارتباط به خبرهای این روزنامه شاغلی مایل هروی اشاره کرده است که اغلب خبرهای آن توأم با اظهار نظر و قضاوت شخصی نویسنده ترتیب

می گردید.[۷۹]

در شمارهٔ مذکور سه خبر خارجی هم جلب نظر کرد که عبارت اند از: «قتل فرانسوی‌ها در دمشق»، «عرب‌ها بزور شمشیر فیصله می کنند»


بسم الله الرحمن الرحیم

امیر امان الله الغازی

اتحاد مشرقی

ادارهٔ جلال آباد

نقل فرمان اعلیحضرت غازی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

(واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا)

یك شماره اتحاد مشرقی که به طبع سنگی نشر می‌شد

[۷۹] مایل هروی معرفی روزنامه‌ها، ص ٤

مرجع یکی از خبرهای مذکور اخبار زمیندار نشان داده شده است. ولی برای دو خبر دیگر آن کدام مرجع ملاحظه امان افغان و سایر جراید این ملاحظه امان افغان و سایر جراید این عصر می‌توان گفت که اغلب خبرهای خارجه این روزنامه از اخبار و جراید هندی ایرانی، عربی و بعضی کشورهای دیگر اقتباس و نشر می‌شد.

متن شماره‌های ۳۹ و ٤۰ سال نهم اتحاد مشرقی حاوی مقالات و بعضی خبرهایی می‌باشد که درینجا قسم مقایسه آنرا نیز مورد مطالعه قرار می‌دهم:

نخستین مقاله شماره ۳۹ مطلبی است زیر عنوان «دوره زندگانی» این حصه عبارت از سی و هشتمین قسمت مقاله ایست که در آن راجع به دوره‌های مختلف زندگی افراد بشر مطالب تربیتی و اخلاقی به نشر سپرده است.

يك مطلب دیگر زیر عنوان علم و اخلاق در صفحه دوم شمارهٔ مذکور نشر شده که دو صفحه کامل جریده را احتوا نموده است. در متن این شماره چهار خبر هم جلب نظر کرد. خبر اول آن زیر عنوان «جاپان» بوده راجع به وقوع طوفان‌های شدیدی است که در قسمت غربی جاپان واقع شده بود. خبر دومی زیر عنوان آثار طغیان در دریای اتک می‌باشد. درین خبر هم راجع به طغیانی شدن دریای اتك بحث شده و خبر مذکور از اخبار زمیندار اخذ شده است. خبر سومی زیر عنوان برطانیه و چین بوده و چهارمی چین و جاپان می‌باشد. خبر اخیر آن از جریده‌ای بنام رهبر اقتباس شده است.

در شماره ٤۰ هیچ نوع خبری به مشاهده نمی‌رسد و بلکه تمام مطالب آن شامل مقالات اجتماعی و اخلاقی می‌باشد.

تدوین و صفحه بستی:

شماره‌های موجود (یعنی آنچه در اختیار نویسنده است) نشان نمی‌دهد که آیا مطالب متن اخبار در داخل کته گوری‌های علیحده و در ستون‌های خاص نشر می‌شد و یا خیر. با وجود آن هم می‌توان حدس زد که مطلب نخستین جریده را غالباً مقاله‌ای تشکیل می‌داد که یا شکل خاص مفکوره را داشت و یا هم اختلاطی از مفکوره و خبر می‌بود.



اتحاد مشرقی با چاپ حروفی

شماره پنجم سال دوم اخبار مذکور به چاپ سنگی طبع شده کاغذ آن پسته‌ای[۸۰] می‌باشد. هر صفحه آن به سه ستون تقسیم شده و ستون‌ها بواسطه خط کش‌ها از هم جدا گردیده اند.

[۸۰] شاغلی مایل نوشته است که در کاغذ سفید، سرخ، زرد و سبز نشر می‌شد (روزنامه‌ها، جراید.. ص ٤ -٥)

قطع اتحاد مشرقی در آغاز (۱۳ × ۱۰) انچ بوده عمق هرستون آن (۱۱.۵) انچ و عرض آن سه انچ بود. عناوین عمده مطالب آن به خط جلی تیره و عناوین فرعی آن به خط نسبتاً کلانتر از حروف متن نوشته می‌شد. لوحهٔ نام اخبار دارای دو حصه متبارز می‌باشد. حصهٔ اول آن به طرف راست تقریباً دو ثلث حاشیه را در بر گرفته و شامل مطالب آتی است:

در وسط رسم محراب و منبر در داخل اشعه بیضوی مانند آفتاب قرار داشته به طرف راست آن نام پادشاه وقت با سنه تأسیس اخبار به هـ.ش و بطرف چپ آن نام اخبار اتحاد مشرقی با سال تأسیس آن به هـ.ق درج می‌باشد.

بالای آن نخست «بسم‌الله...» دوم کلمهٔ مبارك و سوم آیت شریف «نصر من‌الله...» نشر گردیده است، و در پائین آن هم یك آیت مبارک از قران پاك جلب نظر می کند.

در حصهٔ دوم لوحه نام یك شکل محراب نما دیده می‌شود که در قاعدهٔ آن تاریخ روزانه نشر جریده ملاحظه می‌شود (چهارشنبه ۱- رجب المرجب ۱۳۳۹ مطابق ۲۶ حوت ۱۲۹۹ و مصادف به ۱۵ مارچ ۱۹۲۱) نوشته شده است. در سه گوشه دیگر محراب از طرف راست بطرف چپ این متن خوانده می‌شود:

«در هفته دوبار بروز شنبه و چهارشنبه نشر و شایع می‌شود، اشتراک هر شخص بعد از وصول رسید خزانه قبول کرده می‌شود.» در وسط محراب نام سر محرر، مدیر و شرح اشتراک آن به تفصیل ذیل آمده است:

	سالانه	شش ماهه
در سمت مشرقی	(٤) روپیه	سه روپیه
در دیگر ولایات افغانستان	(٥) روپیه	سه روپیه
در ممالك خارجیه	(٥) روپیه علاوه بر محصول داك	

لوحه نام اخبار این شکل خود را با اندک تغییر تا اخیر سلطنت اعلیحضرت امان‌الله‌خان حفظ کرده است. چه دو شمارهٔ سال نهم (ماه اسد ۱۳۰۷هـ) عین شکل را دارد. البته اندك تغییری که آمده است این می‌باشد که مطالب حصهٔ دوم

لوحه نام بعوض آنکه در داخل شکل محراب نما بیایند در داخل یك جدول مربع شکل به ملاحظه می‌رسد.

معلوم می‌شود که اتحاد مشرقی در سال‌های اخیر با مطبعه حروفی مجهز گردید. چه شماره‌های اخیر آن به طبع حروفی نشر شده است. اما وقتی طبع حروفی آغاز گردید. قطع اخبار هم خرد شد، یعنی (۱۳× ۸/۵) انچ. و هم در هر صفحه آن دوستون دارای عرض (۳/۵) انچ وعمق (۱۱) انچ مشاهده می‌شود. و علاوتاً درین وقت اخبار مذکور در داخل چهار صفحه به نشرات پرداخت.

دو شماره سال نهم نشان می‌دهد که اداره اخبار در تهیه مضامین و خبرها دچار مشکلات بوده است چه سفیدی داخل سطرها به شکلی است که حتی صفحه را سفید نشان می‌دهد.

مدیر جریده درین وقت محمدامین خوگیانی[۸۱] بود، که تا اخیر دورۀ امانی این وظیفه را ادامه داده است.

غازی

جریده هفته‌وار غازی (یاالغازی) در ماه میزان ۱۳۰۰ هـ.ش مطابق جولایی ۱۹۲۱ع در خوست ولایت پختیا (ولایت جنوبی آنوقت) بنشرات آغاز کرد. و درین وقت حکمران آن ولایت مرحوم شاه محمودخان غازی بود.

جریدۀ مذکور در هر چارشنبه شایع می‌شد و مدیرمسئول آن (بنام مدیر و سرمحرر) شخصی بنام عبدالله بود. در نوشتن این سطور شماره سوم دوم سال آن در اختیار نویسند بوده و باساس متن و خصوصیات آن، مطالبی چند تقدیم می‌شود:

نخستین مطلب آن که تمام صفحه اول را احتواکرده است، مثنوی است از داکتر شیخ محمد اقبال لاهوری. عنوان شعر عبارت است از «رموز بیخودی یعنی اسرار حیات ملیه اسلامیه»

[۸۱] اکنون عضو مشرانوجرگه

پیشکش بحضور ملت اسلامیه

منکر نتوان گشت اگر دم زنم از عشق
این نشه بمن نیست اگر بادگری هست
(عرفی)
ای ترا حق زبدۀ اقوام کرد
ختم بـر تـو دوره ایام کرد

باین مطلع مثنوی مطولی از اقبال نشر شده است.

مطلب دومی آن که از ستون اول صفحه دوم جریده آغاز شده است، خبری است زیر عنوان «بمب اندازی بر مسعودان».

اله آباد، (۲۰) اسد: عبدالرحمن خیل و مسعود... بر افواج شاهی برطانوی حمله کرده بودند. دشمن نقصان قلیل را برداشت کرده فرار نمودند. در مکافات آن چند جهاز هوایی بر قریه جات قبیلۀ مذکور پرواز نموده بمب‌های متعدد را انداختند. چون موسم خراب و غبارآلود بود، نقصان دشمن معلوم نشدند...»

در خبر به همین شکل از سایر بم‌اندازهای طیارات برتانیه بر وزیرستان و مدافعه دلیرانه و حفظ ناموس و جان مردم وزیرستان یادآور شده عبارتی را از جریده سیاست نقل کرده است که در آن از ناروا بودن بمباردمان تذکر رفته است.

اما جریده غازی در اخیر نوشته است که به نوشته و مفکوره سیاست هم عقیده می‌باشد ولی از «برطانیه امید اصلاح و انصاف نمودن يك كوشش بيهوده است» گفته. خبر خود را با شمردن مظالم برتانیا ختم می‌نماید.

سومین مطلب خبری است زیر عنوان «هندوستان» درین خبر راجع بيك هيئت کلان شوندگان هندوستان اطلاع داده شده که هیئت مذکور در سراسر هند رفته راجع به اتحاد و اتفاق هندو و مسلمان و راجع به ترقی و انکشاف محلات مختلف مطالب جمع می‌نمود و در ختم باداشتن حقایق چند راپور آنان مورد بررسی قرار می‌گرفت. و فیصله لازم بعمل می‌آید.

مطلب چارم عبارت از يك خبری بدین عنوان است:

جسارت و ولوله فدائیت يك بچه سندی ضامن من خالق من است

«همعصر خلافت بولتن، می‌نگارد که حکومت يك طفل يازده ساله خیرمحمد نامی را بر الزامیکه تقاریر پرجوش و مواعیظ اشتغال انگیز خلاف حکومت ایراد نموده بود دستگیر کرد... این طفل گرفتار شده مورد بازپرس قرار گرفت. حاکم ضمن يك سلسله سوالات وقتی از او پرسید: «توچه می کردی؟»: گفت من خلاف حکومت مردم را بر بغاوت آماده می‌کردم و در جواب سوال که ضامن می‌دهی او گفت: «نی ضامن من خدای من است.» وقتی پرسید معافی می‌خواهی گفت: «چرا خواستگار معافی شوم. وقتی که من می‌دانم مرتکب گناهی نیستم بلکه بحیث يك هندوستانی فرض خود را ادا کرده ام.»

آخرین مطلب جریده خبری است زیر عنوان «خاتمه لندن کنفرانس» درین خبر راجع به هدف کنفرانس که در باب تاوان جنگ بر جرمنی مهلت داده شود بحث گردیده بود. در خبر آمده است که این کنفرانس به موفقیت نایل نشد.

معلوم می‌شود که غازی در یک ورق (دو صفحه) نشر می‌شد. چه در پای صفحه دوم این عبارت خوانده می شود:

«در مطبع الغازي خوست طبع گردید. بقلم غلام‌محمد کاتب تحریر یافت»

چون نام مطبعه و اسم نویسنده اخبار معمولاً در اخیر درج می‌شود بناء این جریده هم محض همین دو صفحه بود.

صفحه بستی: لوحه غازی به بلندی شش انچ دارای چنین مواد و مطالب می باشد.

نام اخبار به خط جلی نستعلیق و منقش در وسط قرار داشته بدو طرف آن دو تفنگ با برچه آن به شکل هرم مستقیم قرار داده شده و پهلوی تفنگ‌ها به عین وضعیت دو بیرق قرار دارد. در قسمت بالایی هرم نخست «بسم اللهالرحمن الرحیم و بعد ازان «الله اکبر» و سپس عبارت «الجنة تحت ظلال‌السیوف» بنظر می‌رسد.

در زیر نام سال تأسیس اخبار (۱۳۰۰) و دو شمشیر بقسم چلیپا روی هم قرار دارند. در زاویه جانبی راست «هفته» و زاویه جانبی چپ «وار» آمده است. بطرف

راست نام جریده، اسم مدیر، محل اداره آن و روز نشر آن مشاهده می‌شود. و بطرف چپ شرح اشتراک جریده بدین قرار است:

سمت جنوبی	پنج روپیه کابلی
ولایات داخله	شش روپیه کابلی
ممالك خارجه	پنج روپیه انگریزی

روی لوحهٔ آن بعضی شعارهای دیگر هم به زبان عربی نشر می‌گردید.

در زیر لوحهٔ نام اخبار تاریخ نشر اخبار به (هـ.ش)(هـ.ق) و(ع) داده شده و هم سال و نمره جریده درینجا به ملاحظه می‌رسد. قطع جریده ۱۸ × ۱۳ - انچ بوده هر صفحه آن سه ستون داشت که هر ستون بواسطه خط‌ها از دیگر جدا می‌شد. کاغذ آن (شماره‌ای که در اختیار من بود) یك نوع نازك به رنگ شکری بود.

مطالب متن اخبار از یکدیگر به واسطهٔ نیم خط‌ها جدا می‌شد و عناوین به خط جلی بالای هر مطلب درج می‌گردید.

از مطالب متن همین یك شمارهٔ آن برمی‌آید که جریدهٔ مذکور علیه حرکات استعماری انگلیس در هند و در پشتونستان مبارزاتی را پیشرو داشت. روی این مفکوره مطالب ولوله‌انگیزی را که در بیداری شعور و احساس مردم افغانستان و پښتونستان معاونت می‌توانست بنشر می‌رساند. واقعهٔ تحقیق پسر جوان سندی مثال خیلی معتبر ما درین زمینه می‌توانست بنشر می‌رساند. واقعه تحقیق پسرجوان سندی مثال خیلی معتبر ما درین زمینه بحساب می‌آید و هم حرکات ضد انگلیس مردم وزیرستان و بمباردمان آنان از طرف انگلیس سند دیگری درین زمینه می‌تواند بود.

راجع به دوام نشر جریده اطلاع موثقی نتوانست حاصل شود. ولی شاید اینقدر بتوان گفت که احتمالاً تا سال‌های ۱۳۰٦ و ۱۳۰۷ (۱۹۲۹) نشرات خود را دوام می‌داد.

معرف معارف

راجع به جراید و روزنامه‌ها تاحال مفصل بحث کردیم، درین مبحث نشریه‌ای را مورد مطالعه قرار می‌دهیم که از لحاظ متن و غایه نشراتي يك نشریه اختصاصی بوده و از طرف وزارت معارف[۸۲] (۸۲) آنوقت نشر می‌شد. این نشریه خود موید آنست که بین سال‌های ۱۲۹۸ - ۱۳۰۷ش (۱۹۱۹ - ۱۹۲۸) نه تنها توجه در نشر روزنامه و جراید مورد علاقه عام بعمل می‌آمد بلکه در نشر مجلات و جراید اختصاصی هم گامی برداشته شده البته در همین وقت جریده ثروت، مجموعه عسکریه و مجموعه صحیه هم به شکل اختصاصی نشر می گردید.

[۸۲] شاغلی مایل، در رساله معرفی روزنامه‌ها مجلات و جراید نوشته است که از طرف طلاب معارف نشر می‌شد. چون این نویسنده از يك جانب صراحت این امر را در متون مربوط دستیاب نتوانستم و از جانبی هم مدیر محمدحسین‌خان (که بعداً رئیس تدریسات وزارت معارف مقرر شد) و بالاخر در صفحه چارم شماره‌های سال دوم اسم «وزارت معارف» به صراحت نوشته شده، لذا نشر آن را کاملاً از طرف طلاب معارف موافق نیستم ولی شاید بعضی از شاگردان در آن کار می‌کردند. و مجله از طرف وزارت معارف نشر می‌شد.



پشتی [روی جلد] صفحه اول شماره دوم سال اول معرف معارف

معرف معارف بقسم یك مجله بقطع جیبی در اول سنبله ۱۲۹۸ در کابل تأسیس گردید. مجلهٔ مذکور ماهانه نشر شده مدیرمسئول آن ښاغلی محمدحسین بود.

معرف معارف بقسم یك مجله به قطع و اندازه یك مجله جیبی بود، ولی از لحاظ هدف و غایهٔ نشراتی با مجلات جیبی کدام ارتباطی بهم نمی‌رساند. چه مجلات جیبی امروزه جهان غالب شکل عمومی را داشته برای عدهٔ کثیری از خوانندگان دارای پیشه و مسلك جداگانه، طبقات مختلف اجتماعي و غیره متن خود را وقف می‌نمایند، اما معرف معارف بصورت اختصاصی متوجه اهل معارف و مخصوصاً محصلان بود.

متن مجله:

طوریکه گفته شد چون معرف معارفبه قسم یك نشریه اختصاصی عرفانی نشرات خود را متوجه شاگردان و از باب معارف نموده بود ازینرو مطالب آن را اکثر خبرهای

معارف، مسایل مربوط بعلم و دانش، روابط ارباب کشور و معارف مقالات علمی و تربیتی خاص برای ارباب معارف و مانند آن تشکیل می‌داد. شماره‌های موجود آن عناوین ذیل رانشان می‌دهد: [۸۳]

«ضرورت مجلس بحث برای مکتب، «اتحاد» ،«علم»، «تأسیس» «مکتب»، «اصول دفتری»، «یك سوال حساب» (منتشره شماره دوم سال اول)، «اصول اساسی سرمایه» «اعاده مکالمه و مباحثه و سایر بیانیه‌ها» (منتشره شماره چهارم سال دوم.) «سفر طلبه»، «مقاله» «موعظ» «طبیعیات»، «نصایح روزمره» «مکتب» و غیره (منتشره شماره نهم سال دوم)، «اسباب سفر سالکان طریقه علوم مغربی»، «افکار و حقایق» و امثال آن (منتشره شماره شماره دوازدهم سال دوم)

باید گفت که غیر از عناوین مذکور در هر شماره اشعاری هم جلب نظر می‌کند و گذشته ازان بیانیه‌های خیرمقدم و تشریفاتی نیز ملاحظه می‌رسد. اما هر چیزیکه در متن مجله دیده می‌شود، متوجه اهل معارف است. البته عناوین بالا هم نشان می‌دهد که همهٔ آن به صورت خاص برای ارباب و شاگردان معارف نشر می‌شد.

باین اساس به این نتیجه می‌توان رسید که معرف معارف مجله‌ای بود که اغلب جهت انکشاف معلومات و دانش شاگردان معارف به قسم نشریه ممد درسی و برای انکشاف ذهن طلاب نشر می‌گردید و یا به عباره دیگر معرف معارف از جمله اهداف وسایل نشراتی دو هدف را دنبال می‌نمود: یکی هدف تعلیم دادن و دوم هدف تشویق کردن.

برای ثبوت هدف اولی کافی است که از یك مضمون آن یادآور شویم که عبارت از یك سوال حساب است. سوال مذکور در صفحه ٤٦ شماره دوم سال اول نشر و حل شده است.

برای هدف دومی چند جمله‌ای از مقاله شاغلی علی‌محمدخان منتشره ص ۱۳- ۱۹

[۸۳] چهار شماره معرف معارف (شماره دوم سال اول، شماره چار سال اول و شماره‌های نهم و دوازدهم سال دوم) را شاغلی نجیب الله مونس محصل شعبه ژورنالیزم پوهنځی ادبیات در اختیار این نویسنده گذاشت که با اظهار ممنونیت آنرا مرجع خود قرار داده ام.

شماره دوم سال اول را نقل می‌کنیم که همین خود موید قول ماشده می‌تواند:

«علم یا دانش که زیب افتخار افزای سر لوحهٔ عاجزانه گشته سر چشمهٔ نور حل کنندهٔ مشکلات امور است. معرفت حضرت باریتعالی عزاسمه که مدار اسلام واصل و بنای دین خیر الا نام است بی‌حصول علم صورت نه بندد و شخص محروم ازین عطیه عظمی حقیقتاً متصف به صفت مسلمانی نگردد...»

بطور مثال از مطالب متن مجله چند جمله مقاله منتشره ص ۲ شماره نهم سال دوم آنرا نقل می‌کنم:

سفر طلبه

روندگان طریقت به نیم جو نـخرنـــد
قبای اطلس آنکس که از هنر عاریست

«از عهد سابق تهیه رفتن طلبای علم به خارج جاری بوده، در عصر حاضر صورت عمل گرفت. چند نفر طلبا برای تحصیل فن تلگرا في بی‌سیم یک طرف بروس و دیگر جانب به هند رفته عنقریب مراجعت خواهند کرد طلبای متعدد جهت تعلیم برق سوی مغرب روان شده اند و حالا سی نفر تا نشر شدن این سطور عازم سفر شده خواهند بود...»

نویسندگان مطالب متن آن عبارت بودند از ښاغلی میر غلام‌حمد، مولوی محمدسرور، ښاغلی علی احمدخان، ښاغلی سید قاسم‌خان، ښاغلی محمد امیرخان، ښاغلی سلطان احمدخان، ښاغلی عبدالهادی خان و غیره.



سال اول (۲) شمارهٔ (۲)

بسم الله الرحمن الرحیم

[انعقاد مجلس بحث برای مکتب ضروریست]

بر ارباب فکر متین وصاحبان عقل سلیم ظاهر وهویدا است که زبان ترجمان افکار عالی وواسطهٔ اظهار اثرات قلبی و آرزوهای باطنیست . مرکز اطلاعات انسان روان باشد . گشایش مطالب آسان گردد .

زبان آله باشرف وشایست که جلوه شیرین دلنشینش باعث اتحاد اجزای ملت وخرام وتأثیر سحر آفرینش موجب اتفاق افراد مملکت .

زبان دارای اثرات بدیع ومالك منافع خیلی رفیعست اما اثرات جهانگیرش از طرح ابحاث مفیده مزید ، وقوه بیانش از بسط خیالات رفیعه توسیع میابد .

اینست که این نکتهٔ مفیده ومقصد ضروریه دامنگیر خیال حضرت مدیر باتدبیرمان گردیده بعرض تحصیل اجازهٔ انعقاد یك مجلس بحث مکتب ترتیب نمود تا افکار

سال اول (۳) شمارهٔ (۲)

مبادی اطفال نوباوگان وطن را زیاده تر جلای حاصل آید .

از آنجا که خیالات اقدس شاهانه بسوی ترقی دولت راغب وافکار بلند خسروانه به بهبودی ملت نهایت شایق وتأثیر ومحسنات این چنین مجامع بر رأی مبارك ظاهر است استرحا وتوقع شان شرف قبول یافت .

چون مجلس مابین را ابحاث مفیده علمی وفنی وادبی ومرادازان تنویر افکار ورابط تحقق اتحاد عمومی است بنام « محفل بحث واتحاد » تسمیه اش نمودیم .

(کیفیت محفل از بقرار است که دو مضامین مخالف اساس بحث مقرر میشود یکی از اهل محفل محسوز شده یك مضمون را نسبت بدیگر زیاده تر واسطهٔ ترقی دولت ثبوت کردن میخواهد سپس برخی موافق وفریق مخالف او برخاسته طرح مناظره می افکنند ودلایل لازمی وواجبی که دارند هریك بثبوت خویش نزد کرسی محفل ایستاده شده از روی مقاله که نوشته اند قرائت می نمایند یا تقریرا عرضه حضار میدارند . بعد از اختتام مباحثات ومناظرات از حضار محفل رأی طلبیده می شود

نمونه‌ای از صفحات داخل معرف معارف

صحافت و صفحه بستی:

موضوع خیلی جالبی که در صحافت این مجله جلب نظر می‌کند قطع موزون و مناسب آنست که حقیقتاً عین قطع در شماره‌های سال آن به ملاحظه رسید و این خود نشان دهنده یك پلان اساسی قبلی است راجع به شکل و صفحه بستی آن. قطع مجله ٦/٥× ٤ انچ می‌باشد.

پشتی مجله در آغاز سال اول بدین شکل ترتیب می‌شد که در صفحه اول از بالا به پائین نخست رسم محراب و منبر در داخل اشعه شده بیضوی آفتاب جاه داده شده بدو طرف آن سال و شماره مجله درج شده است بعد آن نام مجله به شیوه نسخی تحریر یافته است. در زیر نام تاریخ نشر مجله بملاحظه می‌رسد بعد ازان نشان معارف آنوقت شامل شمشیر و کتاب بین دو خوشه برگ و گل دیده شده، در پائین هم این عبارت في ذالك لايت للعلمين نشر گردیده است. صفحات دوم و سوم پشتی کاملاً سفید بوده و در صفحه چهارم عبارت ذیل درج است این رساله

ماهانه به مطبعه ماشین‌خانه چهاپ شد» در سال دوم شکل مذکور تغییر می‌کند. باین معنی که نشر بعضی مطالب دیگر مانند شرح اشتراك، اسم مدیر و محرر، فوتوی شاه وقت نیز در صفحه اول پشتی بملاحظه می‌رسد.

طوری که درشماره نهم و دوازدهم سال دوم نشان می‌دهد محمدحسین خان مدیر و حافظ امیر محمدخان محرر مجله بودند.

اشتراك قرار ذیل می‌باشد:

سالانه	شش ماهه	سه ماهه
شش روپیه	چهار روپیه	دونیم روپیه

بخارج شهر: بقیمت‌های فوق اجرت پوسته منضم می‌شود.

یك نسخه: یك قران (هنوز واحد پول افغانی نبوده وروپیه بود)

صفحات داخل مجله دارای یك ستون بوده، عرض ستون سه انچ و عمق آن ٤ انچ می‌باشد. شماره‌های سال اول و دوم نشان می‌دهد. که بطور عمومی حاشیه بالایی صفحات توسط یك جدول جدا شده، بالای جدول شماره و سال مجله و نمبر صفحه بملاحظه می‌رسد.

در حروف آن تنوع بملاحظه نه می‌رسد. حتی عناوین هم از حروف متن ترتیب شده است. اکثر مطالب آن به طبع حروفی نشر شده، ولی در شماره چهارم سال اول یك قسمت آن بچاپ سنگی نشر شده است.

تعداد صفحات معرف معارف در آغاز ٤٨ بود، ولی شماره‌های سال دوم و حتی شماره چهارم سال اول نشان می‌دهد که صفحات آن به ٦٠ بالغ شده است. البته برعلاوه صفحات مذکور گاه گاه فوتوهایی در آغاز و انجام متن نشر می‌شد که نشر فوتو در کاغذ جلادار صورت می‌گرفت. کاغذ آن سفید و از نوع درجه اول بود. و کاغذ پشتی مجله اکثر از یك نوع کاغذ جلادار زردگون بود. قابل تذکر است که فهرست مندرجات آن در صفحه اول متن با نام نویسنده درج می‌گردید.

معرف معارف غالباً نشرات خود را تا سال ۱۹۲۲ دوام داده بعداً متوقف شد، و بجای آن بعد از دو سال آئینه عرفان نشر گردید.

اتفاق اسلام

در جریان انکشافات مطبوعاتی بین سال‌های ۱۲۹۸ - ۱۳۰۷ش (۱۹۱۹ - ۱۹۲۹) سر زمین ادب‌پرور هرات نیز با این کاروان پیشرفت فرهنگی همگام شد. به تاریخ اول سنبله ۱۲۹۹هـ (۱۹۲۰) جریده هفته واری بنام اتفاق اسلام در هرات تأسیس گردید. نخستین مدیر و سرمحرر اتفاق اسلام، جناب عبدالله قانع (هروی) بوده و بار اول در مطبعه سنگی به چاپ می‌رسید. از تاریخ ششم جدی، ۱۲۹۹، شاغلی مرزا عبدالکریم احراری به صفت مدیر جریدهٔ مذکور مقرر شد و از آغاز شماره ۱۳، سال دوم، جناب عبدالله قانع مجدداً عهده مدیریت جریده را احراز نمود.

نشر جریده اتفاق اسلام بتاریخ ۹ عقرب، ۱۳۰۱، از آغاز شماره نهم سال سوم به مدیریت معارف ولایت هرات مفوض شده و جناب مولوی صلاح‌الدین سلجوقی مدیریت آنرا بعهده گرفت. درست در همین وقت بود که نام جریده به فریاد مبدل شد. مرحوم سلجوقی یکسال این وظیفه را بعهده داشت، ولی بعداً برای سومین بار جناب عبدالله قانع به حیث مدیر فریاد مقرر شد. بالاخره در چهارم ثور، سال ۱۳۰۸، با نشر شماره ۱۸ جرید جناب غلام سرور جویا به حیث مدیر فریاد مقرر شد و نام آنرا مجدداً به اتفاق اسلام تغییر داد.[۸۴]

اتفاق اسلام، باعین نام و شهرت طی نه ماه اغتشاش داخلی نیز نشر می‌شد، البته درین مدت جناب جویا به خاطر برداشت جراحتی، جهت معالجه به خارج سفر کرد که امور نشر جریده به شاغلی محمدکریم معاون جریده واگذار شده بود. ولی سال بعد (۱۳۱۰) برای چهارمین بار جناب عبدالله قانع مدیریت آنرا بعهده گرفت. طی سالیان مابعد عدهٔ دیگری از هموطنان دانشمند ما به مدیریت این جریده گماشته شده اند که معرفی آنان در فصل مربوطه اش بعمل خواهد آمد.

طوریکه در آغاز متذکر شدیم نشر جریده به چاپ سنگی صورت می‌گرفت، اما در ۱۸ میزان سال ۱۳۰۷ از شروع شماره اول سال هفتم نشر اتفاق اسلام در مطبعه دانش به چاپ حروفی آغاز شد. بعد ازان تا کنون به چاپ حروفی نشر می‌شود

[۸۴] اتفاق اسلام شماره ۱۹ سال دهم، ۱۳۱۱ (۱۹۳۲)



یك شماره اتفاق اتفاق اسلام به چاپ سنگی

متن اتفاق اسلام:

بطور عموم متذکر باید شد که درین دوره روش جراید در ترتیب و تنظیم مطالب متن مشابه و مماثل یکدیگر است. بناء زیاد خواهد بود اگر تمام جزییات هر جریده را به تفصیل بحث نماییم. البته عناوین عمومی مثل «حوادث داخلی»، «حوادث خارجی» «ادبیات» «اطلاعات بی‌سیم» و غیره در شماره‌های اتفاق اسلام جلب توجه کرد.

قابل تذکر است که در شماره‌های دست داشته[85] نظامنامه تشکیلات اساسی و نظامنامه اساسی هم نشر شده و گذشته ازان متن معاهده بین دولت افغانستان و بریتانیاهم ملاحظه شد و ازین معلوم می‌شود که سایر نظامنامه‌ها و معاهدات نیز

[85] شماره‌های ۱۳، ۲۲، ۲۸و ۳۰ سال دوم اتفاق اسلام در کتابخانه پوهنتون کابل موجود است یك شماره (شماره اول سال دوم منتشره ۳۰ اسد ۱۳۰۰ مطابق ۲۲ اگست ۱۹۲۱) نزد ښاغلی فدامحمد صارم سابق مدیر نشرات ولایات وزارت اطلاعات و کلتور موجود بوده ویك قسمت مرجع نویسنده را تشکیل می‌دهد.

بغرض اطلاع خوانندگان این جریده درج صفحات آن می گردید.

مقالاتی زیر عناوین عظمت دول اسلام در دورهای گذشته افغانستان و ترقیات حاضرۀ آن و امثال آن نیز درین اخبار درج می‌شد.

علاوه بر مقالات و خبرها بعضاً اعلان هم در اتفاق اسلام نشر می گردید. چنانچه در شماره ٢٦ سال دوم آن دو اعلان جلب نظر کرد که یکی آن مربوط به امور حکومتی می‌باشد و دومی یک اعلان شخصی است راجع به افتتاح معاینه‌خانه طب دندان و دندان سازی.

باین ترتیب معلوم می‌شود که اتفاق اسلام نیز در امر برآورده شدن وظایف اساسی یك وسیله مفاهمه جمعی ترتیب و تنظیم مناسبی را اتخاذ نموده بود.

معلوم می‌شود که جریده اتفاق اسلام علاوه بر آن که مطالب متن خود را از بعضی جراید داخلی و خارجی اقتباس می کرد، نامه‌نگارانی هم از خود داشت که این وظیفه را انجام می‌دادند. چنانچه خبری راجع به گوگردسازی در کابل، در شماره ١٣ سال دوم، به نشر سپرده است که این موضوع را تایید می کند.

«قرار خبرهای موثقه و مکاتیب صحیه (صحیحه مؤلف) که از طرف بعضی نامه نگاران ما از دارالسلطنه کابل باداره عاجزانه ما رسیده درین روزها در ماشین‌خانه دارالسلطنه کابل صنعت گوگردسازی به بسیار خوبی و درستی که هیچ فرقی از گوگردهای دولت سویدن ندارد، بلکه به مراتب بهتر ازان می‌باشد، رواج یافته...

درین خبر از زیبایی پوش و ارزانی بیع گوگرد هم اطلاع داده شده است. چنانچه قیمت یك قطی آن سه پیسه بود.

درینجا بطور مثال یك خبر خارجی را که زیر عنوان «حریق سوزان در لندن» در شماره ٢٨ سال دوم آن نشر شده است تقدیم می‌نمایم.

«در ماه ژانویه حریق عظیمی که بقدر شصت‌خانه را بالمره سوخته و (٥٠ نفر) بی‌خانمان شده اند و یك ملیون لیره خسارات وارد شده است در لندن روی داده است.»

چهره اتفاق اسلام

اتفاق اسلام[٨٦] در داخل دو ستون در آغاز در یکنوع کاغذ شکری طبع می‌شد. لوحه نام آن بدین شکل ترتیب می‌شد: در وسط نام آن به شیوه ثلثي بنام اتفاق اسلام هرات درج می‌شد. بدو طرف آن این فرد نشر می گردید:

آنچه ملت را کند مسعود و شاد
اتـحاد است اتفاق است اتـحاد

در قسمت راست لوحه، نخست نام مدیر و سرمحرر و بعد ازان این عبارات درج است: «همه امورات تحریریه بنام مدیر و سرمحرر فرستاده می‌شود» و «هفته یکمرتبه هر دوشنبه نشر می‌شود» در قسمت چپ لوحه بعد از نمبر شماره جریده قیمت اشتراك آن به تفصیل ذیل آمده است.

شهر هرات و نواحی قریبه آن	٥ روپیه کابلی
ولایات داخله	٦ روپیه کابلی
ممالك خارجه	٦ روپیه کابلی
ششماهه در داخل و خارج	سه و نیم روپیه کابلی

در زیر لوحه نام اخبار، تاریخ آن به سنه شمسی، قمری و عیسوی درج می‌باشد. چنانچه تاریخ شماره ١٣ بدینصورت درج است: «٢٢ برج عقرب ١٣٠٠ هجری شمسی سیزدهم ربیع الاول ١٣٤٠ هجری قمری ١٤ نومبر ١٩٢١ عیسوی ».

اتفاق اسلامدر داخل چهار صفحه نشر شده، قطع آن ١٤ × ٨/٥ انچ می‌باشد. هر ستون آن ٢ انچ عمق داشته و دارای چهار انچ عرض می‌باشد.

اتفاق اسلام در آغاز بقلم مرحوم مرزا شیرمحمدخان طبیب برای چاپ سنگی تحریر و آماده می‌شد ولی شماره‌های سال دوم آن نشان می‌دهد که وظیفه خطاطی آنرا ملا عبدالفتاح* بعهده داشت، اهتمام آن از طرف محمدکریم صورت می گرفت

[٨٦] اتفاق اسلام شماره ١٩ سال دهم

* موصوف از علمای دینی هرات و والد ماجد مرحوم استاد فکری سلجوقی بود

و استاد چاپ هم بنام عبدالله‌خان بود.

اتفاق اسلام هنوز هم به عین نام و شهرت در هرات نشر می‌شود.

ستارهٔ افغان

در زمرهٔ جراید ولایات کشور جریده‌ای هم بنام ستارهٔ افغان[۸۷] نشر می‌شد. این جریده بار اول در (۹) قوس سنه ۱۲۹۹هـ.ش بروز چهارشنبه در جبل السراج کوهستان به نشرات آغاز کرد. مدیر و سرمحرر آن میر غلام‌محمدالحسيني بود.[۸۸]

شاغلی مدیر جریده خبرنگاری خود را زیر عنوان مقاله افتتاحیه درین شماره ستارهٔ افغان بدین صورت آغاز می‌نماید: «...این خادم ملت به پیروی خیالات با قیمت شاه بلندهمت و اینکه خدمت ابنای وطن خود را فرض ملیتم می‌شمارم به نشر جریدهٔ هفته‌وار افغان اقدام نمودم. چون موضع نشر اخبارم از حسن تصادفات در صفا و مرغزار نزهت افزاء کوهستان افغانستان اتفاق اوفتاد که میوه‌های لذیذش هند و افغان را فرا گرفته و مناظر اراضی فرحت انگیز و آب و هوای باصفای این دیار مسرت خیز انظار ناظرین را بخود می‌کشاند و افراد و متوطنینش در دیانت و شجاعت و وطن‌پرستی و پادشاه دوستی نهال محبت و صداقت را در قلوب عابرین و واردین می‌نشاند .

خواستم که تا يك درجه بر طبق تلفظات و اصطلاحات این مرز و بوم نشر اخبار کنم و در مقالات جریده خود چندان به نکته پردازی نه پردازم و ساده نویسی را شعار خود سازم تا ساکنین این زمین استفاده از مضامین آن نمایند نه اینکه عقلی بچرخ دهم و لغاتی چند مرادف ساز و و محاوره ملیه را از اعتبار در اندازم.»

مدیر اخبار درین مقالت گذشته از آنکه روش نوشتن خود را اعلان نموده مطالبی هم راجع به مردم سرزمین و وفرت میوه در محل نشر ستارهٔ افغان تقدیم کرده است.

مطلب جالب و ارزنده‌ای که از نظر خبرنگاری توجه ما را معطوف می‌سازد عبارت

[۸۷] سی شماره این جریده در کتابخانه پوهنتون موجود است

[۸۸] فعلاً به تخلص «غبار» معروف بوده و تالیفات متعدد درباره تاریخ کشور نموده اند.

از مفکوره مدیر جریده است راجع به طرز نوشتن و اداء کلام درین جریده چنانچه وی به صراحت ساده نویسی را ترجیح داده و از کلام ثقیل و دور از فهم و محاوره مردم احتراز نموده است.



نخستین شماره سال اول جریده ستارۀ افغان

در عین شماره مقاله‌ای راجع به اخبار نشر نموده است، درین مقاله می‌نویسد: «اخبار جمع خبر و ضد بیخبری‌ها است. خبر داشتن عقل را اصلاح کردن است عقل که اصلاح شد انسان انسان گفته می‌شود.»

موصوف اخبار را وسیله باخبری از دین، راه و چاه خیر و شر دانسته، اضافه می‌نماید که بواسطه اخبار طرز زندگی و معیشت را می‌توان آموخت. خواندن اخبار مثل خوردن و نوشیدن تلقی شده و نوشته است «درینجا همینقدر می‌گویم که

امروز ربع مسکون مسخر اخبار است» و بنابر همین دلایل بود که مدیر ستاره افغان به نشر اخبار اقدام کرد.

متن ستارهٔ افغان را رویهمرفته، مقالات، خبرها، ادبیات، ستون مطالب علمی بعضی اعلانات حکومتی و غیره تشکیل می‌داد.

مقالات آن از ناحیه ملیت خواهی، ترقی و انکشاف وطن استحکام و تقویت عقیدت و فکر مطالب مفیدی را بخوانندگان عرضه می‌نمود. در شماره‌های مختلف جریده مقالاتی زیر چنین عناوین جلب نظر کرد اتفاق اسلام چه بود، وطن، شجاعت، زراعت و غیره.

از آغاز شماره ۱۲ زیر عنوان مباحث علمی، مقالات معلوماتی راجع به موضوعات مختلف نشر می‌شد. نخستین مطلب آن راجع به بانك نوت می‌باشد. درین مقاله راجع به بانك نوت، علت بوجود آمدن آن، مفاد و سایر جهات آن مفصلاً بحث شده است.

در متن جریده ستون‌های خبرهای داخلی و خارجی در تمام شماره‌ها بملاحظه می‌رسد. مثلاً از آغاز نخستین شماره یك خبر راجع به انتقال محل حکومت از چهاریکار به جبل السراج نشر شده. خبر دیگری هم در باب تبدیلی سرافسر عسکری جبل السراج می‌باشد. و خبر دیگری هم راجع به کابل است که خبر اخیر را از جریدهٔ اتفاق اسلام منطبعه هرات آورده است:

«دولت ایران آقای مجدالمک را که یکی از مردان محترم است به سفارت فوق‌العاده در دربار عظمت مدار افغانستان مامور و مقرر کرده که درین روزها از راه مشهد داخل به خاك پاك افغانیه خواهد شد.

خبرهای داخلی جریده علاوه بر اینکه توسط نامه‌نگاران خود اخبار جمع‌آوری می‌شد، از سایر جراید کشور نیز اقتباس می‌گردید. چنانچه خبر ذکر شده این مطلب را ثابت می‌سازد. امان افغان، اتفاق اسلام، اتحاد مشرقی، روزنامه افغان و سایر جراید همه محل اقتباس خبرهای داخلی به حساب می‌آمد. درینجا بائیست گفت که جراید آنوقت همه بدین شکل بودند یعنی هر کدام مطلب تازه و جالب را از دیگری اقتباس می‌نمود

خبرهای خارجی ستاره افغان هم از جراید زمیندار، پایونیر، وکیل، دهلی نیوز، پشاور، سول ملتری گزت، و غیره اقتباس می‌شد.

در کته گوری مطالب سرگرم کن ستارۀ افغان مطلبی زیر عنوان «آیا شنیده اید؟» دیده می‌شود که درینجا قسم نمونه مطالب شماره پانزده هم آنرا اقتباس می‌کنم.

«آیا شنیده اید که هر سال ٤٨ میلیون آدم در زمین تولد و (٣٦) ملیون و (٦٦٠) هزار نفر فوت می‌شوند؟

که باسوادتر از همه ملل جرمنی است و و در آنها فی صد (٩٨) نفر با سواد است کم سوادتر از همه ایرانی و ایشان فی صد (١٢) نفر باسواد می‌باشد.

اما در وطن ما معلوم نیست فی صد چند نفر باسواد است.

همچنان کته گوری مطالب سرگرم کن ستون ادبیات را می‌توان حساب کرد. درین ستون اشعار و غزل‌ها به چاپ می‌رسید که بدون شك در بسر رسانیدن این وظیفه سهم بارزی دارد.

ستاره افغان به چاپ سنگی نخست در مطبعه جبل‌السراج و بعداً چهاریکار طبع می‌شد. باید گفت که بقرار اظهار مدیر جریده، اصلاً مطبعه جبل‌السراج و چهاریکار عین مطبعه بود که در آغاز وقتی جریده در جبلالسراج نشر می‌شد در آنجا بود ولی وقتی اداره جریده به چهاریکار نقل نقل مکان کرد به آنجا انتقال داده شد. خطاطی متن اخبار توسط شخصی بنام غلام صدیق صورت می‌گرفت.

جریدۀ مذکور از آغاز دارای سه ستون بود که عمق هر ستون آن ١٣/٥ انچ و عرض آن سه انچ می‌باشد.

قطع اخبار بطور عموم ١٥ × ١١ انچ بوده کاغذ آن سفید بود. در لوحه نام اخبار این مطالب خوانده می‌شود:

در وسط، نام جریده به خط نستعلیق نوشته شده در زیر نام نخست این بیت دیده می‌شود:

ز مهر و ماه بود تا باوج چرخ نشان
همیشه باد درخشان «ستاه افغان»

بعد از بیت فقره «جریده ،دینی اخلاقی ،علمی» توجه را جلب می‌کند. بطرف راست نام جریده نخست محل اداره و نام مدیر و سرمحرر نشر می‌شد و بعد ازان این جمله دیده می‌شود: «مقالات علمی و ادبی قبول و نشر می‌شود.» بطرف چپ نام، وجه اشتراك بدین تفصیل نشر شده است:

	یك ساله	شش ماهه
سمت شمالی	(۳) روپیه (٤) پیسه	(۲) روپیه یك قران
خارجه	شش روپیه	(۲) روپیه یکقران
ولایات داخله		(٤) روپیه

قیمت یك نسخه در سمت شمالی سه پیسه است.

تاریخ نشر شماره اول ستارهٔ افغان قرار ذیل درج گردیده است:

«شماره اول روز چهار شنبه (۹) قوس سنه ۱۲۹۹ شمسی سال اول مطابق (۱۹) ربیع الاول سنه ۱۳۳۹ قمری»

ستاره افغان یك سال نشرات خود را ادامه داده در اواسط سال ۱۳۰۰هـ.ش از نشر بازماند. مدیرمسئول این جریده که فعلاً حیات دارد، راجع به علت توقیف جریده اظهار نمود که دران وقت جراید و اخبارها از طرف دولت نشر شده و بناء وظیفه نشر ستارهٔ افغان بوی سپرده شد و بقرار هدایت مقامات رسمی دولت مردم افغانستان که روح سلحشوری و جهاد دارند توسط نشرات و تبلیغات این روحیه بائیست حفظ شود تا اینکه در برابر انگلیس که مخالف ما بود ازان استفاده شود.

شاغلی مدیر ستارهٔ افغان اظهار نمود که بقرار مفکوره دولت این روحیه در کوهدامن و کوهستان بیشتر به ملاحظه می‌رسد. بناء در حفظ آن سعی باید می‌شد. چنانچه جریده مذکور بر روی همین هدف رویکار آمد و در شش ماه اول مطابق به این هدف به نشر جریده بزبان ساده مردم دوام داده شد. ولی بعد ملاحظه شد که اکثر مردم بیسواد بودند و از متن جریده استفاده کرده نمی‌توانستند. بناء نشرات جریده بیشتر متوجه مامورین و با سودان کشور شد و درین وقت انتقادات هم

صورت می‌گرفت گرچه برای مدتی حکومت این روش را هم حوصله کرده و برای توقیف آن بکدام اقدامی دست نزد، ولی بالاخر توقیف شد.

طوریکه شاغلی مدیر جریده گفت تعداد تیراژ این جریده بیش از یکهزار شماره بود و خوانندگان آنرا در آغاز خوانین، ملك‌ها، مامورین و حکام تشکیل می‌داد ولی وقتی روحیه انتقادی را احراز کرد در کابل هم عرضه می‌شد و خواننده داشت.

افغان

افغان نخستین روزنامه افغانستان است که بروز دوشنبه، چهاردهم سرطان، ۱۲۹۹، در کابل بنشرات آغاز کرد. طوریکه در مباحث مختلف این فصل خواهیم دید جراید و اخبار درین وقت در نقاط مختلف کشور اعم از مرکز و ولایات نشر می‌شد که از جمله همهٔ آن اتحاد مشرقی در هفته دوبار نشر می‌گردید و این قدم نخستین بود در راه نشر اخبار واطلاعات به قسم نسبتاً تازه‌تر. ولی دیری نگذشت که موجودیت یک روزنامه احساس شد. چنانچه می‌بینیم «افغان» به حیث نخستین روزنامه عرض وجود کرد[۸۹].

آنانیکه راجع به روزنامه‌نگاری غرب مطالعاتی نموده و یاد سترس داشته باشند از یك دوره مطبوعات امریکا بنام اخبارهاي یك سنتی (Penny Papers) [۹۰] کاملاً آگاهی خواهند داشت و علاوتاً علت ارزانی روزنامه‌ها این بود که به عموم مردم رسیده بتواند و بدین وسیله خوانندگان را برای خواندن اخبار تشویق نماید. نظیر

---

[۸۹] کلکسیون مکمل سال اول و ۹۰ شماره از سال دوم افغان در کتابخانه پوهنتون کابل موجود است و علاوهٔ شماره‌های ۳۰۸ و ۳۳۳ سال اول آن نزد فدامحمد صارم سابق مدیر نشرات ولایات در وزارت اطلاعات و کلتور موجود بوده و همین دو مرجع محل استفاده تحقیق نویسنده می‌باشد.

[۹۰] در روزنامه‌نگاری امریکا با بوجود آمدن روزنامه‌ای بنام نیویارك سن در ۱۸۳۳ تغییر قابل ملاحظه‌ای وارد شد. درین وقت آغاز نشر روزنامه‌های یك سنتي (یك صدم یك دالر) است.

روزنامه‌های یك سنتی با نشر خبرهای علایق انسانی، مطالب ولوله انگیز و خبرهای محلی و در اخیر ارزانی خود همه را جلب کرده در مدت کوتاه تیراژ آن بالا رفت. (ادوین امری، تاریخ مطبوعات امریکا امریکا، ۱۹٦۳، ص ۲۱۳ - ۲٤٤.)

این دوره را کم و بیش می‌توان در نشر روزنامه افغان در افغانستان جستجو نمود.

این روزنامه در نخستین شماره خود اعلانی نشر نموده است که در آن نخست راجع به نشر افغان به قسم روزنامه اطلاع داده شده است و ضمناً قیمت یك نسخه آن دو پیسه اعلان شده است.

روزنامه افغان در شماره نهم سال اول خود مقاله‌ای زیر عنوان «بیداری» در اخبار نشر کرده و در آن راجع به مفاد روزنامه توضیحات لازم ارائه نموده است. در مقالۀ مذکور نوشته شده است:

«اخبار چیزیست که حکایت و واقعات عالم را ثابت می‌کند و وضع زندگانی عالم را بیشتر نشان می‌دهد و از کمالات انسانیه و فضایل اخلاقیه باخبر می‌سازد و چیزی را که ما خیر و شری دانستم تفریق می‌نماید و از قوانین عالم آگاه می‌سازد.

در مقاله اضافه شده است که «محرر جریدۀ افغان با برادران وطن عزیز خود خیال دارد که از هرگونه مقالات علمی، فنی، ادبی و اخلاقی سخن خواهد راند»

از جملات مذکور این مطالب می‌تواند حاصل شد که روزنامه افغان منحیث وظیفه نخستین خود حکایت و واقعات جهان را به خوانندگان عرضه می‌کرد و بدون شك مراد از حکایت و واقعات عالم همانا خبرهای عالم می‌باشد.

دومین هدفی را که دنبال می‌کرد مقالات و مطالب اخلاقی، تربیتی و علمی بود. چه فقرات «کمالات انسانیه در فضایل اخلاقیه» و «قوانین عالم» موید این گفته است و بالاخر محرر جریده توضیحاً نشر مقالات علمی، فنی، ادبی و اخلاقی را تاکید کرده است. که این امر گذشته از آنکه نتایج محصله ما را در بالا ثابت می‌سازد به حقایق دیگری نیز روشنی می‌اندازد که عبارت از مسایل سرگرمی و تفریحی می‌باشد. این مطلب را از کلمات فنی و ادبی می‌توان استنتاج کرد .

بطور عمومی متن روزنامه افغان را خبرها، مقالات و یا نطق‌های رسمی، ادبیات و اشعار و اعلانات حکومتی تشکیل می‌دهد.

خبرها عموماً زیر عنوان «خبرهای خارجیه و معلومات داخلیه» تقدیم می‌شد. یك خبر خارجه منتشره شماره ۲۰ سال اول را به قسم نمونه اقتباس می‌کنیم: «ما بین

آذربایجان و جارجیا جنگ عظیم‌الشان بوقوع پیوست و بقول اخبار ولایتی مارننگ پوست ارمنی‌ها شکست خورده از شهر (ارتوان) کشیده شدند.»

همچنان نمونه يك خبر داخله را که در شماره ۱۹ سال اول نشر شده است، تقدیم می‌نمایم:

«در یوم جمعه (۲) و یوم شنبه (۳) ماه اسد موازی یکصد و هشت نفر مهاجر هندی صغیر و کبیر اناث و ذکور وارد دارالسلطنه گردید. مراسم ضیافت و مهمانی در حق‌شان بجا آورده شد. بعد از مراسم مهمانی عازم جبل‌السراج گردیدند»

باید گفت که مقارن نشر افغان سیل مهاجرین هندی وارد افغانستان می‌شد، خبرهای آنان به صورت مفصل در شماره‌های مختلف افغان درج گردیده است و در جمله خبر منتشره شماره ٣٦ سال اول افغان حاکی است که چهل هزار مهاجر هندی در آن هنگام وارد افغانستان شده بودند. محل بودوباش ایشان غیر از جبل‌السراج ولایات شمال کشور پون قطغن و بدخشان آنوقت تعیین شده بود.

راجع به نشر اخبار اظهار يك واقعیت دیگر نیز لازم می‌افتد، افغان در شماره نهم سال اول خود عنوانی دارد به عبارت «اطلاعاتیکه اداره ما حاصل داشته است» زیر این عنوان مطالب ذیل درج گردیده است که قسم نمونه آنرا نقل می‌کنم:

«کم استعمالی چای:

مردمان شهر مضرت چای را دانسته استعمال آن از مردم کم شده می رود

استعمال ادویه یونانی:

معالجات امراض بادویه یونانی استعمال کرده می‌شود

قیمتی قند سیاه:

امسال بدارالسلطنته کابل قیمت قند سیاه که عبارت از گر باشد خیلی بالا رفته .

قصابی گوشت گوسفند:

قصابی گوسفند نسبت به سال‌های گذشته بسیار است.

کم استعمالی ادویه داکتری:

ادویه داکتری در معالجات امراض کم استعمال میشود.»

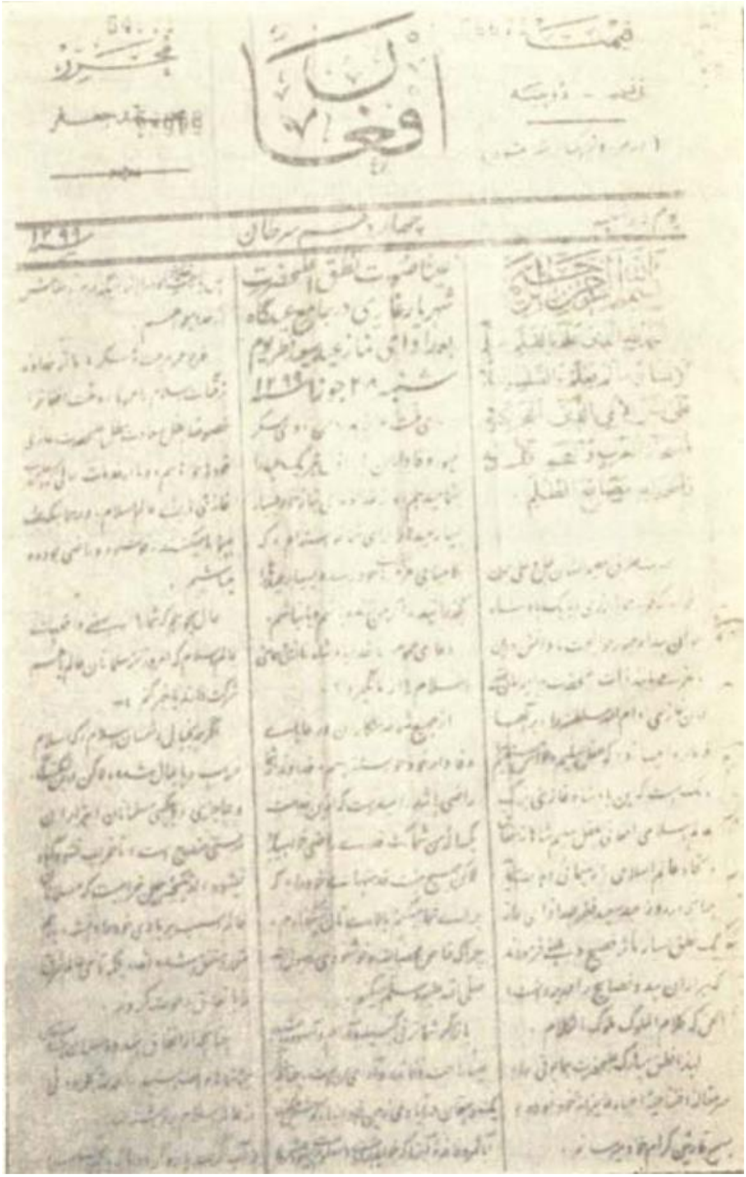
باید متذکر شد که عین خبرها در شماره دهم زیر عنوان «معلومات رنگارنگ» نشر شده است.

صرف نظر ازینکه این اطلاعات زیر چه نوع عنوانی نشر شده اند، شکل نشر و هدف نشر اینگونه اطلاعات جالب به نظر میرسد. باین معنی که خبرهای مذکور عین شکل خبرهای شهری را دارا میباشد. ولی نخست نهایت مختصر عرضه شده اند و دوم عناصر خبری در آنها تکمیل نشده و هم تذکار نیافته است. باین اساس خبرهای مذکور منحیث نظر نویسنده و خبرنگار اخبار تلقی میتواند شد. با آنهم نظر به ژورنالیزم آنوقت کشور این خبرها را غنیمت باید شمرد.

روزنامه افغان خبرهای خارجی خود را اغلب از روزنامهها و جراید خارجی نقل و نشر مینمود. نام اخبار ذیل در شمارههای مختلف آن منحیث

مرجع خبرهای خارجه جلب نظر کرد: پایونیر، الخلیل، جریده گور کهی، برادا، وکیل، زمیندار، چهره نما، لندن تایمز، رعد (منتشره ایران)، رعیت و غیره.

همچنان توأم با بعضی خبرها عبارت «از مطالعه تار رایتر ایجنسی» نیز به ملاحظه رسید که این نشان میدهد از آژانس خبر رسانی «رایتر» نیز خبرها را میگرفت و این امر ما را بیك حقیقت دیگر رهبری میکند که گویا استفاده از آژانس خبر رسانی بارنخست در همین هنگام آغاز شد. چه قبلاً چنین موضوعی به ملاحظه نویسنده این سطور نرسیده است.


افغان

شماره اول سال اول افغان، نخستین روزنامه کشور

راجع به منبع خبرهای داخلی باید گفت که غیر از خود ارباب روزنامه، جراید کشور چون اتحاد مشرقی، اتفاق اسلام، امان افغان و غیره همه منحیث مرجع مورد استفاده قرار داده می‌شد. در قسمت نشر مقالات از شماره‌های ۳۰ روزنامه به بعد عنوان بزرگی جلب نظر می‌کند: «نقش قلم به صفحه کاغذ چه می‌کند» زیر این عنوان مقالاتی مبنی بر وصایای اخلا قی به ملاحظه می‌رسد. در شماره ۹۸ سال اول به سلسله نشر نطق‌های رسمی یك پیام تیلفوني پادشاه وقت به زبان پشتو نشر شده است. واقعیت امر این است که درین وقت مخابره تیلفونی به جانب قندهار آغاز و افتتاح شده بود و بان علت عنوانی مردم قندهار پیام فرستاده شد.

«ای زما عزیزانو ماماخیلو: ستاسو له دیدار که څخه لری وم لاکن د ډیر شوقه چه ستاسی دیدن دپاره‌ېی لرم دغه دی چه امر می وکی چه تیلفون د قندهار ته ورسیږی نن ډیر ښه خوشاله یم چه په دی واسطه سره یو فارسی شعر و تاسی ته وایم چه:

نگه گر نشد قابل روی دوست
صد ارا رسانم بجایی که اوست

در جواب این پیام عریضه‌ای از طرف اهالی قندهار تیلفونی تقدیم شده و در آن اظهار خرسندی نموده اند.

در عین شماره در صفحه دیگر ترجمه دری پیام و عریضه نشر گردیده است.

راجع به ستون ادبیات باید گفت که اغلب پارچه‌های اشعار شعرای قدیم و جدید نشر می‌گردید و واضح است که از نشر اشعار و پارچه‌های ادبی هدف نویسنده روزنامه همانا انجام وظیفه سرگرمی خوانندگان از یك سو و ایجاد و تنوع در مطالب روزنامه از جانب دیگر می‌باشد.

شماره ۵۷ سال اول در ستون ادبیات شعر حافظ را باین مطلع درج نموده است.

حسنت باتفاق ملاحت جهان گرفت
آری باتـفاق جهان می‌تـــوان گـرفت

طوریکه قبلاً متذکر شد، در مطالب متن روزنامه افغان بعضی اعلانات نیز جلب نظر می‌کند. اعلان منتشره شماره یازدهم سال اول راجع به اشتراك روزنامه جالب

دقت است. درین اعلان راجع به ارسال پول اشتراك روزنامه از محلات کابل و ولایات چنین اظهار شده است که مشترکین پول خود را برای دوستان خود در کابل بفرستند و این دوستان به هر وسیله‌ای که می‌توانند روزنامه را برای مشترک به ولایات و محلات بفرستند چه در اعلان تصریح شده است که روزنامه نمی‌توانست آنرا بفرستد .

این علان بصراحت نشان می‌دهد که حمل و نقل و وسایل آن در کشور انکشاف نکرده بود، تا ارسال و مرسول را بدرستی انجام دهد و هم راجع به رسیدن و نرسیدن اشیای ارسالی یقین واطمینان موجود نبوده بناء ارسال روزنامه را ذریعه یك شخص اطمینانی مشترك آرزو می‌نمودند.

ترتیب و صفحه بستی روزنامه:

در لوحه نام روزنامه افغان این مطالب به نظر می‌رسد: نخست در وسط، نام روزنامه درج شده است، بطرف راست نام، قیمت آن (فی نسخه دو پیسه) و دوره نشر آن (در هر روز یك بار نشر می‌شود)[۹۱]

به ملاحظه می‌رسد. بطرف چپ نام روزنامه، اسم، محرر آن بنام محمدجعفر (هنگامیکه این سطور در دست تحریر بود برحمت ایزدی پیوست) درج است روزنامه افغان تا شماره ۱۶۳ سال اول بنام محرر آن (محمد جعفر) نشر می‌شد، ولی بعد ازان کلمه «محرر» به «مدیر» تبدیل شده و هم جناب پاینده محمدخان فرحت منحیث «نگران روزنامه اجرای وظیفه می‌کرد.

کاغذ روزنامه غالباً سفید بود ولی بعضاً برنگ‌های سرخ، بنفش، زرد و نارنجی به ملاحظه می‌رسد.

قطع افغان تا شماره ۱۱۰ سال اول (۱٤x ۸/۵) انچ می‌باشد.. بعد ازان گاهی خرد می‌شود و گاهی کلان. خردترین قطع آن (۱۰ x ۹/۵) بوده و کلانترین آن (۱۷x ۱۰/۵) انچ است. بطور عموم در داخل دو صفحه نشر می‌شد. هر صفحه روزنامه

---

[۹۱] در اعلان منتشره شماره پنجم سال اول اعتذاری مبنی بر عدم نشر روزنامه‌های جمعه نشر شده است. باین ترتیب گویا غیر از روزهای جمعه سایر روزها نشر می‌شد.

دارای سه ستون بوده، عمق ستون‌ها ۲۱/۵ انچ و عرض آن دونیم انچ است. تا جاییکه شماره‌های موجود این روزنامه نشان می‌دهد طبع آن سنگی می‌باشد متن و عبارات روزنامه افغان نسبتاً ساده‌تر بنظر می‌رسد که این خود می‌رساند نویسندگان آن خوانندگان خود را مدنظر داشتند.


بزبان فارسی و افغانی

افغان

یوم شنبه یازدهم برج دلو سنه ۱۲۹۹

نگران
جناب سید محمد جان فرحت

مدیر و محرر
محمد جعفر

(همه مورات تحریریه بنام مدیر و محرر فرستاده شود)

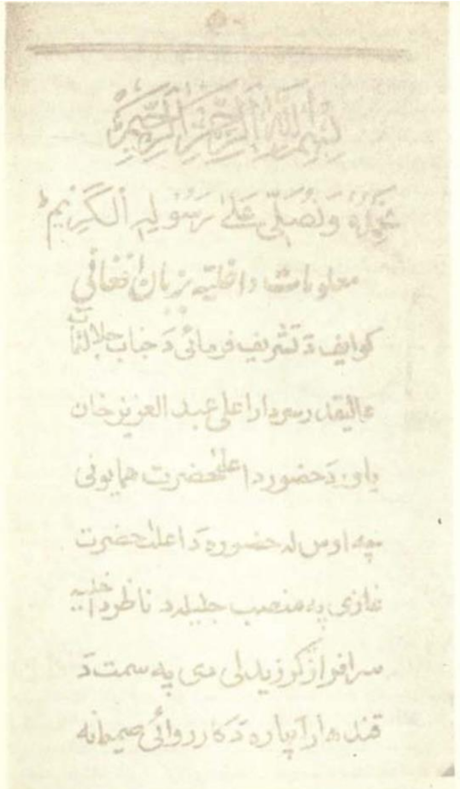
قیمت فی نسخه دو پیسه

(در هر سه روز یکبار طبع و نشر شود)

فارسی | افغانی

پشتی روزنامه افغان به قطع جیبی

با ارتباط به نشر روزنامه افغان از تذکر مطلبی دیگری درینجا ناگریزم. شاغلی مایل هروی* در رساله خود به شکل دیگری معرفي کرده است که آنهم صحیح است ولی معلوم می‌شود موصوف از وجود روزنامه افغان طوریکه در صفحات گذشته معرفی شد، اطلاع نداشت.


بسم الله الرحمن الرحیم
نحمده ونصلی علی رسوله الکریم
معلومات داخلیه زبان افغانی
کوایف د تشریف فرمائی د جناب جلالتمآب
عالیقدر سردار اعلی عبد العزیز خان
یاو د حضور د اعلیحضرت همایونی
چه اوس له حضوره د اعلیحضرت
غازی په منصب جلیله د ناظر د اخلیه
سرافراز گرزیدلی دی په سمت د
قندهار اپاره د که روانی

صفحه او ل متن پښتو ی روزنامه افغان

بهرحال این روزنامه به عین نام و سال و رسم‌الخط به شکل يك مجله جیبی نیز نشر می‌شد و درینصورت تعداد صفحات آن به ١٠٤ می‌رسید. در شماره ١٨١ شنبه

* معرفی روزنامه‌ها، مجلات و جراید، ص ٦- ٧

۱٦ برج دلو ۱۲۹۹ سال اول از صفحه ۱ - ٤٧ بزبان دری بوده و از صفحه ٤٩-۱۰٤ به زبان پشتو (در خود اخبار افغانی درج شده است.)

باین اساس شاید سایر شماره‌های آن هم نیمه بزبان پښتو و نیمه بزبان دری نشر می‌شد. نگران آن جناب پاینده‌محمدخان فرحت و مدیر و محرر آن جناب محمدجعفرخان بود. (عین اشخاصیکه وظیفه‌های مذکور را در روزنامه دو صفحه‌ای افغان بعهده داشتند)

متن افغان (با قطع جیبی) شامل «کوایف تشریف فرمایی جناب جلالتمآب عالیقدر سردار علی عبدالعزیزخان یاورحضور به منصب جلیله ناظر داخلیه مقرر شده بود، به سمت قندهار عزیمت نمود تا نخست آنانیکه در وقت آمادگی کرده بودند به قرار تصدیق جناب معظم افخم صدراعظم صاحب وقت، نشان و منصب داده و دوم نفری را جهت خدمت، و تعلیم عسکری از اقوام درانی به دارالسلطنه آورده که تعلیم بگیرند.» راجع به مطالب مذکور تفصیل هرچه بیشتر با آب و تاب و رنگین کامل تقدیم ترتیب و عین مطلب هم به زبان پشتو ترجمه و نشر شده است.

صفحه اول که در حقیقت صفحه نام اخبار بائیست خوانده شود به صراحت تذکار یافته است.

روزنامه مذکور به زبان فارسی و افغانی در هر روز یك بار قیمت آن هم مثل روزنامه صفحه‌ای افغان «فی نسخه دو پیسه» درج شده است، طبع و نشر می‌شد. قطع شکل جیبی روزنامه افغان ٤ x ٦/٥ انچ بوده. قسمت دری افغان به رسم الخط نستعلیق بوده و قسمت پشتوی آن به شیوه نسخی تحریر یافته است.

نشر این شکل روزنامه افغان هم به چاپ سنگی صورت می‌گرفت.

این نویسنده با وجود مساعی زیاد نتوانسته حالی شود که در یك وقت یك روزنامه به یك رسم و نگارندگی یك مدیر بدو شکل نشر شود.

طلوع افغان

در سلسله کارهای که ریاست‌های تنظیمیه انجام می‌دادند، نشر جراید در ولایات بود. و در قندهار هم جریده بنام طلوع افغان از افق مطبوعات مملکت در سنه

۱۳۰۰ شمسی به مدیریت مرحوم مولوی صالحمحمد هوتك طلوع کرد. وی مدیر معارف قندهار هم بود و طوریکه در شماره‌های نخستین طلوع افغان دیده می‌شود کاپی نویسی خطاطی و اهتمام طبع جریده به مرحوم عبدالعزیز الکوزایی تعلق داشت.

در لوحه نخستین شماره طلوع افغان در وسط از بالا به پائین نخست نام جریده به خط ثلث تحریر یافته، دوم، کلاهی دارای خوشه گندم که در عقب آن طلوع آفتاب نشان داده شده و در پائین هردو، دو شمشیر به شکل چلیپا بالای هم قرار داده شده، در مقابل زاویه پائینی آن این مصرع نشر شده است:

«هر که آب از دم شمشیر خورد نوشش باد». این علامه گاهی برنگ سیاه و گاهی هم برنگ سرخ چاپ می‌شد. و به قول پوهاند عبدالحی حبیبی مراد ازان طلوع دولت احمد شاهی در سنه ۱۱٦۰ ق، از افق قندهار است.

این جریده بصورت هفته وار، هر چارشنبه در ولایت معروف و باستانی قندهار نشر می‌شد.

اشتراك جریده قرار آتی بود:

	سالانه	شش ماهه
قندهار	پنج روپیه	سه روپیه
ولایات داخله	شش روپیه	سه و نیم روپیه
ممالك خارجه	پنج روپیه انگریزی	سه روپیه انگریزی

یك نسخه در قندهار هفت پیسه

در بین جداول تاریخ اخبار از راست به چپ اول، تاریخ شمسی آمده: (چارشنبه ۱۵ میزان ۱۳۰۰) در وسط تاریخ قمری آمده که عبارت است از (۲۳شوال ۱۳۳۹) در چپ تاریخ عیسوی (٦ جولای ۱۹۲۱) درج شده است.

طلوع افغان به بزبان‌های پشتو و دری به نشر شروع و نخست کلام خود را بدعای پادشاه آغاز نمود. فیض‌ها و فیروزی‌ها که نصیب ملت افغان شده بود برشمرده که در زمرۀ آن موجودیت اخبارها را به تعداد زیاد تائید کرده و کثرت اخبارها را یگانه واسطه تعمیم معارف وانمود کرده است. درین مقاله از اینکه اجازه داده

شده در قندهار هم مثل سایر جاهای کشور اخباری تأسیس گردد، اظهار سپاسگذاری شده است.

دومین مقاله شماره اول زیر عنوان حوادث داخلیه حاوی مژده تأسیس مکتب تجار قندهار است.

تجار قندهار مبلغ دوازده هزار روپیه را قسم اعانه در محصول تجارتی خود افزودند که توسط آن تأسیس یك باب مکتب برای شاگردان کندهار در نظر گرفتند. مقاله سومی بزبان پښتو بوده و راجع به اخبار و فواید آن است درین مقاله نوشته شده است:

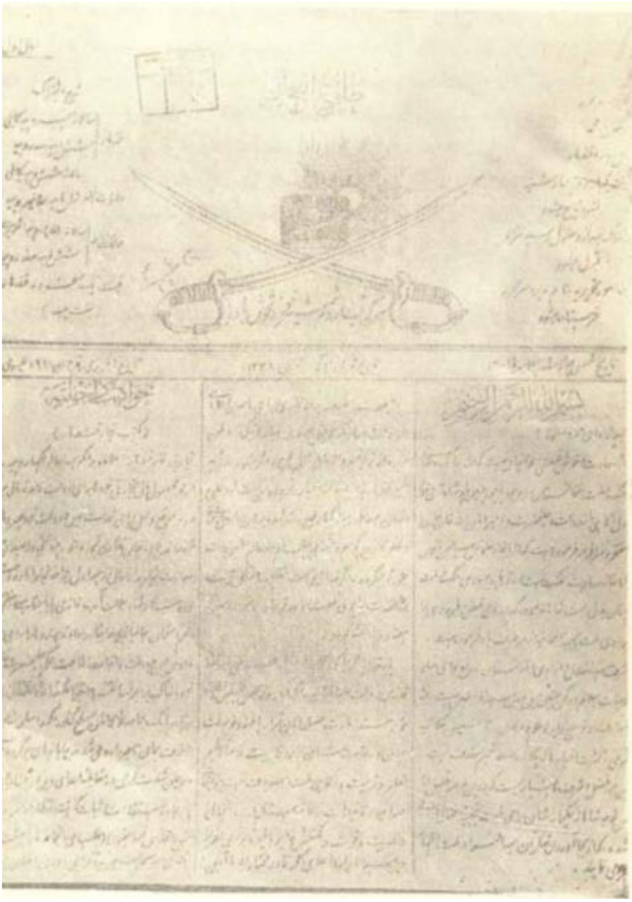
«نن ورځ د اخبار فایدی او اهمیت و هر چاته معلوم دی چه حاجت دبیان یی نشته. دا قدر وایم چه اخبار ژبه دملت ده هر ملت چه اخبار نلری گنگ‌یی بولی د بی‌خبری او باخبری ډیر فرق دی. دا خبرتیا د هرچا خوښه ده ،تر اخبارلو ذریعه د خبرتیا نسته، بلی د چانه ده خوښه چه په کورکی ناست وی او د عالم به حال خبریږی، اخبار ژوندی تاریخ دی علاوه پر خبرو، علمی، ادبی، فنی، اخلاقی فواید هم رسوی. خصوصاً چه بیا پخپله ژبه وی...»

در قسمت باقیمانده این مقاله از تأسیس جریده اظهار سپاسگذاری شده است. درین جریده یک ورقه‌ای دو صفحه عنوان «حوادث خارجیه» جلب نظر کرده و در نخستین شماره محض یك خبر راجع به مطالعه قطعی آزادی ترکی است. درین شماره اعلانی برای اشتراک کنندگان هم نشر شده.

چون جریده بچاپ سنگی نشر می‌شد، بناء تحریر مطالب آن توسط مرحوم عبدالعزیز الکوزایی صورت می‌گرفت و در ترجمه بعضی مطالب آن مخصوصاً خبرهای خارجی مرحوم منشی محمدعثمان بارکزایی سعی می‌کرد.

سراز شماره (۳۷ اول حمل ۱۳۰۱/ ۱۲ مارچ ۱۹۲۲)، مدیریت جریده را همان عبدالعزیز معروف به بابا بدست گرفت. نخستین تغییر، از آغاز مدیریت او این بود که نشر جریده از روز چارشنبه بروز شنبه انتقال یافت. سایر موضوعات به حال خود باقی بود. آغاز سال دوم نشراتی طلوع افغان مصادف به ۲٤ سرطان ۱۳۰۱ مطابق (۱٤ جولایی، ۱۹۲۲ع) بود در سرمقاله شماره اول سال دوم، بعد

از حمد و ثنا بزبان عربی توفیق خدمت التجاء کرده و گفته است که چون اوراق جریده برای سال‌ها بر صفحه روزگار باقی می‌ماند و از صدق و کذب طرز نگارش آن مردم حالی می‌شوند. بناء جریده نوشته است خود را ملامت وجدان خود نخواهیم ساخت و بکشف حقیقت گرچه سر ببازیم خواهیم پرداخت و درین مقال به کارداران و حکام توصیه شده که کارهای خود را به نکویی انجام دهند، چه وظیفه اخبار کشف حقیقت و نشر آن است.



نخستین شماره سال اول طلوع افغان به قطع بزرگتر و چاپ سنگی

نشر طلوع افغان سر از ماه جوزای ۱۳۰۷ مصادف به سال هفتم جریده در غیاب مدیر از طرف معاون آن بنام خواجه‌محمد صورت می‌گرفت. ولی در همین سال (ماه سنبله ۱۳۰۷) این عهده را موقتاً مرحوم سیدحسین بدست گرفت که در همین اداره خطاط جریده بود. اما مدیر آن تا ۱۳۰۹ش همان عبدالعزیز باقی ماند. و چون در همین سال بوکالت مردم شهر قندهار در شورای ملی انتخاب شد، کار نشر جریده را معاون او عبدالحی (اکنون پوهاند عبدالحی حبیبی رئیس انجمن تاریخ و استاد پوهنتون) ادامه داد و او در سنه ۱۳۱۰ش مدیر این جریده گردید که تا ۱۳۱۹ش این وظیفه را انجام داد و در سنه ۱۳۱۱ تمام طلوع افغان را به قطع بزرگ به زبان پشتو نشر کرد.

متن طلوع افغان:

متن طلوع افغان در سال‌های نخستین از نظر خبر و سرمقاله تا حد زیاد مانند امان افغان است، ولی فرق اساسی در ستون پشتوی آن است و هم فرق دیگر درین است که تنوع در مطالب آن کم است. مثلاً ستون‌های علمی و ادبیات سرگرمی‌ها و امثال آن کمتر به نظر می‌رسد که شاید عدم این مواد را حمل بر خردی حجم طلوع نمود. رویهمرفته سه کته گوری اساسی را در متن طلوع افغان می‌توان سراغ کرد که عبارت اند از: خبرها تبصره‌ها و سرمقالات نشر نظامنام‌ها و اعلامیه‌های دولت. البته به قسم ضمنی می‌توان از وجود اشعار وهم بعضی اعلانات رسمی نیز یادآور شد.

خبرهای داخلی طلوع قسماً توسط کارکنان و یا بعضاً خبرنگاران آن جمع می‌گردید. ولی قسمت زیاد آن از سایر جراید کشور اقتباس می‌گردید. منابع مهم اقتباس آن جریده امان افغان، اتحاد مشرقی، حقیقت، اتفاق اسلام، اصلاح، ارشادالنسوان وسایر جراید کشور بود.

در زیر يك خبری که از اتفاق اسلام اقتباس شده بطور مثال می‌نویسم. این خبر در شماره ۷ سال دوم نشراتی طلوع افغان نشر شده است.

شب چار شنبه، (۱۷) ،اسد در اخیر بازار ملك قریب میدان پای حصار آتش‌زدگی سخت ناگهان از دکان (غلام محمد) نام قناد که همان روز در دکان خود شرینی و

حلویات می‌پخت و البته آتشی که باقی مانده بود به هیزم و اسباب چوبی دکان رسیده بساعت (۸) شب بوقوع انجامیده بقدر دونیم ساعت دوام ورزیده پهره داران و مستحفظان که از واقعه خبر می‌یابند و به کوتوالی و چهار باغ و ارگ خبر می‌رسانند فوراً آتش به ارسی دکان و متعاقباً به سقف بازار که همه از چوب خشک چندین ساله است سرایت نمود. ۱۹باب دکان نذر آتش گردید»

بعد از آنکه جناب (ع، ج) وزیرصاحب امنیه عمومیه رئیس هیئت تنظیمیه و (ص، ش) لوامشرصاحب و (ح) آقای محمد شعیب‌خان رئیس امنیه و باقی اعضای هیئت محترم تنظیمیه می‌رسند، سقف بازار از پیش و پس آتش قطع نموده و غلطانده انطفای نایره نیران نمودند»


طلوع افغان

سال هفتم | شنبه ۲۳ ثور ۱۳۰۲ — ۲۱ ذیقعده ۱۳۴۲ | شماره (۳۹)

اخبار سفر اعلیحضرت

طلوع افغان باقطع خردتر طی سال هفتم نشراتی آن

جالب توجه است که درین خبر همه معلومات مورد نظر درج شده است، ولی بصورت ترتیب و قوع حوادث (هرم مستقیم) البته نظر به سبك آنزمان و عدم انکشاف خبرنگاری آمده است.

رویهمرفته تعداد خبرهای داخلی این اخبار به تناسب خبرهای خارجی کمتر است اکثر خبرها و مطالب داخلی هم، در حالیکه آمیخته با مفکوره می‌باشد، نشر می‌گردید. مثلاً در شماره ٤٢ سال دوم خبری زیر عنوان «عزیمت جناب وزیرصاحب داخلیه بدوره گرمسیر» نشر کرده در آن از کارها و اجراآت وزیر موصوف در قندهار متذکر شده در پاراگراف اخیر چنین نوشته است.

«ما توفیق خدمت‌های صادقانه، جان نثارانه جناب ممدوح را از بارگاه موفق حقیقی با عودت شان مع الخیر و العافیه مسئلت نموده معاینه و کوایف و انتظامات شانرا حسب اطلاعاتیکه نامه‌نگار ما خبر خواهد داد مفصلاً برای آگاهی قارئین محترم خواهیم نگاشت»

خبرهای خارجی البته طوریکه این عنوان می‌رساند، شامل تمام وقایعی بود که راجع به جهان خارج دستیاب می‌کردند. طوریکه از مراجع خبرها معلوم شد، اکثر مطالب خارجی از جراید خارجی اقتباس و ترجمه می‌شد. از جمله جراید خارجی‌الخلیل، نصرت، زمیندار، حبل‌المتین، خلافت، گلستان، سیاست و سایر جراید و روزنامه‌های خارجی.

گاهی مراجع خبرهای خارجی واضحاً به ملاحظه نمی‌رسد. یعنی نه نام کدام جریده توأم با آن نوشته شده و نه هم نام کدام خبرنگار ولی رویهمرفته تعداد خبرهای خارجی نسبت به هر مطلب دیگر بیشتر می‌باشد. درینجا بطور مثال دو خبر خارجی را نقل می‌کنیم که حداقل سبك نوشتن و مطلب خبر و ساحه احاطه طلوع افغان را از روی آن بدانیم.

«لندن، ۲۹ اسد، یك کشتی آبدوز (تحت البحری) جاپانی که در جمله آبدوزهای دیگر امتحان آنرا می‌گرفتند غرق شده است و پنجاه نفر کشتی نشستگان غایب می‌باشند» این خبر در صفحه، ۳ شماره ٤ سال سوم نشر شده است.

«نیویارك. ۲۰ می- کمپنی تلگراف و تیلفون امریکایی دیروز تحت عملیات جدید ترسیلات پیغامات برقی در دو ساعت از نیویارك الی کلیولیند (صوبه اوهایو) پانزده قطعه تصویر عکسی را فرستاده تصاویر فوق‌الذکر بطور هفت انچ به عرض پنج انچ اند و بدرجه وضاحت داشتند که در جراید به بسیار آسانی شایع گردیدند.»

خبر مذکور در شماره ۳۸ سال سوم، ص (۲) نشر شده است.

سرمقاله‌ها، تبصره‌ها، لایحه‌ها و نظامنام‌ها:

در قسمت تبصره‌ها و سرمقاله‌ها که اغلب توسط مدیر و یا احیاناً بواسطه بعضی از نویسندگان تحریر می‌شد، علاوه بر تبصره روی بعضی مسایل روز، مسایل اتحاد و اتفا ق و تشویق و ترغیب به عنعنات دینی مورد بحث قرار می‌گرفت که این امر را به زبان‌های دری و پشتو هردو می‌توان سراغ کرد. در شماره چارم سال اول تبصره‌ای (غالباً شاید از طرف خود مدیر اخبار) راجع به برادری و اتحاد، به زبان پشتو چنین نوشته است «خدای تعالی فرمایي ټول مسلمانان سره وروڼه دی. هر مسلمان د بل مسلمان دینی ورور دی. ورورگلوی یوازی پدی پوری نده چه مورنی د وی. داسی ډیر وروڼه دی چه تر مورنی ورور ډیر نږدی وی که څه هم ستا له موره نه وی. بلکه دا ورورگلوی تر اصلی وررتیا خورا ټینگه او محکمه وی...»

این مقاله با ارائه یکعده شواهد دینی بحث خود را روی همین مطلب برادری و همکاری قریب در بیش از یك ستون اخبار ادامه می‌دهد.

یك تبصره بقلم یکی از اهالی بنگاله که قسم سیاح بافغانستان آمده بود، در جریده «عصر آزادی» نشر شده بود و طلوع افغان همین مقاله را مجدداً نشر کرده است.

درین مقاله راجع به انکشاف و ترقی افغانستان تذکراتی بعمل آمده و از تأمین عدالت و همکاری باهمی درین کشور تعریف و توصیف شده است. در مقاله نوشته است که به یکی از بزرگان افغان مواجه شد و او در برابر سوال این افغان گفت که «مستخدم و جیره‌خوار حکومت می‌باشد. افغان با لهجه مخصوص برایش گفت مستخدم و جیره خوار!! خیر آقا در افغانستان ما، ابداً مزدور و مستخدم و جیره‌خوار یافت نمی‌شود.»

در اخیر مقاله نوشته شده است که بعقیده وی افغانستان بزودی بین ممالك شرق در جمله ممالك معظم و متمدن عرض وجود خواهد کرد. (ص. اول شماره ۳۹ سال سوم طلوع) در جمله نویسندگان مقالات اسم سید محسن قندهاری که به زبان پشتو و دری می‌نوشت قابل تذکر است.

ازین قبیل نوشته‌ها در جریده مذکور به وفرت نشر شده است. نشر نظامنامه تشکیلات اساسی کشور از شماره سوم سال اول آغاز شده و دو سال دوام کرد. نظامنامه‌های دیگر مانند مطبوعات و نظامنامه اساسیه هم در شماره‌های مختلف جریده نشر شده است. گذشته از نظامنامه‌ها، نشر پیمان‌های دوستی و اعلامیه‌های حکومت هم در آن صورت می‌گرفت که بزبان پښتو و دری هر دو می‌باشد.

در جمله مطالب متن طلوع افغان اشعار هم بکثرت به ملاحظه می‌رسد. در دو شماره آن دو شعر جرمنی یکی در وصف افغانستان و دیگر آن در صفت قندهار از قلم يك جرمنی بنام اوت با ترجمه دری آن نشر گردیده است. درینجا شعری که در وصف افغانستان است (شماره ۲۸ سال سوم) به قسم نمونه ترجمه آنرا نقل می‌نماییم:

۱-

افغانستان تو ای سر زمین کشورهای بلند و تنگ مستحکم
بر قله بلندت عقاب‌های آزاد تخت نشین اند.
چسان که در استقبال درخشانت امیدواریم.
فراز راهایت فتح و ظفر زندگانی می‌کند.
بلند و عالی باش چون قله بلندت که باسمان رسیده است
ثابت و مستحکم باش در همه انقلاب‌های زمان چون کوهایت.
خدا ترا محافظه می‌کند در همه آرزوهای برگزیده و عزم‌های ستوده ات.
خوشبختی و تعالی برایت‌ای افغانستان!

۲- افغانستان که در دشت‌های سبز و خرم خود، خودرا وسعت داد،
که دران تیزرفتار چون غزالان سریع و آزاد قدم می‌زنند
و در آنکه بدوی‌ها بزیر چادر امرار حیات طبیعی می‌نمایند،

احترام صمیمانه ام تقدیم است. برایت ای افغانستان
بوسعت و فرخی جستجو کن مقتضیات ترقی خود را،
بآزادی و استقلال افتخار کن و این نعمت را محافظه دار،
به خیالات و افکار خود عزم قوی داشته باش
که هرچه فکر کرده‌ای، همه برای منفعت است،
خوشبختی و تعالی برایت ای افغانستان،
۳- افغانستان تو ای سر زمین بساتین سرسبز و خوش‌نما،
که اعلی‌ترین میوه‌ها را به کثرت حاصل می‌دهی
در زیر سایه درخت‌های سرسبزت انواع گل‌ها به خوش‌نمایی
و هوش ربایی مشغول اند،
وه قدرت تراچه نعمت‌های بزرگ بخشید و به چه صنعت ترا آراسته،
افغانستان تو ای سر زمین خوش صورت آزاده مردان
دوست باش با کسانیکه برای دوستی به خدمت آمده اند
دست‌های برادرانه خود را به وفاداری بسویت دراز می‌کنم
خوشبختی و تعالی برایت ای افغانستان

از متن اکثر اشعار منتشره این جریده برمی‌آید که روح وطن‌خواهی، اتفاق و اتحاد انکشاف و ترقی در آنها نهفته است. همین شعر جرمنی هم از این پدیده‌ها بی‌بهره نبوده است و بنابر همین امر بوده که در نشر آن اقدام شده است.

عناوین بعضی از اشعار عبارت اند از (حب‌الوطن من‌الایمان) (به پشتو) حب وطن (دری) و امثال آن.

جریده طلوع افغان در معرفی بعضی از جراید داخلی و خارجی هم همت گماشته است که این امر برای پژوهندگان تاریخ ژورنالیزم کشور مفید است.

اعلاناتی که در طلوع افغان به نظر می‌رسد، از حیث تعداد خیلی کم است و هم به هیچ وجه فکر نمی‌شود منافع مادی ازان متصور بوده است بلکه عموماً اعلانات حکومتی بوده که به غرض آگاهی علاقه‌مندان نشر گردیده اند.

رویهمرفته هر چند روزیکه از عمر طلوع افغان سپری می‌شود چه از نظر متن و چه از نظر تنوع آن در حصه تقدیم اطلاعات قدم‌های مترقی و انکشافی برداشته شده است که این امر را در کلکسیون‌های سال‌های مختلف جریده به خوبی می‌توان درک کرد.

در سنه ۱۳۱۱ هنگامیکه این جریده به پشتو نشر شده قطع آن بزرگ و در چهار صفحه است و علاوه بر سرمقاله‌ها، ستون‌های خاص ادبی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و غیره دارد و در هر شماره آن «د کور خبری» «وه د باندینی خبری» نشر شده است و گاهی فکاهیات و انتقادات هم دارد و مقالات تحقیقی آن در ادبیات پشتو مخصوصاً جالب نظر است.

بعد از سال ۱۳۱۱ این جریده در خاتمه هر سال یك شماره فوق‌العاده بطور یك رساله تا ۵۰ صفحه بقطع فل سکیپ نیز نشر داده که حاوی مضامین ادبی و اجتماعی و تحقیقی و سیاسی بوده است.

علاوه برین اداره طلوع افغان بعد از سال ۱۳۱۱ چندین کتاب مهم را بزبان پښتو نشر داده که از آن جمله است: ملی پسرلی منظوم، کلیات خوشحال‌خان، کلیات عبدالقادرخان، سپیڅلی پښتو، دوجلد خودآموز پښتو و رسالۀ دینیات.

صحافت و صفحه بندی:

طوریکه قبلاً اظهار شد شماره‌های سال اول طلوع افغان در یك ورق نشر می‌شد که طول صفحات آن بطور عمومی ١٦ انچ وعرض آن ١٣انچ می‌باشد. ولی گاه‌گاهی بنابر استعمال کاغذ رنگه چون سرخ سبز و یا شکری که مانند کاغذ خشکی بود در قطع آن هم تغییر وارد می‌گردید. رویهمرفته این قطع تا شماره ١٠ سال دوم نشراتی دوام می‌کند، ولی بعد ازان قطع اخبار به ۱۳×۹ انچ تقلیل می‌یابد و بعد از ۱۳۱۱ش باز بقطع بزرگ نشر می‌شود.

صفحات شماره‌های نخستین سال نشراتی و ده شماره سال دوم بطور عمومی دارای سه ستون بود ولی گاهی در دوستون و بعضاً هم اعلامیه‌های مهم در یك ستون بعرض صفحه نشر می‌شد.

چاپ طلوع افغان تا سال‌های اخیر نشراتی آن هم بقسم سنگی صورت می‌گرفت. البته خطاطی آن به طرز جالب و خوانا صورت گرفته در ترتیب و نوشتن عناوین بصورت جدی توجه بعمل می‌آمد. ستون‌های صفحات طلوع افغان توسط یك خط (جدول) از همدیگر جدا گردیده است. خیلی جالب است که درین اخبار بغرض استفاده اعظمی از کاغذ در بسیاری شماره‌های سال اول مطالبی در حواشی راست و چپ هم تحریر و تقدیم مي گردید. شاید از نظر زیبایی اخبار لطمه‌ای وارد می‌کرد، ولی از نظر مفاد علمی و تقدیم اطلاع قابل وصف است.

موضوع مهم دیگر عبارت ازین است که در نوشتن عناوین دایمی و عناوین روز تغییری به ملاحظه می‌رسد. باین معنی که عناوین دایمی اکثر به رسم‌الخط نسخ رقم شده نشر می‌شد. ولی عناوین روزمره به عین سبك متن که به خط نستعلیق می‌باشد، تحریر شده است. مثلاً عناوین دایمی مانند «حوادث داخلیه»، «حوادث خارجیه» «پشتو» (عبارت از عنوانی دایمی ستون پشتو بود) عناوین گاهی بالای مطلب و یا خبر می‌آمد و گاهی هم در آغاز خبر و یا مطلب مثل یك فقره همان خبر وقتی سر از شماره ۱۱ سال دوم قطع اخبار خرد شد در داخل صفحات آن بعوض سه ستون دو ستون جلب نظر می‌کند و هم تعداد صفحات آن از دو به چار ازدیاد می‌یابد. قابل یادآوری است که در طرز تحریر پشتو و دری آن هم فرق موجود است. باین معنی که طرز نوشتن پشتو به خط نسخ (تا هنوز هم در نوشتن مطالب پشتو به ملاحظه می‌رسد.)

باید گفت در تقدیم و نشر مطالب داخلی و خارجی راه ثابت کمتر دنبال می‌شد، یعنی گاهی خبرهای داخلی پیشتر از خارجی نشر می‌شد. ولی برعکس گاهی هم در آغاز ستون روی صفحه اول بعوض سرمقاله و یا خبر شعری نشر می‌گردید، در نشر بعضی مطالب دنباله دار مانند نظامنامه‌ها، اکثر وقفه می‌آمد و بعد از یك وقفه دو شماره و یا بیشتر باقیمانده آنرا نشر می‌نمودند. چنانچه نشر نظامنامه تشکیلات اساسی افغاستان حتی دو سال وقت گرفت تا اینکه ختم شد.

بیدار

بیدار نام جریدهٔ هفته‌واری بوده، فعلاً روزنامه است که بتاریخ اول حوت روز دوشنبه ۱۳۰۰ شمسی مطابق، ۱۹ فبروری ۱۹۲۲ع در مزار شریف به پرتو افشانی آغاز کرد.

این جریده در آغاز بنام اتحاد اسلام نشر می‌شد، ولی دو هفته بعد از آغاز سال سوم ۱۵ حوت ۱۳۰۳ نشراتی خود به بیدار تبدیل شد.[۹۲] بعداً هنگام اغتشاش ۱۳۰۷ به "رهبر اسلام" تبدیل شد.[۹۳] ولی سال مابعد آن مجدداً «بیدار » گردید و تا امروز بان نام نشرات خود را ادامه می‌دهد.

نخستین نگارنده آن عبدالعزیزخان (و یا عبدالرزاق‌خان؟) بود. بعد از وی حافظ عبدالقیوم، مرحوم مرزا ثاقب، نورمحمد، محمدحنیفه، غلام‌حسن غزنوی، میر حیدر، عبدالصمد و عبدالرحیم[۹٤] طی سال‌های مابعد یکی بعد دیگر بحیث مدیر جریده اجرای وظیفه می کردند.

شماره ۲۹ سال سوم بیدار چهارشنبه ۹ میزان ۱۳۰۳ مطابق اول اکتوبر ۱۹۲٤ ضم کلکسیون روزنامه حقیقت مربوط به کتابخانه عامه کابل برای این نویسنده دستیاب شده و برویت آن بعضی مطالب درك شد که درین مبحث تقدیم می‌شود.

درین شماره شعری راجع به غایله ملای لنگ از طبع محمدسرورخان از جریده حقیقت اقتباس شده که قریب دوصفحه بیدار را احتوا نموده است. مابقی مطالب متن این شماره همه وقف خبرهای مربوط به غایله شده است. این خبرها شامل اطلاعاتی است مربوط به جمع آوری موقتی عسکر از نقاط مختلف کشور برای فرونشاندن غایله عناوین شماره ٤۷ سال سوم آنرا طلوع افغان چنین درج کرده است. حوادث حقه، تنویر افکار عامه، تنقید، تردید و تحسین بر خدمات

---

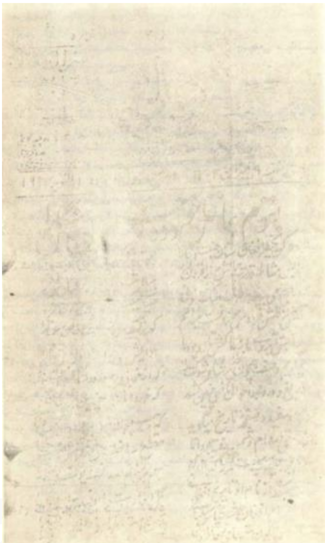
[۹۲] طلوع افغان، شماره ۳۵ سال سوم.

[۹۳] سالنامه، ۱۳۱۱، ص ۱۵۳ (محض تذکر رفته است که این جریده مدت کمی بنام رهبر اسلام نیز نشر یافته است اما جریده حبیب‌السلام که خود هنگام اغتشاش نشر می‌شد از وجود جریده‌ای بنام رهبر اسلام منتشره مزار شریف اطلاع داده است.)

[۹٤] سالنامه ۱۳۱۱، ص ۱۵۳.

خدمتگاران و نفرین بر خیانت خاینان دولت.[۹۵]

از عناوین مذکور و از متن یك شماره آن می‌توان فهمید که در آن هنگام متن این جریده را مطالب خبری مقالات اشعار و غیره تشکیل می‌داد که رویهمرفته مضمون آنها غالباً روی حساسیت ملی اتحاد و اتفاق می‌چرخید و بدون شك روحیه ولوله انگیزی در مضامین آن موجود بود.



نمونه‌ای از جریده بیدار منطبعه مزار شریف

قطع بیدار (۸x۱۳) انچ بوده در داخل چهارصفحه به چاپ سنگی نشر می‌شد. هر صفحه آن بدو ستون تقسیم شده است. لوحه نام این جریده تقریباً یک بر چهار حصۀ صفحه اول را در بر گرفته، در وسط آن نام جریده بخط درشت درج می‌باشد. در زیر نام جریده سنه ۱۳۰۰ش (سال تأسیس آن) و این عبارت که برای پذیرفتن هرگونه مقالات وارده حاضر و باصلاح و نشر آن مختار است، بملاحظه می‌رسد. و در پایین عبارت مذکور جمله در هر هفته یك بار انتشار می‌یابد تحریر

[۹۵] طلوع افغان شماره ۳۵ سال سوم.

یافته است.

به طرف راست لوحه نام، آدرس جریده (مزار شریف) اسم نگارنده (محمد جعفر مدیر معارف) و اسم مدیر داخلی (میرزا ثاقب ثاقب) و عبارت «همه امورات تحریریه بنام اداره فرستاده می‌شود» موجود است.

بطرف چپ لوحه نام، شرح اشراك آن بدین تفصیل آمده است:

سالانه	شش ماهه
مزار شریف	۵ روپیه کابلی
داخله ٦ روپیه کابلی	۳/۵ روپیه کابلی
خارجیه ٦روپیه انگریزی	۳ روپیه انگریزی

اصلاح بار اول

اصلاح روزنامه‌ای است که امروز با قطع و مطالب مروج هر روزنامه جهان به نشرات خود در کابل ادامه می‌دهد. اما این روزنامه به همین شکل آغاز نشده است، بلکه آغاز آن به شکل و کیفیت دیگری صورت گرفته است.

اصلاح[۹٦] در برج جدی ۱۳۰۱ شمسی، مطابق ۱۹۲۳ع برای نخستین بار در شهر خان‌آباد به نشرات آغاز کرد. مدیر و سرمحرر این جریده هفته‌وار محمد بشیر بود.

جریده مذکور درست وقتی تأسیس گردید که هیئت‌های تنظیمیه از طرف حکومت مرکزی برای اصلاح و بهبود امور داخلی بولایات کشور تعیین و فرستاده شده بود. در جمله روسای هیئت که همه رجال با صلاحیت و کاردان بودند، رئیس هیئت ولایت قطغن سپه‌سالار غازی محمدنادرخان (بعداً اعلیحضرت محمدنادر شاه) بود. غالباً چنین معلوم می‌شود که تأسیس این جریده بدست این مرد مدبر بوده است. چه سال‌ها وقتی اوشان از خارج برگشته و در سمت جنوب کشور برای نجات وطن از بحران به مبارزه آغاز نمودند، بازهم اخباری تأسیس کرده نام آنرا

[۹٦] یك شماره این اخبار در کتابخانه محمدصالح پرونتا موجود است و ازینکه اجازه فرمودند آنرا مطالعه کرده این مقاله خود را از روی آن تکمیل نمایم اظهار ممنونیت می‌کنم.

«اصلاح» گذاشتند. و درین بار هم عین فردی را که بدو طرف نام «اصلاح» خان‌آباد بود بدو طرف نام اصلاح پکتیا هم ملاحظه بیت مذکور این است:

وقت آن است که خود را همه ایثار کنیم
پی «اصلاح» وطن کوشش بســیار کنیم

بهرحال درینجا بحث خود را محض وقف معرفی اصلاحی می‌کنم که در خان‌آباد بوجود آمد و البته در مباحث آینده به معرفی «اصلاح» پختیا و بعداً اصلاح کابل که تا امروز دوام دارد، می‌پردازیم.

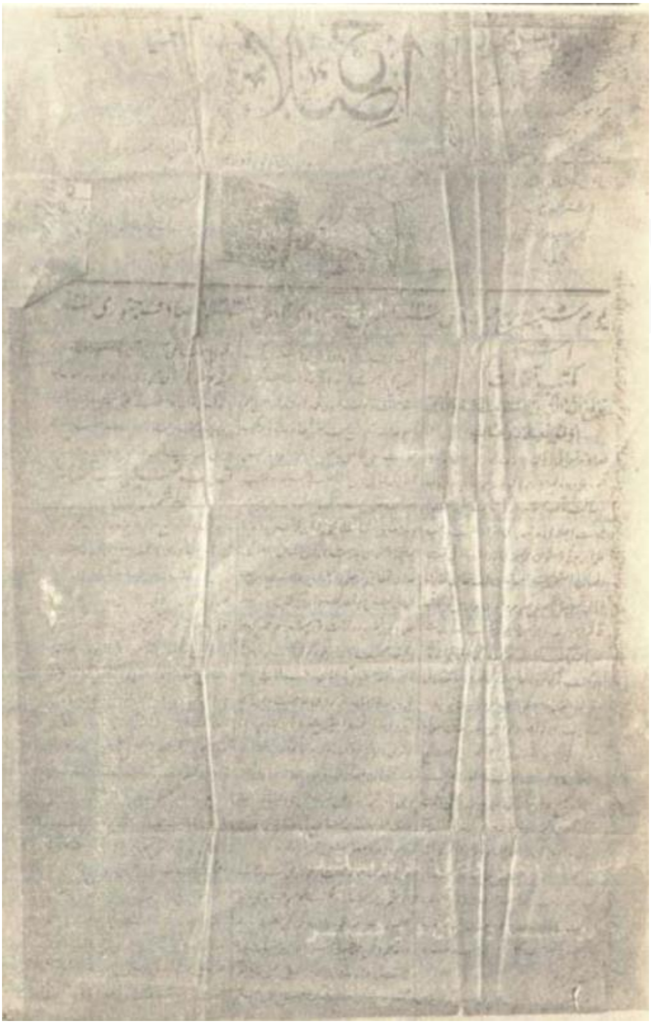
«اصلاح» خان‌آباد در یك صفحه در کاغذ نازك شکری به چاپ سنگی نشر می‌شد. شماره دست داشته ام شماره ٤٨ سال اول مطلبی را زیر عنوان «مکتب قضات» درج نموده است. بالای عنوان کلمه اشتهار ملاحظه شد که معنی آن اعلان باشد. زیر عنوان مذکور نخست راجع به کسب علم و دانش مطالبی تقدیم شده و بعداً در باب آنکه مکتب قضات تأسیس شده و اگر کسی شرایط شمول را در آن داشته باشد داخل شده می‌توانست، در ضمن ابلاغ گردیده که «من بعد بغیر شهادتنامه مکتب قضات کسی قاضی یا مفتی مقرر نمی‌شود» بالاخره اطلاع داده شده که اگر کسی مایل باشد به مکتب مذکور واقع دارالامان مراجعه کرده بعد از امتحان شامل خواهد شد، و هم وعده داده شده بود که اگر کسی محتاج بود برای او ماهوار ١٥ روپیه مدد معاش هم داده می‌شد.

در اخیر راجع به نصاب تعلیم و شرط شمول در مکتب قضات بدین ترتیب مطالب نشر شده است:

نخست شرط شمول: «در صرف و نحو مراح الارواح و هدایت النحو و کنز اول یا قدوری یا مختصر را امتحان بدهند»

دوم کتب درسی مکتب عبارت بود از: فصول اکبری، کافیه، شرح ملا، کنز آخر، شرح وقایه اول، هدایه آخر، ترجمه قران مجید، تفسیر سوره بقر از جلالین، اصول شاشی، نورالانوار ،سراجی شرح عقاید، تاریخ الخلفا، شرح تهذیب، جغرافیه عمومی، جغرافیه افغانستان، تاریخ افغانستان، حساب کسور و سته،

حفظ‌الصحه، علم الاشیا، اخلاق محسنی، مکتوبات و فتاوی با املا و انشاء، تمسك القضات امانیه، قانون جزاء، نظامنامه اساسیه»



يك شماره اصلاح، هنگامیکه در خان‌آباد به نشرات آغاز کرد

بر علاوهٔ این مضامین یك سلسله مضامین دیگر قسم اختیاری هم موجود بود که هر کس آرزو داشت می‌خواند.

در پایان این اعلان امضای سر دار حیات الله‌خان* وزیر معارف وقت ملاحظه می‌شود.

راجع به متن این اخبار متأسفانه بیشتر ازین چیزی نمی‌توان گفت. چه شماره‌های دیگر آن موجود نیست که بتوانیم مطالب بیشتر بدست آریم و هم مراجع دیگری نتوانست درین زمینه فعلاً دستیاب شود.

نام اخبار به خط نوع «رقاع» در وسط لوحه نام اخبار بصورت جلی نوشته شده به طرف راست و چپ و پائین آن این دوبیت تحریر یافته است:

وقت آنست که خود را همه ایثار کنیم
پی اصلاح وطن کوشش بسیار کنیم
در اصلاح کوشیم و بار آوریم
ثمرهای رفته دو بار آوریم

بعد از ابیات مذکور دو دست باهم در حال مصافحه به قسم سمبول اخبار به ملاحظه می‌رسد. و در پائین آن کلمه عربی «فاصلحوا» آمده است. بطرف راست نام اخبار علاوه بر نام مدیر و محل اداره مدت نشر و این اعلان، اشتراك بعد از حصول رسید خزانه قبول می‌شود، بملاحظه می‌رسد. بطرف چپ شرح اشتراك اخبار بدین شکل آمده است:

	سالانه	شش ماهه
قطعن و بدخشان	پنج روپیه	سه روپیه
ولایات داخله	شش روپیه	سه روپیه
ممالك خارجه	هشت روپیه	روپیه

قیمت یك نسخه در خان‌آباد هفت پیسه

* یکی از پسرهای امیر حبیب‌الله‌خان ملقب به عضدواله

ابلاغ

معلوم می‌شود که حکومت وقت در راه تفهیم اهداف و غایه‌های انکشافی و ملیت‌خواهی خود کوشش می‌کرد، وسایل ممکن نشراتی را بکار بندد. وجود روزنامه‌ها، جراید و مجلات همه مؤید این قول است. ولی شاید بنابر عدم توانایی اقتصادی همه مردم نمی‌توانستند از امان افغان، روزنامه افغان، حقیقت و امثال آن استفاده نمایند. بناء ترتیبی اتخاذ شده بود که یك روز بعد بقسم یك روزنامه دیواری نشر شده و به صورت رایگان مورد استفاده خوانندگان قرار گیرد.[۹۷] یعنی روزنامه مذکور بالای دیوارها در جاهای مزدحم شهر نصب شده و خبرهای روز و مقالات مورد نظر را تقدیم خوانندگان می‌نمود. مایل هروی[۹۸] نوشته است که این روزنامه بصورت اعلانات در کابل نشر می‌گردید. شاید کلمه اعلانات درین مورد درست نباشد، چه این نشریه مسلماً یك روزنامه بود به شکل دیواری، که اسم چنین روزنامه‌ها در متون عصری هم تذکار یافته است و علاوتاً ابلاغیه‌ها، اعلانات و اطلاعیه‌ها پیش از موجود بودن جراید به همین شکل به مردم تفهیم می‌شد.

بهرحال روزنامه دیواری ابلاغ در سال ۱۳۰۰ در کابل تأسیس شد، در آغاز وظیفهٔ ترتیب و نشر آنرا میرزا محمداکبرخان بعهده داشت بعد از وی شاغلی سیدمحمد ایشان الحسینی[۹۹] خطاط معروف و چیره دست کشور آنرا نشر می‌نمود. قابل یادآوری است که روزنامه ابلاغ به طبع سنگي یك رویه چاپ می‌شد.

قرار اطلاع جریده طلوع افغان[۱۰۰] روزنامه ابلاغ به قندهار هم فرستاده شده و به عین ترتیب برای خواندن مردم در جاهای مزدحم بالای دیوارها نصب می‌شد و این موضوع خود ما را به حقیقت دیگری رهنمایی می‌کند که غالباً در سایر ولایات کشور نیز گسیل می‌شد و عین هدف را برآورده می‌ساخت.

[۹۷] مایل در معرفی روزنامه‌ها و جراید ص ٤٠ نوشته است که ابلاغ صرف در روزهایی چاپ می‌شد که خبرهای جنگ دلچسپ می‌شد، ولی شماره ۱۳ سال اول ص ۲ طلوع افغان اطلاع داده است که یك روز بعد نشر می‌شد

[۹۸] معرفی روزنامه‌ها و جراید ص ٤٠

[۹۹] سالنامه ۱۳۱۱، ص ١٥٤

[۱۰۰] شماره ۱۳ سال اول، ص ۲

متن ابلاغ شامل مطالب آتی بود:

۱. تجاویز اجراآت جدیده ملیه و دولتیه و تنفیذ آن.
۲. بیداری ابنای وطن برای مسایل سیاسی و اقتصادی
۳. توحید افکار ملیه و دولتیه[۱۰۱]

شاغلی مایل با ارتباط به متن آن نوشته است: «ابلاغ برای مردم مرکز بیشتر از محاربات و حصول استقلال و پیشرفت مجاهدین حکایه و اخبار می‌نمود. علاوهٔ موصوف نوشته است که ابلاغ در ایام محاربات نشر می‌شد.[۱۰۲] باید گفت که اصلاً فهمیده نشد که هدف موصوف کدام محاربات است. اگر هدف محاربات استقلال باشد قبلاً ختم شده و استقلال تأمین شده بود. و اگر هدف اغتشاش‌های داخلی باشد آنهم قریب سه سال بعد بوقوع می‌پیوندد. در ساحه بین‌المللی هم کدام محارب‌های را درین وقت سراغ نداریم که افغانستان در آن گرفتاری داشته باشد.

ابلاغ نشرات خود را تا سال ۱۳۰۵ (۱۹۲۵) دوام داده و بعد ازان از نشر باز ماند.

ارشادالنسوان نخستین جریده نسوان در افغانستان [۱۰۳]

امور نشر و تبلیغ برای نسوان و راجع به حیات نسوان هنگام نشر سراج‌الاخبار در افغانستان شروع شد. باین ترتیب که درین اخبار ستونی بنام عالم نسوان افتتاح گردیده و طوریکه در بحث سراج‌الاخبار متذکر شدیم، درین ستون مسایل مربوط به زندگی‌خانوادگی و معرفی زنان سریرآورده جهان درج می‌گردید. این مفکوره در سال‌های بعد انکشاف کرده و حتی ضرورت این امر که اخبار مستقلی برای میرمن‌ها نشر شود احساس شد.

ارشادالنسوان جریده‌ای بود هفته وار، که در برج حمل سال ۱۳۰۰هـ.ش در فضای

[۱۰۱] طلوع افغان شماره ۱۳، سال اول، ص
[۱۰۲] معرفی روزنامه‌ها... ص ۴۰ (موصوف برای این ادعا سندی ارائه نکرده است.)
[۱۰۳] شماره سوم سال اول (پنجشنبه (۱۱) حمل جریده در کتابخانه جناب محمد صالح پرو نتام وجود بوده و برای مطالعه بنده آنرا ارزانی فرمودند که ازین همکاریشان متشکر و ممنونم . همچنان شمارهای پنج، شش ، ۱۱ ، ۱۲ و ۱۳ سال اول آن در کتابخانه پوهنتون کابل موجود است

مطبوعات افغانستان به پرتو افشانی آغاز کرد. واضح است که این جریده برای تنویر و تعلیم زنان افغان تأسیس شده بود. نام مدیر جریده به قسم مخفف (ا - ر) در حاشیه چپ لوحه نام اخبار درج گردیده که عبارت است از اسم فاضلۀ دانشمند، میرمن اسمار سمیه معروف به «بی بی‌عربی» همسر مرحوم محمود طرزی.


ارشاد النسوان

سلسلۀ واقعات

شماره سوم سال اول ارشادالنسوان

نام سرمحرر آن نیز به قسم مخفف (ر -ا) درج گردیده است که میرمن روح افزا معروف به منشیه دختر جناب محمدزمان‌خان خازن‌الکتب و همشیره حبیب‌الله‌خان طرزی است.

با ارتباط به شماره دست داشته، در متن این جریده بطور کلی مطالب آتی جلب نظر می‌کند: خبرهای داخلی و خارجی، مقاله‌ها و تبصره‌ها (بصورت عمومی غیر از عالم نسوان) و اطلاعات به قسم خاص مربوط بر زندگی نسوان.

از مطالب مذکور برمی‌آید که جریده مذکور در نوع خود یك جریده عمومی عالم نسوان بوده است. چه مسایل را طوری نشر و تقدیم می‌نمود، که بدون شك مورد دلچسپی همه زنان قرار می‌گرفت. اما ازینکه ساحه نشر آن چقدر وسیع بود، شاید حدس بتوان زد که چون تعلیم و تدریس نسوان تازه در کشور آغاز شده بود بناء ممکن ساحه‌ای را که احتوا می‌کرد کوچك بود. بهرحال هرچه بود یك آغاز نکو بود.

برای معرفی ازین جریده آن کته گوری‌هایی که قبلاًتذکار داده شد مورد بحث قرار داده می‌شود:

خبرها:

در صفحه چارم ارشادالنسوان عنوان‌های جلی «خبرهای داخلی» و «خبرهای خارجی» جلب نظر می‌کند که زیر هر کدام آن خبرهای مربوطه درج گردیده است.

خبر داخلی آن کاملاً وقف اطلاعات مربوط به میله نوروز که در باغ بابرشاه صورت می‌گرفت شده است. ولی خیلی جالب است که همین خبر هم به گزارش میله نوروز مربوط به میرمن‌ها تحریر شده است. باین قسم که نخست از برگزاری این روز تذکر رفته و بعداً می‌نویسد: «بنابر اعلانی که یك روز بیشتر شده بود جمله طائفه نسوان شهر کابل جنت نشان از وقت شش بجه صبح جوق جوق و فوج و فوج بسوی باغ بابرشاه که از باغ‌های تاریخی شهر عزیز ماست رهسپار گردیده بودند و باغ را که مشاطهٔ باد بهاری به گل‌های شگوفه و سبزه‌های‌تر و تازه آراسته و پیراسته کرده بود پر نمودند. در احاطه چهاردیوار باغ بسیار کلان دکان‌ها و بازارهای زنانه از هر صنف و هر قسم ترتیب شده بود که فروشندگان همگی نسوان و خریداران نیز از همان جنس لطیف‌النسوان بودند.

بقیه خبر بصورت مشرح آمدن مقامات رسمی و طلاب مکتب مستورات را توضیح کرده، و راجع به وسایل سرگرمی، خورد و نوش، ساز و سرود زنانه و غیره مطالبی

به عبارات خیلی رنگین تقدیم نموده، در اخیر می‌نویسد: «الحاصل تا چهار بچه عصر این میله سعادت اندوز دوام نموده میله با نجام رسید. و زنان ملت نجیبه افغانیه به جهان جهان شادمانی و سرور و دعاهای عمر و اقبال اعلیحضرت حامی اعظم مهربان خود شان عودت نمودند.»

به همین ترتیب خبر خارجه آن که از اخبار چهره نما منطبعه قاهره اقتباس شده راجع به تقرر میرمن بنام خالده‌خانم بحیث وزیر معارف دولت عثمانیه می‌باشد.

باین ترتیب ملاحظه شد که حتی در خبرهای خودهم سعی کرده است که راجع به عالم نسوان باشد.

مقاله‌ها: درین کته گوری در شماره دست داشته يك مقاله زیر عنوان «سلسله واقعات عصر امانیه» بملاحظه رسید که معلوم می‌شود مقاله مفصلی بوده است چه باقیمانده شماره گذشته بوده درین شماره هم ختم نشده است. بهرحال متن این مقاله راجع به لغو اسارت بود. درین قسمت مقاله با ارتباط به شریعت اسلامی نوشته است: «هر فرد انسان که کلمه طیبه بگوید و بدل بران ایمان بیاورد آزاد می‌باشد. یعنی در قید بندگی هیچکس نمی‌دراید و خرید فروش نمی‌شود.

در نوشته مذکور شرح مفصلی راجع به برده فروشی در غرب داده شده و بالاخره می‌نویسد: «... برده فروشی در اسلام خیلی ساده و خاص يك چیز بوده است که هیچگاه به برده فروشی فرنگیان مشابهت بهم نمی‌رساند.»

يك مقاله دیگر این جریده در شماره دهم سال اول طلوع افغان نشر شده است. این مقاله تبصره‌ای بود در مورد اینکه پاره‌های قران کریم در چاپخان‌های لاهور غلط چاپ شده بود. در مقالهٔ مذکور نام مطابع مربوط و مالکان آن هم داده شده است و هم تعداد غلطی‌های که در پاره‌های مربوط بمشاهده رسیده بود، درج گردیده است که در مطابع مختلف تعداد غلطی‌ها از ۳۸-۱۸۰ می‌رسد.

مطالب خاص مربوط به عالم نسوان:

تحت این کته گوری از موضاعاتی چون صحبت، اخلاق، آشپزی، خیاطی، تربیه

طفل، امورخانه و طرز معاشرت[۱۰۴] می‌توان نام برد. عناوینی که مربوط به این کته‌گوری در شماره یازده آن جلب نظر می‌نماید عبارت اند از: «خوی‌های خوب زنان»، «حکایت دخترك قارك»، «حسن و جمال»، «کارهای‌خانگی»، «نخ‌ها و سوزن‌ها»

هدف از نشر مطالب زیر عنوان «خوی‌های خوب زنان» طوریکه در اخبار مذکور نوشته شده است همانا تربیه اخلاقیه دختران خردسال و مخصوصاً طلاب مستورات بود. زیر عنوان حسن و جمال موضوع صورت ظاهری و صورت باطنی مورد بحث قرار داده شده که مقبولی ظاهری تعریف شده، ولی بدون زیبایی باطنی (یعنی روش نیکو و اخلاق حسنه) «هیچ ب‌ها و ادایی ندارد» و به همین ترتیب بحث خود را دوام داده می‌نویسد: ای دختران پاك وطن صفاناك! ما طایفه نسوان بیچاره همگی به مقبولی ساختگی یعنی استعمال رنگ و روغن مبتلا هستیم و تجربتاً عرض می‌کنم که همین سرخی‌ها و سفیده‌ها... که از خارج بوطن عزیز ما می‌آیند و به عوض آن زر و دینار ما را می‌برند، بجز از ضرر و خسارات دیگر هیچ فایده ندارد.

در اخیر نوشته است:

پوست خلقتی چهرها و سیماهای خدا داد... و سیماهای خدا داد... را با چنین رنگ‌ها و بوهای ضررناك موقتی خراب نسازند.»

زیر عنوان کارهای‌خانگی در باب خیاطی و فایده آن مطالبی نشر شده، علاوه گردیده است که برای مردان، قلم و شمشیر اسباب زینت و فضیلت شمرده می‌شود. برای طایفه نسوان، تار و سوزن و سپس انواع دوخت نام برده شده که عبارت بود از: «کوك، آجیده، کوربخیه، طوربخیه، ول‌دوزی، شبکه، سرك، و غیره به همین ترتیب زیر عنوان نخ‌ها و سوزن‌ها راجع به انواع نخ و سوزن معلومات ارائه شده است و علاوتاً در بابت طریق استعمال سوزن و تارها تفصیلات لازم نشر گردیده است

[۱۰۴] بینوا ،عبدالرؤف، ارشا دالنسوان

چهره و صفحه بستی:

در لوحه نام جریده ارشادالنسوان از راست به چپ چنین مطالب جلب نظر می‌کند: نخست سمبولی که در وسط آن کتاب شمشیر و دوات بوده بین دو خوشه گندم قرار دارد. در زیر این سمبول نام جریده به رسم‌الخط نسخ تحریر شده است.

از شماره ۱۱ به بعد در لوحه نام جریده مذکور سمبول دیده نمی‌شود و هم نام آن در وسط دیده می‌شود.

دوم قیمت اخبار جلب نظر می‌کند. بدین تفصیل:

دار السلطنة کابل و اطراف داخلیه مملکت	۵ روپیه کابلی
در خارج مملکت	۷ روپیه کابلی

زیر قیمت اخبار این عبارت که هفته یکبار نشر می‌شود، بملاحظه می‌رسد.

سوم: محل اداره آن ده افغانان کابل، نشان داده شده و به تعقیب آن اسم مدیر و سرمحرر به حروف مخفف تحریر شده است. و در زیر همه این عبارت ملاحظه می‌گردد همه امورات تحریریه بنام مدیر فرستاده می‌شود.

در سطر تاریخ اخبار علاوه بر درج تاریخ که عبارت بود از «پنجشنبه (۱۱) حمل سنه ۱۳۰۰ شمسی فرد ذیل نیز درج شده است:

خامه ام ارشاد نسوان می‌کند
اینقدرها وصف عرفان می‌کند

قطع ارشادالنسوان در آغاز ۱۰ × ۱۵ انچ بوده و هر صفحه آن به سه ستون تقسیم گردیده بود. ولی از شماره ۱۱ به بعد قطع آن به ۱۱ × ۹ انچ تقلیل یافت و تعداد صفحات آن به هشت رسید.

ارشادالنسوان به چاپ سنگی طبع شده کاغذ آن نازك و رنگ پسته‌ای داشت. عناوین آن به خط جلی‌تر نستعلیق تحریر می‌شد.

مجموعه عسکریه

به سلسله نشر جراید اختصاصی مجله‌ای بنام مجموعه عسکریه از طرف وزارت حربیه وقت در اول عقرب سال ۱۳۰۰هـ.ش در کابل تأسیس شده به نشرات آغاز کرد. مدیر مسؤول این مجله ماهوار در آغاز ښاغلي عبداللطیف غندمشر[۱۰۵] بوده و بعد ازان مدیریت و سرمحرری آن به محمدگل‌خان مهمند که در آن هنگام غندمشر بود سپرده شد. به تعقیب آن ښاغلی عبدالحمیدخان غندمشر و سپس محمدعمرخان غندمشر، محمدیعقوب‌خان مدیر شعبه ترجمه و محمداکبرخان مدیر ترجمه هر يك برای مدتی سمت مدیریت مسؤل مجله مجموعه عسکریه را بعهده داشتند.[۱۰۶]

مجموعه عسکریه از سال ۱۳۰۹ به بعد بنام مجموعه اردوی افغان[۱۰۷] تبدیل اسم داده و فعلاً بنام اردو نشر می‌شود و در قسمت متن و صحافت واقعاً راه انکشاف و بهبود پیموده است.

مجموعه عسکریه دومین نشریه اختصاصی بود که بشکل مجله نشر می‌شد. واضح است که متن مجله وقف آنگونه مطالبی می گردید، که مسایل خاص حربی و وزارت حربیه وقت را در بر داشت.

فهرست مندرجات شماره‌های موجود در دسترس این نویسنده[۱۰۸] اکثر دارای مطالب مختلف مربوط به امور حربی می‌باشد. ولی در عین حال شمارهای سال اول آن متن معاهده‌ها، نظام‌نامه وزارت حربیه، عنوانی بنام گل‌های حکمت و هم حفظ‌الصحه دارا می‌باشد و در شماره‌های سال ششم آن یک ستون زیر عنوان

[۱۰۵] کلمه غندمشر فعلاً به دگرمن تغییر یافته است.

[۱۰۶] سالنامه کابل، ۱۳۱۱ ص ۱۵۵

[۱۰۷] ښاغلی مایل هروی معرفی روزنامه‌ها و جراید ومجلات ص - ۱۲۰ نوشته است که در آغاز بنام مجموعه اردو یاد می‌شد، اما باید متذکر شد که در آغاز مجموعه عسکریه نام داشته ولی بعداً به مجموعه اردو تغییر نام داد.

[۱۰۸] شمارهای ۸ ر۹ر ۱/۱۰ ۱۳/۱ و ۱۴ سال ششم آنرا ښاغلی حبیب الله رفیع از کتابخانه شخصی خود باختیار بنده گذاشته که با ممنونیت آنرا بحیث مرجع بکار بردم. همچنان کلکسیون سال اول مجله را جناب محمد صالح پرونتا باختیار این نویسنده گذاشتند که از متون شمارهای آن استفاده شایان بعمل آمد
.

«نبذه از علم و آداب معاشرت» نیز در هر شماره بنظر رسید. زیر این عنوان از آداب صحبت آداب ملاقات‌ها در ضیافت‌ها و سایر مراسم سیاحت‌ها و مسافرت‌ها و بالاخر مسافرت بوسیله قطار آهن صحبت شده است.



مثالی از مجموعه عسکریه

زیر عناوین مذکور مطالب مفصلی در زمینه‌های مربوط تقدیم شده است. هدف نوشتن این ستون طوریکه نویسنده آن شاغلی محمدشریف متذکر شده است این بود که «ضابطان شرافتمند اردو این فقره مهم درس اخلاقی را بحسن تلقی مطالعه و به محاسن اخلاق تهذیب فرمایند».

از مقالات اختصاصی آن عناوین چند را بطور مثال متذکر می‌شوم:

«یك تدقیق درباره حرکت‌های حرب در کوه»، «تأثیر غازها به حیوان‌ها» ،«یك نظر عمومی به تاریخ عسکری ایران» و غیره از نویسندگان آن اسمای شاغلی محمدشریف و شوکت ضیابیك غالباً به ملاحظه رسید.

صحافت و صفحه بستی:

کاغذ پشتی مجله نسبتاً ضخیم‌تر از کاغذ متن بوده، صفحه اول آن حاوی نام، فهرست مندرجات، تاریخ طبع مجله، سال نشراتی، نام مطبعه‌ای که در آن چاپ می‌شد و شرح اشتراک می‌باشد. سال اول و ششم آن برنگ سرخ چاپ شده است

نام مجله به خط ثلثی در قسمت بالایی صفحه جا داده شده و بالای آن نشانی جلب نظر می‌کند که شاید نشان وزارت حرب می‌باشد. بطرف راست نام این جمله دیده می‌شود: امور تحریریه و اداره از شعبه دوم ریاست ارکان حربیه عمومیه اجرا می‌شود. و بطرف چپ نام اشتراك، سالانه آن در شمارهای ۸، ۹، ۱۰، و ۱۱ شش افغانی و قیمت یك شماره آن درج گردیده است. ولی در شماره‌های مابعد ششماهه آن سه و نیم افغانی و اشتراك آن در خارج باعلاوه محصول داك درج شده است.

مجموعه عسکریه در مطبعه وزارت حربیه و شرکت رفیق به قطع ۹/۵x ٦ انچ در آغاز به چاپ سنگی بعداً به چاپ حروفی طبع می‌شد و صفحات داخل آن دارای یك ستون بعرض ٤ و نیم انچ و عمق شش انچ می‌باشد. حاشیه بالایی صفحات متن آنرا یك جدول تاریکتر و یك جدول نازکتر جدا ساخته و بالای جدول مذکور شماره مجله، نمبر صفحه و سال نشراتی آن در هر صفحه بملاحظه می‌رسد. در سال اول نشراتی آن جداول بملاحظه نمی‌رسد.

حروف عناوین مطالب از متن فرق داشته و بلکه در عنوان هم تنوع حروف ظاهر است.

متن مجله با نشر بعضی فوتوها نیز مزین ساخته شده است. البته فوتوها گاهی به قسم عمومی مراسمی را نشان می‌دهند، ولی گاهی هم به غرض تفهیم مطالب حربی فوتوهایی جلب نظر می‌کند. چنانچه استعمال ماسکه غاز برای حیوانات بعد از ص ۱۳ شماره ۹۸ سال ششم عملاً رسم شده و ضمیمه مضمون آن چاپ شده است. فوتوها عموماً در کاغذ جلادار به طبع می‌رسید. قابل یادآوری است که در جمله شماره‌های موجود شماره ۸ و ۹ و هم ۱۰ - ۱۱ در یك یك وقایه نشر شده اند.

تعداد طبع مجله در شماره‌های ۸، ۹،۱۰ و ۱۱ پنجصد نسخه درج شده است. ولی در شماره‌های ۱۳ و ١٤ هفتصد نسخه درج گردیده است. ولی تعداد طبع آن در شماره‌های سال اول تذکر داده نشده است. تعداد صفحات مجله از یك به دیگر فرق می‌کند چنانچه شمارهای ۸ و ۹ آن در یك مجلد دارای ۵۲ صفحه بوده ولی شماره ١٤ آن ٦٧ صفحه می‌باشد. تعداد صفحات آن در شماره‌های سال اول نیز متفاوت شد است چنانچه از ۲۵ صفحه گرفته تا ٤٢ صفحه نشر می‌شد.

باید علاوه کرد که شماره‌های سال اول مجموعه عسکریه چون به چاپ سنگی طبع می‌شد، فلهذا خطاطی آن بقلم حافظ حیدرعلی احراری صورت می‌گرفت. نام خطاط مذکور در صفحه چهارم پشتی مجله در ج می‌باشد

اشتراك مجله در شماره اول سال اول بد ینتر تیب درج شده است:

سالانه	چهار روپیه
ششماهه	دونیم روپیه
سه ماهه	سه قران
قیمت شماره اول	۹ شاهی

حقیقت

به تعقیب اتحاد مشرقی و روزنامه افغان، حقیقت سومین روزنامه ایست که هفته سه بار در کابل طبع و نشر می‌شد. حقیقت برای نخستین بار بروز چهارشنبه ۲۲، برج اسد، ۱۳۰۳ شمسی مطابق ۱۹۲٤ عیسوی به نگارندگی مرحوم برهان‌الدین کشککی در عالم مطبوعات افغانستان قدم گذاشت.

روزنامه حقیقت درست وقتی به نشرات آغاز کرد که غایله ملای لنگ و رفقایش يك گوشه وطن را به ناراحتی مواجه ساخته بود. این روزنامه در موج جریان این بحران پا بعرصه وجود نهاده و دیری از عمر آن نگذاشته بود که غایله مذکور با دستگیر شدن مسببین آن ختم شد.

نخستین مقاله این روزنامه هم راجع به این بغاوت بوده است که در آن منشاء و شروع بغاوت، جریان و محرکین آن را با تدابیر و فعالیت‌های حکومت به تفصیل نشر نموده است.[۱۰۹] اصلاً قسمت اول این مقاله در شماره اول نشر شده و این نویسنده بنابر عدم موجودیت آن در کلکسیون دست داشته توفیق نیافت آنرا ملاحظه کند. اما شماره دوم مصادف به ۲۵ برج اسد ۱۳۰۳ شمسی قسمت دوم مقاله را درج نموده است که از مطالعه آن روح مطالب حصه اول را نیز می‌توان

[۱۰۹] کلکسیون حقیقت (جز شماره اول و شماره‌های ۲ تا ۱۱) سال اول تا شماره ۱٤۰ در کتابخانه عامه موجود است.

حدس زد.

طوریکه متن سایر شماره‌های روزنامه حقیقت ملاحظه شد، اکثر مواد و مطالب مربوط بامور داخلی کشور، وقف فعالیت‌های تاکتیکی حکومت مبنی بر فرونشاندن بغاوت ملای لنگ و رفقایش گردیده، علاوتاً نطق‌ها، موعظه‌ها و توصیه‌ها مبنی برین امر به ملاحظه می‌رسد.

متن روزنامه حقیقت را بطور عموم بعضی مقالات، نطق‌ها، خبرها و اشعار تشکیل می‌دهد.


حقیقت

کابل شنبه ۲۵ برج اسد ۱۳۰۳ شمسی مطابق ... محرم الحرام ۱۳۴۳ قمری شماره دوم

گذارشات مجمل نسبت بغاوت منگل

(۲)

شماره دوم سال اول روزنامه حقیقت

مقالاتی که درین اخبار جلب نظر می‌کند، بیشتر خبری بوده، وقف مسایل مهم روز گردیده است

روحیه دین دوستی و دین پروری، اتحاد و اتفاق تشویق و ترغیب در آن به ملاحظه می‌رسد. بنابر عدم موجودیت اسم نویسنده، فهم اینکه مقالات را مدیر اخبار می‌نوشته و یا کدام شخص دیگر، مشکل است. با بعضی مقالات نام نویسنده به قسم مخفف آمده است که این هم قابل فهم نیست. ضمن مقالات خبری روز، راجع به امور داخلی، بعضی مقالات معلوماتی راجع به امور جهان نیز دیده می‌شود. چنانچه مقاله‌ای در شماره ۵۲ راجع به کشف یك شهر قدیم مصر نشر شده است و توأم با این مقاله دو فوتو از یافت‌شده‌ای شهر مصر جلب نظر می‌کند که یکی آن تمثال توت غنج آمون است و دیگرش یك گلدان است در مقبره این پادشاه.

در شماره ۵۷ روزنامه مقاله‌ای زیر عنوان این دوبیت نشر شده است:

همه اغراض خود را می‌پرستیم　　ز رند باده کش تا شیخ و زاهد
این درد را علاج بجز اتحاد نیست

زیر عنوان مذکور راجع به حزب و تعدد احزاب سخنی چند اظهار شده، اضافه گردیده است که متأسفانه در مملکت عزیز ما کلمه حزب و جمعیت هم مبتذل گردیده و مانند سایر مقتبسات در اکثری از موارد سوء استعمال شده است. تعدد احزاب و جمعیت‌ها یك نوع نفاق تلقی شده و درین امر دست اجانب برای استفاده‌های سوء آنها دخیل دانسته شده است.

در جمله مقالات اخبار یکی هم در شماره ۷۱ سال اول زیر این عنوان به ملاحظه رسید.

یك ملاحظه سرسری بر تنبلی خویش و عزایم و مجاهدات اغیار

بخت؟ طالع، ادبار؟ سعی! عمل! جد! جهد! عزم و ثبات. یقیناً همین عنوان خود می‌فهماند که متن مقاله چه مطالب را تقدیم می‌نماید. در متن راجع به پسمانی خاك و مردم افغانستان صحبت شده و از تنبلی و تن‌پروری آنان بحث بعمل آمده است و هم درین مقال با استناد آیات شریف و گفته‌های بزرگان موضوع اهمیت سعی و

عمل تائید و تاکید شده، بی‌علمی و نداشتن معلومات عالی سبب بدبختی تلقی گردیده است. در مقاله توسعه معارف حتمی وجدی خوانده شده است.

راجع به نطق‌ها و بیانیه‌های رسمی باید گفت که اکثر در امان افغان نیز نشر می‌شد که در بحث امان افغان راجع بان تذکراتي بعمل آمد.

خبرهای روزنامه حقیقت مثل سایر اخبار آنروز شامل وقایع داخلی و خارجی بود. در وقایع داخلی کمتر خبر را می‌توان جستجو کرد که توأم با مفکوره نشر نشده باشد، طوریکه ښاغلی مایل نوشته است[١١٠] در نشر خبرها شیوهٔ تلقین وعظ و رهبری بملاحظه می‌رسد. مثلاً در شماره ٨١ سال اول خبری راجع به اعزام يك تعداد شاگردان به شوروی برای تعلیم هواپیمايي نشر شده است. درین خبر بعد از ارائه حقایقی چند چنین اظهار شده است:

«امید است این طلبه افغانیه بيك فرصت مختصر در تعلیمات لازمه و عملیات ضروریهٔ هواپیمايي و طیاره رانی کامیاب گردیده از ثمرات تعلیم خویش برای ملت و مملکت و وزارت حربیه خویش خدمات شایانی بنمایند».

همچنان در خبر منتشره شماره ٨٨ سال اول خبری زیر عنوان «مدیر معارف سمت مشرقی» نشر شده، در آن بعد از تمهید اظهار شده است»

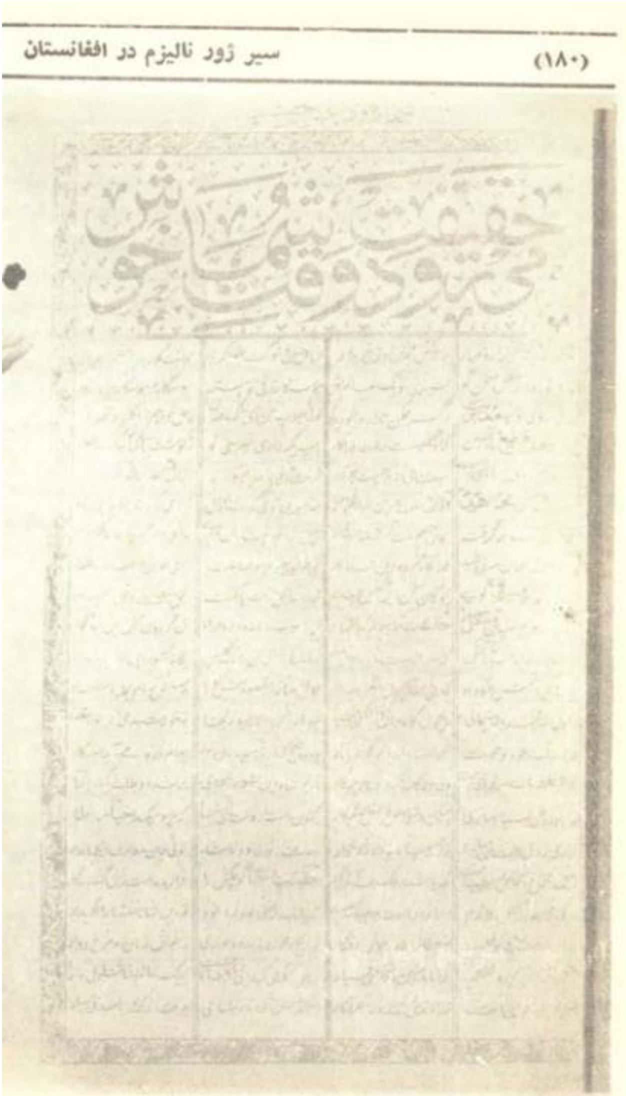
در زمان مدیریت شان يك روح تازه و امید ترقیات بی‌اندازه عرفانی سمت مشرقی مشهور و محسوس شده...».

این عبارت خود موضوعیست که در سرمقاله و تبصره گنجایش دارد ولی درینجا به قسم خبر آمده است که خلاف روحیه خبری است.

نشر خبرها در آغاز کمتر به ملاحظه می‌رسد و اکثر متن اخبار وقف مسایل مختلف ولوله انگیز مبنی بر حرکات طاغیانه ملای لنگ و رفقایش شده است. ولی هر چند روزی که از عمر روزنامه حقیقت سپری می‌شود در تکثیر خبرها هم توجه بعمل می‌آید. مخصوصاً در شماره‌های اخیر سال اول خبرهای خارجه بکثرت دیده

[١١٠] مایل هروی، رساله معرفی روزنامه‌ها جراید ص٦٤ – ٦٥

می‌شود.


سیر ژورنالیزم در افغانستان (۱۸۰)

صفحه‌ای از آخرین شماره حقیقت

نقطهٔ قابل تذکر است که خبرهای خارجه تا حد امکان روحیه خبری خود را حفظ کرده است و این هم شاید ناشی ازین امر باشد که از جراید و روزنامه‌های خارجی اقتباس می گردید.

مرجع خبرهای آن اعم از داخلی و خارجی کمتر دیده می‌شود. ولی شاید بنابر روحیه عمومی خبرنگاری آنوقت بتوان گفت که این روزنامه هم مانند سایر جراید آنوقت اکثر خبرهای خارجی خود را از روزنامه‌ها و جراید خارجی اقتباس و نشر می کرد. اما خبرهای داخلی آن بعضاً توسط خبرنگار مخصوص اخبار جمع و ترتیب می گردید. و شاید هم بعضاً بواسطه مقامات رسمی فرستاده می‌شد.

موضوع جالب درین روزنامه نشر اشعار است که در اکثر شماره‌های آن به زبان دری و یا پشتو به ملاحظه می‌رسد. اشعار منتشره این اخبار از نوع اشعار حماسی بوده دارای روحیه تربیتی، اجتماعی و وطن‌پرستی و اتحاد و اتفاق می‌باشد که این مطالب در پشتو و دری هردو دیده می‌شود. نشر این اشعار در حقیقت انتشار عقاید شخصی بوده است که به شکل دیگری یعنی به قسم نظم صورت گرفته است.

در جمله نویسندگان روزنامه نام شعرا به صراحت آمده است. میرزا محمد دلاور، محمد عمرخان بلبل افغان، ملا محمدعمرخان لعل پوری از جمله شعر نویسان پشتو بودند که اسمای شان توأم با شعر شان درج شده است. همچنان میرزا شیراحمدخان جلال‌آبادی، محمدسرورخان، سیدمحمد، صادق‌خان، مرزا غلام‌خان، میر حسینی و تاج‌الحکماء از جمله شعر سرایان زبان دری بوده اند که اشعار شان در روزنامه حقیقت نشر شده است.

صفحه بندی:

روزنامه حقیقت در چهار صفحه نشر شده، هر صفحه آن دارای دو ستون می‌باشد. عمق ستون‌های آن دوازده انچ و عرض ۳ انچ بوده قطع اخبار بطور عموم (۸x ۱۳) انچ است.

اخبار مذکور در کاغذ سفید به چاپ سنگی نشر می‌شد.

با وجود آنکه در امر عنوان گذاری مطالب ضعف‌هایی به مشاهده می‌رسد، ولی بعضی عناوین خیلی جالب در آن دیده می‌شود. در عناوین عبارات جالب و کلمات زنند جاداده می‌شد که این امر در تشویق خوانندگان کمک می کرد. طور مثال:

در صفحه دوم شماره ۸۱ سال اول این عنوان جالب است:

«اگر این تمدن بود لعنت بر او»

یا عنوان صفحه ٤ شماره ۷۰:

«قهر خدا به جان ملا»

ویا عنوان صفحه اول شماره ۳۲

«در این جشن ملت خزان چون بهار است»

عنوان اخیر اقتباس است از متن مقال و در پی خود عنوان دیگری بدین شکل دارد «مراسم افتتاحیه جشن استقلال بروز جمعه یکم عقرب ۱۳۰۳»

این هر دو عنوان ذات خود عنوان مکمل اند

خیلی جالب است که در ترتیب و صفحه بندی اکثر مسایل ژورنالستیکی مراعات می‌شد. باین معنی که در شکل عناوین تا حد امکان ذوق بکارمی‌رفت. برای مطالب مطول جاییکه عناوین فرعی لازم دیده میشد درشت شده است. در متن مطالب جاییکه بائیست مهم نشان داده شود به خط درشت‌تر نوشته شده است. برای جدا کردن عناوین فرعی از متن خط کش‌هایی که با یك زاویه قایمه تقاطع میکنند بکار رفته است.

در رسم‌الخط پښتو و دری آن فرق موجود است . باین معنی که پښتو به شیوه نسخی و دری به نستعلیق تحریر شده است.

لوحۀ نام روزنامه حقیقت که تقریباً یک بر سوم صفحه اول را در بر گرفته است دارای این مطالب است:

در وسط نام روزنامه به خط درشت و زیبایی تحریر یافته بالای آن سمبول و یا علامه اخبار شامل دو شاخه‌ای که در نهایت با هم یکجا شده و تقریباً دایره ای را

ساخته اند. در وسط این دایره دو شمشیریکدیگر را قطع کرده، که در زاویه فوقانی شمشیرها کلاهی دارای خوشه گندم واقع است. به طرف راست نام روزنامه، او ل شرح اشتراك بدین تفصیل دیده می‌شود:

	٦ ماهه	سالانه
دار السطنه کابل	٥روپیه کابلی	٩ روپیه
داخله افغانستان	٧روپیه کابلی	١١روپیه
ممالك خارجیه	٨روپیه کابلی	١٥روپیه
وزراء وسفراء	١١روپیه کابلی	٢٠روپیه

قیمت یك شماره آن یک شاهی است

بعد از شرح اشتراک این عبارت درج است:

برای سادات و علما و طلبه مکاتب مناصفه قیمت معاف است. کتب‌خانه‌های ملی و نامه‌نگاران را مفت و رایگان تقدیم می‌شود. تبادله جراید شرقی مخصوصاً اخبارات اسلامی را خواستار است

به کنار چپ حاشیه زیر عنوان «قواعد و ضوابط» عبارت ذیل درج شده است: «بدون از ایام تعطیل روزنامه هذا در خود دارالسلطنه یکروز بعد نشر و شایع می‌شود بدیگر حصص افغانستان و ممالك خارجیه منظماً در هر پست ارسال می‌گردد. امور تحریریه تماماً به نام نگارنده حقیقت در کابل ارسال و مقالات واصله از اداره واپس نمی‌شود جریده در اندراج و اصلاح و عدم انتشارش آزاد است. اشتراك به توسط خزاین دولتی و به صورت نقدی از همه جا قبلاً دریافت می‌شود.»

روزنامه حقیقت محض یکسال عمر داشت[١١١] چه در شماره ١٣٩ سال اول آن زیر عنوان الوداع نگارنده آن نسبت به بر آورده شدن هدف تأسیس روزنامه و راجع به امور نشراتی خود بدون توقف و تعطیل، در هفته سه بار مطالبی تقدیم

[١١١] نظر این نویسنده در امر بوجود آمدن و از بین رفتن روزنامه حقیقت این است که اصلاً روزنامه مذکور روی هدف مبارزه با مسببین غایله ملای لنگ و رفقایش بوجود آمده بود. چون این بحران حل شد و عاملین آن گرفتار شده به جزای خود رسیدند روزنامه هم وظیفه اش ختم شد.

نموده و از همکاری اهل قلم و مقامات رسمی اظهار سپاسگذاری نموده است. وی در اخیر اظهار نموده است که ازین وظیفه وداع کنان به خدمت مفوضه اصلیه خود بذل مقدرت می‌کند. شماره ۱۴۰ روزنامه نیز بنام شماره «وداعیه حقیقت» نشر شده است که در آن قصیده مطول از محمدسرور نشر شده راجع به خدمات حقیقت، اطلاعاتی در قالب شعر عرضه کرده است. مطلع قصیده چنین است:

«حقیقت» ای عزیز یار و اغیار
ترا هر کس بجان و دل خریدار

دو بیت اخیر قصیده

کنون من میروم وقت شما خوش
وداع باد از شما یاران به تکرار
قلم در کش مگو حرف جدایی
به هجران ساز «سرور» چارناچار

ثروت:

به سلسله نشرات اختصاصی جریده‌ای بنام ثروت در کابل تأسیس شد.[۱۱۲] ثروت جریده‌ای بود که در هر پانزده روز به نگارندگی مرحوم صلاح‌الدین سلجوقی به چاپ سنگی در داخل هشت صفحه نشر می‌شد.

متن ثروت حاوی مطالب تجارتی، دینی، و ثروتی[۱۱۳] بود. ثروت باوجود نشر مسایل مالی و اقتصادی به مراعات اهداف و غایه‌های وسایل اطلاعات نگارنده آن مطالب متن جریده را متنوع ساخته به نشر مطالب دینی، سیاسی و ادبی هم می‌پرداخت و بدینوسیله غالباً به تعداد خوانندگان خود می‌افزود.

مرحوم سلجوقی در مقاله افتتاحی خویش در جریده ثروت چنین نوشته است:

---

[۱۱۲] در شماره ۷ و ۸ مجله آئینه عرفان صفحه ٦٠ نوشته است که ثروت بامتیاز آقای سلجوقی بوجود آمد.

[۱۱۳] آئینه عرفان شماره ۷ و ۸ سال اول، ص ٦٣ و جویا سرور، مطبوعات و نشریات ما کابل، شماره چهارم، سال دوم ص ۷۳

«این است که جریدهٔ نوما می‌خواهد به ملتی که دیروز (بر تخت طاوس) نشسته و (تاج کوه نور) برسر داشت و امروز یك خط راه آهن کشیده نمی‌تواند. حس «ثروت طلبی» تولید و علم تحصیل ثروت عصر ی را به آنها آشنا سازد، تا اگر اراده آن رازق مطلق جل و علی رفته باشد، بموجب «لیس‌الانسان الا ماسعی» این سعی اثری بخشد و این ملت استقلال اقتصادی خود را هم حفظ و تأمین نمایند در حیات فردی و ملی خود راه صرف ثروت و استحصال آنرا یاد گرفته عملی کنند، و آنوقت از احتیاج بیگانگان وارسته بمعنی حقیقی «مستقل» باشند.

عبارت مذکور گذشته از آنکه موید ملیت خواهی و وطن دوستی ناشر و مدیر جریده است، به یك حقیقت مسلم دیگر نیز ما را رهبری می‌کند که موصوف استقلال یك ملت و مستقل بودن یك مملکت را زمانی دقیق و صحیح می‌داند که استقلال اقتصادی آن هم تأمین شده باشد. علاوتاً روحیه تشویق و ترغیب به کار و سعی و عمل تلقین نموده است.[١١٤] گرچه واضحاً معلوم نشد که مضامین ثروت به چه ترتیب تهیه می‌شد، اما روحیه نوشته آئینه عرفان وانمود می‌سازد که مطالب یا تألیف می‌شد و نویسندگان داخل در نوشتن آن سهم می‌گرفتند و یا آنکه ترجمه و اقتباس می‌گردید. در هر حال معلوماتی را که در زمینه علم ثروت و تجارت عرضه می‌کرد برای علاقه‌مندان آن جالب و مفید تلقی می‌شود.

«نقشه عمده مباحث مندرجه ثروت مطالب آتی را درج کرده است:

١. علم اداره منابع ثلاثه مذکور و استفاده از آنها در دنیا و افغانستان
٢. اخلاق اقتصادی در ملت: بعنوان حیات اقتصادی
٣. صنایع افغان و اصلاح ترقی آنها
٤. محاسبه و مالیات

علاوه بر مواد مذکور اطلاعاتی راجع به نرخ‌ها، صکوك، اموال تجارتی در شهرهای مختلف به نشر می‌سپرد. گذشته ازان مطالبی در باب وقایع مهم اقتصاد سیاسی جهان سرمایه داری و غیر سرمایه داری نشر می‌نمود. همچنین ثروت اطلاعاتی در

[١١٤] آئینه عرفان، شماره ٧-٨، سال اول، ص ٦٢ – ٦٣ و جویا سرور، مطبوعات و نشریات ما، کابل، شماره چهارم، سال دوم. ص ٧٣

باب حوادث محلی چون غایله ملای لنگ هم به نشر سپرده است. چنانچه این غایله را تحلیل نموده و مکروب آنرا «نیمچه ملا» و «نیمچه طبیب» تشخیص نموده است و با ارتباط باین غایله، خرابی اقتصادی را که دامنگیر کشور شده بود توضیح می‌کند.

سلسله فکر خود را درین مورد با «جلب همت عالمانه و فاضلانه همه علما» برای از بین بردن بنیاد موسسه جهل و افکار باطل جهال بدینترتیب ختم می‌کند: «همه علمای حق گوی و حق شناس داخل و خارج را باین جهاد مقدس بر علیه بطلان آن جاری می‌کنم و دعوت می‌دهم که بامقالات فاضلانه انصار ما شوند و یك آن زودتر ریشه و دسایس شیاطین جن و انس را بر کنند،[١١٥]

ثروت برای نخستین بار در اول برج قوس ١٣٠٣هـ (١٩٢٤ع) در داخل هشت صفحه از طبع بیرون شد. جریدهٔ مذکور به چاپ سنگی در مطبعه کاظمی طبع و نشر می‌شد. شیوهٔ تحریر آن نستعلیق و هر ستون آن دارای ٢١ سطر بود.[١١٦]

قیمت اشتراك جریده ثروت و طلوع افغان چنین درج کرده است.

کابل سالانه	٣ روپیه
ولایات	٧ روپیه
خارج	٨ روپیه

اما آئینه عرفان قیمت سالانه آنرا ٣/٥ روپیه نوشته است.[١١٧]

ثروت نشرات خود را غالباً برای یك سال ادامه داده و در ١٣٠٤ (١٩٢٥ع) از نشر باز ماند.[١١٨]

[١١٥] ایضاً ص ٦٥-٦٩

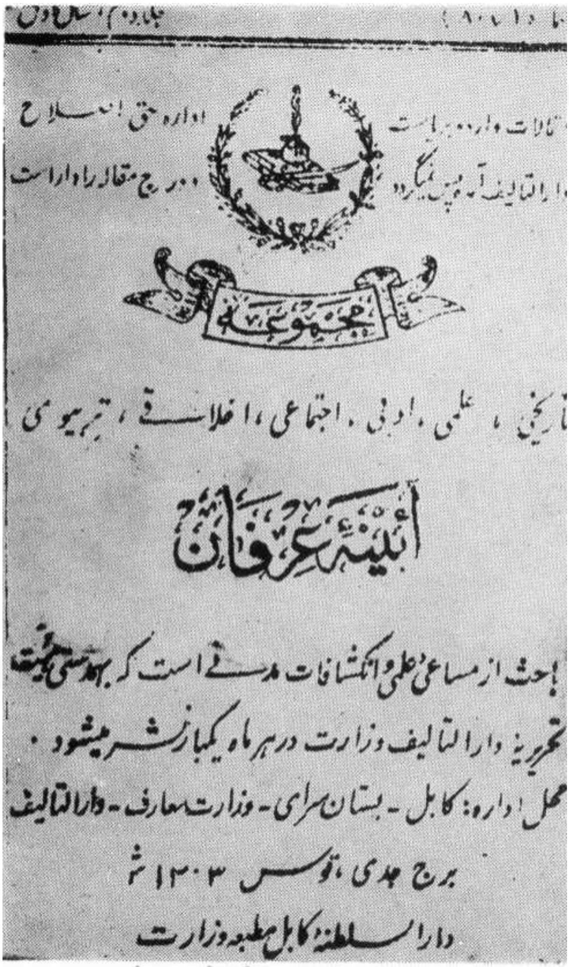
[١١٦] ایضاً ص ٦٠ و جویا - وجویا مطبوعات و نشریا ت... کابل ص ٧

[١١٧] آئینه عرفان شماره ٧ و ٨ ص ٧١

[١١٨] تاریخ معاصر افغانستان اتحاد شوروی اکادیمی علوم اتحاد شوروی موسسه شرق شناسی مسکو ١٩٦٠٠، ص ٤١٥ - ٤٢٠

آئینه عرفان

این مجله در حقیقت جانشین مجله جیبی معرف معارف شده و از طرف وزارت معارف بنشرات شروع کرد. معرف معارف در ۱۲۹۸ مطابق سال ۱۹۱۹ع بوجود آمده، بعد از سه سال نشرات خود را در سال ۱۳۰۱ هـ (۱۹۲۲ع) متوقف ساخت.


اداره حق اصلاح و درج مقاله را دارا است

مجموعه

تاریخی، علمی، ادبی، اجتماعی، اخلاقی، تربیوی

آئینه عرفان

مباحث از مساعی علمی و انکشافات مدنی است که به اهتمام هیئت تحریریهٔ دارالتألیف وزارت در هر ماه یکبار نشر میشود.

محل اداره: کابل - بستان سرای - وزارت معارف - دارالتألیف

برج جدی، قوس ۱۳۰۳ ش

دارالسلطنهٔ کابل مطبعه وزارت

صفحه اول یکی از شماره های مجله عرفان

این چراغ پرنور و معرفت معارف برای دو سال خاموش مانده بعد ازان در جوزای ۱۳۰۳هـ (۱۹۲٤ع) مجدداً بنام آئینه عرفان در هر ماه یکبار به نور افشانی آغاز نمود. ولی طوریکه در نشر و دوام یك جریده، مجله و روزنامه دایماً مطبعه به قسم یك عامل اساسی به حساب می‌آید، عدم وجود مطبعه و بعضی عوامل دیگر باعث شد که نشر آئینه عرفان متوقف بماند. و بار دیگر در سال ۱۳۰۵ محض برای سه ماه نشر شد[۱۱۹] بعد ازان بازهم متوقف شد. تا آنکه پس از جلوس اعلیحضرت شهید محمد نادرشاه از حمل ۱۳۱۰ نخست به همان نام قبلی خود آئینه عرفان و بعد ازان بنام عرفان نشرات خود را ادامه داده تا کنون نشر می‌شود.

در آغاز مرحله نشر آئینه عرفان معلوم نیست که مدیرمسئول آن که بود در صفحات مجله نام مدیر و یا محرری به ملاحظه نه‌می‌رسد[۱۲۰] ولی اینقدر واضح شد که از طرف هیئت تحریریه دارالتألیف وزارت معارف نشر می‌شد. اما هنگامی که در سال ۱۳۱۰ مجدداً احیا شده و به نشر پرداخت، مرحوم‌هاشم شایق عهده‌دار این وظیفه گردید. در حقیقت از همین وقت ببعد نشر این مجله به شیوه و سبکی صورت می‌گرفت که در خور شان و مسلك چنین نشریه باشد. البته درین شکی نیست که در آغاز هم اساس درستی برای روش نشراتی مجله مذکور طرح شده بود، چنانچه شماره ۷ و ۸ سال اول که هر دو در یك مجلد نشر شده است، چنین مطالب را بنشر سپرده است:

فخر رازی، سقراط، فلسفه تربیه، استشهاد، انسان عالم صغیر است، برف و سرما، حفظ الصحه، بناتالنعش.

شماره‌های مذکور نشان می‌دهد که نویسندگان مجله مرحوم صلاح‌الدین سلجوقی، محمد زمان‌خان طرزی، معروف به خازن الکتب، عبدالحق معلم، قاری عبدالله معلم (ظهورالدین و عبدالجبار)[۱۲۱]

---

[۱۱۹] جویا، سرور مطبوعات و نشریات ما کابل شماره ٦. سال دوم، اول قوس ۱۳۱۱۰ (۲۲ نومبر ۱۹۳۹)، ص ٧٤ - ٨٤

[۱۲۰] در شماره ۷ و ۸ سال اول آن که در اختیار این نویسنده است کدام نامی به ملاحظه نرسید.

[۱۲۱] عبدالحق معلم - عبارت است از ملك‌الشعراء بیتاب قاری ملك‌الشعراء معروف وطن است

متن شماره‌های مذکور نشان می‌دهد که علاوه بر نشر تألیفات، بعضی تراجم هم در آئینه عرفان نشر می‌شد. چنانچه مضامین حفظ‌الصحه و بنات‌النعش هر دو ترجمه شده است. اما اگر تألیف است و یا ترجمه، غالباً مضامین علمی است که واقعاً مسلک و روش نشراتی مجله مذکور نشر آنرا ایجاب می‌نماید.

در متن آئینه عرفان اشعاری هم به ملاحظه رسید که اشعار آن هم اغلب علمی و تربیتی است

صحافت و صفحه بستی:

آئینه عرفان به طبع سنگی در مطبعه وزارت معارف در داخل ٤٥ صفحه نشر می‌شد. صفحات آن دارای یك ستون بوده عمق ستون مذکور ٦ انچ و عرض آن چهار انچ می‌باشد.

قطع مجله به طور عموم (٦ × ٨ انچ می‌باشد. نوشته متن آن به شیوه نستعلیق تحریر یافته و هم عناوین آن به خط جلی‌تر نستعلیق نوشته شده است.

صفحه اول پشتی آئینه عرفان حاوی مطالب ذیل می‌باشد:

در حصه بالای صفحه در وسط نشان معارف شامل کتاب، دوات و شمشیر در داخل دو خوشه گل و برگ قرار دارد و به طرف راست آن این عبارت درج است: «مقالات وارده بریاست دارالتألیف آمده پس نمی‌گردد» و به طرف چپ عبارت ذیل آمده است: «اداره حق اصلاح و درج مقاله را داراست». بعد ازان کلمه «مجموعه» درج بوده و در زیر آن کلمات «تاریخی، علمی، ادبی، اجتماعی، اخلاقی و تربیوی به ملاحظه می‌رسد. به تعقیب این کلمات نام مجله (آئینه عرفان) تحریر یافته است.

در زیر نام مطالب ذیل آمده است:

«باحث از مساعی علمی و انکشافات مدنی است که به همدستی هیئت تحریریه دار التألیف وزارت (معارف) در هر ماه یك بار نشر می‌شود.

محل اداره: کابل - بستان سرای - وزارت معارف – دارالتألیف.

در شماره‌های موجود[۱۲۲] تاریخ نشر مجله چنین درج شده است: «برج جدی قوس ۱۳۰۳ ش».

فهرست مندرجات مجله در صفحه دوم پشتی مجله نشر یافته است. در صفحه چهارم پشتی يك اعلان راجع به اشتراك مجله بملاحظه می‌رسد و اعلان دیگری راجع به قیمت اعلان در مجله نشر شده است. چنانچه می‌نویسد: «اشتهارا تی که جهت علوم و فنون باشد به هر پنج کلمه يك پیسه و جهت تجار ت و صنایع باشد هر کلمه يك پیسه اخذ خواهد یافت. اشتهارات يك مضمون از سه دفعه زیاده درج شده درج نخواهد گردید».

از اعلان مذکور واضح می‌شود که روش نشراتی آیینه عرفان نشر اعلان را در متن مجله اجازه می‌داد.

اشتراك مجله:

سالیانه در داخل	هشت روپیه کابلی
سالیانه در خارج	شش روپیه کلدار یا دو روبله
يك جلد در داخل	۳بر٤ روپیه (٤٥) پیسه
يك جلد در خارج	روپیه با قیمت پستی آن

برای اهل علم و نویسندگان مجله رایگان

برای معلمین معلمات طلاب وطالبات نصف قیمت

مجموعه صحیه

مجموعه صحیه نیز از جمله نشرات اختصاصی بوده و بصورت ماهوار بار اول در اول قوس ١٣٠٦هـ (١٩٢٧) از طرف مدیریت مستقله طبیه نشر می‌شد.[۱۲۳] (۱۲۳) مدیریت مسئول و نگارندگی جریده را مرحوم حسن سلیمی بعهده داشت. این مجله که به شعار «خادم حیات و صحت عموم طبقات جامعه» نشر می‌شد

[۱۲۲] شماره‌های ۷ و ۸ سال اول آئینه عرفان را شاغلی حبیب‌الله رفیع شاعر و نویسنده جوان پشتو در اختیار نویسنده گذاشت که به کمال تشکر محل استفاده خود آنرا قرار دادم.
[۱۲۳] ایضاً، جویا مطبوعات و نشریات. ص ٧٤ – ٨٤

عیناً مانند آیینه عرفان دارای قطع ربع یك تخته کاغذ ٤١ × ٣٣ سانتی متر بود. تعداد صفحات آن به ٢٤ بالغ شده، شمارهای اول و دوم آن به چاپ سنگی در مطبعه سنگی شرکت رفیق نشر شده و بعد ازان از شماره ٣ - ١١ در مطبعه حروفی امان افغان نشر می‌گردید. سه شماره اخیر آن هم به مطبعه شرکت رفیق طبع و نشر شد.[١٢٤] گفته می‌شود که مجله مذکور به صورت مجانی به خوانندگان توزیع می‌شد. مقالات آن اغلب توسط داکتران طب نوشته می‌شد.[١٢٥]

مجموعه صحیه، در سال ١٣٠٧ از نشر باز ماند. اما از ٣٠ جوزای ١٣١٠ مجدداً تجدید حیات نمود و به سر محرری مرحوم عبدالرشید لطیفی در مطبعه انیس به نشریات خود ادامه داد. این مجله در سال‌های بعد پیام تندرستی و سپس روغتیا زیری در نشر و تبلیغ مطالب مفید و سودمند صحی دوام می‌دهد.

پښتون ږغ

پښتون ږغ مجله‌ای بود که ماهانه در داخل پانزده صفحه به طبع حروفی در مطبعه امان افغان در ١٣٠٧ش (١٩٢٨ع) طبع و نشر می‌شد. مرحوم جویا کلمه «ملی» را توأم با نام این مجله بکار برده است، ولی معلوم نمی‌شود که آیا واقعاً این مجله هم مانند انیس، نسیم سحر و غیره بصورت خصوصی و شخصی نشر می‌شد و یا خیر. اما آنچه از کلمه «ملی» می‌توان اراده کرد این است که شاید به شکل خصوصی نشر می‌شد.

مرحوم جویا مدیرمسئول آنرا بنام فیض‌محمدخان ناصری معرفی کرده[١٢٦] اضافه می‌کند که نیم صفحات مجله به دری بود و نیم دیگر آن به پشتو و هم هدف نشراتی آن روی حقوق ملی، ادبیات ملی و اقتصاد ملی معرفی شده است. هدف عمدهٔ نشراتی مجله توصیه سبک تحریر و تقریر زبان دری و احیای زبان پښتو بوده است.

[١٢٤] مایل، معرفی روزنامه‌ها جراید و مجلات، ص (٥)
[١٢٥] جویا - مطبوعات و نشرات کابل ص ٨٠ تاریخ نشر مجله را نه جویا درج کرده نه در سالنامه کابل موجود است
[١٢٦] سالنامه کابل ١٣١١، هم عین شخص را درج کرده است. دوم ص ٣٠ - ٤٠

بقرار سالنامه کابل ۱۳۱۱ و مرحوم جویا در امور نشراتی پښتون ږغ مرحوم میر سید قاسم‌خان و ښاغلی عبدالهادی داوی هم اشتراك داشتند.

مجله پښتون‌ږغ پس از نشر نخستین شماره خود از نشر باز ماند.[۱۲۷]

جریده مکتب

این جریده در سال ۱۳۰۸ ۱۹۲۹(ع) برای طلاب معارف در کابل تأسیس شده، از طرف مکتب امانیه به نگارنگی ښاغلی جلال‌الدین متعلم این مکتب نشر می‌شد. این جریده علمی، ادبی، تربیتی و فکاهی به طبع حروفی در داخل دو صفحه در آغاز در مطبعه انیس طبع می‌شد.

جریده مکتب از شماره ۱۵ ببعد موقتاً معطل شد. علت تعطیل آن تهیه مطبعه وانمود شده است - اما معلوم نشد که آیا مطبعه حاصل کرد و مجدداً به نشر پرداخت و یا خیر فعلاً اثری ازان نیست.[۱۲۸]

[۱۲۷] مرحوم جویا مطبوعات و نشریات ما - کابل، شماره ٦سال دوم، ص ۸۰ - ۸۱ نوشته است که در آغاز اغتشاش داخلی شنوار سقوط کرد و سالنامه کابل، ۱۳۱۱ ص ١٥٦، نوشته است که بعد از انقلاب سمت مشرق سقوط کرد اما یکی آنهم توضیح نداده اند که سقوط مجله با اغتشاش چه رابطه داشت.

[۱۲۸] . *در متن کتاب چاپی توضیح درباره این پاورقی وجود ندارد*

فصل چهارم

جراید خصوصی

بین سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۹ ع (۱۲۹۸-۱۳۰۷هـ) در نهضت و انکشاف مطبوعاتی کشور يك اقدام تازه دیگری نیز به ملاحظه می‌رسد. درست در همین دوره بود که جراید ملی و یا خصوصی[۱۲۹] بوجود آمده، در پهلوی روزنامه‌ها و جراید دولتی به فعالیت آغاز کردند.

هرگاه شرایط ملی و بین‌المللی آنروز را مدنظر بگیریم، تأسیس و نشر اینگونه جراید از ضروریات پنداشته می‌شود. چه در طی همین دوره علاوه بر آنکه در ساحه نظری قانون سازی دوام داشت، برای تطبیق و تعمیل این قوانین يك سلسله فعالیت‌ها در داخل کشور نیز آغاز شد. چنانچه برای اصلاح و تنظیم امور داخلی هیئت‌هایی که در راس آنها اشخاص با صلاحیت به سویه وزرای دولت تعیین و به ولایات افغانستان اعزام شدند. چنانچه شماره‌های امان افغان، اتحاد مشرقي، طلوع فغان و سایر جراید این فعالیت‌ها را به صورت مفصل و مکمل درج کرده و اهداف آنرا توضیح نموده اند و هم جریان فعالیت‌های انتظامی هیئت‌های مربوط را در موقعش نشر می‌نمودند.

معارف انکشاف یافت، افکار تازه از داخل و خارج از طریق وسایل طلاعات پخش گردید. از وجود جراید و روزنامه‌های خارجی که به صورت شخصی در سایر کشورها نشر می‌شد، عده‌ای از روشنفکران اطلاع یافتند. و گذشته از همه خود جراید حکومتی عامل مهم آزادی فکر و مطبوعات بودند. چنانچه امان افغان[۱۳۰] راجع بان مفصل بحث کرده است و علاوتاً قانون اساسی آنوقت راجع به

[۱۲۹] اصطلاح ملی از همین دوره بان عده جرایدی اطلاق می‌شد که بصورت آزاد و شخصی بدون کدام حمایه پولی حکومت نشر می‌شدند. بناء اگر ازین اصطلاح، شخصی و یا طوریکه خود مدیر و صاحب امتیاز انیس نوشته است خصوصی و یا تجارتی اراده شود، بهتر خواهد بود.

[۱۳۰] امان افغان شماره ۲٦ سال دوم

مطبوعات چنین می‌گوید: «مطبوعات و اخبارات داخلیه مطابق نظامنامه مخصوص آن آزاد می‌باشند. نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و یا اهالی تبعه افغانیه است. درباره مطبوعات خارجه دولت علیه افغانستان بعضی شرایط و قیود نهاده می‌تواند.[۱۳۱]

نظامنامه مطبوعات هم ترتیب شده شرایط نشر جراید و روزنامه‌ها و خبرهای لازم را در موارد مختلف توضیح و نشر نمود.[۱۳۲]

درین دوره افغانستان نه تنها به حیث یك کشور آزاد به جهانیان معرفی شد، بلکه به حیث کشوری که گام‌هایی به سوی اصلاحات و دموکراسی برمی‌داشت شناختانده شد. جراید اخگر، حبل‌المتین، چهره نما، آزادی شرق ،و امثال آن همه درین مورد مقالات نشر نموده راجع به پهلوهای مختلف نهضت افغانستان به تفصیل بحث نموده اند.

شاگردانی که برای کسب دانش به خارج فرستاده شده بودند در اواخر این دوره بعضاً با افکار تازه بازگشتند، و علاوةً رابطه افغانستان با جهان خارج باعث آن شد که یکعده متخصصان و دانشمندان خارجی یا برای اجرای کارها و یا غرض خدمت در امور سیاسی کشور خویش وارد افغانستان شدند که این هم تاحدی باعث ایجاد و مفکوره‌های تازه و نو در کشور می‌گردد.

بدون شك درین وقت عده‌ای از ممالک اروپایی و کشور امریکا در جهان نشرات و اطلاعات یك آزادی نسبی را حاصل کرده بودند [۱۳۳] که در اثر آن اشخاص و موسسات به صورت آزادانه پیشه مطبوعات را اشغال نموده، حتی به حیث وسیله امرار معاش و وسیله سود و منفعت ازان استفاده می‌بردند و در اثر همین سابقه و آغاز بود که حتی امروز در غرب و مخصوصاً در امریکا کمپنی‌های نشراتی پیشه و

[۱۳۱] نظامنامه اساسی۱۳۰۲حمل، مطبعه دایره تحریرات مجلس عالی وزراء ماده یازده، ص ٤

[۱۳۲] نظامنامه مطبوعات در مطبع دایره تحریرات حضور و مجلس عالی وزرای وقت بتاریخ ۱۰ جدی ۱۳۰۳ به تعداد ۲۰۰۰ جلد طبع گردید. نظامنامه مذکور دارای ۱۸ ماده بوده راجع به مدیر جراید ونشرات موقوته شرایط نشر و احکام جزاییه آن بحث کرده است.

[۱۳۳] امان افغان، شماره ۹ و ۱۰ سال سوم، (جریده نگاری را نسبت به همه ممالک در امریکا مقدم نوشته است.)

منفعت قابل ملاحظه‌ای از این رهگذر در اختیار دارند .

بر روی دلایل متذکره که به صورت خیلی مختصر ارائه گردید، در افغانستان هم روحیه‌ای ایجاد شد که اشخاص به صورت آزاد در نشر و پخش اطلاعات روز و مسایل مهم اجتماعی و سیاسی بپردازند. چنانچه وقتی مرحوم محی‌الدین انیس نشر جریدۀ انیس را در اختیار داشت، زیر عنوان: «چرا جراید ما سقوط می‌کنند»[۱۳۴] مقالت مفصلی نشر نموده.

درین مقالت ضمن آنکه دلایلی مبنی برین امر ارائه نموده، اظهار کرده است: «مراد از جراید درین بحث (رقم ملی) و یا تجارتی است. یعنی همان جریده که یك و یا چند نفر سرمایه آنرا تعیین داده، بخواهند مانندی که تاجر به فلسفه تبادل احتیاجات ایمان داشته بعملیات تبادل اقدام می‌کند و هم در عین زمان موفق و کامیاب می‌آید، نیز این‌ها احتیاجات فکری و ذهنی عموم را تهیه داده بالمقابل از ایشان به قرار همان فلسفه که اساس‌العمل تاجر است فایده می‌گیرند.»

به همین ترتیب و روی همین اساس در دورۀ بین سال‌های ۱۲۹۸- ۱۳۰۸ (۱۹۱۹ - ۱۹۲۹) سه جریده در افغانستان به وجود آمد که عبارت اند: از انیس (۱۹۲۷ تا امروز)، نسیم سحر (۱۹۲۷ - ۱۹۲۸) و نوروز (۱۹۲۸ – ۱۹۲۹)

جراید مذکور از لحاظ متن و هدف هر یك راه و روش جدا گانه داشتند که روی آن به تفصیل بحث می‌کنیم. ولی چیزی را که می‌خواهیم درینجا متذکر شویم این است که از لحاظ خبرنگاری و خدمت فکری و عرفانی بدون شك سردسته همه آنها جریدۀ انیس می‌تواند قبول شد. چه انیس از یك جانب به حیث یك جریده مورد ذوق عموم متن خود را به مسایل عمومی وقف می‌نمود که این خود در ازدیاد تیراژ و تعداد خوانندگان آن موثر بود. از جانبی هم مدیرمسئول آن شخصی بود که با رویت کارش می‌توان او را بهترین نویسنده وژورنالیست عصرش قبول کرد و در اخیر این انیس بود که با وسایل نسبتاً مکفی تخنیکی، دستگاه طباعتی از خود تأسیس نموده و به حیث یك موسسه متکی بخود فعالیت‌های نشرا نی خود را ادامه داد.

[۱۳۴] انیس، نمبر ۳۵، سال دوم، ۳۱ قوس ۱۳۰۷، ۲۱ دسامبر ۱۹۲۸ ص ۲-۸

در جمله دو جریده باقیمانده خیلی مشکل است یکی را نسبت به دیگری بیشتر بها داد. چه هر کدام در حد ذات خود مسلك و رشته خاصی را از رشته‌های زندگی اجتماعی هدف قرار داده به نشرات خود ادامه می‌دادند. اما یك موضوعی که در مورد هردوی آن قابل تایید است این است که واقعاً وجود آنها در راه خدمت به هموطنان و تسکین ذوق و آرزوهای آنان ضروری و لازمی پنداشته می‌شد و یا بهتر بگوییم که نشر این جراید امری بود بجا و مناسب.

درینجا قبل از آنکه بگذاریم به معرفی جراید مذکور از تذکر یك موضوع مهم ناگزیریم و آن این است که طبع و نشر اینگونه جراید و اخبار به حیث آغاز یك فصل نوی در تاریخ مطبوعات افغانستان تلقی می‌تواند شد. که این فصل نو عبارت از نشر جراید آزاد و خصوصی است. و این باب دو بار دیگر در تاریخ ما تکرار شده است یکی در سال ۱۹۵۳ - ۱۹٥٤ و دورهٔ اخیر از سال ۱۳٤٤ تا امروز ۱۹٦٥ تا امروز دوام دارد.

البته تحقیق و مطالعه روی این دوره‌ها و نوشتن رساله جداگانه بنام تاریخ مطبوعات آزاد و یا خصو صی در افغانستان امر مهم و جالبی است.

انیس

اهداف و خوانندگان

طفلك نوزادیست در عالم مطبوعات، می‌خواهد در اوقات فراغ ندیم، در ساعت‌های کار معاون، در امور مشکله مشاور، در حالات غم و اندوه سمیر، والحاصل در حیات فکری و عملی عموم خاصتاً فریق مامورین مونس و خدمتگار گردد.»

از مطلب مذکور انیس در ۱۵ ثور ۱۳۰٦ (پنج می۱۹۲۷) به حیث یك جریده (فعلاً روزنامه خصوصی) و آزاد به امتیاز و مسئولیت مرحوم محی‌الدین (انیس) به نشرات آغاز کرد.

طوریکه صاحب امتیاز و مدیرمسئول جریده اظهار نموده است، هدف اساسی انیس تهیه و نشر مطالب علمی، قانونی، روحی و ادبی بغرض آگاهی عموم مردم و

مخصوصاً مامورین بوده است. مطالب مذکور بائیست از لحاظ متن و موضوع خود به حیات مامور ارتباط بهم می‌رساند. با در نظر داشت این هدف موضوعات متن انیس بنابر توضیح مر حوم انیس[۱۳۵] عبارت بود از:

مقالات: شامل آن نوشته‌هایی که راجع به مسایل روحی، اجتماعی وحیاتي مامورین بحث و ابراز نظر می‌کرد.

قانون: زیر این عنوان معمولاً مطالبی چون حقوق اداره، مباحث علمی، قانون، فلسفه و اساسات قانون، شرح قانون، اصول تفسیر قانون، قوانین تطبیقی، قانون و سایر مباحث مربوط درج می‌گردید. هدف از نشر مطالب مذکور این بود که مامور آنرا در اجرای امور حیاتی خویش بکار بندد

خبرهای پارلمان: گرچه درین عنوان کلمه خبر تصریح شده است، ولی طوریکه ملاحظه شد هدف عمده این قسمت آن بود که قوانین موضوعه وشرح و تفسیر آنرا جهت آگاهی خوانندگان درج نماید.

خبرهای علمی و فنی و ادبیات: طوریکه این عنوان می‌رساند درین قسمت مطالبی درج می‌شد که یا شکل اطلاعات علمی را داشت و یا هم به قسم سرگرم کن بود.

متفرقات: این عنوان به قرار توضیح مدیر جریده شامل مطالبی بود که راجع به تشکیلات داخلی، تعیینات مامورین، خبرهای سیاسی و حوادث و وقایع مختلف داخلی و خارجی بحث می‌نمود.

تدبیر منزل: مسایلی چون: صحت، تربیت، طعام، لباس، مسکن، زینت و غیره درین ستون تقدیم می‌شد. هدف از نشر این مطالب نه تنها زن‌خانه بود، بلکه مردخانه هم مورد نظر بوده است.

انیس یك جریده عمومی بود:

هرگاه هدف‌های شش گانه نشراتی جریدهٔ انیس را بدقت مورد مداقه قرار دهیم، باین حقیقت خواهیم رسید که متن این جریده را مطالب غیرخبری بیشتر دربر

[۱۳۵] انیس، محی‌الدین انیس، شماره اول، سال اول، ص ۱ -۲

داشت. همچنان به مشکلی می‌توان این جریده را به حیث یك جریدهٔ اختصاصی[۱۳٦] تلقی نمود. چه مطالب متن آن نخست به قرار اظهار مدیرمسئول آن برای استفاده مامورین نشر می‌شد. ولی اگر دقت شود این هم روی یك تدبیر عاقلانه نشراتی طرح شده بود. چه پرواضح است که در آن وقت اکثریت گروه با سواد جامعه افغانستان را مامورین تشکیل می‌داد.

باین اساس وقتی هدف جریده روی استفاده مامورین طرح شد، طبعاً مامورین در خرید، اشتراك و خواندن آن با علاقه‌مندی توجه می‌نمودند. ولی با وجود این هدف، مطالب متن جریدهٔ انیس مورد علاقه و استفاده عموم مردم نیز قرار گرفته می‌توانست. چه اکثر مطالب آن منحیث فورمول‌ها و اساس‌های زندگی برای انسان‌ها ترتیب و نشر می‌گردید. مثلاً زیر عنوان «قوانین»[۱۳۷]نخست بعد از مقدمه‌ای راجع به حکومت اطلاعاتی عرضه شده است که این اطلاعات نه تنها برای مامورین مفید است، بلکه عموم مردم راجع به حکومت، باعث بوجود آمدن آن، تاریخ آن وغیره نیازمندی دارند.

همچنان عنوان «خواب و بیدارخوابی» از موضوعاتیست که مورد دلچسپی عام قرار می‌گیرد. در این مضمون راجع به فواید خواب، بیدارخوابی و ضررهای آن و اسباب خواب معلومات مفصل تقدیم شده است.[۱۳۸]

به همین ترتیب است عناوین: دهن، صدا، خنده و مثلثات.[۱۳۹]

مطالب متذکره از جمله مواد و اطلاعاتی اند که بدون شك به همه مردم ارتباط داشته و دلچسپی همه را فراهم می‌سازند. ولی بیا بیم بالای موضوعاتی چون «اسرار ترقی و نهضت و یا فلسفه اتحاد و اتفاق» (منتشره شماره دوم ص ۸ سال اول)، «از عناصر مدنیت است فن احصاء» (منتشره شماره ۳ سال اول)، «علامات قابلیت ملت به ترقی» (منتشره شماره ٤ سال اول) و غیره که بازهم همه این موضوعات به مسایل عام بشری تعلق و ارتباط می‌گیرند.

[۱۳٦] مراد از اختصاص آنست که خوانندگان آنرا یك گروپ خاص تشکیل بدهد
[۱۳۷] انیس، شماره اول سال اول، ص ۵ - ۸
[۱۳۸] ایضاً ص ۱۰ -۱۱
[۱۳۹] ایضا، ص ۱۲

باین اساس صرف نظر ازین که خبرها درج این نامه می‌شد و یا خیر[۱۴۰] نامه مذکور را می‌توان بحیث یك نامه عمومی مور د علایق عام قبول کرد.

مطابقت اهداف انیس با هدف‌های نشراتی امروز:

هرگاه اهداف نشراتی جریدۀ انیس را منحیث‌المجموع مدنظر گرفته با چهار وظیفه وسایل نشراتی امروز مقایسه کنیم، به نیکی درک خواهیم نمود که بین آنها مطابقت موجود است که ذیلاً با امثله تقدیم می‌شود.

هدف نخستین:

چهار هدف نشرات وسایل اطلاعاتی را قبلاً هم در بحث سراج‌الاخبار ذکر کردیم مکرراً تقدیم می‌شود و آن عبارت است از: خبردادن، تعلیم دادن، تشویق کردن و مصروف ساختن .

هدف نخستین را میتوان زیر عناوین: «خبرهای پارلمان»، «خبرهای علمی و فنی» و «ادبیات» و «متفرقات» جستجو کرد. به عبارت دگر وظیفه تهیه اطلاعات (منظور از خبر است) در همین سه موضوع ذکر شده برآورده می شد. طور مثال در بخش خبرهای پارلمان در مورد نظامنانه ها و ضمایم و تعدیلات آنها مطالبی نشر می شد. همچنان ضمیمه نظامنامه رخصتی مامورین در صفحه ۸ شماره اول سال اول روزنامه انیس نشر شده است. به همین ترتیب در صفحه ۸ شماره سوم سال اول پنج مطلب مختلف در باره ضمایم و تعدیلات نظام‌نامه نشر شده است و چنین اطلاعات در شماره های دگر جریدی دیده میشود.

در بخش اخبار علمی و فنی میتوان از عناوین «فن چاپ‌گری در چین»، تشریح جسم انسان بعد از مرگ»، «منزله متهم نزد قوانین عالم»، «تعداد موترها در عالم»[۱۴۱] یاد کرد.

بطور مثال یکی از این خبرها را قسماً نقل می‌کنم: «عجب‌ترین اموری که مدقق آنها را از تاریخ چین دریافت می‌نمایند همین است که در دوران مدنیت خود تقریباً

[۱۴۰] بعد از شماره های ۸، ۹ و ۱۰ بعضی خبرها مشاهده می‌شود.
[۱۴۱] انیس شماره ۸ و ۹ انیس سال اول ص ۲۰ و ۲۱

اسرار و ابداعیات هر گونه مخترعات و اکتشافات را دریافت توانسته اند ولی هیچ یك ازان اکتشافات ابتدایی را با تمام و بدرجه که بیشتر محل استفاده شود نرسانیده اند... فن طبع کردن را کشف نمودند ولی هیچ آن فن را به حدیکه می‌توانند از او استفاده نشریات عمومی مانند چاپ کردن جراید و کتاب‌ها باشد نتوانستند»

همچنان خبرهای «مقاومت مگس» (قوی‌ترین عضلها) و «بعد از سن ٤٠ و ٥٠ سالگی» از جمله مطالبی اند که در جمله خبرهای علمی و فنی داخل می‌شوند.[١٤٢] به همین ترتیب خبرهای مذکور در سایر شماره‌های اخبار نیز نشر گردیده است.

زیر عنوان «متفرقات» مطالب مختلف و دارای مقاصد مختلف نشر می گردید مثلاً «عضلات تبسم و عبوست»، «عقل سلیم در جسم سلیم»، «محصولات ذهنی»، «پختن بذریعه برق»[١٤٣] از جمله مطالب مذکور آخرین مطلب آن شامل موضوع خبری است. چه مطلب مذکور از یك مجله علمی اقتباس شده است که حاوی اطلاعات مفید است. درین خبر فواید وصفات پخت و پز را ذریعه برق اطلاع داده است. همچنان شماره پنجم سال مذکور در ذیل مطالب متفرقه مطلبی در باب عناصر زمین دارد که از مجله ساینتفیك امریکا اقتباس شده است.

رویهمرفته عنصر خبری و اطلاعی را جسته جسته در شماره‌های مختلف اخبار بکثرت می‌توان پیدا کرد. ولی این عنصر مخصوصاً بعد از شماره‌های ٨، ٩ و ١٠ بوفرت ملاحظه می‌شود. در شماره‌های سال اول انیس مثل امان افغان، سراج‌الاخبار، و سایر جراید کدام عنوان عمومی چون خبرهای داخلی و خارجی و یا تلگرافی و غیره بملاحظه نمی‌رسد. اما در سال دوم بعضاً عنوان خبرهای داخلی و غیره دیده می‌شود.

در شماره دهم سال اول انیس مطلبی زیر عنوان انیس و سیاست عالم نشر شده که برای تفهیم آن عین مطلب نقل می‌شود: «تبصره شاید مطالعین گرامی و یا کرام ملاحظه فرموده باشند که جریدۀ انیس در موضوعات سیاسی عالم تا الحال کمتر مداخلت دارد. برای اینکه علت این عدم مداخلت به ذوات محترم آشکار شود به

---

[١٤٢] ایضاً شماره ١٢ سال اول صفحه ٨

[١٤٣] انیس شماره، ١٠ سال اول، ص ٩

نقشه‌ای که جریده درین باب مدنظر دارد ذکر می‌نماییم. بهتر معلوم است که اهمیت خبرهای سیاسی وابسته بتازگی و سرعت آنست ازین باعث اداره تشبثات زیادی در باره اشتراک با تلگراف‌های خارجی عالم دارد و ممکن است باین زودی‌ها بتوانیم با یکی از کمپنی‌های اعتمادی و خوش معامله اشتراک کرده، بعد باب سیاست را در جریده افتتاح خواهیم نمود. فعلاً نظر به اینکه از مصادر معتبر ترجمه میکنیم اکتفا شد، البته امید است که این عذر ما به نظر خوانندگان موقع قبول افتد.»

در مطلب مذکور چند موضوع قابل تامل است:

۱. از فقره موضوعات سیاسی همانا مراد نویسنده خبرخارجی بوده است باین دلایل که اهمیت این مطالب را وابسته به تاز گی و سرعت دانسته و هم حصول این مطالب را مربوط به اشتراک به تلگراف‌های خارجی عالم دانسته است.

۲. درجه آگاهی نویسنده انیس راجع به خبرنگاری ازآ ن معلوم می‌شود چه اهمیت خبرها را در تازگی و سرعت آنها دانسته است. یعنی عین موضوعی که امروز خبرنگاران در جمله سایر عناصر خبری بان اهمین فوق‌العاده قایل اند.

۳.خبرهای خارجی خود را از مراجع و مدارك قابل اعتبار ترجمه کرده، نشر می‌نمود باین اساس مطالب خبری که در انیس به ملاحظه می‌رسد از منابع خارجی ترجمه شده و درج اخبار می‌شد. برای اینکه نمونه اینگونه خبرها را بدانیم اینك مثالی تقدیم می‌نمایم.

آلمان‌ها از مزا حمات اقتصادی و یا تجارتی فرانسه هیچ بیم ندارند چنانچه هیچ یك اختلاف بین این دو ملت ظاهر نیست. (تنها مسئله الزاس و لورین) که آلمان‌ها این سرحد را در معاهده سنه ۱۸۷۱ بزمین خود ملحق ساخته بود و فرانسه آنها را در معاهده ۱۹۱۹ یعنی بعد از شکستگی آلمان در جنگ عمومی آنها را گرفته است و اگر فرانسه این دو حدود را بالمان بگذارد متفق شدن این دو ملت خیلی آسان می‌شود.

راجع به خبرهای داخلی باید گفت که از شماره‌های ۸ و ۹ به بعد یکعده ازین قبیل خبرها بملاحظه می‌رسد. در شماره ۸ و ۹ خبر مفصلی راجع به جشن استقلال نشر

شده است. در عین شماره زیر عنوان صفحه‌ای از تاریخ اصلاحات داخلی خبری راجع به اصلاحات گردیز تقدیم شده دست. در شماره ١٦ خبری راجع به تفتیش قوماندانی هرات بدین شکل نشر شده است: «مسموع است که در اطراف اجرائیات قوماندانی هرات شکایات و اشتباهات پیدا شده است و آقای حسین‌خان اعضای (عضو) دارالتحریر شاهی و آقای فیض‌محمدخان برای تفتیش به ذریعه طیاره به ترمیز و از آنجا به هرات خواهند رفت»

در اواسط سال اول نشراتی انیس، زمامدار آنوقت کشور برای سفر به دور جهان مصروف بودا، نیس زیر عنوان «افغانستان در خارج» بصورت منظم خبرها و گذارشات سفر ترتیب و نشر می‌نمود. به همین ترتیب در اواخر سال دوم نشراتی انیس بعضی ناآرامی‌ها در سمت شمال کابل و بعضی از نواحی کشور موجود بود، جریده مذکور خبرهای این ناآرامی‌هارا نیز ترتیب می‌نمود.

رویهمرفته تعداد خبرهای انیس در شماره‌های سال دوم نشراتی اعم از داخلی و خارجی خیلی زیاد شده و این نشان دهنده حقیقی است که گویا انیس در راه نیل به هدف اساسی یك اخبار که نشر خبر منحیث وظیفه اساسی آنست روان بود. به همان تناسبی که البته در حجم خبرها افزونی بعمل می‌آمد، در تعداد مطالبی چون «قوانین» «تدبیر منزل و غیره کاست واقع می‌شد.

هدف دومی:

راجع به هدف دومی (تعلیم دادن) باید گفت که مواد مختلف جریدۀ انیس حاوی آن می‌باشد. چنانچه «قانون»، «مقالات» و «تدبیر منزل» همه دارای مطالب تعلیمی و تربیتی اند.

در حقیقت نخستین مبحث ستون «قانون» زیر عنوان حکومت بوده و به تعقیب آن تمهیدات علم قوانین و تفسیر یا شرح قوانین و غیره دارای اطلاعاتی اند که در ازدیاد معلومات علمی و حیاتی خواننده معاونت شایان نماید. مثلاً در حصه اقسام تفسیر قوانین چنین نوشته شده است:

«تفاسیر قانون را نوعاً به سه قسمت باید دانست: اول تفسیر علمی. دوم تفسیر قضایی. سوم تفسیر قانونی. اعتباراً هر یك از این اقسام تفاسیر از نقطۀ نظر اعتماد

و استناد درجات متوالی دارند».[۱۴۴]

در «مقالات» نیز عنصر تعلیمی بوفرت موجود است. چنانچه مقاله زیر عنوان «از عناصر مدنیت است فن احصاء»[۱۴۵] نخست راجع به فن احصائیه و سروی مطالبی تقدیم شده، بعداً این فن را در تاریخ جستجو نموده است و سپس منافع آنرا حساب کرده، در زمینه مطالب مفید علمی تقدیم نموده است.

به همین ترتیب مقاله‌ای زیر عنوان «تعلیم و قیمت انسان»[۱۴۶] نشر نموده است که در آن نویسنده ثابت می‌سازد، همانطوری که انسان به غذای مادی جهت دوام و بقای خود نیازمند است، برای انکشاف ذهنی و فکری خود محتاج غذای روانی یعنی تعلیم و تربیت است.

ستون «علوم و علما» نیز حاوی مطالب تعلیمی می‌باشد. این ستون مخصوصاً در سال دوم نشراتی انیس به صورت منظم به ملاحظه می‌رسد.

راجع به ستون «تدبیر منزل» باید گفت که از مفیدترین ستون صفحات انیس بود. چه این ستون واقعاً رابطۀ خیلی نزدیك به زندگی عموم خوانندگان اخبار و مردم کشور داشت. مسأله مهم راجع به این ستون همانا طرح و تقدیم خیلی ماهرانه و مفید آنست. مطالبی که درین ستون تقدیم می‌شد عبارت بود از «طریق تنظیم بودجه منزل»، «نظام دخل وخرج و اصول ثبت آن»[۱۴۷] و غیره

زیر عناوین مذکور نخست شرحی تقدیم شده، بعداً در تفصیل هر موضوع اقدام می‌شد و در اخیر نمونه‌های جداول دخل خرچ، و مصرف و غیره تقدیم می‌گردید.

در شماره‌های بعدی عناوینی چون شئونات منزل، فاسد شدن اغذیه، صحت و آشپزخانه، دردچشم، اسباب شقاوت زوجین، مقاومت گرمی، سعادت زوجین، (نصایح برای مالکه‌خانه و نصایح برای شوهر) و غیره به ملاحظه می‌رسد. یك نمونه ازین نوع مطالب ذیلاً تقدیم می‌شود.

---

۱۴۴ انیس شماره ۳ سال اول ص ۳
۱۴۵ ایضاً ص ۱ - ۳
۱۴۶ ایضاً شماره ۳
۱۴۷ ایضاً شماره ٦سال اول ص ۹

نصیحت برای مالکه‌خانه: (۱) اسراف نکن چه هر مرد طبعاً خواهش دارد که در خانهٔ خود استقلال اقتصادی داشته باشد. اگر مسرف باشی طبعاً میل و همت شوهرت در میدان عمل و زحمت کاسته می‌شود. زیرا می‌بینید پولی را که به زحمت و جان کنی پیدا کرده است، بدون تدبیر و اعتنا صرف شده می‌رود.

«نصایح برای شوهران (۱) بخیل، و پول‌پرست نباش. چه اولین کسی که بر تو حق همه امور اعاشه و ترفیه دارد، عایله است و اگر بخواهد می‌تواند خودش بهتر از نو معتقد گردد.[۱۴۸]

هدف سوم:

انیس در راه تشویق و ترغیب خوانندگان و هموطنان خود در اجرای کارهای مناسب و دربرآورده شدن بعضی اهداف ملی هم سهم با رز داشته است. این هدف را از تدبیر منزل گرفته تا (مقالات) و (قوانین) حاوی می‌باشد. راجع به سهم تدبیر منزل درین امر قبلاً بحث کردیم ولی در باب مقالات مثال‌های متعددی می‌توان در صفحات جریدهٔ انیس پیدا کرد. مثلاً مضمونی زیر عنوان «اسرار ترقی و نهضت و یا فلسفه اتحاد واتفاق» نشر شده و راجع به اتحاد و اتفاق در فرد و ملت و راجع به انکشاف وترقی معلومات مفصل تقدیم می‌نماید که این بذات خود غیر ازانکه در انکشاف معلومات و علم خوانندگان خدمت می‌کند، روح تشویقی هم دران نهفته است.

«دوره نهضت ماست پس چه باید کرد)»[۱۴۹] مقاله دیگری است که دران مبنی بر اسناد و شواهد تاریخی و شواهد موجود مطالب مفیدی تقدیم گردیده. در اخیر این مقال چنین اظهار شده است: «امروز دور نهضت ماست یعنی همان دور انتقال است که باید به نشاط وحرارت و استعداد خیلی جدی عادت و الفت را از چشم دور ساخته آنچه که برای پیشرفت ما لازم باشد مجرد اشاره شدن بطرف تعمیل آن بشتابیم.»

[۱۴۸] ایضاً شماره ٦ سال اول. ص۹
[۱۴۹] شماره ۲۱، ۲۲ و ۲۳ صفحات ۱ - ۲

زیر عنوان «ترقی»[۱۵۰] مقالهٔ دیگری درین زمینه می‌توان سراغ کرد. درین مقاله نخست ترقی تعریف شده، بعداً از بی‌اتفاقی‌خانه، جنگی و بدبختی‌های سابقه ملت افغان تذکار بعمل آمده و اضافه شده است که افغانستان آزاد و مستقل شده و هم دوره استبداد و نفاق خاتمه یافته است. پس اکنون هر فرد افغان برای تلافی آن مذلت و پس ماندگی بجان می‌کوشد. برای جبران خساره‌های لاتعدو ولا تحصی خود جان فشانی می‌کند و برای‌تر قی وتعا لی امور اقتصادی سیاسی رو حی اخلاقی و ملی جاهد است».

«وطن چیست وطن پرست کیست»[۱۵۱] بدون شك این عنوان خود می‌رساند که نویسنده نخست وطن را تعریف و تشخیص کرد. و بعداً راجع به وطن‌پرستی و ضرورت آن مطالبی تقدیم نموده و می‌نویسد:

امروز، روز تنبلی نیست، سهل انگاری نیست... بلکه روز اتفاق و اتحاد است. روز اخوت، صمیمیت، معاونت و خدمت بوطن است. تاکی هر مکه و برکله بوده، وطن‌پرست نوع دوست و مسلمان حقیقی نباشیم».

رویهمرفته شماره‌های سال دوم نشراتی جریدهٔ انیس مقالات مربوط به تشویق و ترغیب را بکثرت نشر کرده است

هدف چهارم:

هدف چهارمی را در قسمت خبرهای علمی فنی و ادبیات و متفرقات بکثرت می‌توان یافت و گذشته ازان از آغاز شماره یازدهم سال اول مطالبی زیر عنوان بزرگترین فاجعه‌های تاریخ با قربانی‌های تخت و تاج و طمع در هر شماره انیس نشر شده است که واقعاً در برآوردن این هدف بارزی دارد.

نخستین مطلب این عنوان راجع به (ماری ستوارت) بوده است.

در قسمت ادبیات، علاوه بر نشر بعضی اشعار، بعضی پارچه‌های ادبی مانند دختر روستایی و غیره هم در شماره‌های مختلف آن نشر شده که بدون شك در سر

[۱۵۰] شماره ۲۳، ۲٤ و ۲۵
[۱۵۱] شماره ۲۸ و ۲۹

گرمی‌خوانندگان نقش بارزی دارد.

انیس زیر عنوان «سوال‌های دکتور» مطالبی را نشر نموده است که علاوه بر ارزش اطلاعی و تعلیمی آن در سرگرم ساختن خوانندگان هم سهم دارد. مثلاً زیر عنوان «طبیعیات» این سوال‌ها پرسیده شده است: می‌دانی چرا نل‌های آب در زمستان می‌کفد؟ قانون فشار چیست؟ چرا چوب روی آب می‌ایستد و آهن فرومي‌رود.[152] و امثال آن.

بعضاً ستون‌هایی زیر عنوان (از هر طرف) و (لطایف و فکاهیات) مطالبی نشر گردیده است که همه جالب و خواندنی می‌باشد. مثلاً زیر عنوان از (هر طرف) مطلب ذیل را اقتباس می‌کنیم:

«قوی‌ترین عضلات جسم دل انسان است در یك دقیقه بین ٤٠ و ١٤٠ نبض می‌کند... متوسط وزن دل در مرد بین ١٧٠ و ١٤٤ درهم و در زن ٩٦ و ١٧٠ درهم است.»[153] به همین ترتیب مطلبی را از عنوان (لطایف) اقتباس می‌کنیم:

بی‌بی و نوکر:

بی‌بی: از خانه‌ای که پیشتر نوکر بودی چرا برآمدی؟

نوکر: یکدفعه چوچه مرغ مرده بمه خوراندن، دگه دفعه گوسفند مرد از گوشتش خوراندنم. این دفعه بی‌بی کلان ناجور شد، از ترس گریختم.[154]

بعضاً ضرب‌المثل‌ها هم نشر می‌شد که موجب سر گرمی خواننده بود. مثلاً در شماره ١٦ سال اول یکعده ضرب المثل‌های ایطالوی نشر شده است: «خودنمایی و غرور زادهٔ جهل است. بهترین وسایل جهت مدح و تعریف مردن است و برای آموختن هر چیز معلم بکار است»

اعلان:

[152] شماره سوم سال اول ص٧

[153] شماره ٦ سال ا و ل ص ١١

[154] شماره ٦ سال ا و ل ص ١١

در خبرنگاری امروز بدون وجود اعلان، نشر جراید بصورت خصوصی و آزاد اندکی مشکل است. بعبارهٔ دیگر بودجهٔ مصارف روزنامه و جریده را بابیست از طریق اعلان بدرجه اول حاصل نمود و بازهم بدرجه دوم فروش اخبار درین راه کمک می کند.

انیس در شماره‌های سال اول نشراتی خود اعلان نشر نکرده است و ازین معلوم می‌شود که از نظر اقتصاد کاملاً بدوش ناشر خود بود و یا هم قسماً (و یا ممکن بیشتر) از ناحیه فروش جریده احتیاجات اقتصادی آن مرفوع می‌گردید. اما نشر اعلان (بقسم مصنفه) در شماره‌های سال دوم نشراتی آن بملا حظه می‌رسد. چنانچه در شماره ۵۲ سال دوم چهار اعلان نشر گردیده است. بعد ازین شماره صفحه اخیر شماره‌های آن کاملاً وقف يك اعلان شده است که از طرف (شرکت موترزانی) راجع به فروش موتر فالکن نایت و دیلیس نایت لاری می‌باشد. غیر از ین اعلان در متن آن هم یک اعلان نشر شده است.

«قیمت نشر اعلان در صفحه اول جریده بدین تفصیل نشر گردیده است:

قیمت اعلانات:

سطری نیم افغانی

اگر برای یکسال یا شش ماه لازم باشد با خود اداره مذاکره شود.

روی‌همرفته اعلاناتیکه در انیس نشر می‌شد به تناسب حجم نشرات آن خیلی کم بوده و به هیچ وجه نمی‌توانست انیس را از معاونت‌های مشترکین مخصوصاً ارباب حکومت مستغنی سازد. چنانچه در صفحه ۱۲ شماره ٤٢ سال دوم آن زیر عنوان «ترقی بطور دایمی همیشه نصیب انیس» مضمونی نشر کرده است که در آن ضمن اشاره به بعضی ملحوظات نشراتی این نامه چنین نوشته است: چون ذات شاهانه بنام بخشیدن حیات باین موسسه وجه اشتراک سال جاری را عوض هر افغانی هزار افغانی یعنی دوازده هزا رافغانی از عین‌المال شاهانه شان عنایت فرموده اند.

این گفته انیس خود موید آنست که اگر بصورت مستقیم (مانند یکعده از جراید دیگر) از معاونت حکومت برخوردار نبود، اما بصورت غیرمستقیم و بنام وجه اشتراك کمك می‌شد. این امر می‌رساند که جریده هم بائیست به تأیید از پلان‌ها و

اهداف حکومت نشرات خود را دنبال می‌کرد. چنانچه متن جریده نشان می‌دهد درین امر دریغ نداشت.

مطالب و خبرهای[155] مربوط به لویه جرکه سال ۱۳۰۷ که در انیس بنام لویه گه دوم[156] درج شده است و یکعده مطالب دیگر همه موید این امر است که انیس نظریات حکومت را تایید می‌نمود. مخصوصاً گفته‌ها، پیشنهادات و پلان‌های شخص اول مملکت را با روحیه تایید و اعتماد نشر نموده است.

انیس بهر طریقی که بوده است در مدت کمتر از دو سال از پول اشتراك مالك مطبعه و لوازم آن شد. چنانچه خود می‌نویسد: «اداره بالفعل در ظرف این مدت و از پول مشترکین یکنیم ساله خود مالك یك مطبعه مکمل است که بهترین اعتبار را در حسن طبع و حسن معامله دارد. مطبعه عبارت از چهار پایه ماشین و چندین دسته حروف و باقی لوازمات (لوازم) مطبعی می‌باشد...»

در عین مضمون اظهار شده است که تعداد مشترکین آن نسبت به هر جریده دیگر بیشتر بوده است.[157]

صفحه بندی:

جریدۀ انیس در آغاز دارای ۱۲ صفحه بود و در هر پانزده روز یك بار نشر می‌شد ولی از آغاز سال دوم نشراتی به قسم یك جریدۀ هفته‌وار نشرات خود را دنبال کرد. در همین وقت بود که این شعار نیز در زیر نام جریده ظاهر شد: «جریدۀ ملی آزاد و خادم نهضت» در سال دوم نیز تعداد صفحات انیس غالباً ۱۲ بود. ولی گاه گاهی به چهارده و شانزده هم بالغ می‌شد.

قطع این جریده در مدت پنج سال اول دایماً ۱۱×۸ انچ بود در هر صفحه آن دو ستون نشر می‌شد که عمق ستون‌های آن ۹ انچ و عرض سه انچ می‌باشد. انیس در آغاز نشرات خود در مطبعه حروفی شرکت رفیق به طبع می‌رسید؛ ولی در اواسط

---

[155] این خبرها و مطالب از نمبر ۱۸ مجلد دوم ۷ سرطان ۱۳۰۷ شروع شده تا نمبر ٢٤ دوام می‌کند
[156] اصلاً این لویه جرگه سوم است. لویه جرگه اول در سال ۱۳۰۱ در جلال‌آباد انعقاد شد و لویه جرگه دوم در سال ۱۳۰۳ در پغمان بر گزار گردید.
[157] شماره ۵۷، نمبر ۳۳ مجلد دوم، ص ۱۰

سال دوم نشراتی خود مطبعه‌ای تأسیس نموده و طبع و نشر آن در آنجا صورت می‌گرفت. قابل تذکر است که در آغاز وقتی در مطبعه شرکت رفیق طبع می‌شد صفحات آن تنوع حروف در عناوین بمشا هده می‌رسد. چنانچه در بعضی عناوین حتی از سه نوع حروف استفاده شده است ولی وقتی نشر آن در خود مطبعه انیس شروع گردید، این تنوع کمتر به ملاحظه می‌رسد و شاید به خاطری که مطبعه آن نو آغاز شده بود هنمه حروف متنوع تهیه ندیده بود.

رویهمرفته در عنوان گذاری یك سلسله مطالب انیس روحیه بهتری به تناسب سایر جراید ملاحظه می‌شود. چنانچه عناوین آن خود سخن می‌گویند و یك مطلب را افاده می‌کنند. مثلاً «تقدم و پیشرفت متوالی نصب‌العین انیس است»، «نامداران تاریخ افغان»، «افتتاح شرکت تجارتی روس»، «دوره نهضت ماست یعنی در دور انتقال هستیم» و غیر همه عناويني اند که اکثر جمله مکمل بوده و یك معنی را افاده می‌کنند. ولی بازهم از موجودیت عناوین گنگ و بی‌روح نمی‌توان چشم پوشید.

موضوع مهم دیگری که در نشرات متن انیس قابل یاد دهانی می‌باشد عبارت است از موجودیت پاراگراف‌ها در فواصل نزدیك عبارات یك مضمون و جاهایی که غالباً از نظر موضوع با مقدم و موخر خود تغییری بهم می‌رساند. اصول نقطه گذاری اغلب مراعات شده است که این بذات خود کار خواننده را در خواندن درك و فهم موضوع سهل می‌سازد.

لوحه نام انیس قریب یك ربع صفحه را احتوا کرده و دارای این مواد است در وسط اسم جریده به خط نسخی به ملاحظه می‌رسد در حالیکه در زیر آن علاوه بر ذکر سال تأسیس (۱۳۰٦) این عبارت نیز جلب نظر می‌کند:

«مجموعه علمی قانونی اجتماعی ادبی». به طرف راست لوحهٔ نام اخبار اسم صاحب امتیاز و محرر مسئول محل نشر و آدرس آن دیده می‌شود و به طرف چپ شرح اشتراك انیس اینقسم درج شده است:

قیمت اشتراك یکسال

در افغانستان	۱۰ افغانی

برای طلبه معارف	٦ افغانی
ممالك خارجه	١٢ شلنگ
قیمت یك شماره	نیم افغانی

علاوه بر شرح اشتراک، این عبارت نیز بکنار چپ لوحه نام نشر می‌گردید: «مراسلات بنام محرر فرستاده شود»

انیس بعد از سپری نمودن سال دوم نشراتی با یك وقفه مواجه شد و این امر توأم با اغتشاش داخلی افغانستان بود که در حقیقت اکثر موسسات علمی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی افغانستان را درهم و برهم نموده بود. در همین دوره برای مدتی مدیرمسئول آن در نشر حبیب‌الاسلام وظیفه داشت و مدتی هم شاید در جمع‌آوری و تدوین وقایع اغتشاش همت گماشت که نتیجآ آن تدوین و نوشتن کتابی است بنام بحران و نجات.

با سپری شدن دورۀ اغتشاش و تأمین امن و آسایش بدست مرد مدبر کشور، اعلیحضرت شهید محمدنادرشاه غازی بار دیگر نشر انیس آغاز شد و درین بار دیگر این چراغ علم و معرفت خاموش نشده است و بلکه با گام‌های وسیع رو به پیش رفت.

حقیقت این است که مطالعۀ انیس در سال‌های بعد از اغتشاش دور از ساحۀ این فصل ماست چه شرایط دگرگون شده و افغانستان راه‌های تازه‌ای را در صلح و امنیت کشور روابط خارجی مسایل علمی و اقتصادی در پیش می‌گیرد که این خود در قسمت دیگر و فصل جدیدی مطالعه بایست شد و گذشته ازان انیس خودهم در مدت نشراتی خود موجد تحولات و تغییراتی شده است که آنهم عمیقاً مورد مطالعه بایست قرار گیرد.

نسیم سحر

نسیم سحر* جریده هفته‌واری بود که به صورت خصو صی و آزاد در ۷ دلو ۱۳۰٦ (۲۷ جنوری ۱۹۲۸) در کابل به نشرات آغاز کرد.[۱۵۸] مرحوم احمدراتب صاحب امتیاز و نگارنده این جریده کلام خود را زیر عنوان «هو المعین» آغاز نمود، راجع به اشکال روزنامه‌نگاری و آرزوی خود در نشر اینچنین یك جریده سخنی چند اظهار نموده است. وی نوشته است که «گر چه عنوان روزنامه من ادبی است و در اول مرحله هر خواننده را باین طرف متوجه می‌سازد که موضوعات آن همیشه ادبی خواهد بود، ولی چون تنها موضوع مخصوص ادبی را همیشه تعقیب کردن علاوه از مشکلاتی که ما آن را در اول حال بنابر عدم وسایل لازمه آن چاره‌ای نمی‌توانیم بر ذوق قارئین که هنوز یك موضوع را برای قرائت خود اختصاص نداده اند نیز ناگوار است، از بعضی مسایل دیگر هم در این جریده کوچك بحث خواهد شد.

و رفته رفته ابحاث خود را به دایرۀ اصل موضوع محدود خوا هیم نمود. در عین حال بسیار کوشش می‌کنم که حتی اگر مسایل سیاسی بنویسم در لباس ادبی آنرا آراسته کرده و بشما تقدیم نمایم.»

از نوشتۀ مدیرمسئول جریدۀ نسیم سحر بوضاحت برمی‌آید که این جریده بدرجۀ اول ادبی بود و برای اندك تنوع در پهلو ی ادبیات بعضی مطالب معلوماتی غیرخبری را نیز عرضه می‌کرد و همچنان متن ۱۵ شماره جریده واضحاً نشان می‌دهد که متن آن به قسم عمده به دو گروپ مضامین و برای برآورده شدن دو هدف تخصیص داده شده بود که عبارت از موضوعات تشویق کننده و مسایل سرگرم کننده بود.

قبل از انکه به تفصیل روی موضوع ادبیات و مسایل سر گرم کن بحث برانیم بهتر

* طرح دیجیتال شماره مورخ ۲۳ دلو ۱۳۰٦ جریده سحر توسط انتشارات راه پرچم همگانی و از لین زیرین قابل دسترسی است

https://aasmai-book.com/books/۱۲۳۵۰

[۱۵۸] از شماره اول تا پانزدهم این جریده در کتابخانه شخصی پوهاند عبدالحی حبیبی، رئیس انجمن تاریخ موجود بوده و در تکمیل این تحقیق ازان استفاده شایان نموده ام، بدینوسیله ممنونیت خود را به جناب پوهاند حبیبی اظهار می‌نمایم که این ارمغان شخصی خود را به مطالعۀ بنده قرار داد.

است متذکر شویم که در لباس ادبیات و در لابلای عبارات ادبی و اطلاعی به جالب‌ترین و ضروری‌ترین مسایل حیات مردم تماس گرفته نشویق و انتقاد خود را به مرجعش حواله می‌نمود. چنانچه سر از شماره هفتم مقالتی مفصل زیر عنوان «انعکاس مدنیت اروپا» نشر نموده که حتی در شماره ۱۵ هم ناتمام بود درین مقاله راجع باینکه مدنیت اروپا در کشور ما آمد ولی نتوا نست جاگزین شود و بناء مجدداً به پاریس و لندن عودت کرد . نویسنده علاوه می‌کند که «درینجا دیگر آنچه ثروت‌های هنگفت که گذشته‌ها به طور مشروع یا غیرمشروع جمع و ذخیره کرده بودند و بما به ارث رسیده بود و می‌بابیست که امروز در راه تعلیم و تعلم و آبادی مملکت صرف شود، عوض آن در قمارخانه‌ها و می‌خانه‌های پاریس و لندن به خرج رسید.[۱۵۹]


نسیم سحر
۱۳۰۶

عکس شمارهٔ اول سال اول نسیم سحر

---

[۱۵۹] نسیم سحر، شماره ۸ سال اول، ص اول (قسمت دوم انعکاس مدنیت اروپا)

به همین ترتیب در قسمت‌های دیگر این مقاله راجع به فریب خوردن ما به ظواهر مدنیت اروپا و عجز ما در ساختن حتی سوزن، ولی آراسته بودن ما به لباس اروپایی و امثال آن جملات و پارا گراف‌های خودرا و قف کرده است که این در حقیقت اجرای یک وظیفه اساسی و مهم تشویق و ترغیب است که بعهده گرفته بود. در عین مقاله به مسأله اقتصاد، به حیث اساس و بنیان انکشا ف و مدنیت بهای بیشتر داده شده است. در مقالهٔ مذکور روحیه طبقاتی به صورت خیلی بارز به مشا هده می‌رسد. چنانچه جایی که می‌نویسد:

«امروز ثروت ما که در جیب چند نفر رشوت خوار رفته است همهٔ آن ثروت به ممالك خارجیه برای تجارت رفته و عوض آن پودر و عطر و کلاهای سرخ و سیاه وارد شده... سر و صورت یکعده قلیلی را زینت می‌دهد.»

«فکر کنید! تمام ملت ما را امروز افراد غریب و زحمت کش یا به عبارت بهتر طبقه سوم، تشکیل می‌دهد و تمام این طبقه چه زحمات جبران ناپذیری را متحمل می‌شوند ».

«علت بزرگ این بد بختی افراد طبقه سوم، دیگر عامل موثر ندارد بغیر از ینکه ثروت مملکت به چند اشخاص معدود اختصاص دارد و سرمایه مملکت هم در جیب چند نفر رشوت خوار شکم پرست رفته...»

در ستون ادبیات، غالباً شعرای افغان با نمونهٔ کلام، وسعت فکر و نظر و دایرهٔ اطلاعات شان معرفی گردیده اند. ولی طواف در چند شماره به صورت مسلسل نشر شده است و نیز گل محمد بیگ افغان، آتشی قندهاری، عایشه درانی و غیره در شماره‌های مختلف معر فی شده اند. همچنان گاه گاهی اشعار نغز شایق جمال و عدهٔ دیگری زیب این ستون می‌گردید. موضوع دیگری به قلم ښاغلی عبدالهادی داوی زیر عنوان «تتبعات ادبی» نشر می‌شد که در آن موضوعات گرامری و قواعد زبان مورد بحث قرار می‌گرفت.

از نویسندگان با علاقه و دایمی قسمت ادبیات نسیم سحر شایق جمال مرحوم غ.سرور و مرحوم محمدحسن سلیمی بودند. به طور نمونه قسمتی از تبریکیه‌ای را که با غلی شایق فرستاده است، نقل می‌کنم:

«او ... نسیم سحر

«ای شیرازهٔ بند اوراق خاطرهای پریشان، ای قاصد مکتوب مرغوب گلستان!

خوب شد دیده بدیدار تو روشن گردید
خاطر از مقدم زیبای تو گلشـــن گردید

تو صاحب ادبیاتی، و من صاحب ادبیات! من ترا خیلی دوست دارم و وجودت را عزیز می‌شمارم!

ای نســیم ســحر از گلشــن یار آمده‌ای همره قافله مشــک تتار آمده‌ای
رفت بیداد خزان یك قلم از خاطر من مگر از جانب سلطان بهار آمده‌ای
بوی آن زلف رساندی بمن و زنده شدم تازه باشی که دم مرگ بکار آمده‌ای

تاجاییکه گوید:

رونماید غزلی می‌د هم و بس خجلم
که به بیت الحزن شایق زار آمده‌ای

قسمت دیگری که در نسیم سحر نشر شده عبارت از مسایل متنوعه می‌باشد. این حصه از لحاظ موضوع هم به تشویقی و هم سرگرم کن ارتباط می‌گیرد. در صفحهٔ دوم شماره هفتم زیر عنوان متنوعه مطالب ذیل جلب نظر کرد: «نهضت نسوان در ژاپون»، «مرد امین است یا زن»، «مطبوعات در انگلستان»، «کلفت‌ترین درختان عالم»، بدین ترتیب زیر این هر عنوان خبرهای کوچك دارای علایق انسانی راجع به نقاط مختلف جهان جمع و نشر می‌گردید. چنانچه در شماره ١٤ - ١٥ جریده هم مطالبی به ملاحظه می‌رسد: در قرن بیست و یك لندن چه می‌شود؟ اول زن که قضاوت کرده تعار ف ادبا و غیره.

صحافت و صفحه بندی:

نسیم سحر از بدو امر به چاپ حروفی در مطبعه امان افغان طبع شده و دارای دو صفحه بود تا اینکه سر از شماره ١٣ به چار صفحه ازدیاد یافت. هر صفحه آن بطور عموم دای دو ستون می‌باشد. قطع نسیم سحر ١٣.٥ × ٨.٥ انچ می‌باشد.

در متن آن غالباً دو نوع حروف بکار رفته است که یکی حروف متن آن است و دیگر حروف عناوین که اکثر یکنوع می‌باشد و از نوع حروف ٢٤ بنت است. نام جریده روی لوحه نام آن به خط کشش‌دار نسخی تحریر یافته. در زیر نام سنه تأسیس (١٣٠٦) نیز درج است. به طرف راست نام مدیرمسئول و محل اداره (ده افغانان کابل) و به طرف چپ شرح اشتراك آن بدین شکل درج می‌باشد:

قیمت اشتراک سالانه

کابل	سه افغانی
سایر ولایات خارجه	بعلاوه اجرت است
خارجه	١٠ شلنگ

شمارهٔ اخیر نسیم سحر (شماره پانزدهم) بتاریـخ ... نشر گردیده و بعد ازان بسبب مضامین تند (انعکاس مدنیت اروپا) توقیف و مدیر آن محاکمه شد.

نوروز

نوروز جریده پانزده روزه بود که در سال ١٣٠٧ هـ.ش. برای نخستین بار در آسمان ژورنالیزم فغانستان به پرتو افشانی آغاز کرد.[١٦٠] مدیرمسئول جریده مذکور مرحوم محمد نوروز[١٦١] بود و امور نگارندگی آنرا مرحوم مرزا میرغلام بعهده داشت.

نخستین شمارهٔ جریده با مضمونی زیر عنوان «باعث اسم نوروز» آغاز می‌شود. درین مضمون نوشته شده است که «چون روز نشر این اخبار یعنی اول اسد (١٣٠٧ مصادف با روز بازگشت پادشاه وقت از سفر اروپا بود، بناء آنرا نوروز نام کرده است.» درین مضمون بعد از آنکه راجع به میمون بودن این روز سخن رانده شده است، اهداف جریده را در چار ماده ذیل خلاصه نموده است که عیناً نقل می‌شود.

---

[١٦٠] نه شماره این جریده از اول تا نهم در کتابخانه شاغلی فدامحمد صارم سابق مدیر نشرات ولایات وزارت اطلاعات و کلتور موجود است. ازینکه موصوف شماره‌های مذکور را برای مطالعه در اختیار بنده گذاشت اظهار سپاسگذاری مي‌نمایم. منبع و مرجع یگانه تحقیق بنده راجع باین جریده همین کلکسیون بوده است.

[١٦١] بوظایف مختلف دولتی مصروف بود ولی وظیفه اخیر ریاست شورای افغانستان بود.

۱. اوهام پیمایان ناعاقبت اندیش را باصل مقصد دانا و نایمین یلدای تنبلی را بیدار کارآگاه گرداند، شرع را به عقل تطبیق و صنع و حرف را رفیق طریق نماید.
۲. ازهار ادب را بآب و تاب تازه هنگام افروز عندلیب و هزار و نوباوه‌های سکا کی و سیبو به را از اعراب در کوهسار عجم شاداب و کبك دری را در گفتار بیاورد. اصول ادب را بی‌تعصب در لسان قدم سرآید.
۳. شمیم اخبار اخیار را به مشام جان ارزانی و قانون اداری گلبن معاشرت و زندگانی را مهربانی کند.
٤. از در چنان ترقی خواهی چمن اجتماعی قدم نهد که از دست‌برد خزان مصئون و در پیش قدمی از همکنان افزون باشد. از یمن توجهات دایه‌گان جراید طفلك نوروزی در بدو تلفظ تکلم به مدایح اعلیحضرت غیور غازی خود به چنان یک خطابه شیرین می‌نماید که از مطلع الی مقطع حتی تسمیه و خاتمهٔ هر فقرهٔ منثور و هر مصرع منظوم آن به حساب جمل به تناسب یا تفاول روز افزونی تاریخ جلوس قمری آن استخراج گردیده عبارت آن سلیس و روان و مضامین آن نفس‌الامر و بری از افراط و زیان باشد».

واقعاً در این مدحیه که مشتمل بر ۳۲ سطر نشر شده است، هر فقرهٔ آن به حساب ابجد و یا جمل ۱۳۳۷ قمری می‌برآید. مثلاً عنوان آن چنین است:

«بسم الله البر الحمید الخبیر» (۱۳۳۷) و یا «قارئین درایت قرین» (۱۳۳۷)

همچنان نظمی که درین مورد است تحت این عنوان بوده است: «نظم علیم زمان جلوس» (۱۳۳۷) و «خادم شرع و نایب احمد» (۱۳۳۷)، «غالب بی‌علو بحب سند» (۱۳۳۷) جالب این است که تمام ابیات این نظم بدون آنکه از وزن و قافیه براید به حساب جمل (۱۳۳۷) می‌شوند.

سومین مضمون شماره اول زیر عنوان «تشر یف شریف اعلیحضرت غازی» بود.

درین مضمون بعد از آنکه از تشریف آوری اعلیحضرت تذکری بعمل آمده، راجع به اجراآت و کارهایی که در ظرف نه سال گذشته سلطنت وی صورت گرفته بود

متذکر شده است.

در جمله عناوین دیگر یکی هم بنام «شرع و عقل» دیگر آن بنام «ادب» و سومی هم بنام «صنعت و حرفت بود». در شماره‌های بعدی عناوین چون «تاریخ آزادی و حیات ما»، لویه جرگه و نامه‌نگاری قابل یادآوری است.

در صفحهٔ خیر اخبار یکی دو خبر هم نشر شده است و هم اعلانی راجع به نشر این اخبار و جلب نویسندگان دارد: طوریکه از متن سایر شماره‌های این جریده معلوم می‌شود مضامین و تبصره‌ها که اغلب کیفیت تعلیمی و تشویقی دارند دران نشر می‌گردید. اما از لحاظ نشر خبرها ضعیف می‌نماید. و همچنان اعلان دران کمتر به ملاحظه می‌رسد اگر هم اعلانی نشر شده اغلب مربوط به امور خود اخبار بوده است.



صفحهٔ ۱

نوروز

باعث اسم نوروز

عکس صفحهٔ اول شماره اول جریده نوروز

مضامین و مطالبی راجع به دین و فلسفه و واقعیت‌های امور دینی بکثرت دران نشر شده و از متن آنها چنان معلوم می‌شود که شاید تبلیغات‌سوء علیه نوآوری‌ها

و تجدد پسندی‌های آنوقت صورت می‌گرفت و برای اینکه در خنثی ساختن این تبلیغات‌سوء قدمی‌برداشته باشند، مسایل دینی از روی واقعیت و فلسفه آن مورد بحث و نشر می‌گذاشتند.

در نوشتن مطالب خود این جریده روش کتابی و قدیمی را مرعی می‌داشته، ولی در عین حال ادعا کرده است که به زبان قوم می‌نوشت که ازین ادعا مراد فهم مردم بود. اما بدون شك اکثریت خوانندگان از فهم آن عاجز بودند. اکثر عبارات آن پرپیچ بوده و بیشتر از لفاظی کار گرفته شده است.

معلوم می‌شود که اکثر مطالب آن بوسیله ناشر و مدیر آن نوشته می‌شد. چه امضای نویسندگان غالباً همرای مضامین دیده نمی‌شود. البته یکی دو نامی در روی شماره‌های آن ملاحظه شد که عبارت بودند از سید زکریا و طاهر جلال‌آبادی.

قطع این جریده ۱۲×۸ انچ بود و دو ستون داشت که طول هر ستون آن ۹.۵ انچ و عرض آن سه انچ بود.

اشتراك جریده قرار آتی تقدیم می‌شود.

دارالسلطنه کابل	٦ افغانی
در اطراف داخله	۸افغانی
در خارج	ده شلنگ

شماره اول جریده دارای ۸ صفحه می‌باشد. ولی طوریکه ملاحظه شد صفحات آن در همه شمارها ثابت نیست، چه بعضی شماره‌های آن ده صفحه و یك شماره آن حتی محض چار صفحه داشت. محل اداره این جریده در آغاز گذر سردارجانخان بود ولی بعداً به بازار کتابفروشی نقل مکان کرد.

فصل پنجم

حبیب‌الاسلام

حبیب‌الاسلام اخباری بود که با از بین رفتن امان افغان جانشین آن شده، این جریده بصورت هفته‌وار در سال ۱۳۴۸، ۱۷ رمضان مطابق پنجشنبه نهم حوت ۱۳۰۷هـ.ش تأسیس شده و نخستین مدیر آن بنام (سردبیر) غلام محی‌الدین بود. در لوحه نام این اخبار در وسط بین یك جدول ضخیم ستاره‌ای حبیب‌الاسلام به خط درشت غالباً از حروف ۲٤ بنت عادی چاپ شده، بطرف راست آن محل اداره، اسم سردبیر و این عبارات که «همه امور تحریر و حسابیه بنام اداره فرستاده شود اداره در انتشار اصلاح مقالات وار ده مختار است، در هر هفته یك مرتبه صبح پنجشنبه نشر می‌شود و بالاخره اوراقیکه درج نشود اعاده نمی‌شود» جلب نظر می‌کند بطر ف چپ آن شرح اشتراك بدینگو نه درج است.

قیمت سالانه	قیمت شش ماهه
در داخل پنج افغانی	۳ افغانی
در خارج ۱۵ شلنگ	۸ شلنگ

بالای لوحه بطرف راست نمبر صفحه و بطرف چپ نمره مسلسل بوده و در وسط عبارت «جریده هفتگی حبیب‌الاسلام با سال و شمارۀ آن» بعبارت تحریر یافته است. و همچنان آیت «واعتصمو بحبل‌الله جمیعاً و لا تفرقوا» بالای لوحه اخبار به مشاهده می‌رسد و این آیت در تمام شماره‌های آن موجود است که من ۳۱ شماره آنرا دیده ام.

حبیب‌الاسلام در داخل چار صفحه نشر شده و هر صفحه آن چار ستون داشت، طول اخبار ۱۸و نیم انچ و عرض آن ۱۲ونیم انچ می‌باشد. عرض ستون‌های آن سه انچ و طول هر ستون در صفحات داخل ۱٦ و نیم انچ ولی در صفحه اول ۱۳ و نیم انچ است.

در شماره‌های موجود سه مدیر و یا سردبیر نشر این جریده را بعهده داشته اند:

البته طوریکه گفته شد نخستین مدیر آن جناب غلام محی‌الدین بود، از شروع شماره ششم سید محمدحسین و بلا خره از شماره ۲۱ به بعد جناب برهان‌الدین کشکی بنام مدیر امور نشر آن را به عهده داشتند. اسامی سایر نویسندگان اخبار به ندرت جلب نظر می‌کند. اسم فاضل مرحوم هاشم شایق و میر محمدشریف‌خان چند بار دیده شد - معلوم می‌شود که در مواضع جنگ روزنامه‌نگارانی راپورها را می‌نوشتند. چه چند جای ازان تذکر رفته است.



حبیب‌الاسلام

جریدهٔ حبیب‌الاسلام که هنگام اغتشاش نشر می‌شد

متن حبیب الاسلام را می‌توان زیر کته‌گوری‌های ذیل مطالعه کرد: سرمقاله‌ها، خبرها (داخله و خارجه)، ستونی زیر عنوان مسایل دینی، اعلامیه‌های حکومتی بنام اعلان سرکاری، اطاعت نام‌ها از ولایات مختلف.

سرمقاله‌ها: سرمقاله‌ها شامل موضوعات دینی و کشوری بود. و بعضاً مختصر ولی اغلب در یك صفحه و یا بیشتر از یك صفحه نشر می‌شد. نخستین سرمقاله آن زیر عنوان "انقلاب" نشر شده است نظریات مخالف و موافق، و نصایح مورد نظر را در باب اغتشاش افغانستان در آنوقت درج نموده است. علت اغتشاش را دو امر خوانده است: «یکی .... عملیات امیر امان‌اللهخان مخلوع از مفهوم دین مبین درین محیط خارج بود. دیگری بی‌دادی بعضی حکام و کارروایان حکومت سابقه...»

درین سرمقاله بعد از تفصیلات کافی راجع به انقلاب و نظریات جراید جهان، مقررات حکومت جدید را چنین توضیح کرده بود:

«رفع حجاب که آزاد گذاشته بود، لغو و بعوض مقرر گردیده که زن بی‌محرم خود از خانه نبراید»

«مکتب‌هایی که در کابل زبان‌های اجنبی و کفار را باولاد اسلام یاد می‌داد لغو گردید.»

مکتب مستورات موقوف شد، قوانین و نظامات لغو و عوض آن قضات مقرر گردیده همچنان مسایلی جزیی چون تعدد زوجات، تعین سن ازدواج و دوایر زیاد بنام تشکیلات که همه سبب مصرف پول می‌شد لغو گردید.

سرمقاله دوم عنوانی بنام از اهل غرض احتیاط باید کرد، درینجا از مفکوره‌های ضد حکومتی یادآوری شده، مردم بسوی اتحاد و اجتماع دعوت شده اند. به همین ترتیب سایر سرمقاله‌ها راجع به مسایل مهم دینی اجتماعی و سیاسی ر و ز تخصیص یافته است.

خبرها: خبرها عموماً شامل خبرهای داخلی و خارجی بود. مرجع خبرهای داخلی کمتر داده شده که این خود می‌رساند یا کاملاً توسط خود اخبار جمع می‌شد و یا آنکه شاید توسط دوایر حکومتی در نقاط مختلف کشور. بعضاً خبرهای ولایات از جراید آنوقت اقتباس می‌گردید که نام جریده بقسم مرجع داده می‌شد. ولی در

صفحه ٤ شماره اول جریده طلاعی نشر شد که دران خواهش شده و قتی نامه‌نگار اخبار بدوایر دولتی می‌روند توضیحات لازمه برای خبرهای مربوطه بتوانند اخذ کنند تا اخبار وقایع داخلی بیشتر داشته باشد.

يك مثال از خبرهای داخلی: در شماره ۱۱ صفحه اول نشر شده است.

فتح هرات

... چندی قبل در هرات از طرف عساکر و اهالی آنجا بمقابل حکومت نامشروع سابق هیجان و انقلابی واقع گشته محمدابراهیم‌خان نایب‌الحکومه و عبدالرحمن‌خان فرقه مشر حکومت سابقه کشته شد... خبر تلغرافی گرفته ایم که ولایت هرات... فتح گشته... بعداً راجع به فاتح و کوایف فعالیت‌های عسکری بحث کرده خبر ختم می‌شود.

راجع به خبرهای خارجه باید گفت که بعضاً نوشته می‌شد، از اخبار خارجی، بعضاً نام جراید داده می‌شد. مثل «روزنامه شفق سرخ»، «تایمز لندن»، اطلاعات ایران و غیره

واقعیت این است که غیر از شماره اول و دوم در شماره‌های باقیمانده خبرهای خارجی به ندرت نشر شده و اتفاقاً اکثریت مطالب آنرا مسایل داخلی تشکیل می‌داد. يك نمونه خبر خارجی که در شماره اول نشر شده است

اختلاف بین حکومت عراق و نماینده انگلیس

«در بین حکومت عراق و حکمران انگلیس که به جهت اداره و مرا قبت عراق موجود است مخالفت واقع شده است، که اصل منشاء این خلاف راجع به بعضی معاهده تازه ایست که بین حکومت انگلیس و حکومت عراق عقد شدنی است که مواد مذکور باختیارات داخلی حکومت عراقی علاقه داشته اسباب مختاریت و تقویت حکمران دولت انگلیس در عراق می‌گردد.»

ستون مسایل دینی:

در تمهید این ستون گفته شد که چون نشر اخبار تابع زمان و مکان خود است بناء جریده حبیب‌الاسلام طوریکه از نام آن پیداست نخستین خدمت را در راه دین به

خوانندگان می کند و بر علاوه قسماً از وقایع داخلی و خارجی و سیاست دول خارج به هموطنان اطلاع می‌دهد. مسایل دینی که درین جریده نشر می‌شد همه از کتاب سراج‌الارکان اسلام که در زمان سلطنت امیر حبیب‌اللهخان تالیف شده بود گرفته می‌شد. اولین مو ضوعي که انتخاب شده و در شماره اول درج شده است در بیان روزه ماه رمضان می‌باشد به همین ترتیب در شماره‌های مابعد راجع به سایر ارکان اسلام مانند نماز و غیره مطالب نشر شده است. ولی در شماره‌های اخیر این ستون از بین می‌رود.

با وجود آنهم ستون‌های مقالات و سرمقاله‌ها وغیره همه موید مسایل اسلام و تبلیغ و تشویق درین راه بود. قابل تذکر این است که وقتی ستون دینی نشر می‌شد، در آن ابیاتی هم بود که شرح لغات و اصطلاحات آن در اخیر مباحث مربوط درج می گردید.

اعلان سرکاری: اعلان‌های سرکاری (اعلامیه‌های حکومتی) گاهی با بسم الله الرحمن آغاز شده است. بعداً بطرف هر کس که متوجه می‌بود او را عنوان قرار داده و ابلاغ می‌شد. مثلاً در شماره دوم (در ص ۳) حبیب‌السلام زیر اعلان سرکاری این عنوان جلب نظر کرد: «بر ضمایر علما و سادات و مشایخ و خوانین و سایر رعایای قطغن و بدخشان مخفی نماند.»

درین اعلان راجع به بیعت‌نامه‌های سایر جاها تذکر بعمل آمده، به مردم قطغن و بدخشان توصیه گردیده که بیعت خود را بقرار این اعلان بفرستند. در شماره شش صفحه سوم بازهم اعلانات سرکاری دیده می‌شود که دران به تمام موترداران و صاحبان موترسیکل و مالکان گادی‌ها ابلاغ شده که محصول عراده‌های خود را بپردازند و هم دران اعلان دیگر از مردم کابل خواهش شده که محصول صفایی را بپردازند و در ضمن بقایای محصول ٤ سال قبل را بخشیده است.

در صفحه ٤ شماره ١٤ راجع به تصویب ترویج نوت (پول کا غذ) اطلاع داده و منظوری و مروج شدن آنرا ابلاغ نموده است. به همین ترتیب تمام آنچه تازه صورت می گرفت و یا تعدیل می گردید، بدین وسیله با طلاع مردم رسانیده می‌شد.

صفحه بستی حبیب‌الاسلام:

طوریکه گفته شد این جریده از آغاز تا انجام (جز شماره جشن که ۸ صفحه بود) در داخل چار صفحه به طبع می‌رسید که هر صفحه آن دارای چار ستون بود.

ستون‌های اخبار بطور عموم توسط جداول تیره از هم جدا شده و مطالب از ستون اول طرف راست شروع شده به ترتیب به ستون دوم و سوم (نظر به طول مضمون) ادامه می‌یافت. عناوین اخبار عموماً يك ستونه بود، ولی گاهی عناوین دو ستونه هم بمشاهده می‌رسد.

حبیب‌الاسلام گرچه اکثر وقف مطالبی می‌گردید که طویل بود و بناء موجودیت عناوین دران کمتر میسر می‌شد و بناء گاهي يك صفحه ملاحظه می‌شود که جز يك یا دو عنوان دیگر ندارد. اما از نظر ترتیب و نوشتن عنوان و تنوع در عنوان این اخبار پیشرفته می‌نماید. يك عنوان خیلی جالب در شماره ۲۸ جریده بدین شکل جلب نظر کرد:

۱. ما را ازین معاصر ما این گمان نبود
تنفر از افکار غرض آلود جریده جب‌المتین کلکته
۲. باصاف دل مجادله با خویش دشمنی است.
هر کس کشد بر آیینه خنجر بخود کشد.
۳. هرات جز لایتجزای افغانستان است.

این عنوان از پایین بطرف بالا بقسم يك عنوان خطی، نردبانی و هرم مستقیم تقسیم می‌شود. و هر کدام آن بذات خود عنوان مکمل بوده، دارای حرکت و فعل می‌باشند و هم مطلبی را افاده می‌کنند. ازین قسم عناوین گاهگاهی درین جریده بملاحظه می‌رسد. ولی بطور عموم شکل عناوین آن به همان ترتیب قدیمی بدون فعل با ارائه يك فقره بملاحظه می‌رسد. مثلاً «نماینده ابن‌السعود در لندن» «مانورهای انگلیسی»، «برطانیه و چین»، «ماشین سرك سازی»، که در صفحه ٤ شماره ۲۷ جلب نظر کرد. و یا «فتح هرات» در شماره ۱۱، صفحه اول و مانند آن عناوین ا ز حروف ۲٤-۱۸ و ۱٤ و ۱۲ بنت ترتیب می‌شد.

در نوشتن خبرها و مطالب این اخبار قاعده و سبك خاصي بکار رفته است. باین

معنی که مطابق هدف و غایه عمومی جریده چون اهداف اسلامی و تبلیغات در ان اقدامیت داشت بناء اکثراً مطالب آن با الله و یا کدام عبارت قرآنی و با حدیث نبوی و یاحد اقل عبارات عربی شروع می گردید و ازین نوع تلقین استفاده می‌شد.

بطور عموم باید گفت که از نظر خبرنگاری امروزی و غایه‌های عمومی و اساسی وسایل اطلاعات متن حبیب‌الاسلام دارای دو کته گوری اساسی و مهم بود که عبارت از مطالب مفکوره‌ای (سرمقاله‌ها و تبصره‌ها) و مطالب تشویقی و ترغیبی می‌باشد و یك کته گوری درجه دوم (که امروز درجه اول است) هم خبرها است از اعلان واقعی طوریکه لازم است و از مطالب سرگرم کننده اثری بملاحظه نمی‌رسد.

همچنان درین اخبار فوتو موجود نبود، ولی با ارتباط باین موضوع باید گفت که معذرتی در اخبار نشر شده بود که دران از عدم امکان نشر فوتو بنابر مکمل نبودن وسایل زنگو گرافی معذرت خواسته شده بود.

رویهمرفته آنچه می‌توان در باب این جریده گفت این است که حبیب‌الاسلام یك وسیله ارتباط حکو مت متغلب با مردم محسوب می‌شد. که بوسیله آن اهداف عمومی حکومتی به مردم ابلاغ و در برآورده شدن آن توجه مردم معطوف می گردید.

سایر نشرات و جراید این دوره

گرچه از نظر وضعیت اجتماعی و ناراحتی‌هایی که وجود داشت، این دوره را یك دوره بحران و تشنج و تشتت می‌توان بحساب آورد، و لی با آنهم چراغ مطبوعات خاموش نشده بود، در کنج و کنار وطن جراید بدو شکل نشر می‌شد. یا جرایدی بود که به پیروی از روش حکومت متغلب مرکزی نشا ت خود را ادامه می‌دادند و یا آنکه نشراتی بود برخلاف دسته سقاوی و برای تبلیغ نجات وطن نشر می گردید.

بطور عموم باید گفت جرایدی که در وقت امانیه در ولایات نشر می‌شد، مانند اتفاق اسلام، طلوع افغان (هنگام اغتشاش مویدالاسلام) بیدار (رهبر اسلام) و امثال آن به نفع حکومت متغلب مرکزی و راجع به مسایل مربوط به آن نشر و تبلیغ می‌نمودند. ولی جرایدی چون «اتحاد افغان»، «د کور غم» و «غیرت اسلام» و غیره به مقصد تنویر مردم وطن و برای نجات وطن نشر و پخش می‌شد.

۱. یک جریده بنام رهبر اسلام (در حقیقت جانشین بیدار) در مزارشریف، نشر می‌شد و از موجودیت جریدهٔ مذکور شماره ۸ ص ۲ حبیب‌الاسلام بما اطلاع می‌دهد که اتفاقاً مضمونی ازان درین شماره اقتباس و نشر شده است. مضمون راجع به اقدامات اجتماعی و سیاسی آن وقت و مسایل دینی نشر گردیده بود. همچنان مرحوم جویا ازین جریده اطلاع داده است.
۲. دومین جریده‌ای که موجودیت آنرا شماره ۱٤ ص ۲ حبیب الاسلام بما اطلاع می‌دهد عبارت از جریده الایمان بود.

این جریده در قلعه بابری سرخرود در سمت مشرقی به نگارندگی مولوی محمد ابراهیم‌خان کاموی نشر می‌گردید. طوریکه در هدف این جریده اظهار شده است غایه عمومی آن به چار حصه تقسیم می‌گردید: یعنی اصول ایمان، فروع ایمان، حوادث داخله، و حوادث خارجه بود. البته طوریکه اظهار شده است غیر ازین مطالب مقالاتی راجع به اتفاق و اتحاد هم نشر می‌گردید که این کته گوری آنرا شاید میتوان کته گوری مفکوروی اخبار خواند.[۱٦۲]

شماره اول در ماه ذیقعده ۱۳٤۷ ق نشر شده است. بعد از نشر ۸ شماره از نشر با ز ماند.[۱٦۳]

۳. در صفحات شمال کشور در خان‌آباد هم جریده‌ای بنام نهضت‌الحبیب نشر می‌شد. این جرید هفته‌وار بمدیریت مولوی محمدبشیرخان در داخل چار صفحه نشر می‌گردید. متن جریده را وقایع مربوط به مسایل اغتشاش و مسایل دینی تشکیل می‌داد. اشتراك جریده قرار آتی بود:

	سالانه	شش ماهه
وزرا		۱۵ روپیه کابلی
روسای و اعیان و حکام		
تا درجه۳	۱۰ روپیه کابلی	۷ روپیه کابلی
در خان‌آباد	٦ روپیه کابلی	٤ روپیه کابلی
در خارج	نیم پوند	۵ روپیه کابلی

[۱٦۲] راجع باین جریده و جراید آتی از شماره ۲۲ صفحه ۳-۲ حبیب‌الاسلام اطلاع بدست آمد.
[۱٦۳] جویا سرور مطبوعات و نشریات ما کابل شماره سوم سال دوم ص ۷۸ - ۸٤

٤. اتفاق اسلام - جریده‌ای بود که مانند گذشته در هرات نشر می گردید. مدیر آن غلام سرورحان جویا و قطع جریده به اندازه حبیب‌الاسلام بود. وقت نشر این جریده هفته‌وار روزهای چارشنبه و اشتراك آن بقرار آتی بود.

سالانه

هرات	شش روپیه
ولایات وخارج	۱۵ قران
افراد عسکری	۱۱ قرآن
طلاب معارف	نصف قیمت

٥. جریده دیگری در قندهار نشر می‌شد که در واقع امر جانشین طلوع افغان بود و بنام مویدالاسلام نشر می گردید.

٦. اتحاد افغان، جریده بود که هنگام اغتشاش زیر نظر مرحوم شاه‌محمودخان نشر می‌شد. وظیفه نگارندگی اخبار مذکور را ښاغلی یعقوب حسن بعهده داشت.

٧. دو جریده دیگر بنام‌های «د کورغم» و «غیرت اسلام» در مشرقی نشر می‌شد. نگارندگی «د کور غم» را ښاغلی سیدحسن‌خان و امور اداره و نگارش «غیرت اسلام» را ښاغلی عبدالحکیم‌خان بعهده داشتند

تکمله

در اینجا که از شرح و توضیح مطالب مربوط به روزنامه‌ها جراید و مجلات مربوط به دوره‌های گذشته فارغ شدیم. اینك چند فوتویی را که متأسفانه در محل مربوطه آن نتوانست طبع شود، تقدیم می‌نماییم.



مثالی از مجموعه عسکر یه که به چاپ سنگی نشر می‌شد

ببلیو گرافی راجع به مطبوعات در افغانستان

۱- بگدانوف، ال. اسلامیك کلچر، جنوری، ۱۹۲۹، صفحات ۱۲٦ -۱۵٦
۲- جویا، سرور. مطبوعات و نشرات ما، مجله کابل، شماره دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم سال دوم، ۱۳۱۱ (۱۹۳۹)
۳- هروی مایل، معرفی روزنامه‌ها مجلات و جراید، مطبعه دولتی پروان ۱۳٤۱ (۱۹٦۲)
٤- بینوا، عبدالرؤف. شمس‌النهار، نخستین اخبار در فغانستان. مجله آریانا، انجمن تاریخ، شماره ۱٤ سال ۹، ص ۱- ۷
٥- کهگدای، نورمحمد. اسناد و یادداشت‌های تاریخی، مجله آریانا (گرچه مستقیماً راجع به مطبوعات نیست ولی از روی آن مطالب خوبی مخصوصاً راجع به شمس‌النهار حاصل می‌تواند شد.)
٦- ولبر، دانلد - افغانستان نیوهوس پرس، ۱۹٦۲ (مخصوصاً طبع اول این کتاب شرحی راجع به مطبوعات و نشرات افغانستان دارد. ولی در چاپ دوم آن خیلی مختصر ساخته شده است.)
۷- حبیبي، عبدالحی - مولوی عبدالرؤف قندهاری، عالم و صوفی و شاعر، آریانا، شماره دوم، سال ۲٥، ۱۳٤٦، صفحات ۱-۱۰.)
۸- دوپری لویز، محمود طرزي: يك ملیت خواه فراموش شده (A Forgotten Nationalist) امریکن یونیورستی فیلدستف American University Field Staff سال ۸ شماره ۱-۱۹٦٤ (گرچه از نظر متن این مقاله مستقیماً درباره مطبوعات نمی‌باشد، ولی چونکه کاملاً راجع به محمود طرزی است و طرزی خود مرد مطبوعات بود فلهذا در جمله اثاری بشمار می‌رود که استفاده شایانی ازان می‌تواند شد.
۹- خلاصه تاریخ جراید در افغانستان، سالنامه کابل سال ۱۳۱۱، صفحات ۱٥۲-۱٥٦
۱۰- داکتر صدیق، محمدظاهر (تاریخ مختصر مطبوعات افغانستان) متن دری آن در حمل ۱۳٤۹ - از طرف پوهنځی ادبیات گستتنر شده است.
۱۱- چهل سال ژورنالیزم در افغانستان، سالنامه کابل، ۱۳۳٦- ۱۱۳۷، صفحات ۹۸۸۹۸۹ - ۹۸

تذکر ضروری:

برای سهولت دسترسی خوانندهٔ کتاب، به منابع اشاره شده و استناد شده در این کتاب، لینک دانلود شماری از آنها از کتابخانه دیجیتال آسمایی قرار ذیل است:

۱. حیات سید جمال الدین افغان - محمد امین خوگیانی
https://aasmai-book.com/books/١١١٤٦

۲. زندگانی و فلسفه اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی - مرتضی مدرسی چهاردهی
https://aasmai-book.com/books/١١١٤٥

۳. مجموعه اسناد چاپ نشده درباره سید جمال‌الدین – جمع‌آوری و تنظیم اصغر مهدوی و ایرج افشار
https://aasmai-book.com/books/١١١٤٤

راه پرچم ناشر اندیشه های دموکراتیک

www.rahparcham1.org